

ون

A-P
77-938031



15521/0271yco

Ketabton.com



بيرك كارمل منشی عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، رئيس شورای انقلابي و صدراعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان موقعي كه هيات اتحاديہ بين المللي حقوق دانان دموكراتيك را براي ملاقات تعارفي در مقر شورای انقلابي پذيرفته وبا آنها صحبت مينمايند.

اقتصاد و قايه مهم ملته

عبدالرشيد آرين وزير عدليه ولوي خارنوال قبل از ظهر ۲۳ حوت طی محفل شانداري در سالون شماروالي كندهار با عده كشيري از علماء روحانيون موسفيدان و مردم شريف ولايت كندهار ملاقات نمود .

ډگرمن محمد رفيع وزير دفاع ملي ساعت چار بعد از ظهر ۲۴ حوت در شفابخانه اكادمي علوم طبي قواي مسلح خلق افغانستان از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ پشتون عيادت نمود .

همچنان فيض محمد وزير امور سرحدات به ساعت پنج عصر از خان عبدالغفار خان زعيم بزرگ پشتون عيادت كرد .

دكتور اناهيتا راب زاد عضو بوروي سياسي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، عضو شورای انقلابي و وزير تعليم و تربيه جمهوري دموكراتيك افغانستان ۲۱ حوت مسافرت خود را به جمهوري سوسيالستي چكوسلواكيا خاتمه بخشيد .

شير جان مزدوريار وزير ترانسپورت و توريزم به ساعت نه قبل از ظهر ۲۲ حوت در دفتر كارش با جالانتاب كرافت بوميل سفير كبير جمهوري دموكراتيك آلمان ملاقات تعارفي نمود .

كه قبا داده شده بود در مورد امداد برای احياي فعاليت های اقتصادي در مناطق ومجلات آسیب ديده ، منظور و تطبيق آنرا تصويب كرد .

شاه محمد دوست وزير امور خارجه در راس هيأتي برای يك مسافرت دوستانه روز ۲۳ حوت وارد مسكو گرديد .

در ميدان هوايي مسكو ، اندري گروميكو وزير امور خارجه اتحاد جماهیر شوروي سوسيالستي ، شازدافير وانغهاي سفارت كبرای جمهوري دموكراتيك افغانستان مقيم مسكو ويكعده از شخصيت های برجسته وزارت امور خارجه آن كنسور از شاه محمد دوست و هيأت همراهانش استقبال كردند .

مديریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر ميدهد كه شاه محمد دوست وزير امور خارجه جمهوري دموكراتيك افغانستان ، بنا بدعوت جالانتاب اندري گروميكو وزير امور خارجه اتحاد جماهیر شوروي سوسيالستي در راس هيأتي غرض يك مسافرت رسمي ودوستانه ساعت دوي بعد از ظهر روز ۲۳ حوت عازم مسكو شد .

هيات اتحاديہ بين المللي حقوق دانان دموكراتيك را در مقر شورای انقلابي (ارگ) برای ملاقات پذيرفتند .

بيرك كارمل منشی عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان رئيس شورای انقلابي و صدراعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان ساعت دوي روز ۲۲ حوت در شفابخانه اكادمي علوم طبي قواي مسلح از خان عبدالغفار خان رهبر بزرگ پشتون ها عيادت كردند .

تحت رياست بيرك كارمل منشی عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، رئيس شورای انقلابي و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان شورای وزيران شام ۱۸ حوت در مقر شورای انقلابي (ارگ) تشكيل جلسه داده و ضمن غور و تصاوب لازم بر پيشنهادات وزارت ها بخصوص پيشنهاد وزارت امور پلان گذاري را كه طبق هدايت

مديریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر ميدهد از طرف بيرك كارمل منشی عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان ، رئيس شورای انقلابي و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان پيامي عنواني رهبري

جبهه وطنپرستان زيمبابوي به مناسبت پيروزي در انتخابات پارلماني به نفع آن جبهه و انتخاب رابرت موگابي بهيت صدراعظم زيمبابوي آزاد ومستقل به سالزبري مخابره گرديده است .

مديریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر ميدهد تلگرام چوايه عنواني بيرك كارمل رئيس شورای انقلابي و صدراعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان از طرف جالانتاب ابوالحسن بني صدر رئيس جمهور جمهوري اسلامي ايران به كابل مواصلت نموده است .

بيرك كارمل منشی عمومي كميته مركزي حزب دموكراتيك خلق افغانستان رئيس شورای انقلابي و صدر اعظم جمهوري دموكراتيك افغانستان ساعت چار عصر ۲۲ حوت



«توقع میرود تا متخصصین، ماموران، موسسات زراعتی، دهقانان زمینداران و مالداران شریف کشور در فضای همکاری همه جانبه برای رشد و انکشاف سریع اقتصاد ضعیف مملکت شانه به شانه هم به پیش بروند یک دیگر را کمک کنند برای عناصر ضد انقلاب، رهنمایان، آدمکشان، خرابکاران مفسدین اجازه ندهند تا سر مایه ملی ما را بازیچه اهداف شوم و پلید خود سازند».

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۵ خوت ۱۳۵۸ برابر با ۱۵ مارچ ۱۹۸۰

تشکیل گروه های مقاومت ثبوت روحیه آزادمنشی و تسلیم ناپذیری خلق ما



ما با شما هستیم، ما با شما یکجا می‌رویم.

...

عشق، زناشویی و قانون دوم ترمودینامیک

...

گروه هنری بته ها

...

به کارگری تونوکس دودیا اوجاری

تعلیماتو پراختیا

...

کنترول توپرکلوز در سراسر کشور

...

مطلوبت لیکنیا

...

اگر میخواهید ایدئال تان را از دست

ندید

...

تألیروانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

...

روی جلد:

گالای سر تیم، تیم منتخب والیبال اژاد
تعلیم و تربیه که راپور مفصل آن در شماره
گذشته به نشر رسیده است.

پشتی اخیر:

آرامگاه احمدشاه بابا واقع کندهار

پاسخ مثبت داده و بطور شعوری و آگاهانه گروه های مقاومت را برضد متجاوزین و دشمنان وطن و انقلاب شان تشکیل دادند.

تشکیل گروه های مقاومت که از عناصر آگاه و رسالتمند توده های ملیونی افغانستان بوجود آمده نمایانگر این واقعیت است که مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند نور نیز آرمان توده هاست و بر نیروی برتوان و تسخیر ناپذیر آنها اتکاء دارد.

پس میتوان حکم کرد که انقلابیکه از توده ها برخاسته و از حمایت و پشتیبانی آنها برخوردار باشد «چون کوه استوار و چون چرخ پایدار» بوده و هیچ نیروی اهریمنی و طاغوتی نمیتواند خللی بر آن وارد نماید، چه هر قدر باد در نهادش تند و ویرانگر باشد کوه را نمیتوان جنباند و فقط سر خودش را با سنگهای خاری آن ساییده زوزه و ناله سر میدهد و هرگز فریاد های آن جایی را نمیکرد.

امپریالیزم جهانی و ارتجاع بین المللی نیز که تحت ضربات پیهم گچ کننده و مرگبار نیرو های آزادیبخش ملی، انقلابات ملی و دموکراتیک و انقلابات کارگری قرار گرفته اند، دیوانه وار سربه سنگ زدن را علاج دردمیدانند و همواره سرشان را به فولادهای آبدیده میکوبند، غافل از آنکه نه تنها بهبودی نصیب حالشان نخواهد شد بلکه مغز های نابکار شان نیز خورد و خمیر شده و نابود خواهند گشت، زیرا این حکم تاریخ و جبر زمان است که توده ها پیروز میشوند و دشمنان شان نابود.

از پشت سر بستند. امپریالیزم جها نخوار امر یکسا که بر چنین اعمال غیر انسانی اتکاء دارد درین بازی شیطانی خود را برنده دانسته و در حلقه متحدین رسوا و بدنامش بحیث سر آمد مبتکر جنایات امین در بد نام ساختن ترقی و تکامل بخود می بالید. ولی قیام پیروز مند شش سجدی این غرور کاذب و شیطانی امر یکای جنا یتکار را که در روح شیطانی امین مستکبر نهفته بود یکبار دیگر بخاک یکسان نمود.

اینبار امپریالیزم ویرا نگر امریکا و متحدین بد نامش که بر گور آرزو های بر باد رفته شان میگریند، دست به جنایات شدید تر و تازه تری زده و با مسلح ساختن گروه های او باش و زر، قاتل و جانی با کمک ارتجاع نظامی گستر پاکستان، شوونیسم چینی و مرتجعین مصری دست تجاوز را بر خاک مقدس ما درازتر ساخته و به خرابکاریها و کشتار مردم بیگناه ما بشکل نهایت فجیعانه دست اندر کار شده اند. اما غافل از آنند که انقلاب نور خواسته منطقی و تاریخی خلق افغانستان بوده و همانطوریکه در بمیان آوردن و به پیروزی رساندن آن نقش فعال و تعیین کننده داشتند، در حفظ و حراست آن نیز رسالت تاریخی شانرا درک کرده و هرگز نمیگذارند انقلاب و وطن محبوبشان دستخوش مرتجعین و امپریالستان گردد و مورد تاخت و تاز اهریمنان و متجاوزین قرار گیرد. از همینجاست که به صدای انسانی دولت ملی و دموکراتیک شان

ملت آزاد و قهر مان افغانستان که همواره در برابر متجاوزین و استعمارگران چون کوه های مغرور و رشاد خود استواری و پایمردی نشان داده و بز رگترین قدرت های اهریمنی زمانرا بزانو در آورده، با پیروزی انقلاب رها یی بخشش نور زخم کاری دیگری بر پیکر لشران ارتجاع و امپریالیزم وارد آورد. امپریالیزم غارتگر که همه امید هایش را در افغانستان از دست رفته یافت با تلا شهای مذبو حانه درصدد بر آمد تا مگر بو سیله ارتجاع سیاه دا خلی وهم کیشان منطقوی و متحدینش، انقلاب نوررا دگرگون جلوه دهد و این آرمان بز رگ خلق افغانستان را بیاس و نا امیدی مبدل سازد و برای اینکه به آر زوی خبیث و جنا یتبارش رسیده باشد، چا کر گوش بفرمان و نما ینده «سیاه یی خود امین خونریز و باند جنا یتکارش را مامور غارتگر یهها، دست برد ها و کشتار هزاران وطنپرست ساخت.

امین تبهار و باندنهای دور بشقابش «باند سیاه و جنا یتکارش» که در لفظ مترقی و در عمل آدمکشان قرن بیست بودند، هم دست اندر کار شدند، ترور و اختناق، چپاول و تاراج را سیاست روز قراردادند، برنوا میس و عنعنات مردم بیرحمانه تاختند آدمکشی، فشار، شکنجه ارباب و تخویف را پایه های اساسی بقای خود پنداشتند چنان بستند و گشتند که درین مسابقه ضحاک مار بدو شش را از خا طره هافرا مو شش کرد ند و دستا نش را

عشق، زناشویی و قانون

دوم ترمو دینامیک



این آغاز زندگی زن و شوهر است که به امید آینده بهتر، حیات خانوادگی را شروع میکنند

در میان لکی که نفوس نسبتاً زیاد دارند بطور مثال در شو روی هر روز از دو الی دو نیم میلیون نفر با هم ازدواج میکنند. اگر این محاسبه برای هزار نفر صورت گیرد در جهان یکی از بزرگترین ارقام را در بین مورد ادا نه خواهد کرد. اما در مقابل تعداد طلاق نیز رو به افزایش است طبق احصاییه که در دست است روزانه در حدود دو هزار طلاق صورت میگیرد یا بعباره دیگر از هر سه فامیلی یکی آن برهم میخورد. اشخاص سالخورده و مسن در این قسمت معتقد اند که این همه بی ثباتی های فامیلی از نبودن صبر، حوصله و احساسات زودگذر در جوانان ناشی میشود. اما اگر به احصاییه های نا دقیق و ابتدایی رجوع شود. این عقیده را آشکارا رد مینماید.

مفهوم موازین اخلاقی در عصر حاضر :

درسابق قسمیکه معلوم است توازن و قیاس و حد و تعادل دو جا نبوده نظر گرفته نمیشد تنها عامل تعیین کننده درین قسمت موقعیت اجتماعی آنها بود و موازین اخلاقی را طوری ذیل خلاصه میکردند: زندگی را باید با هر شخصی که پیش آمد تا آخرین رمق زندگی ادا مباد. در حال حاضر بطور عموم زنان از حقوق مساوی استفا ده میکنند.

زناشویی بی مفهوم خواهد بود اگر مشکلات فامیلی مشترک حاصل نگردد و درین موارد از هم دیگر مصلحت نگیرند. آزادی زنان در حال حاضر یکی از بزرگترین مسائل فقیه های عصر ما است. این استقلال خواهی نخواستنی مناسبات مغلق را بین مردان و زنان بار می آورد.

اکنون به ازدواج تقاضای زیاده پیش کش میشود. درین مورد زنان نسبتاً قدامت دارند. از گفتار فوق نتیجه ذیل بدست می آید: در حال حاضر حفظ یگانگی خانواده براترین معلق تر شده است.

قانون دوم ترمو دینامیک :

قانون دوم ترمو دینامیکی که بنام قانون دوم ترمو دینامیک یاد می شود موجود است. این قانون بطور خلاصه چنین قرائت میشود: همه

در جمله کسانیکه در سنین نوجوانی و پنج سالگی از هم جدا میشوند از هر چهار زن و از هر هشت مرد یکی آن به این عمل مواجه شده اند. بطور عموم در سنین از سی الی پنجاه سالگی طلاق های زیاد صورت میگیرد و مدت زناشویی بطور اوسط به هشت سال میرسد.

بطور عموم طلاق زمانی صورت میگیرد که زندگی مشترک برای زن و شوهر غیر قابل تحمل شود. اما اگر متوجه شویم دیده میشود که اغلباً ازدواج ها طبق آرزو و علاقه دو جا نبه صورت میگیرد. پس چرا خای نمی که یکسال یا دو سال قبل شوهرش را بهترین شخص در جهان و خانمش را عقیف ترین زن جهان به حساب می آوردند امروز حالتی رخ داده که نمیتوانند با هم به زندگی مشترک بپردازند.

سو سیو لو جست ها معتقدند وقت آن فرا رسیده تا ازین نکات که در ازدواج های بی ثبات کدام حادنه

بحث های معمولی بسیار مشکل است. به این لحاظ اگر یکی از آنها دو می را به کدام گفتار زشت متهم مینماید خود زندگی را برایش غیر قابل تحمل می نماید.

درین نوع جدایی های استندرد همیشه سه عامل وجود دارد: زن، مرد و قانون دوم ترمو دینامیک. دو تن اولی که در بین تمام مردم هم دیگر را برای زندگی مشترک انتخاب کردند بالای یکدیگر بدگمان شده و هم دیگر را متهم میسازند. برعکس این دوباید در مقابل عامل سو می مبارزه کنند. پس دیده میشود که درین جرو بحث ها هر دو ملزم اند.

ازینجا نتیجه گیری عمده بدست می آید: ازدواج های عصری زائیده تحولات اجتماعی پیشرو است و نظر به انکشاف روحی سبقت دارد.

بقیه در صفحه ۵۲

صفحه ۵

شماره ۵۲

دادند که شاغل رقص «پلا متکو» باحرکات معنیدار و تا نگوی خودش آهنگ و «خوتا» که در سراسر همپا نه مروج است و با له «روی جزیره» مالیور کا، ما او گنیا و فا ندا نگوی «بسیار مهبج و باله «باسادوبل» بر شتاب و بر حرارت میباشد.

همچنان در صحنه او پرا باله «علیشیر» نوایی «باله های دارای موضوعات و مشخصات همپانوی بنام «پوله رو» «ارم» راول و «کارمن» سویتا «اگر زبیزه ور» شدردین موقفا نه اجرا شد که مپا رت هنر پیشگان از یکی چون میرمن گالیه اسماعیلوا و میرمن برناره قاریوا در نقشهای زنان و کار روا ییپا ی هنر مندان دیگر چون ویتا لی واسیلیف، ویا چیسلاو محمدوف، شوکت تور سونوف و دیگران در نقش مردان ماهرا نه و دلپذیر بود.

از باله های دیگر نمایش باله پتر-چایکوف «زیبای بخواب رفته» یا «دختر زیبا خفته» در تیاتر اوپرا و باله شهر تارینخی سر قند (محل سلاطین» موسی سلاله تیموریان) بسا عی س. برهانوف هنر پیشه شایسته از بکستان روی صحنه آورده شد که بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

در تاجیکستان شوروی: در جمهوریت موسی لمتی تاجیکستان شوروی (یکی از همسایگان شمالی افغانستان شبکه وسیع تیاتر ها موجود است و فعالیت دارد. از آنجمله تیاتر اوپرا و باله دو شبه (پایتخت آن) بنام «صدر الدین عینی» نو یسنده و شاعر معروف تاجیک وازبک (۱۸۷۸-۱۹۵۴)، که دارنده نشان لنین میباشد بچیت تیاتر دولتی تاجیکستان محل نمایشات



مایا - یستکایا هنر پیشه خلق شوروی در بارجه باله «قو در حال غرق شدن»

«اسپار تاک» بدر یافت جایزه دولتی جمهوری از بکستان نایل شدو سال ۱۹۷۷ عالیترین عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی را کما یی کرد. در پروگرامهای هنری او تنها نمایشات باله وجود ندارد، بلکه نمایشات او پرا یی نیز شامل است.

ویرامون چند باله دیگر: سال ۱۹۷۳ بنامیت جشنوا ره هنرهای ملل متحد شوروی، پاریس گروهی از رقصندگان از بکستان را پذیرا شد که یسین شان میرمن سیاره موسی یوا هنرمند جوان باله تیاتر در آن زهره بود به سال ۱۹۷۵ در صحنه تیاتر موزیکال شهر «لودز» پولینداو برای خنده آور سلیمان یودا کوف آهنگساز ازبک بنام «نیرنگهای میسر» «بامهارت و موفقت زیاد جلو چشمان بینندگان گذارده شد و متعاقبا تیاتر موزیکال شهر دیگر پولیندا بنام «گدینه» به صحنه آوری باله سلیمان یودا کوف را که به «جوانی نصر الدین» موسوم است تنظیم کرد و مورد نمایش قرار داد که همه آن مملو از بهلولهای مسرتبار و سرشار از لطیفه های علی ازبکی میباشد در سال ۱۹۷۷ نمایش باله «میناتورهای همپا نوی» متکی بر پایه آهنگهای ملی آنکشور در تیاتر بزرگ اوپرا و باله «علی شیر نوایی» تاشکند مورد نظرها آمد و فولکور موزیکال همپا نه موسیقی، ترانه ها و رقصهای آنکشور الهام بخش هنرمندان و آهنگسازان است و رقصهای همپا نوی تماشاگران و شنوندگان را گاه در جنوب همپا نه (اندلس تاریخی) زمانی در سرزمین باسکیا و وقتی هم در محل «کولیا ن» قرار میدهد. مولفان و مجریان نمایشات همپا نوی

را عهده دار بود پس از آن موقع در کنار صحنه سازی تقریبا سی نمایش او پرا یی و باله و بسیاری از پروگرامهای کنسرتی شرکت و رزید. موصوفه در سال ۱۹۷۳ بخاطر شرکت در کار صحنه آوری باله «اسپار تاک» بدر یافت جایزه دولتی جمهوری از بکستان نایل شدو سال ۱۹۷۷ عالیترین عنوان هنر پیشه ملی اتحاد شوروی را کما یی کرد. در پروگرامهای هنری او تنها نمایشات باله وجود ندارد، بلکه نمایشات او پرا یی نیز شامل است.



«لودمیلا - سیمین یاکا» هنر پیشه شناخته شده خلق شوروی برنده جایزه لنین به همراهی «میخائیل لاوروسکی» حین اجرای یک بارجه رقص باله بنام «گسلی»

چشم اندازی بر پهنای برخی از جشنواره های باله

دربالسه «زیزل» سبکی و بی وزنی لازم را برای تجلی آن پارتی رقص مجسم کرد.

قدرت احساس باطنی او را مساعدت کرد تا الفاظ کلاسیک پارتی «دوتا آتا» باله لئونید فیگان موسوم به «دون ژوان» را با رنگهای همپا نوی آن رنگ آمیزی کند این هنر پیشه مستعد طی بیست سال زندگی هنر اندود خود روی صحنه های متعددی از آثار کلاسیک و معاصر رقصیده است وی نخستین با رسیمای قهرمانان باله علی ازبکی مینا تورهای رقص را در موضوع مختص ازبکی «چهار گاه» و باله های «سیمیل و مپری» از مینا سایا لویوا و تا ناور «اثر لکسی کار لو فکسی» بخوبی



پروفیسر «یوری» گبرو گروویچ استاد رهبر تیاتر معروف بالٹوی بادونن از هنر پشگان معروف خلق شوروی هنگام نمایش بالٹ .



نمایشی هیجان انگیز از رقص بالٹ

جالبی است . آهنگما زان این سر زمین در انکشاف فرهنگ موزیکال و دیعه های بزرگی را از خود ابداع و ابتکار کرده اند . در مدت سالهای اخیر ، آثار زیاد موزیکال را از درامهای کویچک موزیکال گرفته تا اوپرا بالٹ و سنفونی ایجاد کردند که از آنجمله میتوان اوپرای «بقاوت واسع» ، «آهنگر کاوه» ، «پولاد وملرو» ، «بختیار ولسا» ، «ظاهر ذهاب» ، «کومدی وماندان» ، «بازگشت» ، «وبالتهای لیلی و مجنون» ، «دلیر» ، «فرزند وطن» و غیره را نام برد . مصنفان بالٹ «لیلی و مجنون» به اخذ جایزه دولتی مفتخر گشتند . آهنگسازان ملی از قبیل ش . سیف الدینوف ، ز . شاهیدی ، سالیوف ، ی . بسزاقوف ، عبد اللطیف ، همدیوف و دیگران بین مردم محبوبیت زیاد دارند .

در مسابقه جهانی بالٹ بنام چایکوفسکی که سال ۱۹۶۹ در مسکو برگزار شد دو شیزه «ملکه صابر ووا» بالرین ورقا سه جوان بالٹ تا چیکستان جایزه اول و مدال طلایی کانکور بین المللی بالٹ را بدست آورد .

در جنب باشگاه روستایی کلخوزموسوم به لین بخش دیگر اوپرا فعالیت دارد که علاقمندان تراه های اوپرای درین گروه شرکت دارند و از جمله ساز مالد هندگان این گروه یکی هم «و . کریوف» موسولیت تیار اوپرا و باله تا جیک بنام صدرالدین عینی است که پروگرامایش را آثار او برای متعدد مانند چایکوفسکی ، وردی ، گوئو و غیره اجرا کرده است .
در قرغیزستان شوروی :

جمهوریت شوروی سوسیالیستی قرغیزستان یکی از جمله پائزده جمهوریت متحد متساوی الحقوق و یکی از جمهوریهای آسیای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است که در شمال شرقی آسیای میانه شوروی ، آنجا یکه شاخه های بزرگ سلسله جبال تیان شان وپامیر و آلتای صدها کیلو متر امتداد دارد ، واقع شده است درین سرزمین همدوش با دیگر جهات زلزدگانی عصری درجهت پدید آوری و غنی ساختن رشتهای مختلف فرهنگ ، به هنرهای زیبا نیز توجه عمیقی بعمل آمده است . چنانچه انواع نمایشهای هنری گروه های متعدد هنر پشگان و هنرمندان قرغیزی در صحنهای تیاترهای عمده کشور یکی ازین بخشها بشمار میرود . هنرمندان این جمهوریت بازمختشان ماسکو ، کیف ، مینسک ، ریگا ، تاشکند ، دوشنبه ، نوکوزنتسک کمر وواور نیورگ و بسیاری از شهرهای دیگر سرزمین شوراها ملاقاتها کردند وبارها در برابر آنان هنر نمایشی نموده اند .

همچنان آرتیستهای برجسته قرغیز در مسالک خارجی نه تنها کنسرت میدهند بلکه در مسابقات سرایندهان ، نوازندگان پایکو بان (رقاصان) هم شرکت کرده و میکنند . هنرمندان قرغیزستان به بعضی از کشورهای خارجی نیز در راه انکشاف فرهنگ ملی آنها کمک میکنند . مثلاً میرمن

بقیه در صفحه ۳۷

پردن سطح دانش محصلین در کتابخانه ها و ایجاد علاقه و دلچسپی به مطالعه در ایشان یکی از مسایل دیگری انقلاب فرهنگی محسوب میگردد .

همانطوریکه یکی از دانشمندان آنکتور گفته است مطالعه از يك شروع میشود و بهتر است که هر شخصی با خود کتابی داشته داشته باشد .

در عصریکه وسایل اطلاعات عامه نا اندازه زیادی انکشاف نموده ارزش مطالعه در کتابخانه ها يك امر ضروری پنداشته میشود به عقیده دانشمندان پولند جنبش انقلابات اجتماعی و کلتوری با چاپ خانه ها، رادیو، تلویزیون، فلم و سایر وسایل اطلاعات عامه ارتباط بس نزدیکی را دارا میباشد .

کتاب به ذات خودش در میان اطلاعات عامه يك مقام بخصوصی داشته است که روی - هرچه پالیسی فرهنگی خلق پولند از همان آغاز کار روی همین پرنسپ قرار داشته است حقیقت امر اینستکه تمام اهداف انقلاب فرهنگی را فعالیتهای چاپ کردن خواندن و نوشتن تشکیل میدهند . مشکل عمده اینستکه چگونه بتوان بطور انفرادی صرف از یک کتاب مسقید شد و یا اینکه برای حل مطلب کلیه ذخایر يك کتابخانه را مورد استفاده و ارزیابی قرار داد برخی ترجیح میدهند که کتب باید بطور چند جانبه برای انکشاف اجتماعی بکار رود ولی پس از مطالعات عمیق تجویز گردید تا از کتب بصورت انفرادی و همه جانبه و یا شکل مرکب آن استفاده بعمل آید .

برطبق یکی از احصائیه های اخیر در سال اول پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی (۱۹۴۶) حجم مجموعی کتب که در پولند به نظر میرسید ده میلیون جلد بیشتر از کتب سال (۱۹۳۷) بود .

بهر حال برای توضیح مطلب بایستی به انکشاف کتابخانه ها نیز برگشت تعداد مجموعی کتابخانه هاییکه قبل از جنگ در آنکتور مورد استفاده محصلان قرار داشت به کلی محو گردیده ولی در حال حاضر به ملاحظه میرسد که در پولند بیش از ده هزار کتابخانه حای (هشتاد) میلیون جلد کتاب موجود میباشد .

بعد از متعلمین ساکنین دهات و محلات بزرگترین گروه استفاده کنندگان کتب را در کتابخانه ها تشکیل میدهد که البته در قدم سوم کارگران و متصدیان فابریکه ها، کارگران زراعتی دانشمندان فارغان و هنتون ها و محققین از جمله مشر کین متداوم کتابخانه ها بشمار میرود در حال حاضر گروه سوم بیش از (نود) فیصد مشتریان کتب را در بازار های فروش تشکیل میدهند و یانه عبارت دیگر قسمت اعظم علاقه مندان کتاب پس از متعلمین دانشمندان و محققین میباشد . اخیرا يك معضله دیگر در ساحه کتب عرض اندام نموده و آن اینکه اگر چه سالیانه برای هر نفر طور وسط پنج جلد کتاب تولید میگردد مع الوصف ستایع طبع کتب آنطوریکه جوابگوی روز افزون خوانندگان شده بتواند انکشاف نموده است که روی این اصل مقامات فرهنگی پولند میکوشند با طرح يك ستراتیژی بودن این معضله را نیز حل نمایند .



گروهی از فعالیتهای روزانه اعضای سازمان زنان در یکی از کتابخانه های عمومی .

ترجمه : (بشیر - احدی)

از منابع پولندی

به هر شخص کتابی

در عصریکه وسایل اطلاعات جمعی انکشاف نموده، ارزش مطالعه کتابها يك امر ضروری پنداشته میشود

تعلیمات ابتدایی مستفید انه مکنه در حال حاضر از هر ده نفر جوانیکه مصروف بیش برد تعلیم اختصاصی میباشد (نه) نفر آن برای چندین سال به تعلیمات عالی خویش می پردازد. در طی ده سال اخیر علی الرغم آنکه در ساحات کلتور و فرهنگ مشکلات متعددی به ظهور رسیده معینا دور نمای تعلیمات عالی و اختصاصی روشن تر به نظر میخورد .

برطبق پالیسی کلتوری خلق پولند هدف اینستکه تا آثار و آبدات تاریخی و معاصر ملی آنکتور احیا گردد . بخصوص آن عده آثاریکه در شهر وارسا، پوزنان ویکهده شهر های دیگر موقعیت دارد دو باره احیا و ترمیم گردد . این کار ها در قدم اول حایز اهمیت تاریخی میباشد .

در قدم دوم احیای کلتور و فرهنگ و فولکلوریک در محلات و قصبات در نظر میباید . در قدم سوم مساله قامینات و بلند

در مرحله دوم ترمیم آثار و آبدات تاریخی و در قدم سوم انکشاف طبع کتب تحت شعار (به هر شخص کتابی) آغاز گردید در حال حاضر مراحل سه گانه بصورت دینامیک به پیش میرود یکی از عوامل دیگر که طی انقلاب فرهنگی در آنکتور تاملین گردید همانا انکشاف محیر العقول اطلاعات عامه بوده است که بحیث عامل چهارم نیز پنداشته شده است .

خلق پولند هر يك میتوانند ازین چهار رشته یکی آنرا بصورت اختصاصی تعیین و انتخاب نمایند ولی طوریکه احصاییه هانتان میدهد اکثریت خلقهای آنکتور به انقلاب فرهنگی علاقه مند اند . بعد از مرور مدت سی و پنج سال بیش از (شش) فیصد خلق آنکتور از تعلیمات پوهنتون، سی فیصد از تعلیمات ثانوی، و بیش از (شصت) فیصد از

پس از ختم جنگ جهانی دوم درست در موقعیکه خسارات وارده ناشی از جنگ ارزیابی میشد چنین به نظر میرسید که هر يك از مکاتب سه گانه قبل از جنگ بایستی از لحاظ کتب و مواد درسی تحت يك پروگرام علمی و پلان شده مجددا مورد بررسی قرار گیرد اینهم روشن گردید که در طی پنج سال جنگ با نیرو های اشغال گر نازی بیش از چهل فیصد از غنای فرهنگی و کلتوری جمهوری خلق پولند معدوم و نابود شده بود . از همان دقایق اولی رهبران این کشور

همزمان با برآورد انداختن اصلاحات صنعتی و زراعتی دست به یکسلسله اقدامات فرهنگی زدند که روی هرچه در طی (۵۳) سال نه تنها غنای از دست رفته دو باره احیا گردید بلکه خطوط اساسی آینده در سکور تهیه سواد درسی نیز روشن گردید در قدم اول انقلاب فرهنگی روی دست گرفته شد در حالیکه

عضله رودیشاوپالیسی های

امپریالستی

رسیده است گفته می شود که واحد های قوای نظامی رودیشا و عساکر اجیر موزوری و اقصیات دیگری را نیز اشغال نموده اند و در آنجا از رفتن گوریلا های وطنپرست رودیشا ممانعت می نمایند. ساکنین این قصبیات اصلا نمی دانند که نتایج کنفرانس لندن بکجا انجامیده است. و توسط دارودسته تبعیض طلبان به آنها جزوه های شکست جبهه وطنپرستان رودیشا را توزیع می نمایند. قوای نظامی رودیشا با قشون به اصلاح «امدادی» در عشا برودیشا رژیم ترور و ارعاب را استقرار داده است. آنها به قطاع الطریقی می پردازند مکاتب را به پارک های نظامی میدل می سازند و از گرفتاری گروه های مردم سیاه پوست نیز احتراز نمی کنند.

پراپلم اخراج عساکر افریقای جنوبی از رودیشا تا هنوز کاملا لاینحل مانده است. مقامات افریقای جنوبی اعلام می نماید که قوای محدود آنکشور برای محافظت اماکن و شاهراه های رودیشا اعزام گردیده است. ولی درین اواخر راپرت موکابی در یسک اجتماع در سالزبری اعلام داشت که هم اکنون بیش از سه هزار عسکر افریقای جنوبی در رودیشا برای مقاصد تجاوزی در نواحی سوق الجیشی متمرکز شده اند.

به قول راپور فرانسرین که از سالزبری راپور میدهد. لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا عساکر بیشتری را از حکومت تبعیض پسند افریقای جنوبی مطالبه نموده است. روی ریاکارانه اظهار داشته که ازدیاد قوای افریقای جنوبی در آنکشور بر خلاف موافقت نامه لندن نمیباشد.

آیامی توان لارد سوماس (داماد ریستون چرچیل) سیاستمداری مجرم را با این اظهارات محیلاته اش ساده لوح قلععد کرده در حالیکه این موضوع چون آفتاب روشن است که ازدیاد حتی واحد کوچکی از عساکر رودیشا مستقیما رای دهندگان را تهدید خواهد نمود. این پالیسی های تقلب آمیز و ملیتارستی موج از نگرانی ها و اعتراضات خلق های افریقای و سراسر جهان را برانگیخته است.

۱. کوجا منشی عمومی موسسه اتحاد افریقا در دارالسلام مرکز کانزایا به تمام کشور های در حال رشد اعلام نمود تا با تمام قوای خود بر ضد نقشه های تهاجمی بریتانیا و حکومت تبعیض طلب رودیشا اقدام قوری بنمایند. به اثر تقاضای برخی کشور های افریقای شورای امنیت موسسه ملل متحد پیرامون بررسی اوضاع رودیشا که بعد از موافقت نامه لندن در اثر عملیات تخریب کارانه انگلستان و افریقای جنوبی رخیم شده است دایر گردید.

مبارزه بخاطر آینده رودیشا کماکان ادامه دارد. جبهه وطنپرستان با استفاده از تجربه های تلخ گذشته خود هوشیارانه بر ضد قوای تبعیض طلب و امپریالیزم مبارزه می کنند.

چندی قبل مقامات نظامی رودیشا بایر و پاکند های وسیعی اعلام نمودند که انتخابات پارلمانی در آنکشور انکشاف می نماید. مطبوعات محلی نیز به نوبه خود برای متاثر نمودن ابعاد نفوذ اتحادیه ملی افریقای زیمبابوی (زافو) که توسط راپرت موکابی رهبری می گردد شایعات دروغین را پراش انداخت این مطبوعات از سخنان خصمانه و تحریک آمیز دولت رودیشا حتی سخن هم ذکر نموده است. رهبران اتحادیه موصوف تمام این تلاش های محیلاته زمامداران مستبد رودیشا را نقش بر آب نمود راپرت موکابی پروگرام سیاسی جانب داران خود را تدوین نمود و کار های مقدماتی خود را برای آماده گسی انتخابات بتاريخ بیست و ششم جنوری انتشار داد.

به هر حال چیزی که مسلم است این خواهد بود که مطبوعات رودیشایی با تمام قوای خود سعی می ورزد تا نیرو های وطنپرست را تضعیف نماید. سیل از اکاذیب و دروغ ها یکی بی دیگری از زراد خانه تبعیض طلبان بیرون می جهد. این دروغ ها طوری توجیه می گردد که گویا وطنپرستان زیمبابوی متشایل اند تا بمائند راهبان تمام جامعه زیمبابوی را ویران نماید. راستیست ها بدین طریقی شیفنگان واقعی آزادی زیمبابوی را بیادانتقاد می گیرند.

رویداد های جاری سیاسی رودیشا نشان می دهد که دو جبهه وطنپرستان رودیشا که توسط جوشیوانکومو و راپرت موکابی رهبری می گردد در شرایط فوق العاده دشواری قرار دارند. لارد سوماس گورنر جنرال انگلیسی رودیشا سمت خطرناک چاکر نشان امپریالیزم را عهده دار است تا در مقابل جبهه وطنپرستان زیمبابوی سدهایی ایجاد نماید. در حقیقت پالیسی حکومت تبعیض طلب رودیشا که از طرف حکومت محافظه کار انگلیس طرح گردیده است، گورنر جنرال مذکور را متقاعد ساخته است تا در انتخابات مساوی

فبروی آنکشور برای جلو گیری از پیروزی وطنپرستان از هر گونه وسایل و امکانات استفاده نماید. نماینده رویتر از رودیشا راپور میدهد که قوای نظامی سالزبری پیوسته قصباتی را که در موافقت نامه آوربند برای وطنپرستان تعیین گردیده است کنترل رحتی مورد تهدید قرار می دهد. طیارات جنگی رودیشا از فراز این مراکز هواواره بمباراز می نمایند. رهبران نیرو های وطنپرست رودیشا چندین بار از عدول موافقت نامه لندن احتجاج نمود که توسط دارودسته خونین سمیت و موزویا عملی می گردد. قوای نظامی دیگری که تحت نام «قوای ممدادی» در قصبیات مذکور متمرکز گردیده و تعداد شان با نژده الی بیست هزار نفر می رسد مطابق دستور گورنر جنرال انگلیس عملیات تخریبی و تهدید آمیزی را انجام می دهند. در یکی از اسناد مهمی که از طرف وطنپرستان به انتشار



مخترع با گروه هنری اش

ترجمه عبدالله

گروه هنری بقیه ها

است. چوکی هایی که هنرمندان از آن استفاده می نمایند نیز از سرپوش بوتل ها و سیم ساخته شده است. در ساختمان سامان و آلات موسیقی آنها از قطعی های خالی کنسرو استفاده شده و بامدل های اصلی شباهت نام دارد.

نمایش هنری این گروه با خنده های پیهم و هیجان تماشاچی همراه است. برای بوجود آوردن گروه جالب و خنده آور «ستاره های سبز» دانش تخیلی تنها کفایت نمی کرد بلکه به استعداد خاص در قسمت نقاشی و رنگ آمیزی نیز ضرورت بود.

مخترع گروه «ستاره های سبز» خود به کنسرت های هنرمندان رفته حرکات و ژست های آنها را به خاطر سپرده و حالات مذکور را بالای گروه هنری خود تطبیق میکرد تا اینکه به واقعیت نزدیکی تام پیدا کند.

معصوم علاوالدین آن هنوز سی سال دارد اما در قطار همکاری از مقام خاصی برخوردار است و همه او را بنام «استاد کل» می نامند.

مخترع اصلا بسته کار رادیوست اما در حرفه آهنگری نیز سر و شته دارد. در اوایل جوانی به اتومانیزه کردن عملیات الکترونیک علاقه خاص داشت.

در مرحله اول فعالیت خویش به ساختن مدل کشتی های که توسط امواج رادیویی رهبری میشد دست زد. سپس به فعالیت های مغلق تر چون اختراع گروه هنری «ستاره های سبز» اقدام کرد. به این ترتیب گروه هنری بقیه ها بوجود آمد.

پایس رفتن برده تیتر کوچک اطفال شش بقیه بازست های مخصوص روی ستیج ظاهر شدند و هر کدام در جاهای معین خود ایستادند. با تغییر روشنی لمپ ستیج صدای نرم موزیک بلند شد. این گروه که بنام گروه هنری «ستاره های سبز» مشهور است به اجرای برنامه شان آغاز کردند. هنرمندان همزمان با نواختن موسیقی ستاره گروه را همراهی میکردند. همه اعضا منجمله گیتاریست، پیانیست و جازبند نواز به بسیار ذوق و علاقه در حال فعالیت بودند.

مخترع این گروه میناتور «ستاره های سبز» جوانی به اسم معصوم علاوالدین آن است بگذاردید در قسمت ساختمان اتومسی هنرمندان نکته چند خدمت ثان معلومات ارائه کنم. ساختمان عضویت بقیه ها فلسفی بوده و از سر پوش بوتل ها ساخته شده اند. الکترو مقناطیس هایی که در بدن شان نهفته است فعالیت و حرکات شان را کنترل می نمایند. ساحه فعالیت الکترو مقناطیس ها توسط ساختمان الکترونیک تنظیم میشود.

نکته قابل توجه و ضمنا مغلق تا مین هماهنگی حرکات بقیه ها بانوای موزیک است. غرض ایجاد هماهنگی نخست چندین مرتبه موزیک پخش شده و سپس حرکات بقیه ها را با شمای اداره کنترل تنظیم می نمایند.

موسیقی که تصور میشود هنرمندان می نوازند در حقیقت از طریق رادیو گسیل پخش میشود. برای ساختمان وجود یک هنرمند به شش الی ده سر پوش فلزی بوتل ضرورت است. چشم های شان فشر مانده و رابری

په کار گری ټولنو کی دوریا او

اجباری تعلیماتو پر اختیا

د ماموریت په ترڅ کی تحصیل

اجتماعی او اقتصادی فعالیتونه

چټکوی

په کارگری ټولنو کی دوریا او اجباری زده کړوله سیستمونو څخه ډیری بڼې او بڼه پورې نتیجې تر گوتو شویږي . دکوریا دخلکو دموکراتیک جمهوریت رئیس (کم ال سونگ) په دی وروستیو وختونو کی دوریا او اجباری تعلیماتو دښمنو په باب یوه وینا خپره کړی چی دادی دلته یی وړاندی کوو .

په کارگری ټولنو کی دوریا او اجباری تعلیمات دټولنی دټولو پر گټو او ځواکونو افکاروښانوی کارگری تعلیمات دهغو تعلیماتو څخه شمیرل کیږی چی یوازی یو فرد اویا یوی پرگنی ته منحصر نه پاتی کیږی بلکه دیوی کارگری ټولنی ټول وگړی او ځواکونه ور څخه مستفید کیږی، په کارگری او سوسیالستی ټولنو کی ټول خلک حق لری چی ښوونه او روزنه ترسره کړی دکوریا دخلکو په دموکراتیک جمهوریت کی ټولی تعلیمی پالیسی (ټولنه تعلیم او زده کړه) په پرنسیپونو باندی اتکالری . په وړیاډول داجباری زده کړو بنسټ په اساس کی په ښوونځیو باندی ولاړدی . دخلکواکی له گټلو څخه وروسته په یوه خورا لنډه موده کی دهغه هیواد په بیلابیلو برخو کی یوزیات شمیرلومړنی ښوونځی ، کالجونه او انستیتوتونه جوړاوپراړ نسل شمول . همدا رنگه په دهغه لنډه موده کی په هیواد کی داتقلابی هدفونو په سرته رسیدلو اوداقتصادی او ټولنیزو سکتورونو په پیاوړتیا سره دهغه هیواد دلوړنیو او ثانوی ښوونځیو کالجونو اویوهنتونونو په شمیر کی دلیدوونو زیاتوالی راغی .

دکوریا دخلکو په دموکراتیک جمهوریت کی دوریا لومړنیو اجباری زده کړو پروگرام دلوړمړی ځل دپاره په (۱۹۵۶) کال کی تر اجرا لاندی ونیول شو . دهغه پروگرام په تعقیب کی په (۱۹۵۸) کال کی دثانوی دوری دښوونځیو دپاره دوریا اجباری تعلیماتو پروگرامونه تر تطبیق لاندی ونیول شول . په (۱۹۷۲) کال کی دتیرو

کی دهغه راز پروگرامونو په تعقیبولوسره په تخنیکي اوحرفوی رشتو کی دشاگردانو استعداد اولیاخت ترزیاتی اندازی پوری پیاوړی کیږی . په اوسنیو وختونو کی له رسمی وخت څخه وروسته شاگردانو او ځوانانو دپاره دکارکولو او تحصیل غوره شرایط رامنځ ته شوی . کارگران او کسب گران هم کولای شی چی درسمی وخت څخه وروسته دښوونی او روزنی له پروگرامونو څخه گټه واخلي ، دهغه پیغام داهدافو سره سم اوس اوس او دهغه راز په راتلو نکو کلونو کی به زده کوونکی وکولای شی (دټول تایم په صورت کی په یوه تخنیکي او یا حرفوی ښوونځی کی خپلوزده کړونه دوام ورکړی . دکوریا دخلکو ددموکراتیک دښوونی او روزنی مقامات اوس په یولی داسی فعالیتونو لاس پوری کول غواړی چی دهغو په سیوری کی نه یوازی په ښوونځیو اووړکتونو نوکی دشمول وړکو چنیان



د مسلکی او تخنیکي زده کړو په یوه ښوونځی کی دزده کوونکو دعلمی کارونو یوه گډوښه

بلکی دفابریکو او صنعتی تاسیساتو کارگران هم تحصیل کولای شی . دحرفوی اومسلکی زده کړو د نویو روشونو او طریقو له مخی په څو وروستیو کلونو کی دهغه هیواد ټول وگړی په تخنیکي او اومسلکی متغیټو ښوونځیو کی دښوونی او روزنی له پروگرامونو څخه گټه اخستی شی هیله ده په نژدی وخت کی د(۱۱) کلنو تعلیمی پروگرامونو سره دتعلیمی نصاب دنورو پروگرامونو دم آهنگ کولو دپاره په ښوونځیو کی د(۱۲) ټولگیو څخه پورته تعلیمی ریفارم تطبیق لاندی ونیول شی . همدارنگه

اتکا لری اویه حقیقت کی دعلمی او تخنیکي تعلیماتو یو گټور او په زړه پوری سیستم گڼل کیږی . څرنگه چی دهغه پروگرامونه ټول په وړیاډول تنظیم اوناقل شویږی ځوانان چی په ثانوی دوزو کی دزده کړو دوام دپاره لازم شرایط ولری دهغه راز پروگرامونو څخه پوره گټه اخستلای شی . لکه چی تجربو څرگنده کړیده نوموړی پروگرامونه دزده کوونکو دعمومی اطلاعاتو دسطحی دلوړولو اوتریبوی گټورو دروزنو په برخه کی دښوونی او روزنی مربوط مقاماتو ته زیانی اسانتیاوی برابروی . په ضمن

په کارگری ټولنو کی دوریا او اجباری تعلیماتو پر اختیا

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

د(غیور) ژباړه

صفحه ۱۰

ژوندون

بله دليد ووپخبره داده چي په عادي ډول دمنظمو
ښوونځيو حجم او عمومي ظرفيت دزده کوونکو
شمير دجذب له نظره ډير کوچنی او محدود گڼل
کيږي. څرنگه چي د عصر اوزماني غوښتونکي
کړيږي په اوسنيو وختونو کې د سوسيالستي
ټولن دودانو لوله پاره زياتو تعليمي او تربیوي
کړونو ته ضرورت شته او ددغه مقصد ترسره
کولو په برخه کې يوازي عادي مکتونه کفايت
نه کوي دکار په ترڅ کې دزده کړي سيستم
دمروجو او عادي زده کړو دسيستم سره جوخت
دټولو خلکو دپاره ښوونې او روزنې فرصت
برابروي اوددغه کار په نتيجه کې يوه ټولنه ددې
قدرت پيدا کوي چي پر زړه توليداتو او ساختماني
چارو کې لږ لږ وړتيا وړتيا ته ورسيږي.
دکوريا دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې
اوس اوس يون اوسيدونکي هم نه موندل کيږي
چي بسواده وي او يا خپلې زده کړې پيښم کړي
پري ايښي وي. ددغه هيواد هريو اوسيدونکي
خپلې زده کړې تر پايه پوري رسوي او کومينس
کوي چي په خپل ټول ژوند کې درس ووايي او
تعليمي پروگرامونه تعقيب کاندې. ښوونې او

روزنې دمروجو ښوونځيو تر څنگ د(فالتو وخت)
ښوونې او روزنې له تعليمي نايستاتو څخه
ډيري ښي او په زړه پوري نتيجه تر گوتو شويدي
ديرولسو کلونو له تجربو څخه په گټې اخستلو
سره په ډاگه سره ويل کيدای شي چي دکار په
ترڅ کې دزده کړې ددغه نوي سيستم په مرسته
په يو وخت کې يوزيات شمير زده کوونکي
مامورين، کارگران او نور علاقه لرونکي دانقلابي
ايديالوژي دروحي په درلودلو سره تربيه
اوروزل کيدای شي. ددغه ځواکونو په روزنـ
لوسره نه يوازي په توليداتو او ساختماني چارو کې
بدلون رامنځ ته کيږي بلکې تربیوي ياتي اندازي
پوري کارگران او مامورين دجهان بيني او علمي
ايديالوژي په معنی او افلايت باندې هم ښه
پوهيږي. کوم کسان چي د(فالتو وخت) په تربیوي
او تعليمي ښوونځيو کې درس وائي دتوليداتو
دسکتور زده کوونکي او يا داچي ددولتي ځانگو
رسمي مامورين دي. دغه کارگران او مامورين
په واقعيت کې په ټولو علمي کارونو بوخت دي
او دخپل وخت يوه زياته برخه په توليداتو،
ساختماني او عمراني فعاليتونو تيروي. نوموړي
کارگران او مامورين هغه کوي چي دخپلې ټولنې
دانقلابي فعاليتونو دپرتيا وو ډېه نظر کې نيولو
سره تعليم وکړي او خپل ځانونه دهر ډول
کتورو کارونو دپاره اعيان او چمتو کاندې.



ددریونګک ډاکټر دډوکټونو ماشومان، وړکټونونو ته دتګ په حال کې

گرانو دپاره دمنځنيو ښوونځيو، دفايرېکودلوډو
مسلکي او اختصاصي مرکزونو، کالجونو، دښي
ليسو دمکاتبي په ذريعه دکالچونو او درسمي
وخت څخه وروسته دتعليمي کورسونو نومونه
دذکرېږېدلو. لکه چي دکوريا دخلکو په
دموکراتيک جمهوريت کې دخو کلنو تجربو
نتيجه څرگنده کړيږي ښوونې اوروزنې دپورـ
تنو روشونو او ناسياتو څخه په گټې اخستلو
سره دفايرېکو، صنعتي، ساختماني او توليداتو
موسسو کارگران دي توان اودقدرت پيدا کوي
چي دخپلو ورځنيو کارونو دپريښود لوڅخه
پرته دسوسيالستي تعليماتو نوي معيارونه
چي ديوې سوسيالستي ټولنې داجتماعي او
اقتصادي ودې له پاره مهم گڼل کيږي د علمي
اصولو سره سم تعقيب کاندې. لکه چي دکوريا
دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې خو کلنو
تجربو نايته کړيږي يوازي عادي ښوونځي نه شي
کولای چي ديوې ټولنې دټولو خلکو دپـ
ښوونې او روزنې لاره اواره کړي او داڅکه
چي امکان لري دفايرېکو او توليداتو موسسو
يوزيات شمير کارگران دتيرو استعماري او
استعماري رژيمونو دشته والي له کبله بريالي
شوي نه وي چي خپلې زده کړې تعقيب کيږي

ددغه کار يوه بله گټه او ښيگڼه داده چي
کارگران ي لږ څخه چي ددوي توليداتو او
ساختماني کارونه وځنډيږي دلوړوزده کړو څخه
برخورداره کيږي دکوريا دخلکو دموکراتيک
جمهوريت ريت يوازي هيواد دی چي
دکار کولو په ضمن کې کارگرانو ته ددرسي
کتابونو دلوړوستلو په برخه زياتي اسانتياوي
پراړ وي. په اوسنيو وختونو کې په عادي
تعليمي سيستم علاوه درسې وخت څخه وروسته
تعليم، په نامه چي په عين حال کې دفالتو وختونو
دتعليم په نامه هم يا ډيري ښوونې او روزنې
يونوي سيستم جوړ اورامنځ ته شويدي ددغه
نوي سيستم په مرسته نه يوازي دکوچنيانو او
ځوانانو دپاره ښوونې او روزنې چانس پراړـ
يږي بلکې دکارگرانو، بزگرانو او زيارايستو نکو
دپاره هم دتعليماتو دښيږولو امکانات او په
زړه پوري شرايط تر گوتو کيږي. ددغه راز يو
سيستم څخه ټول خلک دهر ډول توپير څخه
پرته په تکاملي توگه استفاده کوي په داسي
توگه چي ددوي تعليمي پروگرامونه د عصر اوزماني
غوښتنو ته مثبت ځواب وويلاي شي. اوس اوس
په دغه تعليمي سيستم کې يوشمير ريفارمو نه
رامنځ ته شويدي چي دغو په جمله کې دکارـ

اوموسسو کې دډوکټون څخه نيولي تربیو هتوونو
اودډيرو لوړو تعليماتو تر کډونو پوري ښوونې
اوروزنې اجباري فعاليتونه تر(۱۱) ټولگيو پوري
اوددغه څخه تر پورتنيو پور يو پوري په وړيا
ډول ترسره کيږي. دپادو لوړو ډ خبره داده چي
دکوريا دخلکو په دموکراتيک جمهوريت کې نه
يوازي په ښوونځيو کې ښوونې او روزنې جاري
تعليمات هم په وړيا ډول صورت نيسي. همدـ
رتگه دلوپانو دپاره ښوونه او روزنه اودکارگرانو
تعليمي جاري ددولت په لگښت په وړيا توگه
ترسره کيږي. په داسي حال کې چي په دغه
هيواد کې دژوندانه دنورو اړخونو په پرتله
ښوونې اوروزنې دلگښتونو اندازه خوند زياته
اولوړه ده دغه هيواد په دولتي بودجه کې دتعليمي
پروگرامونو بودجه کال په کال مخ په زياتيدوده
دکار کولو په ترڅ کې دښوونې او روزنې
جاري
دکارکولو په ضمن کې دښوونې او روزنې ترسره
کول او دداسي پروگرامونو تعقيبول دزده کړې
يو ډير ښه او غوره سيستم گڼل کيږي. ددغه
راز يوه سيستم په تعقيبولو سره کارگره ډ له
کولای شي چي داجتماعي او اقتصادي بيلابيلو
چارو دتر سره کولو په ترڅ کې دښوونې اوروزنې
په يو استحيوت او يا کالج کې خپل درسونه



يکتن از مريضان در حال معاینه دیده می شود

کنترول تو بر کلوز در سراسر کشور

کندهار، حوزه تو بر کلوز هرات، حوزه تو بر کلوز بلخ و حوزه تو بر کلوز کندز که شعبات حوزه های مذکور بصورت فعالانه از کنترول تو بر کلوز ولایات مربوط خویش وادسی مینماید. بر علاوه در تمام مراکز صحتی اساسی و مراکز فرعی فعالیت کنترول تو بر کلوز در پهلوی دیگر پراکنده های صحتی مراکز مربوط از طرفی دکتر و پرسونل آن بصورت ادغام شده انجام می گیرد.

که در هر حوزه یک دکتر بحیث آمر حوزه متخصص تو بر کلوز یک دکتر داخله که در پروگرام تو بر کلوز همکاری میکند، دو نرس، دو روتینا، دو واکسیناتور، یک نفر تکنیشن لابراتوار و یک نفر تکمیل اکسریز، و دستگاه مکمل اکسریز، شعبه لابراتوار مجهز برای معاینه مستقیم بلغم و بعضا بالوازم کلچر سامان ولوازم شعبات کنترول تو بر کلوز میباشد، همچنان یکمراده موتر، یکمراده موتر سایکل و یکمراده بایسکل مجهز میباشد.

تمام حوزه های مربوط بالا
بقیه در صفحه ۵۱



مردم و فامیل های مريضان از نظر کنترول و وقایه تو بر کلوز، که این تغییرات توصیفی بوده و تغییرات جدی آن قبلا توضیح می گردد: در سال ۱۹۷۹ در حدود بیشتر از چهل هزار نفر تحت قداوی قرار گرفت که از جمله شش هزار نفر حوزه قداوی یک ساله را تکمیل نموده اند.

در سال ۱۹۷۴ در حدود ۱۹۶۰۰ نفر از نگاه کشف واقعات تو بر کلوز ذریعه معاینه مستقیم بلغم معاینه شدند و در ۱۹۷۹ معاینه اضافه از ۶۵۰۰۰ نفر بصورت مجانی صورت گرفت ناگفته نماند که پروگرام کنترول تو بر کلوز در آینده نزدیک در سراسر کشور عزیز تزیید خواهد یافت.

منبع در مورد این سوال که اساس پروگرام تو بر کلوز در افغانستان کدام سال گذاشته شده و فعالیت درین ساحه قبل از انقلاب نور چگونه بود و فعلا تاجه حد تحول و الکشاف نموده چنین توضیحات داد:

باید گفت که اساس پروگرام کنترول تو بر کلوز در افغانستان سی سال قبل گذاشته شده بود که این کنترول تنها محدود بخود موسسه تو بر کلوز (درچمن) بوده بعد فعالیت مذکور قسما در دیگر ولایات نیز انکشاف

داده شد که بیشتر شکل فورمولیتی داشت.

و فعالیت قداوی تو بر کلوز از نگاه کیفیت، پروگرام کاملا محدود و قداوی مريضان در سناتوریم های اثاث و مذکور بصورت اجرتی بود که مريضان تو بر کلوز ازین رهگذر بمشکلات زیاد مواجه بودند زیرا مريضان بوضع بسیار عاجل و غراب از مناطق دوردست مملکت جهت بستر شدن بمرکز مراجعه می

در پرتو مرحله نوین انقلاب نور تجویز اتخاذ گردیده که در تمام افغانستان مريضان تو بر کلوز بصورت مجانی معاینه و قداوی گردند. یک منبع استیتوت ملی کنترول تو بر کلوز در مصالحه ای که با خبرنگار مجله زوندون بعمل آورد گفت: بصورت عمومی در پروگرام کنترول تو بر کلوز تغییر و تحول ارزنده صورت گرفته بدین معنی که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان حق اولیه فعالیت های صحتی را در کنترول تو بر کلوز داده است. بدین معنی که تمام فعالیت های ضد تو بر کلوز بصورت مجانی میباشد از قبیل تشخیص، لابراتوار، اکسریز، وقایه ذریعه بی سی جی و یکدوره مکمل قداوی، دولت فعالیت و کنترول تو بر کلوز را بصورت مطلق تقویه میدارد یعنی از نگاه معیار اداری، بودجوی و مراقبت های دوامدار که بصورت اختصاصی شامل:

۱- تربیه پرسونل پروگرام تو بر کلوز در داخل و خارج

۲- تحقیقات اختصاصی از نگاه اپیدمیولوژی، بصورت عملی از نگاه پلان و ارزیابی پروگرام کنترول تو بر کلوز.

۳- سروی ملی تو بر کلوز در سراسر کشور ذریعه تیم جدا گانه با اشتراک تیم و ترنری که از نگاه کشف واقعات تو بر کلوز در گاوها و ارتباط بانواع تو بر کلوز انسانی در مرحله اجرا قرار گرفت که فعالیت آن عنقریب اكمال و نتایج آن بعدا صورت خواهد گرفت که این سروی بزرگترین سروی منطوقی در حوزه جنوب شرق آسیا می باشد. ۴- تعلیمات صحتی برای مريضان و تمام

و حالا مريضان تو بر کلوز بصورت مجانی بستر و قداوی می شوند

اهمیت تحکیم و پیوند روابط میان نیروهای

پیشرو جهانی

و جنبش های آزادی بخش ملی

در روند تاریخ

نثار «عریف»

حصول استقلال کامل از اسارت امپریالیسم، بدست آوردن استقلال اقتصادی و تحکیم حاکمیت ملی.

نیرو های وطنپرست درون جنبش از تجارب حاصله خویش می آموزند که : رسیدن به این هدف تنها از طریق تغییرات عمومی دموکراتیک، از میان برداشتن ریشه های اقتصادی و بقایای نفوذ سیاسی امپریالیسم، انکشاف در دامنه های صنایع شامل صنایع سنگینی و سبک، حل مساله دموکراتیک ارضی، دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی، ارتقاء سطح زندگی، پیروزی از یک سیاست خارجی فعال ضد امپریالیسمی امکان پذیر است.

باید در نظر گرفت که هسته و مرحله جدید جنبش آزادی بخش ملی را مبارزه در راه ترقی اجتماعی تشکیل میدهد. بناء تعیین راه پیشرفت در کشور های وابسته و مستعمره سابق در جریان پیروزی و غلبه جنبش آزادی بخش ملی بر مناسبات کهنه نشان داده می شود و بدین گونه برای جنبش، محتوی اجتماعی تازه می بخشد.

در برابر جنبش های پیشین انتخاب راه پیشرفت قرار نداشت و هم نمیتوانست داشته باشد، زیرا جنبش های سابق محض راه انکشاف را برای رشد سرمایه داری باز می نمود.

در شرایط و اوضاع معاصر بنسب موجودیت سیستم جهانی سوسیالیستی، جنبش همبستگی بین المللی کارگری، نیرومندی مبارزات رهایی بخش ملی، در فضای کامل همزیستی مسائل آمیز دولت های دارای سیستم های اجتماعی مختلف، کشور هاییکه تازه از وابستگی رهایی یافته اند و استقلال سیاسی خویش را حاصل کرده اند در تحت شرایط اتخاذ سیاست عدم الحاق به پیمان های تجاوزکار امپریالیستی و تعقیب راه ترقی اجتماعی واقعا مستقل باشند.

وجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش ارزنده و فعال را در ایجاد شرایط مساعد برای پیشرفت زمینه های ترقی اجتماعی در کشور های کم رشد و اتخاذ راه رشد غیر سرمایه داری در کشور های جهان سوم بازی میکند و در حدود امکان و شرایط لازم صدور ضد انقلاب را برای کشور های نوپیدا محدود مینماید.

احزاب انقلابی کشور های روبانکشاف در مرحله جدید رشد مبارزات رهایی بخش ملی باین موضوع توجه فراوان مبذول میدارند که جلب رشته های امداد مادی و معنوی کشور های پیشرو و مترقی جهان به گسترش و پیشرفت مناسبات مختلف کمک مینماید.

در دوران حاضر روابط و همکاری های متقابل میان مبارزات رهایی بخش ملی دولت های نوپیدا و نیرو های سوسیالیسم جهانی اهمیت خاص دارد.

تا تمام

نباید اشتباه کرد که : با انحلال سیستم استعماری، استعمار کاملا از بین رفته و مبارزه خلفا بر علیه آن پایان پذیرفته است ماهیت سیستم جهان خوار امپریالیسم با در نظر داشت شرایط خود، استعمار را در قالب دیگری ریخته (استعمار نوین) و چهره زشت خود را باین شیوه ماست مالی میکند. استعمار نوین (نیوکولونیسم) به معاد ارتجاع بین المللی، اهداف و وظایف مشخص رادر زمینه اقتصادی و سیاسی تعقیب مینماید.

ارتجاع جهانی به سرمداری محافل تجاوز کار امپریالیستی مذبحخانه تلاش به خرج میدهند تا به اشکال و شیوه های گوناگون سد عمده در برابر پیشرفت های اجتماعی گردد و یا حداقل کندی و متوقف شدن آنها باعث شود. بطور کلی اقدامات پیشرو مانده گروه های امپریالیستی متوجه مبارزات آزادی بخش بوده که ساخته گسترده آن پیش از شکست فاشیسم متلری و ملیتاریسم جاپان (افراض جنگ جهانی دوم) بعد از بجا گذاشتن ویرانی های بیشمار آن موجب از هم پاشیدگی کامل سیستم استعماری امپریالیستی گردید، نیز مینماید.

پیدایش دهها کشور مستقل و تازه به استقلال رسیده که بحق مدافع پیگیر و تکیه گاه طبیعی خود کشور های سوسیالیستی را میدادند، از جمله نتایج حاصله پیشرفت روند جهانی و از اجزای متشکل آنست. کشور های سوسیالیستی بطرز برادرانه و دوستانه بدون در نظر داشت منافع از مبارزات عادلانه آنها در راه آزادی ملی بطور فایم و همه جانبه پشتیبانی بعمل می آورد، بیش از حصول استقلال سیاسی آنها، فراهم آوردی زمینه های امداد مادی و معنوی را همه جانبه در نظر میگیرد.

همانطوریکه مبارزات رهایی بخش ملی راه حقایق تمام، جنبشی میتوان توصیف کرد که : در آخرین تحلیل منفعت عامه خلق را در بر میگیرد و وظیفه جنبش در مرحله جدید آن مبارزه است از:

مشخصات این جنبش را در بر میگیرد. در عین حال اینکه مناسبات فرهنگی و معنوی آن در خدمت با فرهنگ و معنویات پیشرفته و مترقی پیوند حاصل میکند. باید نظر داشت شرایط پیروز مند مبارزه با روابط فرسوده فیودالی و ما قبل فیودالی، در جلال است علت وابستگی اقتصادی مستعمرات را در گذشته، تابعیت سیاسی آنها رادر مقابل کشور های استعمار گر تشکیل میداد، ولی بنا بر تغییر عمیق به سود نیرو های مترقی که در سیمای جهان رونما گردیده (جنبش های آزادی بخش ملی زمان ماجنیش های دموکراتیک ضد امپریالیستی طراز نوین میباشد).

بدین سان مبارزه در راه حصول استقلال اقتصادی خصلت عمیق ضد امپریالیستی دارد. نیازمندی های عینی آزادی اقتصادی و از میان برداشتن زمینه های استقرار مجدد تسلط استعماری امپریالیسم، خصوصیت جنبش های آزادی بخش ملی را تعیین میکند.

در شرایط کنونی بنابر موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم، همبستگی بین المللی کارگری، فشار خلفا بر رژیم های استعماری روز تار و کسب قوت بیشتر میکند، نیرو های انقلابی و وطنپرست کشورهای وابسته در برابر عملیات و تجاوز استعمار گران به قیام های پیروز مند مسلحانه میپردازند.

انحلال سیستم استعماری از نظر انکشافات انقلابی جهان معاصر اهمیت عظیمی دارد و جریان است غیر قابل بازگشت، نادیده انگاشتن آن به مفهوم خط بطلان کشیدن بر پیروزی های تاریخی جنبش های آزادی بخش ملی، کم شدن اهمیت شکست و زوال استعمار، ناچیز دانستن نقش استقلال سیاسی و عدم اعتقاد به پیروزی ملت های تازه به استقلال رسیده است که به یقین توانایی آنها را در قاپا پشتیبانی عام و تام کشور های مترقی جهان ضربهات پیهم و خرد کننده به دسایس و توطئه های امپریالیسم و استعمار نوین وارد آورد.

اگر بطور پیگیر نقش جهانی نهضت های آزادی بخش ملی معاصر را، دقیق و همه جانبه در مقایسه با جنبش های ملی پیشین، مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم، نتایج علمی که درین زمینه حاصل میشود و ضعیف را بطور کلی چنین میسراند که :

جنبش های آزادی بخش در گذشته تمایل بیشتر جانب مسائل خارجی داشت، ولی در شرایط کنونی نهضت های رهایی بخش متوجه مسائل داخلی میباشد و در دست اول اهمیت انجام رسالت خویش، محور کامل استعمار و از بین بردن ریشه های اقتصادی نفوذ امپریالیسم، حل پرابلم های اجتماعی و اقتصادی را قرار میدهد.

آرایش قوا در میثاق بین المللی خصوصیت عمده دوران کنونی را چنین میسراند : مبارزات رهایی بخش و رشد وسیع آن، تقریبا سر نوشت نیمه بشریت را در جهان تعیین میدارد و ساحه فعالیت آن در ها ملت را احتوا میکند و سیستم استعماری درهم می پیچید. خلق های کشور های آسیا، آفریقا و آمریکا لاقین از طریق تحکیم و پیوند روابط خود با جهان سوسیالیستی و طبقه کارگر کشور های سرمایه داری به همه اشکال ستم اجتماعی خاتمه میدهند و راه شکوفان ترقی اجتماعی رادر پیش میگیرند.

شکست و در هم پیچیدن سیستم بردگی استعماری در زیر ضربات پیهم و هماهنگ مبارزات رهایی بخش ملی انکشافیست که از لحاظ اهمیت تاریخی خویش بعد از ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم در درجه دوم قرار میگیرد.

مشخصات جنبش های ملی رادر گذشته حصول استقلال سیاسی ملت ها در بر میگرفت که مقصد غنوعی آنها از میان برداشتن تسلط اجنبی، ایجاد دولت ملی و تحقق بخشیدن به حق داشتن موقف مستقل سیاسی تشکیل میداد.

مبارزات رهایی بخش معاصر بنابر خصوصیت عمیق ضد امپریالیستی و محتوی جدید اجتماعی خویش، بنابر نقش بزرگی را که توده های خلق درین مبارزه بجامی آوردند، زنجیر های اسارت بار امپریالیسم را در حساس ترین موقعیت آن جدا تضعیف میکند و سر انجام در مراحل اخیر کاملا از هم میگذرد.

یکی از خصایل جنبش آزادی بخش ملی را این مسئله تشکیل میدهد که در نتیجه آن سرزمین های مستعمره و نیمه مستعمره راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفتند و مبارزات مستعمرات باقی مانده، پشتیبانی کامل نیرو های انقلابی کشور های نو پیداد و حمایت همه جانبه کشور های پیشرو جهانی را گامی نمود.

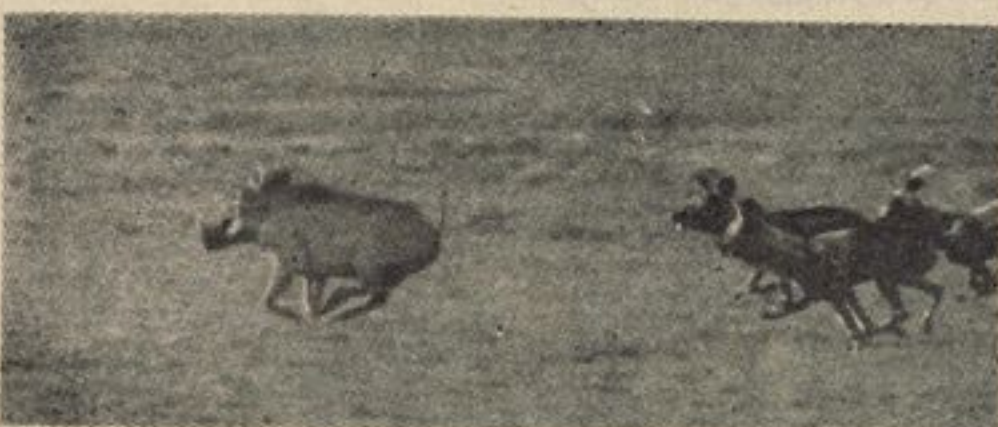
همانطوریکه جنبش های رهایی بخش معاصر مولود زمان ماست، بدین لحاظ طرد رژیم های هوا دار امپریالیسم، تبدیل استقلال سیاسی صوری به استقلال واقعی گذار از سرمایه داری به مرحله عالیت تکامل اجتماعی

را در پیش گیرند و خود را از شر آن حیوانات بیرحم نجات بدهند. سگهای درنده اطراف تا نزا تیا همواره سا یر حیوانات آن منطقه را شکار میکنند و اکثر اوقات گله های «زبرا» و دیگر حیوانات از آسیب آنها در امان نمی مانند زیرا بمجردیکه سگهای درنده افریقای سا یر حیوانات را بنگرند به تعقیب آنها می پردا زنده و با لای آنها حمله می نمایند و تا لحظاتی که آنها را از پا نیندا زنده آرام نمی گیرند.

خوک های «زگیل» نیز همین که از دور دستها این سگهای درنده را که بصورت دسته جمعی با لای سا یر حیوانات حمله میکنند می بینند می گریزند و فرار میکنند و فاصله ای را می پیمایند اما سر انجام تسلیم میشوند زیرا سرعت آنها با سرعت سگهای ستمگر و خون آشام برابری شده نمیتواند.

از جمله سا یر حیوانات خوک های زگیل و خوکهای زبرا که بصورت گله ای زندگی و گردش میکنند زودتر بچنگ این سگهای درنده می افتند زیرا این خوکها تنبل هستند و حوصله دویدن زیاد را ندارند. این سگها که بنام گرگ های

مرد در پیش گیرند و خود را از شر آن حیوانات بیرحم نجات بدهند. سگهای درنده اطراف تا نزا تیا همواره سا یر حیوانات آن منطقه را شکار میکنند و اکثر اوقات گله های «زبرا» و دیگر حیوانات از آسیب آنها در امان نمی مانند زیرا بمجردیکه سگهای درنده افریقای سا یر حیوانات را بنگرند به تعقیب آنها می پردا زنده و با لای آنها حمله می نمایند و تا لحظاتی که آنها را از پا نیندا زنده آرام نمی گیرند.



سگهای شیر خور جلگه های سبز در حالیکه حیوانی را تعقیب می نماید.

افریقای شمرت زیاد دارند با بیرحمی تمام از گوشت و خون سایر زنده جانها تغذیه و زنده گی می نمایند.

گرگهای افریقای سا یر همان ماه های نخست زندگی و آوان کودکی به صید و شکار عادت پیدا نموده و از مادران شان طرز صید و شکار را می آموزند.

این گرگهای معروف امروز از جمله فعالترین و ظالمترین حیوانات جهان پنداشته میشوند. چندین کیلو متر راه را در یک ساعت طی میکنند و با سرعت عجیبی صید خود را دنبال میکنند و بچنگ می آورند.



سگ های شیر خور بدین گونه سایر حیوانات را از پا می افکند.

ترجمه ی داود زهدی
از: لائف چکو سلواکیا

سگهای شیر خور جلگه های سبز افریقا

در قسمت های بی درخت جلگه های سبز تا نزا تیا، حیوانات وحشی «زبرا» این سو و آن سو، آواره و سرگردان می



یکی از سگهای شیر خور جلگه های سبز نیز میتواند گله ای از حیوانات را دلیرانه تعقیب نماید.

حرارت در قسمت نیم کره شمالی ۴۳ درجه بلندتر نسبت به حالت فعلی بوده درجه حرارت در سردترین ماه سال هیچ وقت کمتر از (۵) درجه سانتی گراد در اروپای شمالی و بایستش از منفی پانزده درجه سانتی گراد در شمال شرق آسیا نبوده است این درجه حرارت بلندتر از درجه حرارت فعلی میباشد.

کیفیت و حالت درجه حرارت موسمی گرم سال در دوره پلیوسین همنوا با تنوعات مختلف کمتر نسبت به حالت فعلی بوده، بسیار بلند بوده است. مخصوصا در خط یا ساحه قطب شمال.

تقسیمات و ترسبات در اروپا و آسیا در دوره پلیوسین تقریبا مانند حالت فعلی بوده واقعا در مسافه های یاساحه های بلندترسبات به مقدار اضافی وجود داشت. این ترسبات میدهد که اقلیم جوی دوره پلیوسین چندان بدنبوده است. تغییر بسیار کم به چنن اقلیم جوی که قرن ها رادر بر میگردد، تقریبا برای تمام مردم و فعالیت های اقتصادی شان خوب است.

بسیار مشکل خواهد بود که محاسبه یا نشان بدهیم که تغییرات جوی که اهمیت اقتصادی رادر قبال دارد. اگر بصورت فوری هم تعقیب گردد، تقریبا چند سده رادر بر میگردد.

ساحه های یخبندان شاید خورد شوند و

می افتد، و همراه با آن مقدار آب تبخیر شده در سطوح سواحل به قاره ها انتقال می یابد.

گرمی عمومی همچنان نتیجه یک تزئید در مقدار ترسب در سطح ابحار و تنقیص در زمین در بالای ساحه های مشخص سطح قاره ها (رأی میدهد. این واقعیت مهم و عمده اهمیت بسیاری در مراحل طبیعی و فعالیت های اقتصادی اشخاص میداست.

احساس خطر در دوره اول گرمی عمومی مبنی بر نهم دار گردیدن خطوط قاره وی زمین بصورت

غیر مقاوم تصور می باشد، وجود دارد. موجودیت خشکی بسیار دوامدار منجر به تقسیم گردیدن مستعمره عاب ساحه های بزرگتر میشود. این واقعه در سال ۱۹۳۰ و ۱۹۷۶-۱۹۷۲، رخداد

که یک خشکی دوام دار یک ساحه کم رادر اروپا، آسیا و امریکای شمالی مشاهده نمودند. تغییر

او ضاع جوی در صفحه اول گرمی عمومی (پیش از ذوب شدن یخبندان های ساحه قطب شمالی) میتواند متکی به تجارب و مشاهدات که توسط واقعیت های تغییرات جوی دوره اخیر تقویه میگردد، باشد. بسیار مشکل است اگر گفته شود که دوره بی یخ به چه شکل

نیز نید در مجموع درجه حرارت
۳۰-۳۵ ۲۰-۲۵ ۱۰-۱۵ ۰-۵
(مقیاسه با ۱۹۶۰)

اگر گرمی تمام کره ادامه پیدا کند، تزئید در درجه حرارت در مساحه ها و ارتفاعات مختلف قابل درک نخواهد بود زیرا اگر سال ۲۰۲۵ مجموع درجه حرارت در نیم کره شمالی تا ۲-۳ درجه سانتی گراد بلند برود، در ساحه های بلند، درجه حرارت تابستان تا ۱۰-۷ مثبت بلند خواهد رفت و درجه حرارت زمستان آن از ۱۰-۵ درجه پائین نخواهد آمد.

چنین تغییرات در رژیم حرارتی یک واقعه در-اماتیک را مخصوصا در مسافه های بلند و پائین در حالت طبیعی نشان میدهد. بسیار دلایل قانع کننده مبنی بر ذوب شدن تمام یخبندانهای دایمی ساحه قطب شمالی وجود دارد که دیگر حتی در زمستان هم یخبند آنها در ساحه، قطب شمال وجود نخواهد داشت.

چطور گرمی عمومی تا ختم قرن بیست ربح اول قرن ۲۱ انکشاف و پیشرفت خواهد کرد.

بصورت آشکارا، این مساله بصورت ناظم یکی پی دیگر تعقیب میگردد البته در ابتدا بصورت آهسته بعدا (در انشای ذوب شدن

تایمه قرن بیستم نظم و ترتیب اقلیم جوی بصورت کامل از زیر اداره انسان و قدرت اقتصادی آنها خارج و بشکل آزاد آن وجود داشت. بعدا به یک تغییر ناگهانی مواجه گردید. احتراق انواع مختلف مواد سوخت بصورت منظم یک تزئید در مقدار ماده مضر کار بن دای اکساید رادر فضا همراه با نتایج تاثیرات گرین هوزویک تزئید در مقدار درجه حرارت سطح زمین را باعث گردید.

در ممالک مختلف محققین، میتودهای مختلف را ترجیح میدهند، تحقیقات میکنند و محاسبه می نمایند تا دریابند که به کدام سرعت کتله کاربن دای اکساید در فضا تزئید می یابد و چطور همین کتله میتواند در سطح روی زمین نفوذ و تماس حاصل نماید. در یافت گردیده است که اگر این کتله کاربن دای اکساید دوچند گردد، بصورت مجموع درجه حرارت طبقه پائین زمین شاید به سه درجه بلند برود. این واقعیت ها امکان آن را میدهد که ما بتوانیم در آینده نزدیک درجه حرارت را بصورت مجموع محاسبه و دریافت نمایم.

طبق محاسبات روی دست داشته یخبندانها قسمت قطب شمال، درجه حرارت آن قسمت را پائین می آورد البته در حدود پنج درجه در تابستان

مترجم غلام معروف

اقلیم آینده چگونه خواهد بود؟

نویسنده داکتر میخائیل بودی کو مبصر عضو اکادمی ساینس اتحاد جماهیر شوروی

خال های یخبندان دایمی ممکن ذوب شوند خطوط طبیعی شاید به ارتفاعات بلند تر یا در نظر داشت تغییرات در میتود های زراعت و شعبات یا شاخه های دیگر اقتصادی تقسیم شوند. گرمی عمومی همنوا و برابری سواحل جهان را چطور متأثیر ساخته میتواند؟

بصورت عموم تعهد گردیده است که ذوب شدن لایه های سواحل یخبندان ساحه قطب شمال (اگر در گرین لند و، ناهنوز قابل اهمیت است، بزرگترین قله های یخبندان آنتارکتیک سرچپه یا سرنگون شده و یا اگر بصورت آهسته ذوب گردد) شاید بصورت عملی نشان داده شود که هیچ تأثیر سبب بالایی نظم همنوا و برابری سواحل جهان ندارد. با آنهم طبق نظر یک درین اواخر پختی گردیده، قسمت دفاعی یخبندانهای غربی آنتارکتیک قابل تغییراند و شاید بصورت بارجه خرد البته در چند سده تقسیم گردند

(در موجودیت گرمی عمومی بصورت فوری). این تغییر در حدود پنج متر سطح ابحار را بلند تر خواهد ساخت.

چنین نوع معلومات ها در باره اقلیم جوی آینده توسط ساینس دانان اتحاد شوروی بقیه در صفحه ۵۲

خواهد بود. اقلیم یا اوضاع جوی از حالت فعلی بسیار متغیر خواهد بود.

بصورت آشکارا و قتیکه یخبندان های دایمی ساحه قطب شمال نابود شوند و قله های بزرگ یخ ادامه خواهند داشت (انهای که در گرین لند و آنتارکتیک هستند) یک اقلیم مشابه دوره تروری (پلیوسین) در سیهاره ما جایزین خواهد شد. در شروع دوره پلیوسین (تقریبا دو تا هفت میلیون سال قبل) ساختمان و موقعیت قاره زمین و سواحل آن عینا مانند شکل فعلی بوده. این دوره توسط قله های بزرگ یخبندان دوره آنتارکتیک اشاره گردیده است، همچنان ساختمان آن مقدار آن بسیار کوچک نسبت به حالت فعلی بوده و هیچ یخبندانهای ساحه سواحل قطب شمالی وجود نداشت.

تضاد ریشه پی در بین حالت دوره پلیوسین و زمان فعلی ما موجودیت مقدار عظیم کاربن دای اکساید در فضا و هم چنان فکتور که تاثیرات گرین هوز را نشان ویا و نموده ساخته است، می باشد. واقعیت های پلیو کلاستیک نشان میدهد که در وسط دوره پلیوسین مجموع درجه

قسمت اعظم سواحل یخبندانها) بسیار به زودی صورت میگردد و بعدا و قتیکه سرعت گرم شدن بصورت عمومی خود بخود به شکل آزاد عرش وجود نماید دوباره آزاد گردیده البته تا پیشرفت و تزئید کتله کاربن دای-اکساید مرحل دوباره بطی میگردد.

در آینده نزدیک این حادثه یک تغییر فوری رادر این رژیم حرارتی می آورد. در نتیجه گرمی عمومی منجر به تبخیر عظیم آب از سطح تمام سواحل و تزئید در مقدار یا مجموع مواد جامد در سطح زمین میگردد. طبق احصائیه های دست داشته تزئید در کتله کاربن دای اکساید در فضا باعث تزئید در مقدار مجموعی تبخیر و ترسب میگردد.

گرمی عمومی یک تاثیر رادر قسمت تقسیم و ترسب نشان میدهد. مقدار آن در مسافه ها و ارتفاعات متوسط خرد و کوچک میگردد. در انشای گرمی عمومی، که قبلا اشاره گردیده، درجه حرارت در مسافه های بلند نسبت به مسافه های پائین بلند می رود تفاوت در درجه حرارت در بین مسافه یاساحه های بلند و پائین تنقیص میابد، دوران بسیار قوی اتموسفر پائین

و ۲۰ درجه در زمستان، حالت یخبندانها به تشعشع قوی و همچنان بدرجه حرارت فضا دلا موسمی گرم و سرد سال ارتباط میگردد. معلومات در قسمت تغییر ناگهانی درجه حرارت مخصوصا در وقت گرمی یا گرم شدن نیم کره بصورت واضح ماراکمک می نماید. یخبندان های دایمی ساحه مرکزی قطب شمال در ابتداء یا اوایل زمستان کاهش می یابد و بعدا بصورت مکمل از این حالت خود گذشته و ذوب میگردد. ساینس دانان معتقداند که یخبندان های ساحه قطب شمالی و قتیکه درجه حرارت نیم کره شمالی بصورت کامل به دو درجه بلند برود کاملا ذوب میگردد.

نظریه جدول دست داشته ذیل ساحه یخبندانها در ساحل قطب شمال در سال ۲۰۰۰ کاملا برهم خورده خرد میشوند بعدا آن قسمت در سال ۲۰۲۵ کاملا ذوب میگردد. تغییر در غلظت کاربن دای اکساید و درجه حرارت فضا:

غلظت کاربن دای اکساید	۲۰۲۵	۲۰۰۰	۱۹۷۴ سال
۰.۰۶۴-۰.۰۵۲	۰.۰۴۸-۰.۰۳۸	۰.۰۳۳	

(فیصدی حجم و اتموسفر)

نرسند کسی ترستی

طغیان نیکیتا

مترجم: دکتر ضیاء بشرل

فلیم را با چار تیغش دادم و او مرا یک دست بند داد. بعدتر ترانشان خواهم داد.

نیکیتا از بسترش برخاست و به آهستگی به لباس پوشیدن آغاز نمود.

«ومن دکتری ماکاروف را با یک دستم بلند کرده می توانم».

وکتور با صداییکه لرزان بود غریب اما فهمیده می شد که او قبلا تسلیم شده بود. نیکیتا به بغاری دیواری نزدیک شد بدون اینکه از دست هایش کمک گیرد یک پایش را بلند کرد و پایای دیگرش بر زمین خیز زد.

«اگر پاهایت را سرعت کافی حرکت داده توانی خواهی پرید». او در حالیکه با توجه بسوی وکتور می دید گفت:

«مشکل نیست، عده زیادی در صنف ما می توانند بپرند».

بچه ها لباس هایشان را پوشیدند و باطاق نان رفتند که در آنجا بوی نان گرم و نان شیرین استشمام می شد و از سمارواریکه جلادار بود بخار پهبابالامی شد و بطرف سقف می رفت، طوریکه کلکین هارا بخار گرفته بود مامی، ارکادی و دختر دبروز، لیلی- جوانک نه ساله و خواهر وکتور، دور میز نشسته بودند، از اطاق مجاور صدای بم آسای انابولوسونا شنیده می شد:

«لطفا یک دستمال بدهید».

لیلیا یک نیم تنه سفید، با کمربند آبی کمال که برتن داشت و یک بورکر بندش نصب بود و هم در موهای مجعدش یک بوی دیگری که آنهم رنگ آبی کمال داشت شکل پروانه دیده می شد.

نیکیتا نزدش رفت و باو احترام کرد. لیلیا برچوکی اش تور خورد، دستش را دراز کرد و با جدیت گفت:

«صحت خوش، پسر!»

نزدیک بیا نید، از ما سرما و ریزش خواهد گرفت، باید بگویم که جاده های شما خیلی گنده اند. این صدای انا ابولوسونا خواهر خوانده مامی بود که در سامارا زندگی می کرد، مامی دخترک خواب رفته را از گادی ران گرفت، روپوش پوستی اش را برداشت از زیر آن زلفان طلایی و درخشان نمایان گشت و آنرا پوشید و گفت:

«لیلیچکا! رسیدی؟»

دخترک آهی کشید، چشم های بزرگ آبی اش را باز کرد و موقعی که بیدار شد بار دیگر آهی کشید.

وکتور و لیلیا...

نیکیتا و وکتور پسر انا ابولوسونا فردا صبح هردو - در اطاق نیکیتا از خواب بیدار شدند در حالیکه بر روی بسترشان نشسته بودند با برو های کشیده بسوی عمد یگر می دیدند.

«من شما را بیدار آوردم» نیکیتا گفت.

«من هم شما را خیلی خوب بیدار دارم» وکتور بصورت فوری جواب داد - «زمانی شما به سامارا آمدید تانارا ببینید آنقدر مرغابی خورده که خودت بالتهاب روده ها دچار شدی».

این را بیدار ندارم. نیکیتا گفت.

«امان بیدارم» وکتور جواب داد:

«من هم آرام نشستم و کتور بیاگانه فازه کشید».

«من یک معلم خصوصی دارم - ارکادی ابوا نوویچ! نیکیتا مغرورانه گفت:

«او بسیار گیر است - او مرا علم می آموزاند - او هر نوع کتابی را در مدت نیم ساعت می خواند».

وکتور خنده استیزا آمیزی کرد:

«من به چمنایوم می روم، صنف دوم - آنها آنقدر جلدی اند که مرا تمام وقت بدون نان چاشت نگه می دارند».

«پس چه؟» نیکیتا گفت:

«این معنی دارد. اینکه اگر بخواهم یکپزار روز هم بدون صرف نان دوام داده می توانم».

«هو!» نیکیتا گفت - «آیا ماهی با یسن کار مبادرت نموده ای؟»

«من به این کار اقدام نکرده ام، صادر مرا اجازه نمی دهد».

نیکیتا فازه کشید و دراز افتاد.

«برپرواز من سیتوبکارا شکست دادم».

«سیتوبکارا کرونشکین کیست؟»

«فوی ترین پنجه درده: او را چنان بسک غریب زدم که بر زمین افتاد. من باو جاقوی

شد و بعدا با آواز ضعیف خواست تا آب به آن علاوه شود.

«آیا تو خواهرم را دوست داری؟» در حالیکه نیکیتا را بازانویش شور می داد به آهستگی گفت: نیکیتا جوابی نداد اما تنها سرخ شد.

«تویا او محتاط باش» وکتور به آهستگی ادامه داد، «لنک همیشه بهادر شکا بست میکند».

در عین زمان لیلیا چایش را تمام کرد، دهانش را با دستمال کاغذی پاک کرد و ز چوکی اش پایین شد - او پیش الکراندز - لیوتیفنا رفت.

«خاله جان، تشکر...» او این جمله را با کمال احترام گفت. بعدا به کلکین رفت، در یک چوکی کلان بازو دار نشست، یک قطی سوزن و تار را از کدام جایی گرفت و بدوختن شروع کرد.

افکار نیکیتا نامیدانه پسراننده بود - او خواست به وکتور نشان دهد که چطور از پشت یک چوکی خیز بزند. اما لیلیا رویش را دور نداد - مادر گفت:

«بچه ها! اگر می خواهید غل مغال نمایید لطفا به خیابان بروید».

بچه ها لباس پوشیدند و بیرون شدند - این یک روز غبار آلود و گرم بود - آفتاب گلگون بالای طبقات دراز توده های ابر، که مانند خیابان هاه پرری معلوم می شد سماع خود را می تابید - بونه های ملام که با تنیم پخته پوشیده بودند در باغ نظربایی داشتند - معمولا خاموشی همه جارا فرا گرفته بود - یگانه صداییکه بگوش می رسید صدای دوست بود: شاروک و کاتوک، که نزدیک دالان عقبی کنار هم ایستاده بودند، سرشان بطرف یکدیگر دور می خورد و عو می کردند، ناگاه خاموش شدند و هر طرف می دویدند تا زمانی که یکی از کارگران آمد و دستکش خود را بسوی شان برتاب کرد.

بعدا با غضب سرفه کردند، به پای عقبی شان ایستادند و ناوقتی جنگیدند که یکدیگر را زخمی ساختند، از سنگ های دیگر می - ترسیدند و گدا هارابدمی دیدند و شب هنگام در عوض اینکه از خانه نگهبانی کنند در گاراج می خوابیدند.

«چه میکنی؟» وکتور پرسید:

نیکیتا بسوی یک زاغ ناراضی دید که از انبار غلف بالای طویله پرواز کرد - نیکیتا نمی خواست بازی کند و غمگین بود. او می خواست پیشنهاد کند که باطاق پذیرایی بروند و چیزی بخوانند، اما وکتور گفت:

«هو، من فهمیدم که توتنها با دخترها می توانی بازی کنی».

«چرا؟» نیکیتا، در حالیکه سرخ شده - بود پرسید.

«زیرا - تو خودت میدانی که چرا؟»

«تو مرا آذاردند، نمیدانم راجع به چه گپ می زنی، بیاکه بسوی چاه برویم».

بچه ها طرف چاه رفتند در مسافه دورتر، ملیشکا کوربا یک چوب را می شکستند - «بیان، بیان» اودفتا صدا کرد «بین نیکیتا»

نیکیتا به غشش دید آنجا یک مامور خاکی رنگک باشاخ های کوتاه خود بطرف بچه ها می دوید در حالیکه موهای مجعد بر پیشانی او ریخته بود.

«مع-ع-ع-ع» بیان بصورت متناوب می غرید و دمش را به پهلوهایش جاروب می کرد.

«وکتور بدو!» نیکیتا فریاد زد و او را از آستین هایش گرفت و بطرف خانه دوید.

«گادودان دوان در عقب بچه هارفت» «مع-ع-ع»

وکتور به عقب دید، چیخ زد و در برف افتاد و سرش را با بازوهایش پوشید، بیان از او بیشتر از پنج قد فاصله نداشت - نیکیتا ایستاد - ناگهان از قهر یک تکه آتش شد، کلاهش را کشیده بسوی گادودید و درویش بزدن آغاز کرد.

«دور شو، دور شو!»

گادوخاموش ایستاد و شاخ هایش را پایین آورد - ملیشکا کوربا شونوک که چوب می شکستند از آنسو دوید - بیان به آهستگی ام بیع کرد، دور خورد و بطرف چاه رفت، لب های نیکیتا از هیجان می لرزید - کلاهش را بر سر کرد و دور خورد و وکتور نزدیک خانه رسیده بود و از آنجا با دستش به او اشاره کرد.....

نیکیتا تصادفا بطرف کلکین به بالادید، از دالان کلکین سوم سمت چپ، دو چشم آبی حیران کننده توجه آنرا بخود جلب کرد، این لیلیا بود که بسوی نیکیتا می دید و ناگهان خندید، ناگهان بعقب بر گشت و باخشنودی فریاد زد:

«وکتور، بیاکه از تبه پایین شو یم، عجله کن».

تاوقت نان چاشت آنها را تبه هارا مرور کردند، می خندیدند و جست و خیز میزدند. نیکیتا دردل خود سودای دیگری داشت باخود می گفت:

«توفیکه خاله پروم واز برابر کلکین بگذرم، آیا بالا بطرف او بینم ویا اینکه بسبب دیگری متوجه شوم؟» مقصودش لیلیای جوان و زیبا بود..... «نی، هرگز من بسوی او نخواهم دید».

صندوق درخت عید مسیح...

دروقت نان چاشت، نیکیتا کوشید بسوی لیلیانه بند و اگر هم می خواست به بند موفق شده نمی توانست زیرا - انابولوسونا بیسن او و آن دختر دگر با باجاکت سرخ مخملی اش حایل بود، در حالیکه بازوهای راحرکت می داد با صدای عمیق چنان بلند حرف می زد که تمام اشیای شیشه ای که تحت چراغ قرار داشت جرنگ جرنگ می کردند.

«نی، نی، الکراندرا لیوتیفنا» او گفت، «بست را در خانه تدریس کن... زیرا در ورزشگاه چنان بی نظمی نفرت آوری وجود دارد که آمر شان را با دست های خود می توانی بگیرم و یکطرف یرتاب کنم... وکتور».

او ناگهان گفت: «تو باید به چیزها بیکه مادت راجع به بزرگان چیزی می گوید توجه کنی و به آمرین خود احترام بگذاری».

ژوندون

معلمین ما، الکزاندرالیوتینا، احق هائی
ذبحت اند. هر یکی آنها از دیگری احق
تراند، و معلم جغرافیای آنها؟ وکتور! نام
او چیست؟!
«سینشکن»

«برایت گفته ام که سینشکن نیست بلکه
سینیا فکین است. این معلم آنقدر احمق
است که یک روز در دهلیز، بعد از اینکه
بازا ملاقات کرد و مصاحبه نمود، عوس اینکه
کلاهش را بر سر بگذارد او پیشی مرا که
بالای چوکی خوابیده بود برداشت و بر سر
گذاشت...»

وکتور: تو چرا این چاقو و پنجه را در
دست گرفته ای؟ چه چه نکن چوکیات
را میززد یک کن ... چه می خواستم بشما
بگویم، الکزاندرالیوتینا! اوه، بلی، من یک
خریطة پراز اشیای اضافی و ملحقات (درخت
عید) را با خود آورده ام ... فردا باید ما
بچه هارا مصروف چسباندن آنها نماییم ...

«من فکر می کنم که آنها باید همین
امروز شروع کنند،» مامی گفت: «ورنه
آنها آماده نخواهند شد.»

«خوب، همانطور که می دانی اجزای آن کن.
من می خواهم مکانی بنویسم، تشکر رفیق!
از نان چاشت.»

انا ایولو سوفنا لب های خود را با دستمال
کاغذی پاک کرد، چوکی اش را حرکت داد
و باطاق خوابش بزم نوشتن نامه ها رفت،
اما لحظه بعد فتر های چیرکت چنان بشدت
صدا کرد که گویی فیل بران بالا شده،
بعد از اینکه سر میزی میزکلان پاک شد، مامی
چار جوهر قیچی آورد و به تهیه کردن
(سریش) پرداخت، او (سریش) را چنین
تهیه کرد: از صندوقچه که در کنج خانه
گذاشته شده بود و اویز فامیلی در آن نگهداری
می شد یک مرتبان نشایسته بیرون کرد
و با اندازه یک قاشق جای نشایسته در یک
شیشه ریخت، دو قاشق آب سرد هم در آن
ریخت و آن را خوب شورداد تا سریشناک
شود، بعدا او آب جوش از سماوار در آن
ریخت و تا وقتی آن را شورداد که به جلی
ساف مبدل گشت و از آن یک سریش بسیار
عالی بدست آمد.

بچه ها خریطه چرمی انا ایولو سوفنارا
آوردند و بر میز گذاشتند، مامی آنرا باز
کرد و محتویات آنرا بر روی میز ریخت:
ورقه های کاغذ طلائی، نازک و گلداز، ورقه
های قره، آبی، سبز، نارنجی، تخته های
برستول، قلی های شمع و شمع دان های
درخت عید، قلی های ماهی های طلائی، و
خروسک های رنگه، قلی های پر از توپ
های شیشه ای میان خالی که در تار آویخته
بودند، قلی هاداری توپ های شیشه ای که
چنگک های قره یی با خود داشتند و یک تعداد
قلی های دیگری که در میان آن قیته های
طلائی و قره ای پراز زرق و برق دیده میشد
و فانوس هاییکه دارای کلکین ها بوده و از
شیشه های معدنی ساخته شده بودند و یک
ستاره بزرگ در آن نصب بود و هم یک عدد
قلی های کاغذی مدور معطر که باکتری نبودن
عطر از خود بخش میکرد در بین آن خریطه چرمی

جسای داشت، اطفال بادیدن سر شی
جدید از خوشی فریاد می کشیدند و حیر
می زدند

«چیز های خوب دیگری نیز هست ... مامی
گفت و دستش را در خریطه فرو می برد.
اما تمام آنها را فعلا بیرون نمی آوریم.
بیاید که به سریش کردن شروع کنیم.
وکتور بساختن زنجیر عا پرداخت، نیکیتا
کاغذ های مخروطی برای شیرینی تهیه نمود
در حالیکه مامی شخصا کاغذ و مقوا را می برید.
«خاله زاشما، اجازه دارم صندوق کوچکی
بسازم؟» لیلیا احترام کاراله پرسید:

«عزیزم! هر چه دلت می خواهد بساز.»
اطفال در خاموشی شروع به کار کردند،
از بینی های شان نفس های عمیقی کشیده
و دست های نشایسته آلود شان را در لباس
های شان خشک می کردند، در حالیکه همه
مصروف کار بودند مامی گفت که (در زمانه
های قدیم مواد زینتی برای (درخت عید)
وجود نداشت و همه چیز را مجبور بودند با
دست شان بسازند، بعضی ها بسیار ماهر
بودند و آنها یک قصر کامل را با برج های
آن وزینه های پیچایی ویل های متحرک می
ساختند، من خودم آنها را دیده ام.)

لیلیا در حالیکه مصروف کار بود با خاموشی
گوش می داد و سخنان مامی را می شنید.
گاه گاه با توك زبانش خود را کمک می کرد.
نیکیتا کاغذ های مخروطی اش را برداشت
و بطرف او دید، مامی درین لحظه بیرون رفته
بود، و وکتور تقریباً ده متر زنجیر های کاغذی
را که از رنگ های مختلف تهیه شده بود
بر چوکی ها آویخته بود.

نیکیتا پرسید: «خودت جی می سازی؟»
بدون اینکه لیلیا سرش را بالا کند تبسم
کرد و یک ستاره را از کاغذ طلائی برید و
آنرا بر سر پوش آبی صندوقچه نصب
کرد.

«برای چه این بکس را جور می کنی؟»
نیکیتا به نرمی پرسید:
«صندوقچه برای دستکش های گودی
هست؟» لیلیا با جدیت جواب داد: «تویک
بچه هستی و اینطور چیز های را نمی دانی.»
اوسرش را با لاکرد و با چشمان آبی اش
بسوی نیکیتا دید. او سرخ شد، سرخ و
داغ تر شد تا وقتی که سرایش مانند گسل
قرمز گردید.

تو چند سرخ هستی؟ لیلیا گفت:
«مانند یک لیلو...»

او دوباره بر صندوقچه اش خمید، در
چهره اش یک تبسم شیطنت آمیزی نمایان
بود.

نیکیتا چنان نشسته بود که گویی بر چوکی
سریش شده باشد. او نمی توانست چیزی
دیگری بگوید و هر قدر که کوشید اطاق را
ترک گفته نتوانست. دختر او را مسخره می
کرد اما او نرنجید و قهر نبود تنها با و خیره
شده بود. ناگهان لیلیا دو باره با او حرف
زد. این بار با آواز متفاوت و بدون اینکه
چشمانش را بالا نماید، چنانکه رازی میان
هر دو وجود داشته باشد.

«صندوقچه را دوست داری؟» او گفت:
«بلی از او خوشم می آید،» نیکیتا جواب داد.
من هم دوستش دارم، بسیار خوشم می
آید، او گفت: در حالیکه سر خود را به

جلو و عقب حرکت می داد و پوزلف هایش در
اهزاز بود ... اومی خواست چیزی اضافه کند
اما وکتور آمد و بین نیکیتا و لیلیا مخیل
واقع شد.

«کدام صندوق، کجاست صندوق؟» او
پرسید «هر چند یکم می خواهی برایت
می سازم.»

«وکتور، جریان راه مامی خواهم گفت که
نومراره کارم نمی گذاری،» لیلیا با آواز
لرزان گفت: او کاغذ و سریش خود را گرفته
بگوشه دیگر میز رفت.

وکتور به نیکیتا چشمک زد.
من ترا کفتم که باید با او محتاط باشی،
اوه چه چیز را برای ما در می گوید.

تاوقت همان شب، هنگامیکه آنها در بستر،
در اطاق تاریک دراز کشیدند نیکیتا در حالیکه
روپوش بر سرش بود، با آواز بلند از زیر
روپوش بسخن گفتن پرداخت.

«وکتور، آیا خوابیده ای؟»
«ناحال نی ... من نمی دانم چه؟»
«گوش کن وکتور! من باید یک
راز بزرگ را بتو بگویم ... وکتور
نخواب وکتور گوش کن ...»
جواب داد:

پیشکش عجیب و مرموز ...
همینکه روز شد نیکیتا دید شخصی در
بخاری ها مصروف کار است بعدا یک دروازه
در آخر راه رو با صدا بسته شد.

آن شخص بود که از بخاری ها و ارسسی
می کرد و دسته های چوب سوخت را با پارچه
های کود حیوانی می آورد. نیکیتا با یک دل

خوش بیدار شد، صبح درخشان و سرخ بود.
کلکین هارا - بختندان بایک منظره قشنگ
گلداز پوشانیده بود - وکتور هنوز هم در
خواب بود - نیکیتا پشتری را بسویش انداخت
اما او تنها ناله کرد و رو جایی را بر سر خود
کشید - نیکیتا بزودی از بستر برخاست،
لباس پوشید و در تشویش بود که کجا برود؟
تا نخست نزد ارکادی رفت.

ارکادی ایوانوویچ بیدار شده بود و همان
نامه ای را که زیاده از سی بار مطالعه کرده
بود باز می خواند - و قشنگه چشمش به نیکیتا
افتاد پاهایش را بارو جایی بر سرش بالا برد
و بشدت بر چیرکت کوبید و گفت:

«چطور غیر معمول؟» او صدا زد، «تا اولین
کسی هستی که بیدار شده ای!»

«ارکادی! امروز بسیار روز خوبی است.»
نیکیتا گفت.

«بلی بسم، این روز خوبی است ...»
«ارکادی! چیزی را می خواهم از شما
پرسیم ...» نیکیتا انگشتش را با امتداد دروازه
حرکت داد.

«آیا شما بایکن ها را بسیار زیاد دوست
دارید؟»

«مقصودت کدام یک از بایکن هاست؟»
«اطفال را ...»

«کدام یک از اطفال را می خواهی دوست داشته
باشم؟»

باینکه ارکادی ایوانوویچ این جمله را با

صدای عادی گفت اما سرعت گفت - او آنج
هایش را برهنکا گذاشت و بدون خنده متوجه
نیکیتا شد. این حقیقت دارد، اما با توجه
نام. معلوم بود که او همه چیز را می دانست
نیکیتا آنرا دور خورد و بدویدن از اطاق خارج
گردید، کمی تامل کرد و سپس بهو یلسی
رفت.

ستون های دود آبی از خانه کارگران،
از حمام که در راهرو آب واقع بود بالای می شد.
شب هنگام: شبنم یخ زده بر درخت ها هنوز
هم ضخیم تر شده بود و شاخچه های بید که
بر کنار حوض روئیده بودند از وزن برفی
مانند (مجنون بید) خمیده شده بودند. برف
چلا داشت و سرخی پنبه اش را می گزید ...
بر توده خاکستر که هنوز هم بصورت خفیف
دود از آن بالا می شد شاروک و کاتوک، آن دو
سگ بر یکدیگر می غریزند ملیتکا کور با
شونوک باعصای ضخیم خود خیزان و غلطان بر
روی برف مستیما بسوی نیکیتا آمد - او یک
نوع بازی عاکی را با توپ های برفی بازی می
کرد. در همین لحظه یک قطار تخته های برفی
که توسط اسب ها کشیده می شد از جانب
راست ده پدیدار گشت، یک یک از مجرای
آب گذشتند، این سو و آنسو در مقابل
برف می چنیدند، از تالاب پائین بطرف بند
عبور کردند.

ملیتکا کوریا با انگشت کلان دستکش
خود بینی اش را فشار داد.
«تخته برفی ها این است که از شهر با تخته
ها باز گشتند.» او گفت.

تخته برفی ها از زیر کمان های بید پر
برف در حال عبور بودند و بچه ها آواز می ده
شدن برف و اشلاق های رانندگان تخته برفی
ها و تنفس عمیق اسب ها را می توانستند
بشنوند.

اولین شخصی که طور معمول، قطار تخته
برفی ها را راهنمایی می کرد و به خیابان داخل
شد کارگر سال خورده بود که بر یک
مادیان سرخ بزرگ «وستانام» سوار بود
این کارگر پیر در کنار تخته برفی ها پایوت
های نمادی اش بسوی تاراه می رفت، پوستینی
بر تن داشت، یخن پشمی اش بطرف بالا دور
خورده بود، کلاه و ریشش از یخ سفید تر
بود - وستا با مادیان او سراپا در عرق تر
شده بود - کارگر سال خورده درینوقت با
آواز بلندی گفت:

«هی، بسوی طویله ها دور بخورید و تخته
برفی آخری باید داخل خاله شود.»

قطار از شانزده تخته برفی ترتیب یافته بود،
اسب ها با هوشیاری و متانت آنها را می کشیدند.
بوی عرق اسب بشام می رسید - صدای
شلاق ها شنیده می شد، زمانیکه آخرین
تخته برفی از بندعبور کرد نیکیتا نمی توانست
در اول بشنید که بر آن چه قرار دارد. چیز
عجیبی بود - کلان و سبز و یک نوار سرخ داشت
شریه های قلب نیکیتا سریعتر شد بر تخته برفی،
یک کشنی دو چمچه بی بانولا عای
تیز می چنید و آواز می کشید در پهلوی کشنی
دو چمچه سبز و یک دیرک که یک قبه می در
آخر خود داشت بنظر می رسید. پس همین
بود تخته ای که نام آموزش و عده داده
بود ...

تا تمام

مردم انقلاب بی‌وزحمتکشی افغان-
نستان با در نظر داشت گذاشته
های تلخ و پر ز درد یکه از طرف
سلطنت، عمال آن و طبقات جا کمه‌ای
مر تجسج برا یشان تحمیل شده است
حالا دیگر کا ملا درك کرده اند که
نباید آزموده هارا آزمود و درمقا بدل
دولت، حزب و انقلاب بلا تقاوت
نشست و دست روی دست گذاشت.
انسان رنجبر و انقلاب بی این وطن
می داند که امروز ما مور به انجسام
رسا نیدن رسالت تاریخی خود
است این آرمان يك آرمان بحق و روا
می باشد. این آرمان آئینه دار آینده
تابناك انسان امیدوار و زحمتکش این
سر زمین است این آرمان دیگر آسوده

بد بختی و غل و زنجیر را پنهان کرده
بود و می کرد استعمال می نمود برای
آن نبود که وی معتقد به آن بود و یا از دل
و جان در راه تحقق آن مبادا رزه می
کرد بلکه بر عکس با داران امیر-
یالیستی او برای بد نام ساختن و
قلب جلوه دادن آن واژه به این-
نوکر خود یعنی امین دستور می داد
که در پشت تربیوی ها، بیا نیسه
خود را لفظا يك انقلاب بی پرو پا-
قرص معرفی نماید ولی در اصل
عمل خود خلق را از همه انواع و
امکانات زنندگی محروم سازد مملکت
را به يك وحشتگاه بی نظیر تبدیل
نماید تا با این اعمال خود دو خدمت
عمده به بادار ادا کرده باشد یکی

کننده ی سر نو شت خویش، خود
شان هستند. اینك افغانستان وطن
عزیز ما، مردم شریف و آزا دی پسند
مابا پیروزی قیام ششم جدی وارد
مرحله ی نوینی شده اند و انقلاب ثور
نیز وارد مرحله ی تکاملی و نوین
خود شده است هیچ نیرویی و هیچ
کسی نمی تواند بر مردم شریف
و بلاکشیده ی ما بتازد و بنا حق آنها
را بیازارد هیچکس حق ندارد که
با اعتقادات مذهبی مردم مایخیره
سرانه برخورد نماید و یا آنرا تجدید
نماید.

آری انقلاب ثور با داخل شدن
بمرحله نوین و تکاملی خود همه
روزنه های امیدو آرا می و آزا دی را
بروی خلق ما کشود و با اطمینان
گفته میتوانیم: با وجود آنکه کشور
و مردم ما مراحل بسیار وحشتباری
را پشت سر گذاشته اند. حکمرانی
ناذر و دود ما نش و مظالم و سیاه-
کاری های امین و باندها و ش. و لسی
با این همه امید و آرزوی کامل موجود
است که خلق ما از این همه مشکلات
ناشی از این حکمرانی های سفاکانه
از سر راه پیروزی خود دور خواهند
گردیده سر منزل مقصود خواهند
رسید. چنانچه درین مورد ببرك-

کارمل منشی عمومی کمیته ی مرکزی
حزب دموکراتیک خلق افغانستان،
رئیس شو رای انقلابی و صدر اعظم
جمهوری دموکراتیک افغانستان
طی بیانیه ی ملی و تاریخی خویش که
بتاریخ ششم جدی انتشار یافت
منجمله چنین می فرماید: «اکنون ما
ایمان راسخ داریم که انقلاب ما از
عهده ی دشوار یهای عظیم فعلی بر
خواهد آمد. تا ریش مردم ما درین
لحظات یکی از بزرگترین و شکست
انگیزترین چرخشی را انجام میدهد
که برای احراز آزا دی و زندگی
مستقل مردم ما اهمیت عظیم و بسی
پایان دارد. این چرخشی است از
ظلم و وحشت بسوی خوشبختی،
کار و زندگی صلح آمیز، این-
چرخشی است از مصائب و آلام بسی
پایان. از استبداد ستمگران درنده
خوی و استثمارگران خون خوار، از
جامعه ی مصیبت زده ی طراز استبداد
آسیایی، بسوی آینده ی تابناک دمو-
کراسی و واقعی، آزا دی و برابری،
ترقی و عدالت و ایجاد جامعه ی واقعا
دموکراتیک، چرخشی است از جنگ
و نفاق داخلی بسوی صلح، بسوی
اعتدالی و وحدت ملی و برابری ملیت

خاطر ساختن مشتی مفت خواری
استثمار گر نه، بلکه آرمان همه ی
کسانی است که به سرنوشت خود،
وطن خود و مردم خود علاقمند است.
مردم وطن ما دیگر اینك به نیکی درك
کرده اند که پیروزی و سر بلندی
نظام نوین کشور پیروزی و سر-
بلندی آنهاست.
اگر در گذشته ی نه چندان دور
امین این فرزند دلبند امیر یالیزم
امریکا، امید مردم ما را با اعمال سفاکانه
و بی بند بار خود به یاس تبدیل
نموده بود. اگر امین این-
حافظ منافع امیر یا لیزم و ارتجاع،
توطئه آمیز انقلاب را ماست ما لسی
نمود و چون طوطی دست پرورده
دشمنان وطن و مردم ما یعنی امیر یا-
لیزم امریکا واژه های علما پس-
مفهوم و پند یافته شده را بیجا و بی
مورد و در خالیکه در پشت این الفاظ
مکر، حيله، ترور، اختناق، مصیبت و

قلب و بد نام ساختن ایده های
مترقی و انقلابی و دیگری منسوب
و سرکوب ساختن مردم افغانستان
تا از مبادا رزات ضد امیر یا لیستی
و ضد ارتجاعی بازمانند و این دو
غول همچنان به تبیهکا ریه و مظالم
خود دوام دهند.
ولی همه نظر ریکه دیدیم این-
نقشه های شوم و آژمندانه ی امیر یا-
لیزم و ارتجاع به ارا دهی مردم آزاده
و سر بلند افغانستان نقش بر آب
شد و با یورش بی نظیری که از طرف
اردوی آزا دی بخش افغانستان به
تاریخ ششم جدی پنجوا و هشت
صورت گرفت امین و باندها و ش. و لسی
غلام منشی وی به زباله دان تاریخ
سپرده شدند و مردم ما شانه های
خود را از زیر بار گران سلطه ی
امین و امینی های جنایت پیشه سبک
کردند.
اینك مردم ما دیگر آزاد و تعیین

ها، اقوام و صبا حبان مژدا ه-
مختلف خلقهای ما، اعم از پښتون،
تاجک، هزاره، ازبك، ترکمن،
بلوچ، نورستانی و غیره و مژدا هب
ما، اعم از اهل تسنن و تشیع و دیگر
مژدا هب و قبا یل دلیر ما

به همین اساس است که نسل
امروز ما باید سازندگان آگاه زمان
آینده باشند و نگذارند که دشمنان
مردم، انقلاب و وطن ما که ناجو-
انمر دانه در کمین توطئه و دسیسه
نشسته اند این آئینه را مکرر سازد
و فردای پیروزی و بهزیستی ما را
اخلال نماید.

بلی حالا که مرحله ی نوین
انقلاب شکوهمند ثور ما را به
آینده به فردای تابناک و امیدبخش
امیدوار و مطمئن ساخته است
دشمنان رنگارنگ مردم، انقلاب و
وطن ما با حیل و نیرنگ های گوناگون
توطئه و دسیسه می کنند و می خوا-
هند که فضای صلح و آرامش مردم
ما را با اخلال گر یها، چور و چپاول،
کار شکنی ها و ایجاد ترس و وحشت
بر هم زنند تا با این اعمال خود از

گل آلود ساختن آب ما می بگیرد.
چنانچه حادثه اسفناك و تار آور
روز های سوم و چهارم خوت بیا نگر
این حقیقت است که دشمنان وطن
و انقلاب ما سخت در این کوشش
است تا مانع رشد و صلح-
آمیز جامعه و مردم ما شودند. این
دشمنان سوگند خورده ی خلق ما
یکبار دیگر در عمل نشان دادند که
برای رسیدن به اهداف شوم و کثیف
خود از وسایل شوم و کثیف استفاده
می کنند.

همه مردم وطن ما بخصوص
باشندگان و همشهریان کابل به
خوبی شاهد تبیهکا ریه و اخلال
گر یهای دشمنان انقلاب نجات بخش
ثور بودند، آنها دیدند که چگونه
این او با شان حتی از کشت و کشتار
مردم بی گناه و شریف و حتی اطفال
صغیر و معصوم دریغ نکردند و
خوشنماتر اینکه برای پیاده ساختن
این اعمال خود به اغوا و فریب
هموطنان ساده ی ما پرداختند و به
گفته ی خود این اخلالگران، ایشان
اطفال را بزور وادار می ساختند تا
در جلو صفوف شان قرار گیرند و به
اعمال دهشت افگنی دست بزنند.

بقیه در صفحه ۵۳

ویتامین ها

... تنها با خوردن ویتامین ها، زندگی را نمیتوان پیش برد

اگر میخواهید زیاد عمر کنید و همیشه جوان بمانید، ویتامین ب را در برنامه غذایی تان جا بدهید.

کمبود ویتامین (ب) در بدن باعث ناتوانی و بیخوابی و تنگی نفس و وزن در اطفال میگردد...

و موجب به تعویق افتادن نوپایی جسمانی تا توانی و بیخوابی تنگی نفس و اطفال میگردد. غذای های که این ویتامین را در خود دارند عبارتند از: جگر، تخم مرغ، کاهو، ماهی گندم و شیر.

ویتامین ۱۲: منابع مهم این ویتامین جگر، گوشت گاو و خمر ماهی است. اگر میخواهید به کم خونی دچار نشوید در برنامه غذایی تان این ویتامین را درج نمائید و هم برای جلوگیری از مرض اسهال (یک نوع اسهال کف دار با کم خونی) همیشه ویتامین ۱۲ مصرف نمائید.

ویتامین پ: کاستی این ویتامین مرض پلاگرا را باعث می شود که این مرض در کشورهای فقیر و اشتباهی که جواری جزء عمده غذایی شانرا تشکیل میدهد بیشتر بروز می کند و علائم عمده این مرض عبارت از ضعف، سوزناک شدن اسهال، کم وزنی و دانه های چلچله می باشد. در جگر، شیر، تخم مرغ و ماهی بیشتر این ویتامین یافت می شود.

ویتامین «ث»: برای اینکه جسم تان

جوانی و زیاده داشته باشد هر روز به اندازه ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ واحد از ویتامین ث مصرف کنید، اگر میخواهید و بروس ها و میکروب ها به وجود تان نمانند ویتامین ث روزانه تقریباً ۲ میلی گرام ویتامین ث بخورید با وجودیکه ویتامین ث در غذای روزانه ما موجود است اما مقدار آن کافی نمی باشد پس لازم است با خوردن لیمو، نارنج، مالت، جگر گاو، ماهی، سبزیجات تازه و شیر گاو این خلا را پر کنیم، ولی اگر مقدار بیشتر و زیاده تر صرف نمائیم

تشنه شایسته چون عصبانیت، بیخوابی و تشنجات عصبانی ایجاد می کند. سبزیجات و میوه جات و قتی پخته می شوند مقداری از ویتامین آنها در آب شان حل می شود که لازم است آب آن نیز مورد استفاده قرار گیرد قلت ویتامین، باعث امراض ذیل می گردد:

مرض سکو روی که علائم آن خستگی، پریدگی رنگ و آماس دست و پا می باشد خون شدن پیره های دندان و وقت شدن دندانها سپید شدن قبل از وقت گریب و سرما خوردگی - خونریزی لثه ها و ویر جلد - سستی و خستگی در فصل بهار

بقیه در صفحه ۵۳

باشید، برای اینکه دستگاه ها ضربه تان بصورت درست کار کند و با لایحه برای اینکه اعصاب تان آرام باشد، با یستی ویتامین «ب» مصرف کنید.

دستچاب ویتامین ب قرار ذیل تشریح می شود:

ویتامین اب: چون این ویتامین در جسم انسانها ساخته شده نمی تواند باشد بیشتر از طریق خوردن غذا وارد جسم گردد، فقدان این ویتامین ب موجب التهاب و توام و باعث مرض اعصاب ب نام پری پری می شود، موجودیت ویتامین اب در بدن میتواند فعالیت قلب، کنترل اعصاب و عضلات را خنجر انجام دهد.

خوابی اعصاب، نفس کوفته و حس ماندگی و ضعف نسبت به قلت ویتامین

و خیم باعث کوری چشم می گردد، همچنان فقدان فن باعث شب کوری و امراض جلدی شده و از قدرت و توانایی و دفاع بدن در مقابل بیماریهای عفونی میکاهد.

منابع مهم ویتامین «آ» جگر، شیر، زردی تخم، پنیر، روغن ماهی، زردک زردآلو سبز یخات تازه می باشد.

اگر در صورت تان دانه های سیاه می باشد که دور آنرا بر جستگی های سرخ رنگی احاطه کرده است و گاهی دانه های سفید رنگی که چرک دارند و در سینه و پشت شامه از این نشورات (دانه های خردی که در پوست بدن ظاهر میشود) دیده میشود، باید بیشتر از ویتامین «آ» استفاده کنید در وقت پختن غذا برای نگهداری ویتامین «آ» لازم است که غذا در ظروف سر بسته

نخست با دید بدانی که ویتامین چیست؟

ویتامین ها مرکبات عضوی هستند که موجودیت شان به اندازه معین در جسم حیوان و یا نباتات ضروری بوده و از عدم موجودیت آنها عوارض و اختلالات تا - مطلق بی در جسم زنده بار می آید. فکر وجود ویتامینها زمانی شروع شد که ملاحظه کردند اشخاصی که مدت های طولانی غذای پخته و یکنواخت صرف میکردند به عوارض دچار شدند که هرگاه به آنها غذای تازه می دادند میشد آن نواقص رفع میگردد، موضوع دیگری را که باید دانست اینست که ویتامین هم مانند سایر مواد ضروری بدن مثل آب، املاح، نشایسته و غیره مورد احتیاج بدن می باشد و لسی هیچگاه به تنهایی خود سبب نمو و تقویه



اب است قشر برنج، جو با ت مخصوصا لوبیا، جگر، کچالو، نخود و گوشت دارای مقدار زیادی ویتامین اب است.

ویتامین ۲: عدم موجودیت این ویتامین در بدن باعث کم شدن وزن و پیدایش زخمهای جلدی مخصوصا به اطراف گوشها و دهن می گردد و نیز نوعی مرضی را بار می آورد که علائم آن التهاب پوست، اسهال و کودنی می باشد پس برای اینکه نواقص بالا را از وجود خود دور کرده باشید بیشتر از ماهی خمر ماهی، گوشت، لوبیا، تخم مرغ، ترکاری و شیر استفاده کنید.

ویتامین ۳: این ویتامین اهمیت زیادی برای اشخاص مضطرب، عصبانی و بیخواب دارد و باعث نبوی حجرات می گردد کمبود ویتامین ۳ در بدن باعث

پخته شود زیرا در اثر عمل او کمیدی، این ویتامین از بین می رود. احتیاج روزانه بدن به ویتامین بیش از ۳۰۰۰ واحد است.

ویتامین کمپلکس از جمله تمام انواع ویتامین «ب» تنها پنج عدد آن برای انسانها اهمیت دارد که عبارتند از (ویتامین های اب، ۲، ۳، ۱۲، ۱۳، ۱۴). این ویتامین ها در آب منحل بوده و تمام شان بنام ویتامین بی-کمپلکس یاد میشود.

اگر میخواهید که زیاد عمر کنید و همیشه جوان بمانید این ویتامین را

(ویتامین ب) از یاد نبرید و اگر مسیر شود بیشتر آنرا به شکل طبیعی اش مصرف کنید.

شما برای اینکه یک قلب قوی داشته

جسمانی شده نمی تواند و نمیتوان تنها با ویتامین ها زندگی را به پیش برد. ویتامین ها نظیر به حل شدن خود در آب و جری به بدو دسته تقسیم می گردند دسته اول ویتامین های که در آب حل میشوند و عبارت اند از: ویتامین (ث) و ویتامین های مربوط به فامیل ویتامین (ب).

گروه دوم ویتامین های هستند که در جری منحل می باشند مانند: ویتامین «دی»، ویتامین «کا»، ویتامین «ای»

برخی از ویتامین های که برای انسانها لازم است در ذیل ذکر می گردند:

ویتامین «آ»: وجود این ویتامین در غذای روزانه کاملاً ضروریست چه کمبودی این ویتامین در بدن موجب بیماری نر می قرنی چشم گردیده و در حالات

زنجبانی های رنگارنگ جهان

موتورانی بدون کمک دست

موتورانی حتی بدون کمک دستها ممکن است - صنعت موتور سازی برای معیوبان موثر های به دیزاین های مخصوص ساخته است - تصور کنید موتوری را که میتوان بدون دست راهنمایی کرد، وقتی بواسطه زانو دکمه را فشار دهید دروازه های موتور باز میشود، در حالیکه راننده به صورت اتوماتیک با کمربندی به چوکسی بسته میشود.

این یک اختراع برای درپوران تنبل بوده، بلکه یک ضرورت غم انگیز برای گروهی از مردمان شدیداً معیوب است که از طفولیت بدون بازو ها یا پاها زندگی میکنند. این اشخاص جوان که دستهای شان به شانه های آنها وصل اند یا پاها ی شان مستقیماً از لگن خارصه نمو کرده، قربانیان مصیبت صنعت دوا سازی هستند که یکی از بزرگترین تکانه های عصبی بیست سال اخیر است اینها اطفال «تالید امید» هستند.

در جمهوری فدرالی آلمان بیش از پنج هزار طفل کاترکان وجود دارد اینها بعد از فروشی دوا یی تحت نام تجاری «تالیدامید» شناخته شده اند و در دیگر نقاط جهان تقریباً یک هزار نفر ازین قربانیان وجود دارد.

بعضی از آنها فعلاً به حد اقل عمر موتور رانی رسیده اند و فقط فرصت دارند که حرکت قابل ملاحظه در آنها بوجود آید. صنعت موتور سازی آنها را با دیزاین های مخصوص که به نوع معیوبیت آنها تطابق داده شده آماده ساخته اند.

بکار بردن طریقه های میخانیکی عملی، چیز هایی اند که این موتور ها را از مدل های عادی امتیاز میدهد. برای یک درپور بی دست طور مثال یک استوانه را در جای پاید ل عوضی اشتراک معمول قرار داده اند. موتور با گیر های اتوماتیک مجهز شده به این ترتیب که وقتی پای راست طور معمول مصروف برك واكسلتر میشود پای چپ راهنمایی موتور را با دوردادن و فشار دادن آله که بجای اشتراک است عملی میکند. «کاترکان» مثل دیگر «تالید امید» هادر سال ۱۹۵۷ به بازار آمد و بزودی منجیت یک مسکن محبوبیت پیدا کرد. تا چند سال اخیر معلوم نبود که این دوا برای جوانان نتیجه بد میدهد درین سالهای

اگر مقر رات قوی بین المللی اتخاذ نشود. این حیوانات زیبا که در سراسر هفت بحر جهان مورد شکار انسانها قرار دارد شاید به زودی از صفحه گیتی نیست و نابود گردد.

ماهی گیرانیکه توسط چنگک به گرفتن این نوع ماهیان می پردازند اظهار میدارند که این ماهی یعنی ماهی (تونا) یک ماهی خیلی زیبا، شجاع و سپورتی

ماهی ایکه در حال نابود یست

میباشد. تونا شایهیر آبی دارد و در اقیانوسها پیدا میشود و از نظر جسامت از همه ماهیان بزرگتر بوده و بیش از یک هزار و چهارصد پوند وزن دارد.

ماهی مذکور شصت میل فی ساعت در میان بحر حرکت میکند و ازین نگاه در میان همه ماهیان ابحار ممتاز میباشد.

این ماهیان بزرگ در تمام

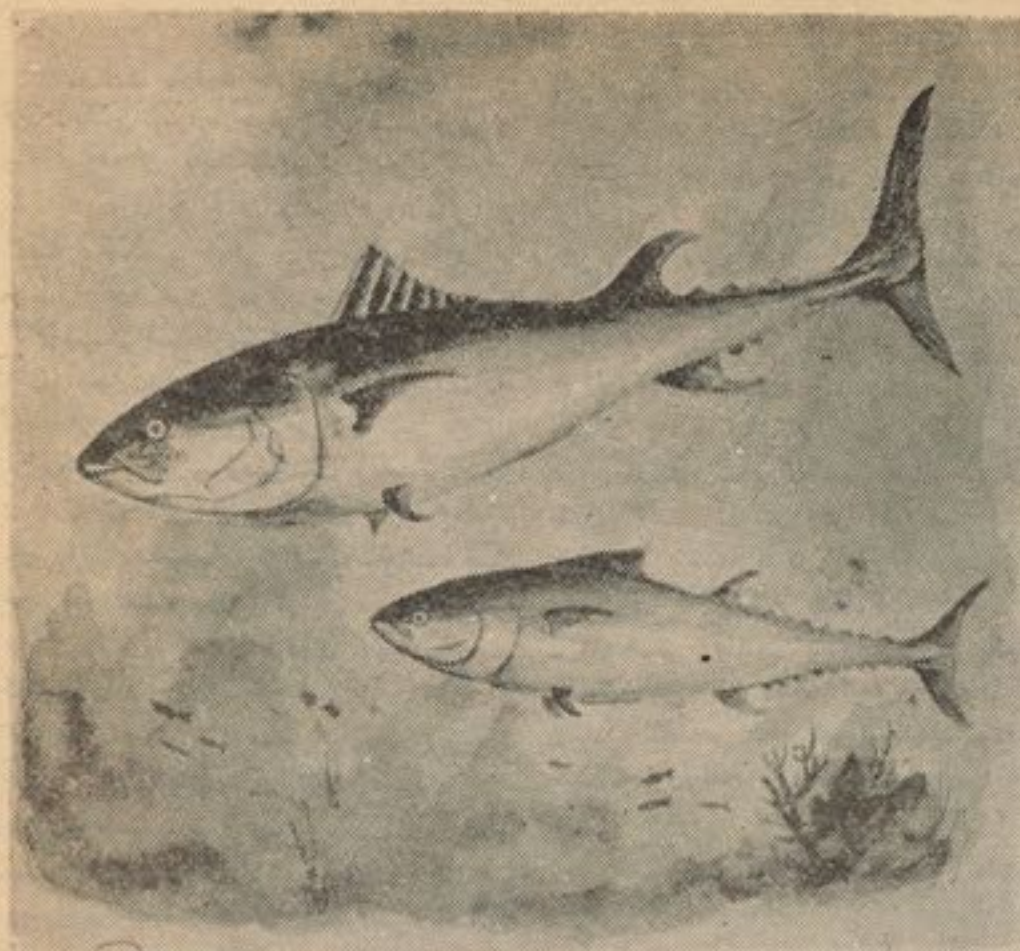
ملیون مارك بالای آنها مصرف شده تا بسیاری از آنها كمك شده و به زندگی نسبتاً نزدیک به زندگی طبیعی خود ادامه دهند. سلسله تولید تالیدامید ها قریباً تمام جهان را بخود جلب نمود و بر پیمانه های بیشتر سخت گیری کنترل بیمه بین المللی را بر صنایع دوا سازی مخصوصاً به منظور مادرها خواستار شدند.



این قربانی دوا ی تالیدامید ها باوجود داشتن دستها میتواند مثل هر همن و سالی موتور خود را «تاری» کند. موتورش یک نوع مخصوص فلکس واگون گلف است.

ابحار با همنو عان شان به گردش می پردازند و از آن دسته ماهی ها محسوب میشوند که بصورت خیلی وسیع و زیاد از طرف ماهی گیران جهان شکار میشوند و در بازارها بفروش میرسند.

اما شاید شکار ماهی تونا بزودی انجام پذیرد زیرا ماهیگیران و متخصصین حیوان شناسی ابحار اقتصاد دیون و تاجار همه متفقاً میگویند که جمعیت ماهی تونا نوع بلوفن (دارای شپهر آبی) به سرعت



میگویند که جمعیت ماهی های تونا روبه انقراض رفته است .

مدرن روز به روز زیاد می شوند ساحه شکار ماهی های مذکور نیز فراخ و فراخ تر شده می رود و تمام قسمت های ابحار را فرا میگیرد . متخصصین پیشگو یی میکنند که تقاضای مردم جهان برای خریدن ماهی تونا ، در سال (۱۹۹۰) به مقدار ده بلیون پوند خواهد رسید . همچنان متخصصین مذکور اظهار میدارند که تا سال (۱۹۸۰) منابع ماهی نوع تونا ، خیلی محدود خواهد گردید و حتی بسوی نا بودی پیش خواهد رفت .

این نوع ماهی در پنجاه سالگی به مرحله جوانی میرسد و یک ماهی ماده آن در حدود پنج میلیون تخم گذاشته میتواند ، باروری تخم های ماده توسط نطفه ماهی نر چندان روشن نیست اما اینقدر معلوم است که فعالیت های تجدید نسل بدو ساحل بحر او قیانوس و بحر مدیترانه وجود دارد .

با وجودیکه نوع ماهی تونا ی بلوفن قسما بآثر موافقات بین المللی و مقررات دولتی ، حمایت میشود اما این خیلی روشن است که تعداد نفوس آن رو به کم شدن است .

یکی از متخصصین این رشته میگوید که شکار ماهی های بزرگ بقیه در صفحه ۵۷

طبق معلومات دفتر ماهی گیری ملی در سال (۱۹۷۵) در حدود دو صد ماهی گیر امریکائی مجهز با دام های فوق الذکر در بحر اقیانوس و بحر الکاهل به ماهی گیری مصروف بوده و از معلوماتی که بدست آمده آنها با ارزش تخمینی یکصد و پنجاه میلیون دلار ماهی بدست آورده اند که البته قیمت آن بعد از طی مراحل باارکازی ، سورت و رساندن به سوپر مارکت ها تا رسیدن به دست مصرف کننده پنج چندقیمت متذکره بوده که باین صورت ارزش سالانه آن به بیش از یک بلیون دلار میرسد .

وقتی این ارقام را ، در پهلوی تقاضای روز افزون ، برای ماهی تونا در نظر بگیریم فشاری که از جانب انسانها ، بر این نوع ماهی بخصوص به نوع شاهیر آبی آن ، وارد میگردد خیلی بیشتر میشود و تشویش خواهد بود کشور های که به شکار انواع مختلف ماهی تونا ، مصروف اند شامل کشور های شرق بحر الکاهل الی غرب اقیانوس بوده تقریبا تمام اعضای کشور های ملل متحد را در بر میگیرد و از نگاه تقسیمات جغرافیائی میتوان از کشور های مانند گوستاریکا ، سینگال ، کوریا ، پیرو و هالند نام برد . همچنانکه دسته های کشتی های که ماهیگیری ، بادام های جدید و

تونا در حصص مختلف ابحار گسترش یافت . امروز کشتی های ماهی گیری مجهز با وسایل الکترونیکی میباشند که در هر نقطه از بحر که لنگر اندازد میتواند دسته های ماهی تونا را ، در عمق پنجاه میل بحری نشان دهد .

در اواخر سال (۱۹۵۰) جاپانی اوقیانوس آرام فرستادند و تا سال ها کشتی های خود را به بحر ۱۹۶۰ تلاش جهانی برای شکار ماهی بخصوص ماهی تونا آغاز گردید .

شکار ماهی تونا به چندین طریق امکان پذیر میباشد . یکی از این طریق ها که جاپانی ها از آن استفاده مینمایند عبارت از قرار دادن ریسما نیست که در روی آب بحر به طول پنجاه میل کشیده می شود و ریسمان مذکور که در هر قسمت آن یکپهزار و پنجصد چنگک طعمه دار وجود دارد به عمق دوصد فیت بدخل بحر فرو می رود و بدین ترتیب شکار ماهیان صورت میگیرد .

ماهی گیران امریکائی ماهی تونا را بادام های قسم عمودی بدست می آورند و کشتی های بزرگ ماهی گیری که قیمت هریک آن بیش از پنج میلیون دلار می باشد ، بعضا ظرفیت گرفتن دو هزار تن ماهی تونا را دارند ، و دام های عمودی این کشتی ها که از نیلون تیار میشود تقریبا یک

رو به نابودی میروند و اگر اقدامی در این مورد صورت نگیرد دامن زندگی ماهی مو صوف بکلی از میان آبهای جهان چیده میشود . به مشکل میتوان اظهار نابودی این نوع ماهی بزرگ را قبول کرد زیرا در امریکا اعلانات ماهی تونا ، به شدت بخش و خیلی زیاد درجه جا دیده میشود و در بازار ها به پیمانه زیاد به فروش میرسد و مردم فکر میکنند که ماهی تونا تمامی نخواهد داشت .

شعبات تجارتی امریکا باسابق ارقام قابل قبول سال (۱۹۷۵) وانمود می سازند که مقدار (۵۶۸) میلیون ماهی تونا در امریکا بدست آمده و از این مقدار چهار و نیم بلیون ساند و یک ماهی نوع تونا ، تهیه گردیده است .

در سال (۱۹۷۴) طبق احصائیه سازمان خورا که و زراعت جهان بیش از سه و نیم بلیون پوند ماهی نوع بلوفن ، در تمام جهان توسط ماهی گیران شکار و به بازار ها عرضه گردیده است ، که زاید از چهل فیصد رقم مذکور از طرف ماهی گیران امریکا و جاپان بدست آمده است .

با وجودیکه ماهی گیران از یک قرن قبل باین طرف ما هیان عظیم الجثه بلوفن را ، در خلیج مینس شکار میکنند و بیش از هزار سال است که برای گرفتن ماهیان یاد شده در سواحل اسپانیا



این ماهی ها شاهیر آبی رنگی دارد که به کثرت در او قیانوس پیدا میشود .

بدخل ابحار ، دامهای گسترده شده است ، اما صرف طی یک ربع قرن اخیر است که کشتار جهانی ماهی نوع بلوفن به پیمانه رسیده که زنگ خطر را ، برای ماهی گیران ، متخصصین حیوان شناسی و موسسات اقتصادی و تجارتی به صدا در آورده است .

بعد از جنگ جهانی دوم بآثر رشد تکنولوژی جدید کشتار ماهی در شکار ماهی از طیاره و کشتی های موتر دار نیز کار گرفته میشود ، باین ترتیب که توسط آنها ماهیان تونا بصورت دسته های بزرگ جمع گردیده و به طرف دام رانده میشوند .

بدخل ابحار ، دامهای گسترده شده است ، اما صرف طی یک ربع قرن اخیر است که کشتار جهانی ماهی نوع بلوفن به پیمانه رسیده که زنگ خطر را ، برای ماهی گیران ، متخصصین حیوان شناسی و موسسات اقتصادی و تجارتی به صدا در آورده است . بعد از جنگ جهانی دوم بآثر رشد تکنولوژی جدید کشتار ماهی

با پیروزی مترقی در اوایل قرن بیست و فرو ریختن شیرازه جهان کار مزدوری و پیروزی توده‌های زحمتکش، دوران نوین گداز از سرمایه داری به جهان رفاه و ترقی و انسانی آغاز گشته، سیستم جهانی مترقی بوجود آمده، جنبش کارگری و مترقی جهانگیر شده، کاخ سیستم استعماری کهن فرو ریخته و جنبش های آزادی بخش ملی وسعت و اوج یسابقه ای یافته است، درین پیروزی های بزرگ توده های میلیونی زحمتکشان آسیا، افریقا و امریکای لاتین نقش عظیمی داشته اند، با پیروزی جنبشهای مترقی مفهوم وسیع کلمه جهان خود بدو قسمت مجزا گردید، سیستم مترقی جهانی بوجود آمده، خلقهای آسیا، افریقا، و امریکای لاتین به تشکیل احزاب مترقی و گروههای سیاسی پرداختند و مبارزات قهرمانانه خویش را با کلیه متحدین آن به مقیاس جهانی به لب گور رسانده به اعصار جامعه خویش در جهت خوشنکامی و پیروزی توده های میلیونی کشور های خویش همت گماشتند، اکنون دیگر مبارزه بین جهان مترقی و جهان جنگ و ظلمت به محور زندگی اجتماعی مبدل گردیده است، جنبش های آزادی خواهانه و مترقی در کشور های مختلف جهان بیش از پیش به جمع آوری قوا پرداخته و با تجمع در یک جبهه مقدسی بر دژ سرمایه یورش برده و کاخهای سرمایه داران قصر نشین را یکسره ویران نموده بالای خرابه های آن اساس و بنیاد زندگی نو، مترقی و انسانی را میگذارند جهان در مجموع چنین میگردد.

در وضع کنونی که مبارزه بین دو سیستم جهانی، مبارزه و نبرد بین کار و سرمایه و مبارزه بین خلقهای کشور های در بند کشیده شده و امپریالیسم به مضمون عمده دوران ما مبدل گردیده است، هر روز بیش از هر وقت دیگر جنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم، جنبش طبقه کارگر در کشور های سرمایه داری و جنبش مترقی جهانی به پیروزی های شگرفی نایل گردیده و قدم بقدم امپریالیسم مرتجع را به شکست های پیاپی دچار میسازد، امپریالیسم جهانی دیگر در حالت نزع است، در هیچ عرصه ای از زندگی کاری را از پیش برده نخواهد توانست.

تشکل و تکامل پدیده ها بصورت فوری صورت نمیگیرد بلکه رشد کمی پدیده ها، رشد از مراحل سافل به مراحل عالی و تکامل است، سیر تکاملی پدیده ها مسیر یست مارکسیستی و مملو از موانع، با فرازونشیب، سیر یست که نو و پدیده های مترقی با انواع موانع بر میخورد، به شکست مواجه میگردد، دوستان و متحدین خویش را از دست میدهد اما باید گفت که این شکست ها همه گذرا و موقتی بوده و سر انجام پیروزی و فتح و فتح نصیب امر نو و هر آنچه مترقی و رشد یابنده است میگردد، پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند تور یکبار دیگر عملا با ثبات رسانید که دشمنان و مدعیان سوگند خورده مترقی و انسانی به مفهوم وسیع کلمه بهر اندازه ای که تلاشهای مذبحخانه بخرچ دهند، جلو رشد پیروزمند امر نو و مترقی موانع ایجاد نمایند، از رشد روز افزون پدیده های مترقی و رشد یابنده

جلوگیری نمیتوانند.

چه در هر جایکه ارتجاع در صدد آن برآمده تا در قبال تکامل پدیده ها و امر نو موانع ایجاد نماید، رسوا گردیده و بیش از پیش جبهه سیاه خویش را افشا نموده است، رسوایی هاییکه در این اواخر نصیب ارتجاع جهانی و در راس آن نصیب امپریالیسم امریکا گردیده است ماهیت بلند و منحوس آنرا بهنگان واضح و آشکارا نمود و یکبار دیگر عملا با ثبات رسانید که امپریالیسم جهانی متجاوز است و غارتگر و هر آنچه مترقی و ارتقا را داشته باشد دشمن درجه اول غارتگران جهانی قرار میگیرد.

باشکست و ناکامی نقشه های امپریالیستی و انضای جواسیس معلوم الحال چون امین یکبار دیگر عملا امپریالیسم منتضح گردید، این افتضاح و رسوایی امین و باند

عطا راد مرد

افتضاح امپریالیسم

امریکا و متحدین

چپ نمای آن بیش از پیش چهره

دوستان دروغین خلقهارا

بر ملا میسازد

جنايتكارش به آتش خشم و غضب امپریالیستان و در راس آن خشم و غضب سرمایه داران مستر امریکایی افزوده و بیش از پیش متوجه افغانستان انقلابی گردیدند (۱) و عملا از حاکمیت امین و باند آدمکش وی دفاع کردند و ...

این باصطلاح سیاستمداران نمیدانند که در مقابل نیروی پر توان و بزرگ توده های زحمتکش قرار دارند و در قبال آنها یعنی در مقابل خلقهای رزمنده و قهرمان افغانستان انقلابی قرار گرفته اند، آنها فراموش کرده اند که

چشم طمع دوخته چشمانش را از حقیقه در آورده ایم، مگر بخاطر ندارند که امپریالیسم جهانی چندین بار به قصد عملی کردن نقشه های سوم خویش اقدام نموده اما این نقشه های سوم و شیطانی همه در نقطه خنثی گردیده است و قبل از اینکه در عمل مورد تطبیق قرار گیرد رسوا و بد نام گردید.

امپریالیسم امریکا در مقابله و مبارزه بر ضد کشور های جدید به استقلال رسیده متحد دیگری نیز سراغ نموده و هر دو با وحدت در یک جبهه تا مقدس بر ضد ترقی و آزادی توده های زحمتکش جهان جنایات بزرگی را مرتکب میشوند، ماشین جنگی آدمکشان امپریالیستی در گوشه و کنار مختلف جهان کشتگان بشماري از خود بجا گذاشته است، خلقهای زحمتکش جهان شاهد بوده و خوب بخاطر دارند که این امپریالیسم بود که در طول تاریخ به سرزمین کشورهای

بیگانه تجاوز کرده وزن و مرد، جوان، پیر، مردان و پیر زن را بخت و خون کشید، اطفال بیگانه را زنده زنده بگور نموده و از اجساد کشتگان پشته ها ساختند، این امپریالیسم امریکا بود که قریب بیش از سی سال جنگ، ماشین جنگی خود را در ویتنام قهرمان بحرکت در آورد، آبادی هارا ویران نموده و زنده هارا از زندگی و حیات محروم ساخت، این امپریالیسم امریکا بود که خلق عرب فلسطین را از سرزمین پدری شان رانده و آنها را آواره ساخت و این امپریالیسم امریکا نیست که از آسیا گرفته تا افریقا و امریکای لاتین زحمتکشان را به خاک و خون کشیده و از منابع سرشار طبیعی مناطق متذکره استفاده می برد، در جواب این همه سوالات مطرح شده باید گفت که بلی این امپریالیسم امریکا ست که آنها جنایات را بر ضد بشریت و انسانی و بر ضد ترقی الجسم میدهد، این ارتجاع جهانی است که دو بار در اروپا جنگهای اول و دوم جهانی را بر خلقهای

قاره ذکر شده تحمیل کرد که در نتیجه بیش از بیست میلیون از انسان ها صرف در جنگ جهانگیر دوم فدای هوا و هوس و خواهشات شیطانی امپریالیسم جنگ افروز گردیدند. همین اکنون ما شاهد فرو ریختن سیستم سیطره استعماری و پیروزی جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی بوده و ناظر ایجاد حکومت ملی و دموکراتیک هستیم، ما عملا مشاهده مینماییم که با اتحاد سه نیروی عمده دوران یعنی جنبش جهانی مترقی، جنبش طبقه کارگری در کشور های سرمایه داری و جنبش های آزادی بخش ملی در کشور های جهان سوم جبهه وسیع ضد امپریالیستی ایجاد شده و با ضربات پیاپی که بر پیکره نیمه جان امپریالیسم جهانی وارد می آورند بیش از هر وقت دیگر زمینه شکست قطعی تجاوزگران امپریالیستی و زمینه پیروزی مترقی را فراهم نموده و با نیروی پر توان و ظفر آفرین موج به موج و از یک پیروزی به پیروزی دیگر گام نهاده و بر پیکره بی جان ارتجاع نفرین می فرستند.

نفرین بر متجاوزین و مستمران امپریالیستی! افغانستان قهرمان و انقلابی و خلق پیروزمند این وطن گرانمایه چندین بار عملا با ثبات رسانیده اند که هیچوقت و در هیچ نوع شرایطی تحت اسارت و بندگی حیات پیر نبرده و هر آنکسی که اقدام به اسارت آنها نموده و دست اندر کار شده تا خلقهای آزاده عارا در بند کشد و بناد و نابود گردیده است و بحکم تاریخ و به اراده رزمنده خلقها و توده های زحمتکش جامعه خویش با غرور و سر بلندی اعلام می - نماییم که هیچ قدرت اهریمنی ارتجاع جهانی توانایی اثر ندارد تا در قبال اراده توده های میلیونی زحمتکشان ما اقدام نماید و عملا هیچ قدرت شیطانی و اهریمنی جهان نیروی پایداری و مقاومت را در قبال پیشروی های سبیل خروشان جنبش و نفیست خلقها ندارد. ماهه جرئت اظهار کرده ایم و بار دیگر با صراحت لجه اعلام میکنیم که با سر بلندی در جاده نبرد اجتماعی و به امید فردا های روشنتر و فروزانتر، زندگی وطن و وطنداران عزیز خویش تا آخرین دقایق زندگی مبارز هوشیار و سرباز فداکار بوده و در این راه دشوار از هیچ نوع فداکاری و قربانی های بشمار فروغ نماییم. این وعده ای بود، سوگندی بود که فردا فردا اعضای صادق حزب دموکراتیک خلق افغانستان در همان روز های نخستین تشکیل کنگره موسس و ایجاد حزب دموکراتیک خلق افغانستان در مقابل خلق غیور و با شهامت خویش اظهار کرده بودند و تا آخرین لحظه حیات خویش بدان وفادار و صادق اند، این وعده، یعنی وعده آشتی ناپذیری با ارتجاع و مبارزه با اشکال و انواع ارتجاع در عمل تحقق پذیرفت. حزب دموکراتیک خلق افغانستان فشرده با خلقهای قهرمان و مردم زحمتکش افغانستان عزیز بر مواضع ارتجاع، استعمار و امپریالیسم یورش برده و خوشکامی و آزادی را با خود به ارمغان آوردند، زندگی آزاد و سر بلند که ما اکنون بدان فخر نموده و بخود میبایم تحفه و هدیه نیست بلکه محصول مبارزات قهرمانانه و شجاعانه خلق زحمتکش افغانستان است.

در این او آخر امپریالیسم با استفاده از جیل گوناگون در صدد آن برآمده تا با بکار بستن نقشه های شوم خویش بطرز ملایم و ظریفانه و بطور نامریی خلقها را در بند کشیده و مانع جنبش و نفوذ آنها گردد. سردمداران امپریالیسم جهانی بکمک و همکاری بیدریغ شوونیستان چینی در این بخش مشترکا وظایف خویش را انجام میدهند. از جمله آنها با فرستادن نمایندگان و جواسیس خرید شده به پوند و دارل امریکایی و رسوخ دادن آنها در دولت و پستهای مهم و عهده حکومتداری و بدین وسیله سرهم بندی کردن کودتا های ضد ملی و ضد دموکراتیک امپریالیستی و ارتجاعی از جمله اهم وظایف آنها را تشکیل میدهد، اما باید گفت که با تشکیل سیستم جهانی مترقی که تکیه گاه مصلحتی برای سایر نیروهای انقلابی و مترقی بوده و در هر لحظه و در سایر شرایط و هروضع با نیرو های انقلابی، مترقی و وطنپرست بوده است و خواهد بود، چه سیستم جهانی مترقی در جهان پاسدار صلح است و یگانگی مدافع آزادی، انسانیت و شرف انسان و هر آنکس که بر ضد آزادی، انسانیت و شرف انسان قد علم نموده و یا صف آرای نماید به شکست رقتباری محکوم میگردد، اینست قانون حتمی و عینی زندگی اجتماعی.

زندگی اجتماعی و مبارزه اجتماعی خودداری عرصه ها و بخشهای مختلف و گوناگون است و طبعاً در اینهمه عرصه های زندگی فاکت ها و حقایق بیشماری وجود دارند، آنهمه فاکت ها را باید بشمار گرفته و موشگافانه آنهمه را مطالعه باید نمود، مطالعه و بررسی پدیده ها و فاکت ها نباید بشکل تجریدی صورت گیرد، قانون همیشگی و قبول شده برای مطالعه و بررسی فاکت ها و پدیده های اجتماعی چنین است که:

مجموع فاکت ها و پدیده ها را باید جمع - آوری نمود، بعد از جمع آوری آنهمه پدیده های جمع آوری شده را دسته بندی نمود، فاکت ها و پدیده های نامساعد را مساعد ساخته و به نفع روند تکامل از آنها استفاده برده و فاکت ها و پدیده های زیست، نابکار و ضد ترقی را یکی بعد دیگر از صحنه هستی نیست و نابود کرد.

مبار ها گفته ایم و بار دیگر با صراحت لجه اعلام میداریم که سبب اصلی همه آلام و بدبختی خلقهای زحمتکش در منطقه و جهان امپریالیسم و نوکران چاکر صفت آنها بوده و این امپریالیستان غارتگر انگلیزی و امریکایی بودند که سرمایه های وطن را غارت کرده و دسترنج خلق زحمتکش ما را نزدیند و در بانکهای امریکا و اروپا برای خود و یاران جنایتکار شان به امانت گذاشتند، خلقهای زحمتکش و قهرمان جهان ذمه ت میکشند و عرق میریزند اما حاصل دسترنج آنان را نزدان جنایتکار امریکایی و انگلیزی به جیب می ریزند، کشور های آسیایی و افریقایی را تحت استیلا قرار میدهند اما از جیبشان آزاد دم میزنند، هر روز هزاران نفر از خلق های در بند کشیده شده را بطرز فجیعی بقتل میرسانند اما از انسانیت و دموکراسی دم میزنند، ثروت های مادی و معنوی خلقها را غارت میکنند اما از شرف و آزادی و مصونیت دم می زنند و جنبش بحق و عادلانه خلقها و توده های زحمتکش را خائنانانه و بنام های مختلف

عنوان مینمایند جنگهای تجاوزکارانه ای که در طول تاریخ، امپریالیسم بر خلقها تحمیل و در اثر آن هزاران و میلیونها انسان بخت و خون کشیده شده است، لکه های ننگیست برداشتن امپریالیسم جهانی و در راس برداشتن امپریالیسم امریکا. اگر به مبارزات و تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم امریکا و متحدین چند نمای چینی آن نظری انداخته شود پس منظر آن موشگافانه بررسی و مطالعه گردد، بخودی خود می رساند که امپریالیسم یعنی سرمایه داری در حال احضار چه شکست امپریالیسم امریکا در آسیا و نقش بر آب گردیدن آنهمه نقشه های تبه شده در زراد خانه پنتاگون و دست یابی کشور های قاره ذکر شده به استقلال ملی و تشکیل حکومت مستقل ملی و دموکراتیک تعیین و انتخاب راه رشد و گسترش پیوند ها با ارتجاع و تشدید مبارزه این کشور ها بر ضد امپریالیسم و اشکال و انواع استعمار و تشکیل جبهه واحد ملی، دموکراتیک و ضد امپریالیستی در این کشور ها و تشکیل خلقها و توده های زحمتکش و در ضمن مبارزه بی امان، وسیع و گسترده ای به منظور دست یابی و حصول استقلال اقتصادی، جدو جهد و مبارزه بر ضد انواع و اشکال فرهنگ استعماری و... همه و همه دال بر شکست امپریالیسم و استعمار بهر شکلی که باشد، بوده و هیچ نیرویی را قدرت و توانایی فرار از این قانون عینی و جبری تکامل نیست.

اکنون که کشور های چندی بخصوص در آسیا و افریقا از قید ستم استعماری رها یی یافته اند با سواهای زیرین عواجه اند، از کدام راه باید رفت؟ باچه کسان متحد باید شد؟ باچه نیرو های باید جنگید... و یک سلسله سوالات متعدد دیگری که در قبال مبارزه و جنبش خلقها بعد از پیروزی عرضی اندام مینماید، طرز قابل قبول و ارزنده ارائه جواب به سوالات مطرح شده است که میتوان گفت ارائه جواب به آنهمه سوالات مطرح شده، آنهم ارائه جواب قابل قبول و منطبق با واقعیات است که میتوان با انتخاب راه رشد قابل قبول شکل ارزنده در این بخش به ایفای رسالت و اجرای وظایف بشکل ارزنده آن پرداخت، در وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و کلیه اشکال استعمار باید گفت که در وضع کنونی با در نظر داشت خصوصیات وضع کنونی اهداف و در ضمن وظایف کنونی مبارزه علیه امپریالیسم جدا باید در نظر داشت که با استفاده از پیروزی های پی اندری مترقی به مفهوم وسیع کلمه و شکست رقتبار امپریالیسم و ارتجاع جهانی و تغییر توازن قوا بسویه جهانی بنفع ترقی و بر ضد ارتجاع و نیرو های امپریالیستی باید بیش از پیش رزمندگان راه حق و عدالت و ضد امپریالیسم را تقویت نمود و بهم فشرده و فشرده و متحد باهم بر دشمنان یورش برده و یکی بعد دیگر آنها را از صحنه زندگی و هستی معدوم ساخت.

سیر حوادث و طرز و شکل تکامل و وسیع شدن نیرو های مترقی و انقلابی و شکست و اضمحلال سیستم استعماری و فئای هران چیزی که کهنه است بخودی خود می رساند که نیرو های ضد انقلابی و ضد ترقی اجتماعی گر نعره سر دهند، روزه کشند، گلوله باره

نمایند و در این زمینه عرق افشانی نمایند که کاری را از پیش برده نخواهند توانست و برخلاف امر تکامل و پیشروی و در مقابل سیر رشد یافته تکامل اقدام به عملی خود به فنا و مرگ مدعیان سوگند خورده امر تکامل اجتماعی تمام میشود و این روندیست که هیچ نیرویی را توان فرار و گریز از آن نیست و هر آنکس که بر خلاف این مسیر پیروزمند و قانونمند اقدام نماید، در این راه گردن خود را خواهد شکستاند

و ملانداران گرافقدر افغانستان عزیز! بیش از پیش به محو نیروهای دشمن پرداخته و یکی پی دیگر شکست های پیاپی به آنها وارد نمایید!

امپریالیسم جهانی در راس آن امپریالیسم امریکا در نتیجه شکست های بزرگی که به وی تحمیل شده در این اواخر هار گردیده و بیش از پیش وحشی و در اینجا و آنجا فعالیت های خرابکارانه و دور از انسانیت را انجام میدهد، جدا توجه داشته باشید که امپریالیستان زیرکانه در صدد تخریب همه ی تان کبر هفت بسته و تلاشهای مذبحخانه و تب آلودی در این زمینه انجام میدهد.

امپریالیسم جهانی محکوم به شکست است. پیروزی و خوشکامی خلقها آینده جنبش را تشکیل میدهد!

از سوتنیک

ترجمه نصیر (ابوی)

یکبار دیگر کاربن فعال در خدمت انسان



زمانی که در اپریل ۱۹۱۵ مصادف با جنگ اول جهانی گاز های سمی مورد استفاده قرار گرفت تنها شش هزار نفر را به دیار عدم فرستاد. و بالین ابندی شان را احجار سیاه و سخت - گزید. گوا اینکه دانشمندان بعدها در هر کشوری با تب و تاب زیاد مصرانه در صدد بودند راهی بیابند تا بدین روال یک ممانعت معافله بی مقابل گازات سمی به میان آزند و وسایلی را انکشاف بدهند که بوسیله آن بتوانند سم هارا بزدایند طمعدت هالین درگیری و همه پرسی در حلقه های علمی برای زدودن گازات سمی در بین کار - سناسان جریان داشت تا اینکه یکتا از پروفسران اتحاد شوروی نیکولای ولنسکی طرح وسیله را ریخت تا بتوان حداقل با بکاربری آن سم بال - خص گازات سمی را زدوده او وسیله ای را بکاربرد که در آن تیوپ با ماسک را برای جاسازی شده بود و کاربن فعال منعی فلتر خشک در آن عمل می کرد. نظیر وسایل بالا بعد ها همه گیر تر شد و حتی از داخل آزمایشگاه راهی به جوامع و حتی پیاده نمایی در شفاخانه ها باز کرد.

و بالاخره دل ارزند این عنصر راه تورا برای پیشرفت درازمنه سال کشود.

در انکشاف تند و سریع صنعت کیمیایی و صنعت فلزی ای که استواری به خدمت گیری مواد خام ملفر دار داشت منتج به یک افزا یش قابل توجه مقدار دای سلفاید در برخی کشور ها گردید. و این مساله سلامتی جهانیان را به مخاطره و هوا را آلوده میساخت و قدمی بود در جهت آلودگی محیط و میرفت زدایی وی رسیده تا با استعمال کاربن فعال تاجان عده ای را بگیرد. ولی امروز نوبت سم منعی جذب بتوان موادمسمی را دفع و مهار کرد.

این سری فعالیت های کیمیایی استواری به تطهیر مواد با استفاده از کاربن فعال منعی جذب دارد جاذب های گره ای بیشتر در بین

از کاربن فعال در عمل پیوند اعضا و سم زدایی خون استفاده میشود.

راه مورد استعمال دارد. یک روش برای تصفیه نمایی دود مناطق صنعتی بوسیله دانشمندان و کار آگاهان انستیتوت منرال شناسی اتحاد شوروی انکشاف داده شده است و یک چنین استفاده دیگر از کاربن فعال در تصفیه آب مشروب و آبجاری میا شده.

درین تازگی ها جایش را در کنار مسایل طبی یافته است. دریک یادداشتی چنین گفته شده است. (مادری برای ربع ساعت کودک پنج



اړخ کی کار هم کوی . خو بله ډله
پی بیا دکار سره دومره علاقه
نه پېښی او یوازی دژوندی پا تسی
کیدو دپاره لاس او پېښی وهی . چی
به پای کی تر بیه کوو نکي دحيوانانو
څخه خورا لږ هغه خپل حيوا نی خوی
او بوی له منځه وړی دی خو په
هر ځای او هر نندا ر تون کی چی
نو مو پی حیوانات عملا کار کوی
واقعا ډیر په زړه پوری وی سا ری
په توگه : هغه وخت چی یو فیسل
پرغت توب (گیند باندی خپله موازنه
سا تی ، یو اېر دلمر دوړا نکسی
سره سم کتېږی او یا یو زمري ویوی
لوړی نه یو ددو موا زی دسیا نو
باندی خپری .

ږغوی . په داسی حال کی چی پیا نو-
یست زړه وړو نکو نغو ته لوړوالی
او قیمت والی ور کوی . نندا ره چیان
ددی ویښتان لرو نکو مو سیقی یو-
هانو هیجان را وړو نکي کنسرت
له کبله به لوړو خندا او چکچکو
یوزون جوړ کړی وی . بیانو څلور
بیزو گانی ، ویتا ، شاپا او کیتسا
او یکور کا دا کرو با تیک نندا ری
پیل کړی . وازه آسان څغوی ، پسر
خادو با ندی لاسو نه ټینگوی ، پر-
کړیو سر کنډی وهی مو ترسا یکل ،
بایسکل او موتر ان چلوی



It would seem the chimpanzee

پیانو ږغونکی اشمب (بیزو)



په انسا نی نړی کی دبیزو غونډی کړی .
بل دا سی مخلوق نشته چی موږ ته
دی دو مره زیات ور ته . او په کپرو
او وړوکی دی مو کټ مټ پېښی
وکړی . هغه وخت چی سړی دوا-
لنتین ایوانوف او وانداد شوروی-
اتحاد دسرکس هنر مندانو لسه
خوادشمپا زیا نو دتر بیه شوی ډلی
نداره له نژدی څخه وو ینی ، رښتیا
هم یو ځل بیا هغه پخوا نی او لر-
غونی حقیقت ور ته دا په زړه کوی .
نو هغه وخته چی ایوا نوف په
۱۹۶۰ کی دسرکس په ساحه کی
بیزو، لوبغاړو ته تشکل ورکړ ، دانثرو-
پاید اېز دنورو روزل شوو حیواناتو
په گډوډلو کی دا څر گندی شوی
له هغه نه راورو سته ایوا نوف او
شمپانو پی په سرا سر رو سیه کی
سفر وکړ او په بلغا ریا ، فنلیند ،
آستر لیا او جا پان کی پی دمهمانی
په زړه پو ری نندا ری ور ته تمثیل

داسی ښکا زی چی گوا کس-
شمپانزی کټ مټ دسرکس دندندارو
له پاره پیدا شوی وی . هو مره
خیرک ، کړندی او فعلا لیتو نو ته
چمتو وی . دحيوا نا تو متمرکزول
یوسا ده او آسا نه کار نه دی ، ځکه
له شاو پوا څخه پی یو خورا خفیف
آواز هم ددوی تو جه گډ و ډ وی او
دتر بیه کوونکی امر ته غوږ نه ږدی
نا ری ور با ندی وهل او یا سر-
زنش ور کول کو مه گټه ور ته نه
لری . شمپ خورا زړ خپه کیږی چی به
دی ډول دکار کو لو څخه مخ اړ وی
او تښتی .
البته دا پېښه تصا دفی نه ده چی
یوازی نن دی تر کار لاندی نیول
شوی وی . او سر کس همیشه ددو
ډولو حیوا ناتو سره چلند کوی .
چی یو ډول پی دژوند کو لو سره په

ټولې شا مېيا نې دخپلو پر لاسه
پسې لو بو ته يا پښت ور کوي.
خو په مها رت با ندي دهغوی دزده
شوو لوبوڅخه څر گند پېری چی د
هغوی دهری لو بی به زړه کړه باندي
خومره کو ټېښس ، زیار ، او حوصله
سر ته رسيد لی دی . ځکه نا آزا می
شمپانی باید دلو مری خورا آسا نه
اوورته شیان زده کړی . دا هم
دوی ته ډیره وی چی یسوازی د
لس ، پنخلس دقیقو پوړی پهجوکی
باندي آزا می کشینی دسر کسس
درسایي څخه دباندی شمپانی دیو
ورو ما شو ما نو په خیر وی . باید
نرښی څار نی لاندي ونيول شی یعنی
په یوه داسی هوا کی وسا تل شی چی
ډیروج او تیز بد لون پکښی نه راځی .
او معمولا د اته لس او شل سانتي
گرادو در جو په شا خوا کی وی .
چی حتی په دو بی کی لاهم ، دشپي

اسمعیل صخره

د انگلستان دولسمی پیری نامتو لیکواله ښځه :

اتل لیلیان وینيچ اودهغی نامتو انقلابی رمان گدفلای (خرمگس)

په پېړۍ برلین ته لاړه او ددريو کلونو زده
کړی څخه وروسته یې د پیاوړو خانګه کی
بری لیک تر لاسه کړ ، په همدغو کلونو کی
وه چی د ادبیاتو او ټولنیزو علومو سره مینه
پیدا کړه ، او ددی په زړه کی دهغو انسانانو
مبارزی چی د خلکو او خپلواکی په لاره کی
یې کولی شتر شون او ژون پیدا کړ . او
وروسته له دی په د امریکسی دستر شاعر
(والت ویتن) شعرونه به یې تل ژبه باندي
وه : والت ویتن دآزادی تر عنوان لاندي
داسی وایی : (ای خپلواکی ا پریدم چی
نورکسان تاته ایمان ونلری ا
خوزه تر وروستی سلګی پوری په تاایمان
لرم اووه یی لرم ...)

اتل لیلیان وینيچ د ۱۸۸۷ کال په پسرلی
کی روسیې ته سفر وکړ او هیواد ته د بیرته
راستیدو په وخت کی یې د (میخائیل وینيچ)
سره چی دلېستان یو ستر انقلابی و او انگلستان
ته ټېښدلی و ، واده وکړ . په کال ۱۸۹۳ کی
دکاشین ، کوګول داستایوسکی ، سچدرین ،
اوسپنسکی او نورو روسی لیکوالو دآثاروپه
ژباړولو لاس پوری کړه .

په کال ۱۸۹۷ کی یې دگدفلای (لوی مچ)
نامتو اثر ولیکه او خپور یې کړ دا داتل
لیلیان لومړی زمان و . دگدفلای دمتو اثرڅخه
دری کاله وروسته دوهم زمان یې چی (جک-
دیونند) نومېږی ولیکل شو او خپور شو .
اتل لیلیان پخپله دغه زمان کی هم دګلیسا
دخادمانو قناعت او ریا کاري څرګندوی او په

اتل لیلیان وینيچ د انگلستان دستر ښو-
اچرچ پول) په کورنی کی د ۱۸۸۴ کال دمی
مياشتي په یوولسمه نیټه وزیږیده ، د هغی
پلار دریاضیاتو پروفیسور و او مور یی د
ټولنیزو موضوعاتو په شاوخواکی مقالی
لیکلې . دهغی دموآکا (جرچی اپورست) ډیر
نامتو جغرافیا پوه وه او دنړی ډیره جګه ځله
ممالیا دغرونو ۸۸۸۰ متریزه ځله دده ته خوا
نځ او نوم یې پر هغی باندی ایشودل شوی
ی .

(اتل) دکوچنیوالي څخه اړتیا او یی دزلس
سره آشنا شوه ، لا یوټیم کلنه شوی و ،
یې پلاری مېشو . پس له دی نه چی پلاری
جهان څخه سترګی پټی کړی ددی اونوروڅلور
خو پسند و پا لته او روزنه د مور په
تلم وکړیده . مور یی هم دغه لویه کورنی
زریاضیاتو دښوونکی په توګه په مشکل سره
بالله . خو دواټلونکی ستره لیکواله ځلانده
استعداد ډیر ژر وڅلیده ، هغی د فلسفې ، ادبیاتو
لو او موسیقۍ زده کولو باندی بوخته شوه .
دهدغو هراو علومو په منځ کی یې موسیقۍ
سره ډیره مینه ښودله او خپل زیات وخت یې
موسیقۍ په زده کړه تېروله په ادبیاتو کی
ومړی دانګلیسی ستر شاعر (ویلیام بلیک)
شعارو سره مینه پیدا کړه او وروسته بیاد
انګلستان دستر لیکوال (ویلیام شکسپیر) او
چارلز دیکنز) له آثارو سره آشنا شوه .

په کال ۱۸۸۳ کی ډیره لږه اړتیه ورته
رسیده او هغی ددغی اړتیی په اغختلو سره

ګوته کوی او دغه دانسانانو صادق ؟
خدمت کاران رسوا کوی .

په کال ۱۹۰۴ کی (الیویالتام) نومس
اثر یې له چاپ څخه ووت . داد اتل لیلیان دریم
نامتو کتاب دی . په کال ۱۹۱۰ کی یې د
(شلیدلی مینی) تر عنوان لاندي رمان ولیکه
او خپور یې کړ ، دغه رمان پهجنوبی امریکه
کی دگدفلای دژوندانه په باره کی دی . په
کال ۱۹۱۱ او وروسته کلونو کی داوکراینی
ستر شاعر(لیماتوف) شعرونه یې پهانګلیسی
ژبه واوروله او خپاره یې کړه .

اتل لیلیان وینيچ د موسیقۍ څخه هم غافله
پاتی نشوه او څو سمفونی ګانې یې تصنیف
کړی ده چی دهغی (بابیلون) نومی اوراتوریو
ډیره په زړه پوری ده . دلېستان دستر موسیقۍ
پوه شوېن (لیکونه) ، دهغی دنورو کارونوڅخه
شمیرل کیږی .

په کال ۱۹۴۴ کی چی اتل لیلیان وینيچ
اټیاکلنه وه خپل بل رمان چی (بوټونه دی
وباسه) نومېږی ولیکله او خپره یې کړه .
پدغه اثرکی هم یو ځل بیا د (گدفلای)

فعالیتونه او مبارزی ښیږی . دغه رمان
دگدفلای دمورنی کورنی په شاوخوا باندي
لیکل شوی دی . او اوس راځو د (گدفلای)
(لوی مچ) نامتو رمان باندي :

گدفلای چی ددغی انګلیسی لیکوالی ډیر
پیاوړی اثر دی د لومړی ځل لپاره په کال
۱۹۸۷ په انګلستان او امریکه کی خپور
شو .

پس له هغه نه هرڅوک چی د کتاب سره
مینه لرله دارمان به یې لوستل ، اوبیاوستل
اوبیا ... ځنی کسان به ډیری شپې ددغه اثر
دلوستلو څخه وروسته په زوره زوره ژول او
سپار له خونړیو سترګو او په ډیر ژړه ورتیا
سره پداسی حال کی چی دخپل هیواد اوملت
دآزادی په لاره کی هرزاسرښندنې ته چمتو
وو ، به ورځنی ژوندانه به بوختیدی .

د (گدفلای) په رمان کی دولسمی پیری
ددیم او څلور مولسیزو به په اوږدو کسی
د (ځوان ایطالیا) د سازمان وطن پالونکی
فعالیتونه ښودل شوی دی .

پدغه وخت کی دایطالیا دولت دنابلشون
دپوځونو دپړی وړی کیدلو ته وروسته پهاتو
بیلوبیلو ایملتونو باندي ویشل شوی و اود
اقریش دپوځ په لاس کی و . دروم د پاپ
(دکاتولیکي کلیساژبیس) داتریشی یرغلګرو
بلوی کوله . دایطالیاملت هم ددغو دووغلیمانو

تر فضا د لاندي ژوند کساره او کسیدل .
دایطالیی یرمختلونکی قوتونه او خلک ددغو
اته ګونو هیوادونو په یووالی او دیو واحد
دولت دتاسیس ضرورت باندي ټینګار کول
اوداطریشی فرمانروا یانو پر ضد د مسلې
خپلواکی لپاره مبارزه روانه وه .

(ژوزف مازینی) دایطالیی نامتو انقلابی چی
دخپل هیواد څخه شړل شوی وه کال ۱۸۳۱
د (ځوان ایطالیا) دپت سازمان بنسټ کېښود .
(ځوان ایطالیا) چی هیڅکله دپولیسو دتعقیب

څخه خوندي نهوه دایطالیی دملت په مبارزاتو
کی یې ډیره ونډه درلوده اوپه پای کی
همدغه جنگیالی سازمان بریالی شو چی هیواد
یوموټی او متحد کړی . درمان پیل د ۱۸۳۲
کال پوری اړه لری . پدغه کال کی خلک
دایطالیی په بیلوبیلوسیمو کی په وسله والو
قیامونولاس پوری کول او اطریشیان دکورنیو
مرتجعینو په مرسته دغه قیامونه په کلکه سره
ټکول . پدغو ټکونو کسی په غلیم ډسره
بیرحمانه کارونه سرته رسول .

د (گدفلای) په نامتو اثر کی موږ د ټول
ملت په قیامونو او وسله والو پاڅونونو په
شاوخوا کی ډیر مطالب نه مینده کړو . سره
له دی چی دایطالیی دتاریخ دغه مرحله دسترو
پاڅونونو اوسله والو مقاومتونو څخه ډکه
وه .

دلیکوال ټوله غیرتیا درمان داتل داتلوالیو
اودهغه د کرکټر دتصویرلو په شاوخوا کی
څرخي . او لیکوال دیوفرد اتل والی نقش یې
کوی .

د کتاب داتل (گدفلای) ستره اتل والی هغه
وخت ښه ښکاري چی دی دژاندارمو سره
مخامخ کیږی . دلته لیکوال په ډیر ښه شان
دهغه فرد اتل والی چی یواځی پاته دی او د
خپلو ملګرو دمرستی څخه محروم پاتی شوی
دی ، ښیږی . دغه اتل فرد نورهیڅوک او هیڅ
شی نلری پرته له ایمان څخه کله چی یو

مبارز د مبارزی په اوږدو کی دخپلو ملګرو
مرسته احساسوی دغه احساس دهغه د عمل
اوزړه ورتیا باندي اغیزه اچوی اوهغه مبارزی
ته هڅوی څو کله چی یو مبارز یوازی پاتی
شی اویا په جیل کی واچول شې دهغه دآزموینی
ډیره ښه وسیله ده اوهلته ده چی ددغه مبارز
زړه ورتیا او د شان څخه تیریدنه ښه
معلومیدلای شی . پدغه وخت کی دی چی مبارز
بی له دی څخه چی پاداش وغواړی او دهغه
زړه ورتیا اوسر ښندنې څوک وویښی پدغو
اتل والیو لاس پوری کوی او له خپل ایمان
څخه دفاع کوی .

اتل لیلیان وینيچ په ډیر مهارت سره
دهمداسی یواقل مبارز څیره ترسیموی اوپه
عین حال کی دګلیسا ددرواڅتنو خادینو د
غیري څخه نقاب بیرته کوی . د (گدفلای)
درمان لیکوال خپل دغه نامتو رمان دجرايدو
او خبرونو پر بنسټ نه جوړوی بلکی دځلانده
او ژوندیو څیرو په خلقول لاس پوری
کوی . رمان دسر نه تر پایه پوری انسان ته

د عشق او ډیری ژوری مینی څخه ډکه ده .
د مبارز (گدفلای) څیره د نړی په ادبیاتو
کی ترټولو ځلانده مبارزه څیره ده اوهمداسی
هم یو رښتینی څیره ده اتل لیلیان وینيچ د
یوی پوهی ښځی په توګه او همدا رنگه دیوی

ستری لیکوالی په توګه ۹۶ کاله ژوند وکړه
او په کال ۱۹۶۰ دژوئیی په ۲۸ نیټه دنړی
څخه ستر کی پټی کړه .

د (گدفلای) رمان تر اوسه پوری د نړی
په ډیرشو ژوندی ژبوپول شوی دی او په
هره ژبه کی څو څو ځلی بیا چاپ شوی اوبیا

هم له بازار څخه ورک شوی دی . دا ځکه چی
دغه ستر اثر ډیر مینه وال درلود او اوس
هم لری اوپه راټلونکی کی به هم ولری .



ستوری

په کلتوري انقلاب کې دځوانانو ونډه

زموږ عصر چې د کار کړي جنبشونو او انقلابي نهضتونو دوران او پانګوالو نظامونو څخه سوسياليستي ټولنو ته دودې او تکامل زمانه ده او دغیري پانګوالی ودې له لارې دې طبقو ټولنو دجوړښت محتوی لري نو دغه حالت ډېل هر وخت څخه زیات دمنورو ځوانانو پراخو باندې یولي درانده مسئولیتونه او ټولنیز رسالیتونه ایښي چې موږ یې اوس یوازې دکلتوري انقلاب په برخه کې ددوی په رسالت او مسئولیت باندې پښېږو:

منور ځوانان دټولنې هغه روښانه قشر او ستر قوت دی چې دنورو طبقو او قشرونو په پرتله ډیر ژر کولی شي چې کسارګري ایډیالوژي زده کړي. لکه دشوروي اتحاد دملومو ډاکټري رئیس چه په ۱۹۳۶ کال په دغه حکله ویلي دي:

«زموږ منورین سوسياليستي انقلاب د ټولو کولو په اړخو کې په بشپړه توګه نوی نړۍ ته راغله... اوس موږ نوی خلاق او زحمتګر منورین لرو چې دبشپړه نوی لرو حیالو لرونکي او دلری سره نوی اړیکې لري دا هغه منورین دی چې دکارګري طبقې دایډیالوژي الرزي حالت پېچکاري کوي».

ځوانان له یوازې دټولنې دمدای لوستونو تولیدونکي قوت دي بلکه معنوي او فرهنگي پانګه هم ده له همدې امله دسوسياليستي فرهنگ دودې په برخه کې دځوانانو فرهنگي او هنري روزنه هم دخاص ارزښت وړ ده. چې دغه مسئله په ښوونځیو کورنیو دځوانانو په مخکښه سازمانونو دهنرمندانو په اتحادیو او ټولو اجتماعي قوتونو پورې اړه لري

سوسياليستي مضمون لرونکي هنر کولی شي چې په ځوانانو کې دسوسياليستي وطنپالنې روحیه پیاوړې کړي او ځوانانو ته د ټولنې او ژوند په برخه کې دملی نړۍ لیدځلانده اصول ور زده کړي. شک نشته چې سوسياليستي ټولنې ودانول پرته دکلتوري زموږ عصر چې د کار کړي جنبشونو او انقلابي نهضتونو دوران او پانګوالو نظامونو څخه سوسياليستي ټولنو ته دودې او تکامل زمانه ده او دغیري پانګوالی ودې له لارې دې طبقو ټولنو دجوړښت محتوی لري نو دغه حالت ډېل هر وخت څخه زیات دمنورو ځوانانو پراخو باندې یولي درانده مسئولیتونه او ټولنیز رسالیتونه ایښي چې موږ یې اوس یوازې دکلتوري انقلاب په برخه کې ددوی په رسالت او مسئولیت باندې پښېږو:

منور ځوانان دټولنې هغه روښانه قشر او ستر قوت دی چې دنورو طبقو او قشرونو په پرتله ډیر ژر کولی شي چې کسارګري ایډیالوژي زده کړي. لکه دشوروي اتحاد دملومو ډاکټري رئیس چه په ۱۹۳۶ کال په دغه حکله ویلي دي:

«زموږ منورین سوسياليستي انقلاب د ټولو کولو په اړخو کې په بشپړه توګه نوی نړۍ ته راغله... اوس موږ نوی خلاق او زحمتګر منورین لرو چې دبشپړه نوی لرو حیالو لرونکي او دلری سره نوی اړیکې لري دا هغه منورین دی چې دکارګري طبقې دایډیالوژي الرزي حالت پېچکاري کوي».

ځوانان له یوازې دټولنې دمدای لوستونو تولیدونکي قوت دي بلکه معنوي او فرهنگي پانګه هم ده له همدې امله دسوسياليستي فرهنگ دودې په برخه کې دځوانانو فرهنگي او هنري روزنه هم دخاص ارزښت وړ ده. چې دغه مسئله په ښوونځیو کورنیو دځوانانو په مخکښه سازمانونو دهنرمندانو په اتحادیو او ټولو اجتماعي قوتونو پورې اړه لري

سوسياليستي مضمون لرونکي هنر کولی شي چې په ځوانانو کې دسوسياليستي وطنپالنې روحیه پیاوړې کړي او ځوانانو ته د ټولنې او ژوند په برخه کې دملی نړۍ لیدځلانده اصول ور زده کړي. شک نشته چې سوسياليستي ټولنې ودانول پرته دکلتوري زموږ عصر چې د کار کړي جنبشونو او انقلابي نهضتونو دوران او پانګوالو نظامونو څخه سوسياليستي ټولنو ته دودې او تکامل زمانه ده او دغیري پانګوالی ودې له لارې دې طبقو ټولنو دجوړښت محتوی لري نو دغه حالت ډېل هر وخت څخه زیات دمنورو ځوانانو پراخو باندې یولي درانده مسئولیتونه او ټولنیز رسالیتونه ایښي چې موږ یې اوس یوازې دکلتوري انقلاب په برخه کې ددوی په رسالت او مسئولیت باندې پښېږو:

بلکې حقیقت دادی چې دنوی مترقي ټولنې دجوړښت لپاره داسې کلتوري انقلاب لازم دی چې دتیر کلتوري زیرمی څخه تر هغه وخته استفاده وشي چې دنوی سوسياليستي ټولنې دودې اواکتشاف په مخ کې یې څنډاو څنډه نه وي راوستلې تاریخ ټاکنه کړې ده چې حتی دطبقاتي ټولنو یو له کلتوري اړخونه دې طبقو ټولنو داجتماعي، اقتصادي جوړښت سره نه یوازې تطابق کوي بلکه دغه په نوره وده کې اغیزه ناکه رول لوبوي.

شک نشته چې په طبقاتي ټولنو کې دکلتوري انقلاب ضرورت ډیر زیات احساس دی ځکه چې په دغه راز ټولنو کې زحمتکشان دمعنوي او ذهني کارونو څخه محروم اوبې برخې وي او اکثریت زیار ایستونکي ددرندو جسمي کارونو سره سرو کار لري چې دغه کار په خپل ذات کې ددې سبب کیږي چې ددوی کلتوري برخه محدوده پاتې شي. دلته داڅېره دیادولایو ده چې کلتوري انقلاب هم یوفوري عمل نه دی بلکه دایوه تدریجي داوم لرونکي پروسه ده او دبشپړه عملی کیدو امکان یې هغه وخت موجود دی چې خلک هغه ته اړتیا پیدا کړي اویوازې فرمانونه او القاط نشي کړای چې په ټولنه کې کلتوري ژور بدلون منځ ته راوړي لکن ددغه اړتیا بنسټ هم باید دخلکو پرمادی ضرورت باندې ټکي وي زموږ زیار ایستونکي ځوانان باید دادرک کړي چې په کلتوري انقلاب کې باید دهر څخه لومړی دټولو کلتوري موسسو لکه ټلوویزیون راډیو سینما موزیمونه مطبوعات او نورو دملی کولو او زحمت کښانو په واک کې ورکولو لپاره هڅه وکړي خو ددغو وسایلو په مرسته دکلتوري انقلاب دبشپړه تطبیق لپاره اصولي کامونه واخلي.

په فلسفي ډکشنري کې کلتوري انقلاب داسې تعریف شوی دی: «دکلتوري انقلاب دسوسياليستي انقلاب یوماهیوي عنصر دی چې په یوه معقول لټښوخت کې دننه ډېو هني او روزنی دټول سیستم دپیا ودانولو ضرورت ښیي او دخلکو دهر ګڼو لپاره دکلتور ترټولو

جوانان وطن پرست:

از تاریخ باید آموخت

مبارزه میان خلق و باطل، اهریمن ها و آهورا مزداها، ضحاک ها و کاوه ها و بالاخره سیاهی و سپیدی در طول تاریخ جریان داشته و تاریخ بشری مشحون ازین مبارزات ورتګین از یمن حماسه آفرینی هاست.

مردم قهرمان افغانستان بحیث جزء جامعه بشری و اما بمثابة انسان های سلحشور وحق طلب درین حماسه آفرینی و سپیدی آفرینی سهم بسزا و قابل ستایش ادا کرده است و می کند.

بر جوانان ما ست تا تاریخ کشور خویش و مردم خویش را بدقت مطالعه نمایند این مطالعه ی دقیق و ژرف تاریخ نه تنها آنها را ز چگونگی تاریخ کشور و این سرزمین و مردم آگاه می سازد بلکه بحیث غنی ترین و آموخته ترین منبع و عبرت و آموزش نیز است.

جوانان با این مطالعه ی خود به نیکی درک خواهند کرد که چگونه اسلاف شان از سرزمین قهرمان یعنی وطن محبوب شان دفاع کرده است، چگونه تجاوز گران را برجایشان نشانده اند و هکذا با این مطالعه می توان به نیکی درک نمود که در گذشته مردم ما چگونه می زیستند چگونه علیه ظلم و استبداد و استعمار و بی عدالتی می جنگیدند.

در زمانه های بسیار قدیم آوانیکه اسکندر مقدونی با تجاوز خود آرام مردم مارا بر هم زد و بر حریم خاک مقدس ما تجاوز نمود بغروب می بینیم که همه مردم از تمام اقشار و طبقات و از تمام ملیت ها و نقاط کشور یکدست شدند و بر علیه متجاوز جنگیدند و این متجاوز که امید خیال تسخیر آسان کشور مارا حدس زده بود

بقیه در صفحه ۳۴

اقتصاد اصل مهم زندگی خانواده

سخنی چند با خوانندگان این صفحه

در این جای شکی نیست که در این عالم او استعداد امین و باند فاشیست وی یکمده زیاد از جوانان ماقلم بر زمین گذاشتند اما امروز مخصوصا پس از تحول مرحله نوین تکامل انقلاب نور زمینه های پیشرفت و تبارز استعداد ها در همه ساحات زندگی فراهم گردیده است با استفاده از موقع و آزادی های که داده شده است دوباره قلم بگیرد و آنچه را که مردم و اجتماع مآبدان نیاز دارند بنویسد.

زیرا این آثار کسی است که میتواند اذهان را روشن بسازد و از حقایق زندگی آگاهی لازم حاصل بدارند. پس در خواست ما و خواهش ما از شما جوانان باشد اینست که با فرستادن مطالب متنوع بیشتر با مجله تان همکاری نمایید تا از این راه بتوانیم مجله که بتواند ذوق خوانندگان ارجمند را ارضاء نماید تقدیم آنها بداریم با امید همکاری های ویرانه تر نماید.

خوانندگان ارجمند و گرامی این صفحه بارها خواهش ما از شما این بوده که با مجله خود با مجله خانواده ها و مخصوص به صفحه مورد علاقه تان همکاری نمایید. یک عده دوستان این خواهش ما را پذیرفته اند و با نوشته های با ارزش و زیبایی شان منت بر ما گذاشته اند. ولی یکمده دیگر کمتر علاقه گرفته و اگر هم دلچسپی نشان داده اند و مطالبی فرستاده اند که کمتر بدرد بخور مجله و مخصوص این صفحه بوده است.

توقع ما از خوانندگان این صفحه اینست که با ارسال مطالب متنوع دلچسپ و خواندنی بیشتر ما را در این راه یاری دهند. مطالب خواندنی و انقلابی، ترجمه های دلچسپ و جالب از مجله مطالبی است که بیشتر جوانان ما به آن علاقه مندی نشان میدهند حالا که باختم همین شماره پدر آستانه سال نسو میگذاریم و نشریات تازه سال ۱۳۵۹ را آغاز میکنیم با مجله محبوب تان همکاری بیشتر ویرانه تر نماید.

اگر یک روز همسران معاش را که با هزار درج و مشکل و زحمت بدست می آورید خرج مصارف بی جانماید چه خواهید کرد؟ آیا جادو و جادو را برپا خواهید کرد، یا هیچ چیز نمی گوئید و همینطور دست روی دست میگذارید و به رویش می خندید؟ فکر میکنم وقتی که یک ماه زحمت میکشید تا بولی بفرض خرج و خوراک خود و خانه تان بدست می آورید اگر آن را همسران یا شخص دیگر که مسوولیت پیشبرد امور منزل تان را برعهده دارد بپوشد مصرف نماید زیاد هم برایتان خوش آیند نخواهد بود و شاید هم عصبانی شوید...

متأسفانه یک عده خانواده ها از روی بی توجهی و یا از روی بی تفاوتی کمتر در مسائل اقتصاد خانواده فکر میکنند و همین امر باعث میگردد که این خانواده ها با مشکلات مسايل اقتصادی دست و گریبان باشند و کمتر موفق به زندگی خانواده گسی گردند. اقتصاد که رکن اساسی زندگی امروزی را تشکیل میدهد با یک سلسله تدابیر میشود این پدیده مهم زندگی و حیات خانوادگی را بصورت درست و



امایتر است قبل از این که عصبانی شوید و یا جادو و جادو را برپا دارید موضوع مصارف و خرج منزل را کنترل کنید. البته این امر وقتی امکان پذیر و قابل تطبیق است که زن و شوهر و یا هر کس که مسوولیت پیشبرد امور منزل را برعهده دارد تا اندازه به اقتصاد و ادوات آشنا باشد. ضرور نیست که هر زن و شوهر حتما مقصد باشند و این علم را در فراگولته و یا مدرسه فرا گرفته باشند. بلکه برعکس بهتر است مدرسه در این زمینه خود خانواده و خانه است. اگر زن و شوهر بتوانند خرج و دخل خانواده را منظم سازند و بین این دو توازن و بیلابیلی بوجود بیاورند بدون شك آن خانواده، از نظر اقتصادی به مشکلاتی روبرو نخواهند شد و این امر گفتگو ها و جادو و جادو های خانوادگی را که بیشتر آن ناشی از عدم اقتصاد ناسالم بروز میکند پدید نخواهد شد. و قتی که بین زن و شوهر در این زمینه تفاهم وجود داشته باشد هر یک بنوبه خود میتوانند وظایف محوله را به بهترین شکل آن ایفا نمایند.

امروز اقتصاد دانان بزرگ به این عقیده هستند که هسته اقتصاد عمومی را اقتصاد فردی و خانوادگی میسازد حقیقت همین است. بنابر این ملحوظ توجه کردن به امور اقتصادی و تفرقه هر فرد خانواده بوده و هر یک از اعضای خانواده در راه پیشبرد این هدف وظیفه عمده و خطیری را برعهده دارد. زیاده روی در مصارف منزل هیچ نوع مزیت و برتری را نشان نمیدهد، آنانی که با خرج کردن بی جا و بی مورد و به اصطلاح سیالی و شریکی نمودن ها اقتصاد خانواده خود را متزلزل و ضعیف میسازند در حقیقت اقتصاد عمومی را صدمه می زنند.

بنابراین بر جوانان است تا با تفهیم و درایتی که دارند نگذارند که اقتصاد خانواده های شان که ارتباط مستقیم به اقتصاد عمومی دارد صدمه ببینند و این مامول وقتی برآورده میشود که از مصارف بی جا جلوگیری بعمل آید و توازن معقول صرفه جویی در امور منزل یکی از خصوصیات شماره ۵۲

آیا تلفون برای رفع مشکلات است یا قصه گویی و پر حرفی؟



عصری که ما زندگی میکنیم عصر تکنالوژی و ماشین است و انسان این عصر توانسته ماشین را در خدمت خویش قرار بدهد و از آن استفاده برد. اما بعضی ها این وسایل طوری استفاده می برند بجای اینکه سپر لت های را فراهم سازد برعکس باعث آزار و اذیت یکمده میشود. مثلا یکی از این وسایل تلفون است. این وسیله ارتباطی که سالها مورد استفاده عام و خاص قرار گرفته و میگیرد و شکل معقول و مثبت آن اینست که تا از این وسیله در مواقع عاجل، و زمانی که دسترسی و تماس با طرف مقابل وقت و زمان زیادی را میگیرد به زودترین فرصت ارتباط قایم کرده و مشکلات انسان ها از این راه مرفوع گردد. اما بدبختانه یکمده آگاه و ناخود آگاه از این وسیله بشکل نامعقول آن استفاده می برند. که بیشتر باعث ناراحتی و مزاحمت دیگران میگردد.

طبق آمار و احصائیه های بدست آمده بیشتر کسانی که به تلفون صحبت میکنند و



زیاد پر حرفی می نمایند زنان اند. ولی این شکل عمومیت ندارد هستند مردانی که تلفون را گرفتند دیگر خدا میداند که چه وقت آنرا سر جایش میگذارند اما بصورت نسبی می گویند که زنها بیشتر پر حرفی تر از مردان هستند. و علت این پر حرفی هم بخاطر اینست که زنها نسبت به مردان کمتر مصروفیت دارند.



بقیه در صفحه ۲۷

مبارزه در راه نجات کامل خلق ما از انواع اسارت مادی و معنوی جزو وطن پرستی، جز وفا داری و عشق ورزیدن به وطن و مردم بالا خره جز پیکار علیه نظام فئودالیزم و بقایای آن و علیه استعمار و امپریالیسم دیگر هیچ گناهی نداشتند. امین نیز از آن جهت با زنان شریف کشور خصوص می‌ورزید که فرزندان صدیق، پیکار جو وطن پرست و انقلابی به جامعه خویش تقدیم کرده بودند و از دیرزمان به این طرف درفش کار و پیکار انقلابی را برافراشته بودند. امین بود گناه زنان مبارز و وطن پرست کشور ما که امین بنابر همین گناه شان آنها را از آغوش گرم خانواده‌ها و اطفال شان در دخمه های زندان می‌فرستاد.

اما در افغانستان در دوران امین جلاد اسیر و زندانی میگردیدند. زنان از راه مبارزه ساقط میشدند و بالاخره زنان در برابر بدترین فحشو و دشنام، توهمین و تحقیر را ند امین قرار میگردیدند، نفرین بر امین و امینیان خاین.

امین غافل از آن بود که نمیتوان خلق، منجمله زنان را برای همیشه در بند اسارت نگهداشت بخصوص در دوران ماکه عصر رهایی خلق عنوان گرفته است. اما

امین چنان در وفاداری به فرمان و اوامر - امیر یالیزم امریکا و سازمان خرابکار سی - ای سای غرق شده بود که از هرگونه اندیشه و تفکر در مورد انسانهای بلا کشیده جامعه ما دست گرفته و فقط دلتی بسته به دال و چشمش به امریکا و گوسش به فرمان کار تر بود.

امین در طول رژیم فاشیستی خود میلیون ها افراد و اشخاصی زحمتکش جامعه ما را از هستی ساقط کرد، از وطن تبعید و فرار نمود. میلیون ها خانواده را سرد و ماتمزه ساخت اندیشه های انقلابی را در آنها ن توده ها جلوه متنی داد، مبارزه و وطن پرستی را قلب ماهیت داد و سر انجام در نتیجه اعمال خائنا نه امین بود که هم اکنون دهل تبلیغاتی امیر یالیزم علیه افغانستان انقلابی و دوستان صلح پسند آن بیش از حد صدا در آمده است.

امین گرچه به ظاهر از خلق و انقلاب سخن می‌زد اما او به هیچ وجه به خلق و انقلاب ایمان نداشت او از سنگر انقلاب و از تحت درفش اید یالوژی انقلاب علیه انقلاب و آرمانیهای انقلاب ما خصمانه مبارزه میکرد آیا میتوان او را حتی در لفظ هم انقلابی خواند؟ هرگز ازیرا امین هر کجا که انقلابی را سراغ میکرد به زندان می‌انداخت و ترور میکرد. لکه ننگی - ترور هزاران انقلابی و حتی کسی را که خود همواره بهترین آموزگار انقلابی می‌گفت به شکل فجیعانه به شهادت رسانید میتواند از دامن سبای و خون آلود امین پاک شود؟ آیا خاطرات دوران کشت و خون بر ساقه امین از یاد خلق زوده خواهد شد هرگز!

بلی امین از جلادان دوران بردگی و از خونخوار قرون وسطی و از تروریستان دوران امپریالیسم کاملاً پشی گرفته و با فرا تر نهاده بود، او روی همه جلادان راستی



فاطمه د. نیرو

امین جاسوس با زنان شرافتمند و پیکارجوی کشور ما خصومت می‌ورزید

برین ادعای من صحت می‌زند. امین از تبعید و شکنجه و کوب و کوب و زندانی ساختن زنان هدفمند و چیز فهم جامعه ما هیچگونه دریغ نکرده است. هر روز می‌دیدیم که زنان را از خانه و محل کار و حتی از روی سرکها جوجه جوجه سوی شکنجه گاهها و زندان ها قرون وسطائی خود می‌فرستاد.

هو وطن شریف ما با وجود یک هر یک خود در بساط سوغات نشسته و بیاد یکی از وابستگان خوش اشک می‌ریزند، قضاوت کنند که در کدام دوره بی از جبارترین امراء و سلاطین کشور ما چنین عمل وحشیانه صورت گرفته است که کودکان و زنان با خشم و خشونت شکنجه و تهدید و بدبها تحویق و تحقیر با توهمین و ناسزا از کانون های گرم خانواده های آنان به صوب شکنجه گاه های حیات سوز و زندان های هتسری افکن کشانیده شده باشند. کدام امپرو سلطان جابر و خونریز مانند سلطان امین جلاد، تا این حد وحشیانه، زنان شریف، پیکار جو و وطن پرست را که تازه پادر عرصه کار زار زندگی سیاسی نهاده بودند تبعید و زندانی ساخته اند باید به صراحت گفت: که امین در شکنجه و تهدید و توهمین و تبعید و زندانی ساختن زنان روی همه جلادان و دشمنان صلح و آزادی را به اصطلاح مستشو کرده و سفید ساخت.

زنان شرافتمند ما چه گناه داشتند که هر روز در چنگال خون آشام امین قرار می‌گرفتند؟ بجواب باید گفت: که گناه امین زنان جز

و فتنه بیانات فتنی، عوام فریبانه و به ظاهر انقلابی امین جلاد را از نظر نگذاریم ملاحظه خواهیم کرد که او در هیچ بیانیه خود سخنی در باره زن و نقش آن در حیات اجتماعی و بخصوص در باب کار و پیکار زنان رزمجو و وطن پرست ما در جریان پانزده سال مبارزات طبقاتی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، بر زبان نیاورده است. امین امر خود مویده آنست که امین عمیقاً با زنان آگاه و پیکارجوی ما خصومت ورزیده و با این هم اکتفا نکرد، او و دستیاران جنایتکار او هر روز زنان را جوجه جوجه به سوی زندان بل چرخ می‌کشاند. زیرا امین از تشکل و نیروی رزمنده زنان آگاه کشور هراس داشت تا مبادا همانند مردان و دیگر افساد زحمتکش جا معه، روزی پرده از جنایات او برداشته و به زعم این جاسوس زنان نیز برای او و باند تروریستی او فرد سر گردند.

بلی: امین هم مانند دیگران با وطن، خلق و انقلاب ما دشمنی عمیق داشت زنان را نیز نمی‌گذاشت که در راه اعتلای وطن و سرافرازی خلق و تکامل انقلاب شان متحدانه بزمند اما این ادعای خاص من نیست که در مورد امین و امینیان خاین می‌گفتم، بلکه اعمال ضد ملی و ضد دموکراتیک او، بخصوصی اعمال وحشیانه او در برابر زنان فحیب کشور ما است که در آتیه قضاوت تاریخی و توده های زحمتکش افغانستان عزیز

ارزش های حیاتی شیر مادر در زندگی و صحت اطفال

شیر مادر یگانه مغلوب غذای عالی و مکمل است که دارای همه ای مواد ضروری زندگی و عوامل مقاومت دهنده بوده و رایگان بدسترس مادران است، پاک غازی از مکروب و مفید است لطفاً به همه مادران دنیا بخصوص در کشور های عقب نگذاشته شده ابلاغ فرمائید که هیچگاه طفلک زیبا و دوست داشتنی از شیر خود محروم نسازند چه بزرگترین وظیفه مادر و شرط اصلی و اساسی مادر بودن هما نا شیر دادن اوست مادر یکی به طفل خود شیر خود را نمی‌دهد ممکن خاتم خوب، مغو خوب اجتماع و بالوی با سلیقه باشد اما بهیچوجه نمی‌توان آنرا مادر خو برنامید

بقیه در صفحه ۵۸



ترجمه : ع، س

چرا زنهار یمل میزنند؟



اش را باز کرده و از پودر و غیره مواد در دست داشته استفا دهمینما ید. بعد از اینکه به سوی آینه نگاه کرد در فکر شس سوال خطور میکند : «چطور است!» و با خود جواب میگوید (همه در جا یش قرار دارد).

فقط این مرد ها ست که به ایسن اسرار پی نمیبیرند و گاهی سوال میکنند «چرا زنها آرا یش میکنند؟» امروز در جهان آرایش بسیا ر مروج است. این هم اتفاقا قی نیست زما نی که مسا بقات در ین قسمت بر گزار میشود صالون از علاقمندان مملو میبا شد. این مسا بقات علاوه از داشتن جنبه کلام نشان دهنده هنر فن مذکور میبا شد.

بطور مثال زما نی که مسا بقه جریان دارد تما شا چی فکر میکنند که شخص مورد نظر شس حتما نمره عالی را تصا حب خوا هد کرد اما برعکس حکم مسا بقه آنرا نا چیز از زیبا بی میکنند.

در یکی از این نوع تما یشات که در مسکو صورت گرفت حکم قضاوت دقیق وعا دلانه خود را به تما شاچیان به اثبات رسا نید. قسمیکه تما شاچیان بعدا متوجه شدند واقعا در بعضی قسمت ها نقایص آشکار وجود داشت. طور مثال آرا یش بطریق یقی صورت گرفته بود فکر میشد که یک چشم نظر به چشم دومی



آنها را نور مال میسا زد. همینکه زن به صورتش در آینه نگاه کرد و متوجه شد که هنوز جدا بیت را از دست ندا ده یکنوع احساس روانی نموده که این حادثه در کارهای روز مره اش کمک فراوانی مینماید.

یکتعداد زنها حتی اعتراف می کنند که تا وقتی ریمل نزنند نمی توانند به کار روز مره آغاز نمایند. بطور مثال متوجه شده با شپیسد همینکه زنی عصبی شد بکس دستی

بعضی ها مزاح کنان میگویند : آرا یش از روز اول بد نیا آمدن انسان بوجود آمده است. اما اگر بیه واقعیت بر گرد یم دیده میشود که زنها از زمان های بسیار قدیم بیه آرا یش توجه خاصی را مبذول میداشتند و تا ریخچه آن بسیار طولانی میبا شد.

در حال حاضر لوازم آرا یش کشف شده است که بیه زمان بسیار قدیم تعلق دارد با این میله کو چک زنها برای آرا یش لسهای شان استفاده میکردند و همچنین مردم در مصر قدیم ویونان از آرا یش بدور نمیرفتند و از وسایل دست داشته اسففا ده میکردند. این نکته نیز اتفاقا قی نیست که در مجسمه های که مسا بقه چندین هزار ساله دارند الفاظ (اگر مقبول هستی - خوش باش) حک شده است.

در حال حاضر روان شناسان بدین معتقدند زنها بعد از اینکه از خواب بر خاستند در مقابل آینه می ایستند و به آرا یش سر و صورت شان آغاز میکنند. این عمل برای زنها یکنوع تمرین است که اعصاب



مقام زن

- ۱- زدن زن با شاخه گلی همسزاوار نیست.
 - ۲- وظیفه یک زن درست نمودن اخلاق و تهذیب شوهرش می باشد.
 - ۳- زن نیمی از بیکر اجتماع است ...
 - ۴- عشق هر ض است ولی زن پرستار این مرض ...
 - ۵- تمام افکار و تعلیمات یک مرد به محبت و صداقت زن نمی ارزند.
- ولتر
- فرستنده : عبدالملك شرف



نعل های خود را
جا به کشتیا نی خود را
کفش های سفر خود را
قلب درود گری خود را
آنچه که میتوانستیم بکنیم
و آنچه بمن یاری رساند که رنج ببرم
و آنچه که سر سخت و تاب داشته ام
حل ناشدنی و هجرت ناپذیر
تادر جهان بیا موزند

آزمونی نمکسود گرد آورم
بسوی رجعت های لاهوتی
بسوی منازل ناسونی
و بد انسان منتقل میشوم بی آنکه بها نم
بکدام جهان باز میگردم
و اگر به زیستن ادامه میدهم
در حالیکه امور حل میشو ند
من گواهی خود را اینجا باقی گذاشتم
سر گشتگی سر گردان خویش را
تا با بسیار خواندن
کس نتواند چیز دیگر بیا موزد
مگر جنبش جا ودانه را
از کسی که روشن است و گمراه
و با را نی است و شا دان
و کوشا ست و خزان زده
و اکنون در پس این پرده
میروم و نا بدید میشوم
چپشی در شفا فیت
مانند شنا وری آسمانی
و سپس باردیگر به بزرگ شدن می آغازم
تا آنکه روزی چنان کوچک شوم
که باد مرا بربود
و دیگر آنکس نخوا هم بود که نام دارم
و آنکس نیست که هر با مداد بیدار میشوم
و آن زمان نغمه را در خموشی میخوانم

شعر زیرین ، بنام «وصیت خزان» دایزگترین شاعر عصر ما بابلونرودا سروده
ولوتی آرا گو ن شاعر و نویسنده بزرگ معا صر فرانسوی ، دو ستش ، پس از مرگ
غم انگیز نرودا ، چند ماه بعد از فا جهه کودنای چلی ، درباره آن «سو گنا مه نرودا»
را تحت عنوان «معجت شعر» ساخته است که هر دو از شهرت فرا وانی
بر خور دارند . زندگی نرودا ، زندگی شاعری در دوران درد و نبرد بود . به گفته
خود او :

بعد پنهانوی نیست جز رنج ، جهانی نیست جز خون

هر اندازه هم که دورتر بروی ، چیزی تغییر نمی کند .

ترجمه و مقدمه از احسان طبری



وصیت خزان

بین مردن و نمردن
من بر گزیده ام ساز را
و در این چرخه پرکار
دل را درنگی نیست
زیرا ، آنجا که کفش چشم برآه منند
من با گروه خویش فرا میرسم
برای دو نخستین شراب
در کلاه های سبدین بالیز

بدون میروم ، حتی اگر در راه بندند
ولی اگر نپذیرند ، دور میشوم
من از آن دریا پیمان لیستم
که در بیابان یخین گم می شوند
مانند باد ، ساز گارم
با زرد ترین برگها
بافصل های منموخ
چشمان تند پس ها

و اگر هم گوشه ای بیارم
در درون گر دوی آتش است
در آنچه مشتج و منفجر است
و سپس بی سر نوشت سفر می کنم

در در از نای این سطور
تو باید که نام خویش را بیا بی
تا سلف اندکی دارم

مطلب دیگری در میان نبود
اگر نه از بسیاری چیز ها
از آنجا که «هستی» و از آنجا که «نیستی»
و این برای همه روی میدهد
احدی نیست که از همه چیز سرور آورد
و زما نیکه اعداد را جمع می بند ند
همه ما دولتمندان دروغین بودیم
و اینک مستمندان نوین هستیم

اموال زمینی خویش را بخشوده ام
به مبین خود و مردم خویش
اکنون مطالب دیگری در میان است
چنان تیره و چنان روشن
که با ایشمه یکی هستند

آلمان که کار انگور هاست
و دو فرزند توانا یش
شراب سفید و شراب سرخ
هر روشنی تیره است
و همه چیز خاک و آجر نیست

در مرده ریگ من سایه هارو باهاست
به کینه و گذاشته ام



دشت گل

د پش چمنی بخواب دیدم
یکدشت گل سلاب دیدم
در سا غر چشم نیم مستی
دریا دریا شراب دیدم
در قطره محیط یکسرانی
در ذره یی آفتاب دیدم
در جا به نیلگون گش را
آتش بسیار آب دیدم
و ز طرز نگاه فتنه بارش
یکشهر در اضطراب دیدم
فرخنده می که شامگاهان
بر روی تو ماهتاب دیدم
(حیدری پنجشیری)

از گلستان بر چیده ایم



دست قسرع چسود بنده محتاج را
وقت دعا برخدای ، وقت کرم در بغل
از زرو سیم ، را حتی بر مسان
خو یستن هم نفعی بر گیر
و آنگه این خانه کز تو خواهد ماند
خشتی از سیم و خشتی از زر گیر

آورده اند که در مصر اقارب درویش داشت ، بیقیت مال او توانگر شدند و جامهای
کهن برنگ او بدزدیدند و خزود میاطی بردیدند هم در آن هفته یکی را دیدم از ایشان بر باد
بایی روان ، غلامی در پی شوان .

شلغم پخته

هرگز از دور زمان ننالیده بودم و روی از گردش آسمان درهم نکشیده مگر وقتی که
بایم برهنه مانده بود و استطاعت پای پوشیده داشتیم ، بجامع کوفه در آمدم دلشنگه ، یکی
را دیدم که پای نداشت ، سباسب نعمت حق بجای آوردم و بر پی کشتی صبر کردم .

مرغ بریان بچشم مردم میر
کمتر از برگ تره بر خوانست
و آنگه را دستگاه و قوت نیست
شلغم پخته ، مرغ بر یا نمست

وہ کہ گر مرده باز گردیدی
بمیان قبیلہ و پیوند
رد میراث سخت تر بودی
وار ثمان را ز مرگ خویشا ولد

بسیاقه معرفتی که میان ما بود ، آستینش گرفتم و گفتم :
بخور ، ای نیک سپرت سره مرد
کان نگویند بخت گرد کرد و نخورد
سعدی

چشم دنیا دار

بازرگانی را شنیدم که سدو پنجاه شتر ، بار داشت و چهل بنده خدمتکار ، شبی در
جزیره کیش مرا به حجره خویش در آورد . همه شب نیارمید از سخنهای پریشان گفتن ،
که فلان انبارم به ترکستان و فلان بضاعت بپندومتانست و این قبائل فلان زمینست
و فلان چیز را فلان ، زمین ، گاه گفستی : خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوشست .
باز گفستی : نه ، که دریای مغرب مشوشست . سعدیا ، سفری دیگرم در پیشست ، اگر آن
کرده شود بقیعت عمر خویش بگوشت بکشیم . گفتم : آن کدام سفر است ؟ گفت : گوگرد
پارسی خواهم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی بروم آرام
و دیبای رومی بپند و فولاد هندی بحلسب و آبگینه حلبی بپند و بردهای بیبارس و زان
پس ترک تجارت کنم و بسدگانی بنشینم . انصاف ، از این ماخلولیا چندان فرو گفت که
بیش طاقت گفتنش نمآید . گفت : ای سعدی ، تو هم سخنی بگوی از آنها که دیده ای و
شنیده . گفتم :

آن شنیدستی که در اقصای غور
بار سالاری یفتاه ز ستور
گفت : چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت بر کند یا خاک گور

گر به بوهریره

مالداری را شنیدم که بیخ چنان معروف بود که حاتم طایی در کرم . ظاهر حالش
بنعمت دنیا آراسته و خست نفس جیلی دروی همچنان متمکن ، تابجایی که نانی بجائی از دست
ندادی و گر به بوهریره را بلفقه بی نواختی و سگ اصحاب الکف را استخوانی نینداختی .
فر الجبله ، خانه او را کس ندیدی در کشاده و سفره او را سر کشاده .

درویش بجز بوی طعامش نشنیدی
مرغ از پی نان خوردن او ، ریزه نجیدی

شنیدم که بدریای مغرب اندر ، راه مصر بر گرفته بود و خیال فرعونی در سر ، حتی
اذا ادرکه الفرق ، بادی مخالف کشتی برآمد .

با طبع ملولت چکند ، هر که نسازد
شرطه هموقتی نبود لایق کشتی

دست دعا بر آورد و فریاد بی فایده خواندن گرفت ، و اذار کبوانی الفلك دعوالله مخلصین
له الذین .



شعر : زرغون سحر

دافعان بچی

ای بچه دافغانه ! قهرمان دمر کوئی
چه بچی نی ددی خا وری ، کلک مین به دنگو غروئی

ای بچه دافغانه ! ته دخیل بابا بچی نی
ته تر تیرو هم لاکلک نی ، چه لوی شوی به میرو نی
ته عتاب نی ته شا هین نی ، داوطن دی زالکی ده
به پرواز شه ای عتابه ، چه بچی دجگو غرو نی
ته سیلاب نی یو تو فا نی ، دک له قهره اوله زوره
کلک منگول لری زده وری ته بچی دشتوزمرو نی
سغندر دغیر توئی تا غولک نشی گر خولی

تا مات کوی قسوه ، سترمرگی درنخیرو نی
ته لوی شوی نی آزاده ، اسارت نشی منلی
ته قس نشی منلی ، چه بچی دسر دروئی
ته بچی دخیل وطن نی ، کالی ، یو نی نی واره ستا نی
ته دخیلو شتو واکدار نی ، ته خا وند دسپینو سروئی

ته روان شه خپلو ورو نو سره جوړ افغانستان کوه .
تور قسروله دستم او استشاره سره وران کوه

تقریباً در حدود هشتاد میلیون اطفال در نقاط فقیر تر جهان همه ساله چشم بدینا می گشایند که حتی ده فیصد ازین اطفال از خدمات يك نفر کار مند صحتی به منظور حصول مصو و نیت در مقابل یکی ازین امراض مهلك دور و طفولیت

بر خور دار شده نمیتوانند درحالی که بر عکس نود فیصد اطفال دنیا ی مترقی در مقابل امراض مانند دفتیری ، سیاه سرفه ، تبنا نوس فلج و سرخکان و قایه می گردند .



با تعجب باید یاد آور گردید که موفقیت پرو گرامهای و قایو ی در ممالك مترقی جهان در ظرف بیست سال اخیر بعضاً هراس یا ترس و قایه اطفال را در مقابل

امراض آنقدر از میان برداشته است که حتی اسما و علا یم شان اغلباً از خاطره ها فرا موش گردیده و یا با امراض دیگری در محل مورد اشتباه قرار گرفته است .

مشکل واقعی را میتوان در جای دیگر سراغ نمود باین معنی که ارقام دردناک نود و هفت فیصد کلید و فیات اطفال دارای ستین کمتر از پنجسالگی را در ممالکت رو به انکشاف وانمود میسازد در

در جهان مترقی امروز تسهیلات و قایو ی در مقابل امراض برای اطفال فراهم گردیده زیرا آنها می دانند که یگانه کلید محو امراض وقایه آنست در پهلوی آن دردنیای رو به انکشاف عصر حاضر سالانه در حدود پنج میلیون اطفال توسط امراض انتانی که وقایه از آنها میسر می باشد از بیست و نه تا سی و دو درصد در حالیکه میلیون ها افراد دیگر توسط امراض از قبیل ملاریا امراض معدیه معایی که میتوان امکانات وقایه آنها را از طریق

غیر از معافیت (واکسینا سیون) میسر گردانید جان خویش را از دست میدهند حتی انقلاب تکنالوژی عصر حاضر که ساحه مخابرات و وسایل تفاهم با ظهور دور و استفاد از تلویزیون یکجا با تسهیلات رادیویی و مستندفلمی و حکایات متصور مجلات نتوانسته است این واقعیت مسلم را به سمع همگان درحالی می رساند در

صور تیکه صحت اطفال از طریق های مختلف مخصوصاً واکسین و قایه می گردد . میلیون ها اطفال

که همه ساله جانها را بشکلی دردناکی از دست میدهند حفظ شده میتوانند .



کمبود مواد غذایی و بعضی از امراض کوک رابه چنین حالتی سرد چار میسازد .

ژوندون

از منابع سازمان صحتی جهان

ترجمه : دوكتور عبدالسبحان هانفی

مراقبت بهتر طفل



مراقبت های صحتی واکسیناسیون های به موقع طفل را از بسیاری امراض وقایه میکند .

اسباب سوء تغذی اطفال و تدابیر جلوگیری از آن

خوانندگان گرامی و خانواده ها ی محترم چنانکه میداند غذا و چگونگی صرف آن در نمو و پرورش اطفال همچنان در تامین صحت انسان تاثیر به سزا دارد برای اینکه اهمیت این موضوع را خوبتر روشن و توضیح نموده باشیم مصاحبه یی را با پوهنمل دوکتور سید حسام المل رئیس شفاخانه حایه طفل و مادر انجام داده ایم که ذیلا تقدیم میشود:

سوال: آیا سوء تغذی اطفال يك پرابلم عمده صحت مملکت عزیز ما محسوب میشود و یا خیر؟

جواب: سوء تغذی نه تنها پرابلم عمده صحت اطفال مملکت عزیز ما محسوب میشود، بلکه پرابلم مهم اکثر ممالک جهان روبه انکشاف می باشد، یعنی بیشتر در آسیا - افریقا و امریکا ی لاتین مشکل فوق العاده عمده بشمار میرود. و همه ساله اطفال مصاب به سوء تغذی یا فقر مواد غذایی به شفاخانه ها مراجه می نمایند.

نا گفته نماند که اکثریت اطفال که به امراض متعدد و گوناگون به شفاخانه ها و یا مراکز صحتی چه در مملکت عزیز ما و یا در کشورهای روبه انکشاف مراجعه می نمایند، ضمنا مصاب درجات مختلفه سوء تغذی نیز می باشند. و طوری که تخمین گردیده است، ۴۰ فیصد مواقع مرگومیر اطفال با آنکه شاید ظاهرا سبب عمده مرگی شان توضیح نگردیده باشد مربوط سوء تغذی می باشد. باید علاوه کرد که اطفال مصاب به سوء تغذی بر علاوه که پرابلم صحتی يك کشور روبه انکشاف محسوب میگردد، پرابلم های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را نیز بوجود می آورد که اگر با لای هر کدام آن بحث و مشاجره صورت گیرد ساعت ها را در بر خواهد گرفت. آنچه را که باید یاد آور شد اینست، که اولاً شاید اطفال مصاب به سوء تغذی اگر درجات پیشرفته آن قرار داشته باشند بعیرند و یا اگر دراندر

کمک های به موقع مراکز صحتی و تعلیمات صحتی شغایاب گردند باز هم مانند يك طفل سالم نشو و نما کرده نتوانسته، بطاقت و توقف، گاه در نشو و نما او بوجود می آید و یا اینکه وجود این طفل برای تهاجم میکروب ها فوق العاده مساعد می باشد که اگر این موضوع را بصورت مفصل تحت مطالعه خویش قرار دهیم وقت زیادی را در بر خواهد گرفت، بنا لازم نمیدانیم که موضوع مذکوره فوق را بصورت مفصل مورد ارزیابی و مشاجره قرار بدهیم بهتر است این موضوع را کارکنان مراکز صحتی و دوکتوران جوان اطفال بصورت مفصل بخاطر داشته باشند و برای

دو علت مشخص نداشته بلکه نتیجه عوامل مختلفه می باشد که عبارت اند از:

۱- کمبود مواد غذایی و یا عدم دسترسی به آن.

۲- تشوش در جذب و امتصاص مواد غذایی در طفل.

۳- ضرورت نسبتا بیشتر اطفال به مواد غذایی چون در حالت نشوونمای سریع می باشند.

لاکن باید گفت که از جمله عوامل فوق تنها فکتور اول به سوء تغذی مملکتی مهم بوده و پرابلم صحتی اطفال جهان سوم را تشکیل داده که در خور توجه باید قرار گیرد. زیرا کمبود مواد غذایی و یا عدم دسترسی به آن با حقایق آن استوار می باشد.

اول: شرایط اقتصادی: مثلا:

۱- فقر:

۲- فقر:

۳- صعود قیم مواد غذایی مخصوصا پروتیین حیوانی (گوشت).

۴- مادرانیکه برای تامین اقتصاد خانواده اجبارا به انجام کارهای شاقه دوامدار خارج از خانه مصروف اند مثلا در (فابریکه - مزرعه - معمار منازل و غیره).

۵- تعداد اطفال و اعضای فامیل.

دوم: شرایط اجتماعی: مثلا:

۱- اعتناات مختلفه مضر در خانواده ها، و محدودیت در دادن بعضی غذا ها مثلا بعضی از فامیل ها به اطفال شان تخم نمیدهند و چنین وانمود می سازند که اگر تخم به طفل داده شود، طفلش زود حرف نمیزند یا بعضی از فامیل های اند که اصلا از نظر مذهبی گوشت نمی خورند و غیره.

۲- شرایط جد کردن از شیر مادر: بعضی از مادران وقتی که طفل شان را از شیر جدا کردند او را یا غذائی درست نمیدهند و یا اگر میدهند یکنواخت بوده و یا اینکه او را قبلا به خوردن غذا عادت نداده اند و یا اینکه او را بخانه والده کلان، خانه و یا عمه اش اعزام میدارند، تا از نظر مادر دور باشد و به این ترتیب او دیگر آرزوی شیر مادر را نکند. در حالیکه همه این فکتور ها بذات خود هر کدام آن در جدائی طفل از شیر مادر جدی تلقی شود. و به مادران تعلیمات و تلقیات صحتی داده شود تا در هنگام جدائی طفل شان در شیر اورا به خانه اقارب اعزام ندارند. زیرا وقتی چشم او از مادر دور گردد در یک فضای

فرار میگیرد که محروم از عواطف مادری گردیده اشتباهی اوسقوط کرده و در نتیجه يك سلسله فکتور های دیگر نیز بان علاوه شده طفل را مصاب سوء تغذی میسازد.

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

۴ نوعیت غذا: اکثریت مادران دادن شیر قطعی را نظر به شیر خویش ترجیح میدهند و آنراحتی علامه پرستیز و حیثیت میدانند، لکن شرایط تیه شیر، توان خرید، و مقدار ریکه باید به طفل داده شود، در چنین جوامع مشکل بوده و هم چنان شرایط حفظ الصحه و نگهداشت آن اسیر نیست

خلاصه يك آب سفید رنگ است که به طفلش میدهد. و تدریجا تراژیدی سوء تغذی را بار می آورد.

۵- عدم آگاهی والدین از ارزش های مواد معدنی مثلا آهن و املاح و غیره.

۶- ولادت های شیر به شیر: که صحت مادر و طفل را متضرر میسازد.

سوال: لطفا اگر در مورد اینکه سوء تغذی در اطفال چه نوع اعراض و علائم را بار می آورد معلومات بدید؟

جواب: اعراض سوء تغذی نظریه شدت و پیشرفت حادثه متفاوت بوده و اشکال مختلفه را از کمبود خالص کالوری کمبود کالوری و پروتیین که دو حادثه مشخص و جدا گانه است بوجود می آورد و از هم تفاوت دارند.

با نیم بصورت کل گفته می توانیم که اعراض اساسی و غیر اساسی

ذیل در نزد اطفال مصاب سوء تغذی دیده میشود که عبارت اند از:

۱- توقف و بطاقت نشو و نما ی فیزیکی، یعنی کمبود وزن و قوامت.

۲- از بین رفتن و کمبود مواد شحمی تحت الجلدی

۳- ذوب شدن عضلات نواحی مختلفه.

۴- تغییر رنگ موها و ریختن آن.

۵- تجمع مایعات و پندیدگی در نهاییات و وجبه.

۶- يك حالت بی تفاوتی روحی بدین معنی که طفل لایق بوده و با محیط خود آمیزش ندارد.

۷- تغییرات جلدی: یعنی پیداشدن بعضی لکه ها در جلد و یا تراکم مباحات در جلد و یا تغییر رنگ جلد.

۸- سقوط اشتها:

۹- اعراض مترافقه مثلا وقوعات زیاد اسهال.

در سوال هشما از اعراض مترافقه مخصوصا اسهال یاد آورشدید لطفا اگر این موضوع را کمی بیشتر توضیح دهید؟

جواب: هر یضآن مصاب سوء تغذی به حملات بیشتر و شدید اسهال معمولا مواجهه میباشند که حتی از اعراض آن شمرده میشود. و هر زمانیکه حالت سوء تغذی بهبود کسب نماید، وقوعات و حملات اسهال نیز کمتر میگردد علت مساعد بودن چنین اطفال به اسهال عبارت اند از:

۱- تناقص قوای مدافعه ای مقابل امراض گوناگون در چنین اطفال.

۲- خمو دو خرابی غشای مخاطی اما که در جذب و امتصاص مواد غذایی رول دارد.

۳- جزینه مساعد نشو و نما ی میکروبی در امعای چنین اطفال.

سوال: لطفا اگر در مورد سر نوشت و عواقب اطفال مصاب به سوء تغذی کمی معلومات بدید؟

جواب: مرگ و میر در اطفال مصاب به سوء تغذی مخصوصا در دو سال اول بقیه در صفحه ۵۷

۳۳ صفحه

۳۳ صفحه

۳۳ صفحه

۳۳ صفحه

۳۳ صفحه

۳۳ صفحه

آینه‌آینده

قیافه شما آینه آینده شما است و باید از همین اکنون متوجه چهره خویش باشید. دانستن چگونگی آرایش صورت، برای دختران و زنان جوان خیلی پراهمیت است زیرا اگر او روش نیکو و علمی آراستن قیافه خود را بداند همیشه دارای چهره‌ای روشن، پاکیزه و بی چین و چروک خواهد بود. بعضی از دوشیزگان جوان، تصور می‌نمایند که آرایش چهره وسیله‌ای است که می‌توان با آن، لکه‌های صورت را پنهان کرد. اما آنها اشتباه میکنند هیچکس بخصوص دختر تازه جوان، نباید درحالی‌بی تجربگی و ندانستن شیوه علمی آراستن قیافه، بزیب و زینت قیافه خویش پردازد.

همچنین نباید صورت خود را در حال ناپاک بودن جلد آرایش نماید. یک دختر تازه جوان شاید از طرف مادر خود بشنود که نباید به آرایش صورت خویش پردازد زیرا هنوز او برای این کار خیلی جوان است. این دختر باید طبق دستور مادرش عمل کند زیرا دستور مادر درین موضوع به سود دختر است و دختر تازه جوانی، که خود بخود از شادابی و جذابیت صورت و جلد، برخوردار می‌باشد، اگر قیافه‌اش را آرایش مینماید جز آنکه صدمه‌ی بزیبایی صورتش وارد نماید، کار سودمندی را انجام نخواهد داد.

یک دختر، شاید برای استعمال لبرین خیلی جوان باشد اما برای آراستن موی سر جوان نباشد. و اگر این دختر از همین اکنون طوری عمل کند که در جستجوی شکل دادن بهتر موهای خود میباشد، هرگز در آینده از این ناحیه به مشکلی مواجه نخواهد شد و همیشه موهایش طوری مرتب خواهد بود که قیافه‌اش را زیبا و دل انگیز بنمایاند.

پس باید از همین امروز عادت بگیرید که چهره تان را «بشمول گردن» طوری که لازم است، ستره و شاداب نگه دارید و این را فراموش نکنید وحتما در نظر داشته باشید که اقسلا روز دو بار روی را با آب گرم شستو بدهید ودر هنگام شستن کوشش کنید که با انگشتان دست تان، صابون را بروی پوست صورت تان مالش دهید. حرکت انگشتان تان در این مالش دادن باید دورانی باشد. بکشید حصص مختلف صورت خویش را، صابون بزیاد و هیچ جای آرایش زدن نگذارید و آن قسمت های قیافه تان را که بیشتر چربی دارد «مانند زیر لب و اطراف بینی» مورد توجه خاصی قرار دهید. بعد از آنکه روی تان را خوب با آب شستید، با دستمال آرا محتاطانه خشک کنید.

بر علاوه شستن روی، در موقع صبح و شب، بکشید، در طول روز نیز باری آرایش بویید و لبرین کار بگیرید و پس.

غذای شما، نقش مهمی در زیبایی صورت شما، بازی میکند و این مفکوره که باید از خوردن زیاد چاکلیت، شیرینی باب، مغزیاب و غذا های چرب صرف نظر کرد یک فکر خیلی خوب است.

خوردن سبزیجات پر برگ و نوشیدن آب زیاد و سایر مایعات خیلی مفید است. این یک مساله روشن است که هر اندازه‌ای که صرف غذای شما بهتر و خوربر باشد به همان اندازه جلد شما پر درخشش و شاداب خواهد بود.

هنگامیکه، به مرحله ای رسیدید که چهره تان را باید آرایش نماید باید از آرایش های ساده استفاده نماید واکثر اوقات تنها از لبرین کار بگیرید و پس.

استعمال زیاد مواد کیمیای و آرایش قبل از سن بیست سالگی از یکطرف مسامات جلد تان را مسدود ودر اضافه شدن دانه های روی شما کمک میکند از جالبی شخصیت شما را در انظار، کوچک جلوه میدهد.

لکه دیگری که باید بخاطر داشته باشید عبارت از استراحت است. البته شما باید بدانید که شستن زیاد، هرگز لکه های اطراف چشمهای شما را، دور نموده نمیتواند خود را عادت بدهید که هر شب هشت تا ده ساعت خواب کنید.

بقیه صفحه ۳۶

از تاریخ باید...

تطبیق دستور های، داشتن یک قیافه جذاب و پاکیزه و شاداب خیلی ساده و آسان میا شد و هرگاه خویش را به آن عادت بدهید از نتیجه آن خیلی مسرور و شادمان خواهید گسردید و از داشتن یک جلد زیبا و دوستداشتنی و صورتی قشنگ و جذاب، در طول زندگی، مباهات خواهید نمود.

بلی! از همین اکنون متوجه چهره تان باشمید و فراموش نکنید که قیافه شما، آینه، آینده تان است.

غیر دوستانه استقبال گردید و تارومار شدند، چنگیز خان به همین بهانه و برای اخذ انتقام با عساکر خویش به کشور ما یورش بردند. امیر ترسو و بی مقدار بعوض اینکه بانبروی عظیمی که داشت بادشمن بمقابله برخیزد راه فرار در پیش گرفت و هر قدر وطن پرستان او را به مقاومت ترغیب کردند، کم شتید و سر انجام کشور را در معرض تباهی قرار داده خود فرار نمود. همه میدانند که چنگیز و اخلاش چه تبهار تپا و ویرا نگر یایی در افغانستان کردند و چقدر هموطن ما را از تیغ کشیدن و شربها و قصبات معمور وطن ما را با خاک یکسان کردند.

با وجود آنکه مردم افغانستان بدون پادشاه و سرپرست بزرگترین حماسه هارا درین حادثه ثبت تاریخ نمودند ولی ویرانگری و سفاکشی دشمن بی اندازه بود.

ازین حادثه ی المناک چنین باید آموخت که این مردم و زحمتمشان اند که از مام وطن و از حیثیت آن دفاع می کنند و هروقت که سلاطین و ملت خواران اندکترین خطری را متوجه خود دیده اند وطن را در معرض بلا گذاشته و خود را از مرگ نجات داده اند در مقابل وطن پرستان و مردم افغانستان از همه امکانات و سر بازی های خود برای دفع دشمن استفاده کرده اند و جان و مال خود را در مقابل وطن قیمت نداده اند و هکذا در طول تاریخ این مردم افغانستان بوده که وطن خود را از چنگ دشمن نجات داده و ویرانی های ناشی از کینه توزی دشمنان وطن را با عرق ریزی و فداکاری جبران کرده اند.

در عمل و در نتیجه ی پایمردی مردم افغانستان دید که غلط حدس زده بود و این کشور قربان تسخیر ناپدیر است. مردم غیور و سلحشور افغانستان این کشور گشای نامدار را چارسال تمام در کشور خویش به اصطلاح به کاسه ی سرآب داد و حتی خودش و یک قوماندانش بنام بظلموس زخم برداشتند.

این رویداد کلاسیک تاریخی درس بزرگی برای جوانان وطن پر افتخار ما می آموزد که چگونه اتحاد و یکپارچگی آنان کشور و مردم ما را از جنگال متجاوزین و استعمار گران رهایی می بخشد.

باز هم تاریخ افغانستان باستان را ورق می زنیم در قرن دوازدهم میلادی هنگامیکه بر سر زمین ما امیری تدبیر و ترسوئی حکم رایی می کرد و در پهلوی سرحدات کشور ما (البته در همان زمان) صاعقه ی بوقوع پیوسته بسود در کنار سرحدات شرقی و جنوبی ما چنگیز این سفاک ترین موجود بشری بقدرت رسیده بود و با وجود آنکه عظمت و قدرت کشور ما او را واداشته بود تا از در دوستی پیش آید ولی

خیره سری هیات حاکمه ((که سوا مردم زحمتکش بودند)) این پلنگ خونخوار را بهشتم آورد. این امیر (سلطان محمد خوارزم شاه) با وجود آنکه سرزمین وسیعی را از سیحون تا عراق اداره می کرد و چهار صد هزار سوار مجهز داشت و تمام راههای تجارتی را نیز در دست داشت یعنی همه راههای تجارتی آنوقت تا سواحل مدیترانه از قلمرو خوارزم شاه میگذشت. و هنگامیکه هیات حسن نیت چنگیز خان از طرف این امیر خیره سر و درباریان همانندش با بر خورد

نویسنده: ارلست هورز
ترجمه: داود «زهدي»

طلا این ماده گرانبها و پرازش از شش هزار سال قبل باینطرف افکار انسان را به سوی خود جذب نموده است.

طلاماده عجیبی است که زمینه سعادت و خورسندی بشر را مساعد میگرداند. طلا بحدیث معیار ارزش، مقامی والا دارد و این فلز نجیب با زیبایی مختص بخود، در سراسر جهان، بصورت میله های زرد رنگ و لشم در جریان قرار دارد. قیمت رسمی هر اونس آن در گذشته سی و پنج دالر بود و چند سال قبل فی اونس به سی و هشت دالر فروشی می رسید اما این نرخ نیز بسرعت تغییر کرد، و امروز هر اونس آن به بیش از شش صد دالر ارزش پیدا نموده است. در آمریکا و برخی از کشور های دیگر جهان طی چندین سال قانونا نگهداری طلا بصورت انفرادی، باستثنای استفاده آن بصورت جواهرات زینتی، ممنوع بوده است.

طلا

بانکهای مرکزی ممالک، طلا را در سیف های خویش بحیث ذخیره و پشتوانه نگهداری می نمایند و کشور ها در معاملات امور حسابی خویش از آن استفاده می نمایند. طلا زمانی بحیث اساس پولی ما و اکنون بصفت ستون سیستم صندوق پولی بین المللی نزد اکثر کشور های جهان ما، حیثیت یگانه فلز محبوب را دارد.

اما طلا چیز دیگری هم است. یعنی این فلز سلطان فلزات بوده و بدون آن تمدن ما مشکل موجود را نخواهد داشت.

سمبول علمی طلا که شاخص عشق و علاقه که ما در پتجا حرف از آنجا مختصر تذکری انسانها با این فلز است از قرن ها باینطرف، همانا، تصویر آفتاب بود اما اکنون سمبول آن (ای. یو) می باشد.

طلانه از گذشته زمان متأثر می شود و نه از هوای نامساعد فوری می بیند. آب و اکثر محلول های مخرب نیز، روی آن تأثیری ندارند از این روست که تصاویر و مجسمه های جاودان باقی می مانند.

طلا را آب گرده واز آن قالب گرفته اند و این کار در طول زمان بقدری تکرار گردیده است که شاید انگشت کلک شما، روزی گردنبند ملکه ای «شیوا» بوده باشد.

استعمال طلا مورد زیاد داشته از نوک قلم گرفته تا طلا بون بشقاب ها و ریسمان های کیهان نوردان، از طلا می باشد.

طلا رنگ روشن دارد، زیاد سنگین است و قدرت میم ساختن و ورق گردانیدن آن از همه فلزات زیاد تر می باشد. در ورق سازی میتوان، يك ورق طلا را، يك بر دوسو پنجاه هزار يك آنچ نازک ساخت واز يك اونس طلا سیمی بطول سی و پنج میل بدون آنکه بشکند ساخت.

اگر طلا با سایر فلزات مخلوط گردد سخت تر می شود و خواص ظاهری خود را

تغییر میدهد. مخلوط کردن نقره با طلا رنگ آنرا مایل به سفید میسازد اما مخلوط مس آنرا سرخ میگرداند. رنگ های زیبای دیگر مانند سبز، نارنجی، یاقوتی و غیره را نیز میتوان بدین ترتیب یعنی با مخلوط نمودن طلا با سایر فلزات بدست آورد.

چنینکه که شما زیورات طلائی را خریداری مینمایید اگر بخواهید که اندازه طلائی خالص آنرا معلوم کنید میتوانید آنرا به محك بزید. و بدانید که چقدر طلا در آن بکار رفته است. حصه ای طلائی خالص، در هر چیز، به قیراط تعیین میشود، بیست و چهار قیراط بمشهور طلائی خالص است. پس يك انگشت هر حده قیراط عبارت است از هجده حصه طلا و شش حصه مخلوط فلز دیگر.

زرگرهای عصر جدید، معلومات تخنیکی زیادی از زرگر های سابق در مورد طلا کسب نکرده اند.

از شاهان گذشته، گلدنها، و تاج های طلائی بری ما باقی مانده است. همچنان از «ترس کن ها» که شاید زرگر های ماهر زمان باستان بوده باشند کاسه کوچکی بدست ما رسیده که در آن یکصدوسی و هفت هزار تگین کوچک و مدور طلائی، بکار رفته و باصطلاح دانه نشان گردیده است و این دانه نشانی طوری صورت گرفته که شکل شگوفه ای را نشان میدهد.

طلا از نگاه فشرده بودن ذخیره معنوی را بار می آورد. زیرا يك «کیوبک» فتملا، یعنی يك توت طلا بطول، عرض و بلندی يك فتم بیش از نیم تن وزن و در حدود هفت - صد و چهل هزار دالر باسما نرخ قدیم، ارزش دارد. هرگاه تمام ذخایر طلائی روی زمین را، آب کنیم، ارزش آن نودوشش

سلطان

بلیون دالر شده و عبارت از يك خشت طلائی عظیم با اندازه يك خاله بزرگ خواهد شد. طلا را در همه موارد از اشیای ناچیز گرفته تا اشیای گرانبها بکار برده اند. يك تراز روسی با يك مجسمه طلائی بازی و ساعت تیری می کرد.

شهر با عظمت آتن در زمان «اکوپولیس» مجسمه بزرگ و طویل، «آئینا» را که لباس آن، پیش از يك تن وزن داشت حایسز گردید.

اکثر از عجایب طلائی جهان باستان اکنون نابود گردیده اند اما موزیم های قاهره هنوز هم تابوت های پادشاهان قدیم خود را که از طلائی خالص ساخته شده اند در خود دارند. هریک از این تابوت ها شش فتم و دو آنچ طول و دو هزار و چهار صدو پنجاه پوند وزن دارد. در سال ۶۵۰ قبل از میلاد پادشاه «لیدیای» بنام «گیز» نخستین سکه طلائی را ضرب زد که دارای نشان شاهي همان زمان بود. از سکه پادشاه مذکور همین امروز نیز چند سکه، موجود است که هر سکه آن به بیش از سی و هشت هزار دالر خرید و فروش میشود.

در بین تحایف و نمونه های که کمرستوی کلمبوس در اولین مسافرت خود از امریکابه

هسپانیا، فرستاد چند پارچه طلا هم موجود بود. حتی که هسپانوی ها وارد دنیا جدید گردیدند این حقیقت برای آنها روشن گردید که آنها به «الدورادو» رسیده اند.

«ارناندو کاتس» وقتی که در مکسیکو پیاده شد کمربند خویش را به هندی های بو می آنجا داد تا آنرا با خاک طلا آشته سازند. «فرانسکو پیزارو» با یکصدو هشتاد نفر از همراهانی وارد دنیای طلائی «پیرو» گردیدند زیرا در آن زمان در این سرزمین بقدری طلا فراوان بود که اکثر اشیای را از طلا ساخته شده بود.

چشمان این هسپانوی ها از تگریستن آن همه طلا خیره گردید و تا امکانش برای آنها میسر بود، خود را صاحب طلا ساختند.

این بیگانگان تا يك صد سال بطور منظم وارد امریکا شده و کشتی های مملو از طلا و نقره ربه اروپا رسانیدند. همین ثروت سرشار در اروپا منجر به انقلابی گردید که سیستم تبادل جنس به جنس را و اقتصاد تبادل جنس به پول را در صنایع رویکار آورد.

طلا تقریباً در هر سرزمینی پیدا میشود. مس، زغال سنگ و خاک های زردی که ما از آن جهت آبادی عمارات خویش کار می گیریم شاید دارای یکمقدار طلا باشند.

در هریک «تریلیون» آب شور بحر نیز يك فیصدی معین طلا وجود دارد.

طلا از نگاه استخراج اقتصادی بدو طریق بدست می آید.

یکی بصورت رگها و دیگر بطور پاشان و پراگنده. رگهای طلا عموماً در سنگ لاخ های کوه ها وجود دارد که عموماً با سنگ «کوارتز» از داخل زمین، طی دهها میلیون سال قبل، بیرون انداخته شده اند.

خاکه پاشان وریزه های طلائی در بین همین سنگها وجود داشته تا آنکه تخریبات جوی با آن مصادف گردیده و پارچه های ریز و کوچک طلا در طول مسیر دریا ها ذریعه آب حرکت داده شده و در برخی ممالک در کنار دریا ها انتقال یافته و مردم از آن استفاده میکنند.

امروز تقریباً تمام نقاط طلا داریمی کشف شده است. استخراج معادن طلائی کلیفورنیا در سال ۱۸۴۸ توسط جیمز مارشال آغاز گردید. يك سال بعد از این تاریخ هشتاد هزار نفر در جستجوی طلا بطرف غرب سرازیر شدند.

معادن طلائی افریقای جنوبی تقریباً هشتاد

فلزات

سال پیش از امروز مورد استخراج قرار گرفت. از این معادن سالانه تقریباً دو هزار تن طلا معادل نصف طلائی جهان استخراج میشود.

روسیه شوروی در تولید بیست و پنج فیصد طلائی جهان در بین کشور های طلا دار جهان مقام دوم را دارد.

امریکا چهار فیصد طلائی جهان را تولید میکند و با این تولید سهمی در تولید طلائی دنیا دارد.

ملا بدرجة ۱۹۴۵ فرانهایت ذوب میگردد اما اگر بصورت مایع در دریا به تغییر رنگ

نمیدهد. تماشای طلائی مایع در فابریکات ذوب طلا، خیلی دلچسپ است، طلائی ذوب شده از ظرف های کوچک دارای دسته ای آهنی به قالب های آن میریزد. دسته های این ظرف، برای ریختن طلائی مایع باید خیلی محکم باشد.

زیرا اگر يك قطره کوچک هم از آن بیرون افتد شاید در حدود يك اونس وزن داشته باشد. میله های که از قالب ها بدست می آیند دارای نمرات مسلسل میباشند تا میله های مذکور از هنگامیکه توسط مو تر های مسلح از فابریکه خارج میشوند تا وقتی که بجا های مطلوب میرسند تعقیب شده بتوانند.

میله های طلا بعد از خروج از فابریکه، ممکن است دچار حوادث گوناگون گردند. زیرا قرار تجاری که بعمل آمده از هر هفت میله طلائی که از فابریکه خارج می گردد با آنکه حمل آن بطور خیلی مستون و منظم صورت می گیرد يك میله آن، از مسیر خود خارج شده اطراف واکناف جهان را می گردد. در همه نقاط جهان بازار سیاه طلا وجود دارد و مارکیت های عمده طلا که در شهر های چون بیروت، داکار، هانگکونگ و بمبئی موقعیت دارند مقادیر زیاد طلا را بفروشی می رسانند. کسی که به خرید و فروش يك میله طلا بپردازد در حدود یکپنجاه دالر سود می برد.

امروز هیچیک از کشور های جهان، طلا را بحیث پول رایج خویش در دادوستد بکار نمی برد. اما بعضی ممالک برای فراهم نمودن قناعت افراد ذوقمند طلا، طلائی مسکوک نیز دارند. چنانچه در بریتانیا مسکوک طلائی را ضرب می زنند و در بازار های آسیا به قیمت زیاد بفروشی می رسانند.

همچنان طی سالهای اخیر سکه های بیست دالری امریکایی که در ایتالیا ویا لبنان از طلائی بهتر ضرب زده میشود وارد بازار گردیده و بالای توریت هابه قیمت فی سکه شصت پوند بفروشی میرسد در حالیکه ارزش آن چهل دالر میباشد.

مردم فرانسه میتوانند که سکه های طلائی را قانوناً از هر بانک کشور شان خریداری نمایند زیرا آنها طلا را بهترین تضمین در



میله های طلا دارای نمرات مسلسل میباشد

مقابل هرگونه خطر میداند. از این رو و فرانسوی ها يك بر چهار حصه طلائی انفرادی جهان را که در حدود پانزده بلیون دالر میشود در خانه هایشان دارند.

سایندالان از قرن ها باینطرف، ادعا بقیه در صفحه ۵۲

باشتر الك در روز نامه ها و مجلات كشور بر آگاهي تان بيفزايد.

اطلاعات وكتوربا فرو ريختن مرز
تفاوت وجه اشتراك شهر وده در
خدمت بيشتر علاقمندان روز نامه ها
جرايد و مجلات است .

بغا طر اينكه در سال نو كليـه
روزنامه ها، جرايد و مجلات بتوانند
در وازه هاي تمام مشتر كين راصرف
نظر از شهري ورو ستا يي يكسان
بكوبد ، مد ير يت عمو تو زيـع
روزنامه ها و مجلات وجه اشتراك
علاقمندان را در كليـه نقاط كشور
يكسان ميپـد يرد .

دستداران روزنامه ها، جرايد و
مجلات :
شما كه بر قلل شامخ و بر برف
زند گي ميكنيد ويا در دشت هاي
گسترده وو سيع حيات بسر مي
بريد

شما كه در كابل هستيد ويا در
دره هاي پر خم وپيچ ميتوانيد با
پرداخت وجه اشتراك يكسان در
جمله مشتر كين روز نامه ها، جرايد
و مجلات مابا شيد از داغ تر ين
رويداد ها، خبر ها ، حوا دث آگاهي
بياييد و ساعت هاسر گرم شو يد.

روز نامه حقيقت انقلاب ثور:

اگر خواهان روز نامه حقيقت
انقلاب ثور ميـا شيد در هر جاي
كشور كه هستيد در بدل دو صد
افغانـي واگر شاگرد ويا محصل
باشيد با ارا نه تصديق در بدل
يكصد و پنجاه افغانـي يكسال بشما
روزنامه ميفر ستيم .

انيس:

اگر انيس ميخواهيد در
هر گو شه ميهن كه با شيد با پرداخت
دو صد ويست افغانـي واگر
شاگرد و محصل هستيد با پرداخت
يكصد و پنجاه و پنج افغانـي يكسال
روزنامه رسان درب منزل شما را
ميكو بد .

هيواد:

اگر روز نامه هيواد را
بخواهيد در هر كنار وطن كه هستيد

در بدل يكصد افغانـي واگر شاگرد
و محصل باشيد در بدل هفتاد و پنج
افغانـي يكسال روز نامه در خدمت
شماست .

كابل نيو تايمز:

اگر روز نامه كابل نيو تايمز
را انتخاب كنيد در هر
نقطه كشور كه با شيد با پرداخت
يكهزار و شصت افغانـي واگر شاگرد
و محصل هستيد با ارا نه تصديق و
پرداخت دو صد و پنجاه افغانـي
يكسال شما مشترك ما هستيد .

مجلات و جرايد ما نيز حسب زير
يكسال در خدمت شما خواهد بود.

مجله ژوندون:

سا لانه پنجصد افغانـي براي
متعلمين و محصلين با ارا نه تصديق
چهار صد افغانـي .

كمكيانو انيس:

سالانه يكصد و بيست و پنج افغانـي.
مجلات پكتيا ، كندهار ، ننگرهار ،
بلخ ، كهپول ، آواز ، فرهنگ خلق
هنر ، كتاب ، كوشا ني و جرا يد
يو لدوز ، گوراش و سوب دردا خل
كشور سالانه شصت افغانـي براي
متعلمين و محصلين با ارا نه تصديق
چهل و پنج افغانـي .

مجله آريانا بزبان انگليسي:

سا لانه يكصد و شصت افغانـي
براي متعلمين و محصلين با
ارانه تصديق يكصد و سي افغانـي.
شما ميتوانيد در هر كز همه روزه از
اول تا اخير حوت بهد ير يت عمو مي
توزيع روز نامه ها و مجلات در جوار
عمارت مطابع دولتي ، انصاريوات
مراجعه و اشتراك نماييد ويا وجه
اشتراك تا نرا از هر كز وو لايات
به حساب (٦٠٠١) و ا ردا ت دولت
تحو يل و آو يز آنرا مستقيما
عنواني مد ير يت عمو مي تو زيـع
روزنامه ها و مجلات انصاريوات
كابل بفر ستيد .

شرح اشتراك روز نامه ها: و مجله در خارج كشور:

وجه اشتراك روز نامه حقيقت
انقلاب ثور ، انيس ، هيواد و كابل
نيو تايمز در خارج كشور ، هوا يي
صد دالر و زميني سي دالر .
براي محصلين ، هوا يي هفتاد و پنج
دالر زميني بيست و سه دالر .
وجه اشتراك مجله ژوندون در
خارج كشور هوا يي صد دالر ، زميني
سي دالر براي محصلين ، هوا يي
هفتاد و پنج دالر ، زميني بيست و سه
دالر وجه اشتراك مجله كمكيانو انيس
در خارج كشور ، هوا يي پنجاه دالر ،
زميني بيست و پنج دالر .

وجه اشتراك مجلات پكتيا ، كندهار ،
ننگرهار ، بلخ ، كهپول ، آواز ، فرهنگ
خلق ، هنر ، كتاب ، كوشا ني و
جرايد يولدوز ، گوراش و سوب
در خارج كشور هوا يي با نرده دالر ،
زميني پنج دالر ، براي محصلين ،
هوا يي دوا زده دالر و زميني چهار
دالر .

وجه اشتراك مجله آريانا در خارج
كشور ، هوا يي دوا زده دالر ، زميني
پنج دالر براي محصلين ، هوا يي نه
دالر زميني چهار دالر .

مد ير يت عمو مي توزيع روز نامه
ها و مجلات از آغاز سال نو با وسايل
بيشتر و جدي تر در خدمت علاقمندان
روزنامه ها و مجلات است تا آخر ين
اطلاعات روز و داغ تر ين حوا دث روز
را بشما برساند و مجلات و جرا يد
محبوب خانواده ها را در موقعش
براي آگاهي و سرگرمي تان تقد يم
كند .

وقت گرا نبها ست ، از زود ترين
فرصت استفا ده نماييد تا كلگسيون
تان از آغاز مر تب باشد . زيرا با ختم
سال جاري ميعاد اشتراك با يسان
ميبا بد .

مرجع اشتراك:

مد ير يت عمو مي تو زيـع روزنامه ها
و مجلات .

آیا تیلیفون برای...

بدون شك شما هم با ماهم عقیده هستید كه تیلیفون وسیله ارتباطی ملی برای آسان‌سازی سخن خانوده ها است و نباید از این راه سوء استفاده شود.

یکی دیگر از مزاحمین تیلیفونی، استفاده از تیلیفون های عامه است كه بدون در نظر داشت موقعیت و مشکلات دیگران همینكه گوشی تیلیفون را گرفتند دیگر خدا بداد آنان برسد تا گوشی تیلیفون را بگذارند، گاهی اتفاق افتاده كه در پشت غرفه تیلیفون عمومی صف طولی از مردم تشکیل گردد قانونیت بیابند. و این امر قساز کسی ندارد نه تنها در کشور ما بلکه در بسیاری از کشورها از این نوع استفاده های نامعقول صورت میگیرد.

هدف از این تذکر اینست كه آمده از همشهریان محترم باید رعایت يك سلسله نزاکت ها را بنمایند و با تیلیفون های بی موقع و طولانی شان باعث ضیاع وقت دیگران نگردند.

خوشبختانه با پیروزی مرحله نوین تكامل انقلاب ثور زمینه های کار، مصروفیت در تمام شقوق حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مهیا گردیده و با این احیا در زمینه های مختلف حیات، دیگر موقع آن باقی نمی ماند تا با برحرفی ها و وراجی ها وقت خودو دیگران را ضایع سازند.

در جوامعی كه زمینه کار و فعالیت وجود داشته باشد به همان اندازه مصروفیت ها خلق میگردد و این امر باعث میگردد كه وقت و زمان كه در امر سازندگی زندگی حیات نوین مالتفات ارزنده دارد بیهوده بهدر نرود.

چندی قبل نامه به اداره مجله رسید و نویسنده نامه از بر حرفی همسرش در تیلیفون شکایت نمود.

نوشته شده است كه: ... خدا میداند كه چقدر این وضع ناراحت كننده است برای کسی كه بخواهد به منزلش تیلیفون نماید، اما ساعت ها انتظار بكشد تا این تیلیفون فارغ گردد. این نویسنده محترم نوشته است: چندی قبل می خواستم به منزل خود تیلیفون كنم چون كار خیلی ضروری داشتم و نمی توانستم كه با دیگر وسیله خود را بخانه برسانم زیرا وقت زیادی را در بر میگرفت از این رویه منزل خویش تیلیفون كردم اما هر قدر كوشیدم موفق نشدم كه تماس حاصل كنم زیرا هر دفعه كه نمره را دایر می كردم این مصروف بود خلاصه اینکه بیش از يك ساعت انتظار كشیدم تا بالاخره موفق شدم كه با منزل خویش تماس حاصل نمایم. اما بعد بختانه دیگر وقت گذشته بود زیرا آنقدر معطل شده بودم كه كار از كار گذشته بود و موفق نشدم كه آن كار را به موقع انجام دهم. زمانیکه با عصبانیت علت مصروف شدن این تیلیفون را پرسیدم زنم به من گفت كه تیلیفون به چه كار می آید كه انسان نتواند خانه دوست و قوم خویش تیلیفون كند بعد ها دانستم كه همسر من با یکی از خواهر خوانده هایش قصه قلمی را كه شب قبل در تلویزیون دیده بود به دوستش می نمود. بلی قصه قلم از راه تیلیفون، این هم شد راه استفاده از تیلیفون!

خوب شما قضاوت كنید كه آیا این كار منظورم این طور استفاده از تیلیفون كسار عاقلانه و معقول است؟

بقیه صفحه ۲۳

يكبار دیگر...

تركيب خویش را از دست میدهد. در حالیکه سعی می شود با شیوه های نوازی کار جلوگیری گردد.

کاربن فعال به صورت خیلی جدي خون را از توکسین ها (سم زهر) تصفیه می نماید گاهی میکائیکی برخی از تناسبات سلول های خون درین عمل مطرح بحث نیست برای كناره جویی ازین کار دانشمندان میخواهند كره های از کاربن

فعال را با ماده مخصوص بپوشانند. تا مانع انتقال آن به سلول های خون گردد. تا به آسانی اجسام های زهری را رد نماید. در همه مراحل تصفیه اساسا خون بیمار با ایجاد يك کانال ارتباطی به وسایل مغلق میکائیکی میرود و بعد زیر عملیه رفته تا در جریان تعاملات حساس و مطمئن تری تصفیه بشود. اینكار ناراحت كننده نبوده و حداقل نیم ساعت را در شفاخانه دربر خواهد گرفت.

کاربن فعال در جریان عمل پیوند اعضا در دنیای جراحی نقش شایانی دارد.

ساله اش را در خانه تنها گذاشت، دختر كوچك وقت کافی داشت تا به قرص های خواب آور رسیده و آنها را ببلعد. زیرا او فكر می كرد دواها باید نوعی از شیرینی باشند اما دختر كوچك به معجزه آسا استفاده و عمل کاربن فعال از کام مرگ نجات یافت.

سال ها قبل دست اندر کاران طب، مانند بیوشیمی، معاویت و ایمنی شناسی و خون شناسی انستیتوت نانوی طب اتحاد شوروی تحت نظر اکادمیسین یوری لوبوخین بر پرابلمی مبتنی بر سم زدایی هوارسمی خون بر خوردند. این قدم بزرگی بوده كه امروز بازده اش را میتوان در خدمت مردم جهان به مشاهده گرفت. به صورت عمده خون محتوی مواد و سلول های متفاوتی است و شامل دو بخش جامد و مایع است و بر خلاف تصور بخش زیاد خون آب نیست. ووی باید با معافله استثنایی فیلتر بشود. درین صورت خون باید يك قسمت عمده از



بقیه صفحه ۷

چشم اندازی بر پهنای...

او در یکی از سالوهای گالری نقاشی «ترکیا کوف» با کو آویخته میا شد. از بالتهای مشهور «فراقراف» كه بیشتر شهرت و محبوبیت دارد میتوان «هفتزیا روی» و «با كوره راه رعد» را نام برد كه در مسكو، لنینگراد و بسیاری شهر های دیگر اتحاد شوروی و همچنان در کشور های خارجی از هر کدام آن بخوبی استقبال شده و میشود.

همچنان در پایان این مبحث قابل تذ كر است كه در یکی از مسابقات، هنرمندان با لیت كل شوروی، پیغله «نا دیزدایا ولوا»

معلمه صنف ششم مكتب خور پو گرافی شهر «برم» برنده گردید. موصوفه در آتوقست شانزده ساله بود و حالا بیست و دو سال دارد و یکی از باشندگان شهر «چوكمار»

با یتخت جمهوری خود مختار شوروی سوسیالیستی «چو واشیا» در جمهوری شوروی فدراتیف سوسیالیستی روسیه میا شد. این عو لقبتهای فزاینده هنری مظهری از مظاهر فرهنگی اتحاد شوروی و روشنگر نیروی ابداعی پایان نا پذیر و جوانی هنر با لیت آن سر زمین پنهان میا شد كه پدیده های پر مایه آن روز تا روزمراحل متكا ملتر خود را در حلقه های هنر روان و مردم هنر پرورش بیش از پیش میباید. «ختم»

«کالیو یومادهیلوا» طراح رقص با لیت، هنر مند ورزیده قرغیزستان دو سال در «اولان» با تور «پایتخت مغولستان تعلیم با لیت را فرامیداد و در جنوری ۱۹۴۷ بنابر تقاضای رفتاری ویتنامی به «هانوی» پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام رفت و در مكتب رقص با لیت شهر هانوی هنربال را میا موختا و «روبرت اراز كلدیف» از سال ۱۹۷۲ تا بعد از سال ۱۹۷۴ در قیتر قاهره پایتخت جمهوری عربی مصر شاگردان زیادی را در رشته با لیت تعلیم و تربیت آموخت.

در آذر بایجان شوروی:

بطور نمونه از پیشرفت هنر با لیت در حوزه قفقاز (سر زمین پریان كوه قاف)، جمهوری سوسیالیستی آذر بایجان شوروی را در اینجا مثال میزنیم. از واری معلومات دستداشته واضح میگردد كه قبل از انقلاب اکتوبر (۱۹۱۷) در آذر بایجان هنرمندگی با لیت وجود نداشته ولی حالا در قیتر او پراو با لیت «باكو» پایتخت آذربایجان دسته با لیت طراز اول مشغول فعالیت است. یکی از بزرگترین اسامی گذاران عو میقیسی با لیت آذربایجان و کمپوزیتور مستعد «فراقراف» شامرد «دیتمری» شاستا کوویچ «میا شد كه طاهر صلاحوف نقاشی آذر بایجانسی تصویر او را کشیده و تا بلوی مرسوم می

را چنین معرفی می کند :

نام عبدالقیوم و نیرو لطیف تخلص می کنم
مدت ۱۵ سال می شود ترینر بوکس درین کلب
می باشم و فعلا ۴۵ سال عمر دارم .
- چه می شود اگر از سابقه ورزشی خود
چیزی بگوئید ؟

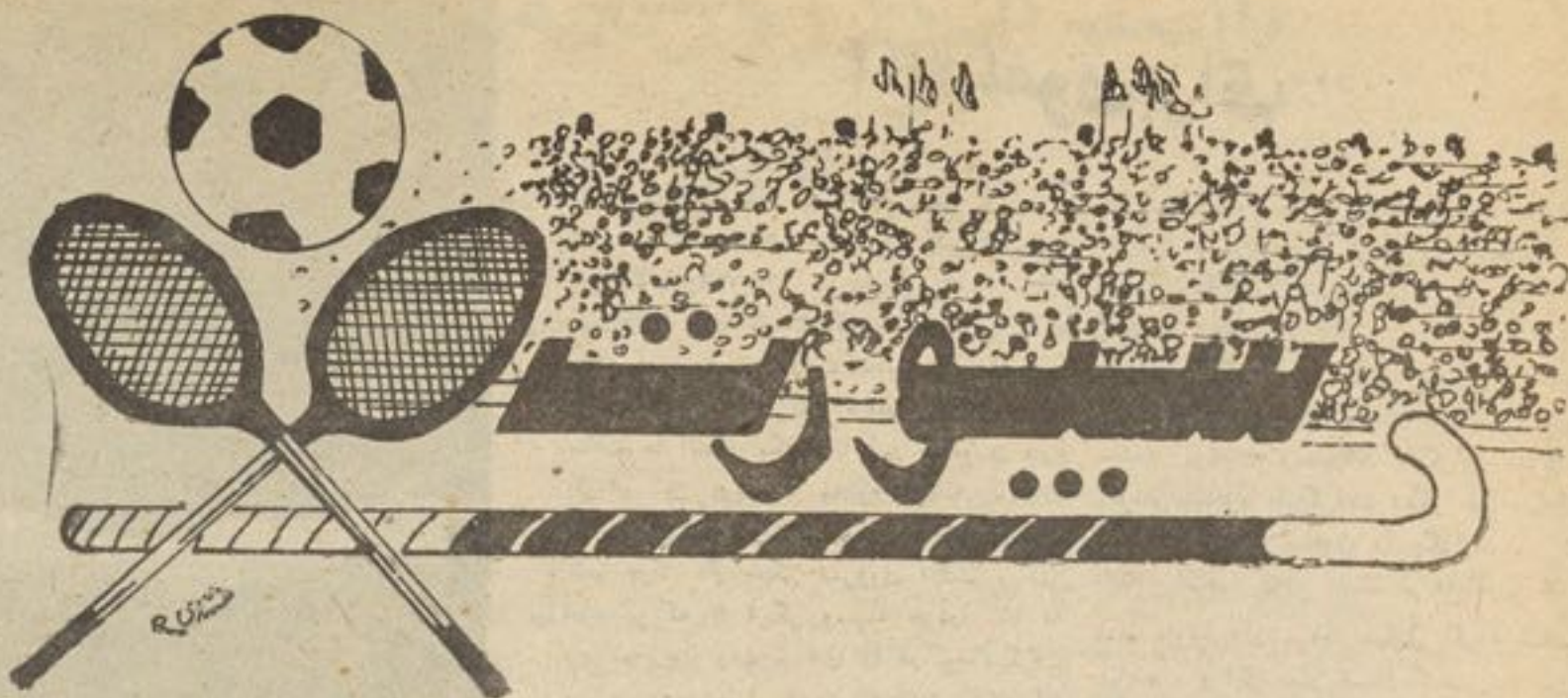
- تقریباً ۳۵ سال می شود ورزش می کنم ،
از صنف هفت الی صنف دوازده در سپورت
های اجتماعی دیگر مانند هند بال ، باسکتبال
و دوش کار میکردم البته در پهلوی آن کم
کم بوکس هم میکردم و بعد از صنف ۱۲
زیاد تر در رشته بوکس کار کرده ام باید
بگویم که در مسابقات زیاد داخلی شرکت
نموده و موفقیت هایی نصیب گردیده است که
در نتیجه تمام مسابقاتم به شمول بوکس ۱۳
کپ ۲ مجسمه بوکس و ۲۵ مدال به یاد
کار گرفته ام و اینکه علاقه زیاد به بوکسینگ
بوده خواستم تا آخرین قدرت و پاری

حیات به این رشته قدم زنیو شاگردانی تربیه
نمایم . از جمله شاگرد های شناخته شده ام
که فعلا هم در همین کلب به تمرینات خود
ادامه میدهند و در پهلوی تمرینات خود با
شاگردان نو آموز نیز کار می کنند می
توانم از عبدالعلیم قهرمان وزن نیم فرید احمد
قهرمان وزن ۱۰ و حمیدالله که هر سه افتخار
عضویت نیم ملی را نیز دارند نام ببرم ، در
پهلوی اینها چهره های شناخته شده یی دیگر

نیز می باشند که خود شان فعلا استادان کلب
های آزاد هستند که در همین کلب تربیه
شده اند اینکه خود آنها فعلا استادان کلب
خود می باشند نمیگویم که شاگرد من می
باشند چرا که ... هستند شاگرد اینکه بعد
از دو سه ماه تمرین يك اندازه ورزیده می
شوند بعدا این کلب را برادر خوانده و به
کلب های آزاد متصل می شوند و یا اینکه
خود کلب ساخته و می شوند استاد کلب (۱)
به پاسخ سوالی می گوید : به پیشنهاد استاد



عبدالقیوم «نیرو لطیف» : در وقت تمرین به حد توان دقت می کنم تا شاگردان به سر و روی یکدیگر حواله نکنند .



در کلب ورزشی تعلیم و تربیه در حدود ۴۵۰ شاگرد

همه روزه تمرین می نمایند

نمایم در حدود سی نفر بوکس داخل رینگ

بوکس روبروی هم قرار دارند و مشت های
به یکدیگر حواله می کنند این طرف رینگ
بوکس دوشك پهلوانی هموار است و در حدود
پنجاد پهلوان خردوزر که نور آزمایی دارند
و در تلاش اند که کسی راجت می کنند تا

یاسینش نیز و پخته شود و در میدان مسابقه هم

حریف را چار پلاق به دوشك بزند و عدال
را نصیب خود گرداند . آهسته آهسته پیش
می روم و همچنان در هراسم که مبادا یکی
از پهلوانان حریفش را غلط نکند و من لنگ
وردار نشوم به هر صورت خود را به ترینر
شاگردان بوکس می رسانم و بعد از معرفی
و احوال پرسى به صحبت می نشینم . وی خود

شاگردان با استعداد ، در صورت موافقه
ریاست تربیت بدنی تا هر وقتیکه خواسته
باشند می توانند عضو کلب باشند و به تمرینات
خود ادامه دهند . همچنان در مورد تمرینات
شاگردان باید گفته شود که تعداد شاگردان
این کلب نظریه گنجایش خود کلب زیاد
بوده و روز افزون می باشد بخاطر جذب زیاد تر

شاگردان ، تمام ورزشکاران به گروه های
مختلف تحت يك پروگرام منظم در هفته
سه روز تمرین می نمایند .

حال داخل اطاق تمرین کلب می شوم تا

بینم شاگردان در چه حال اند ؟

او هو ، این چه حالت در حدود دو صد
شاگرد به تمرین پرداخته می ترسم زیرمشت
و لگد ورزشکاران خرد و خمیر نشوم تا چشم
دید خود را به ورزش دوستان ژوندون حکایه

علامتدان محترم ورزش با کلب ورزشی
تعلیم و تربیه آشنایی زیادی دارند ، این
هفته سری به آن کلب زدم تا ببینم
شاگردان این کلب در کدام رشته تربیه
می شوند و چه گفتنی هایی دارند . ابتدا با سر-
پرست کلب که خودش هم يك ورزشکار
خوش اندام به نظر می خورد به گفتگو می
پردازم ، تا معلوماتی در باره جگه و کلب
حاصل و به شما خوانندگان صفحه ورزش
تقدیم نمایم بعد از چور هستی و بخیر ... خود
را چنین معرفی می کند :

اسم محمد سلیم تخلص ایوبی و فعلا سر-
پرست کلب ورزشی تعلیم و تربیه می باشم .
از محترم ایوبی می پرسم ، بطور عموم شاگردان
کلب چه چیز تمرین می کنند ؟

- شاگردانیکه درین کلب تربیه می شوند
و تمرین می نمایند در رشته های پهلوانی ،
بوکسینگ ، وزنه برداری ، چمناسبتیک
و پینگپانگ می باشد .

- شاگردیکه بخواهد عضویت کلب را
حاصل نماید چطور می تواند شامل کلب
شود ؟

- چون کلب تعلیم و تربیه يك کلب رسمی
می باشد ، شاگردیکه بخواهد شامل کلب
شود به ریاست تربیت بدنی وزارت تعلیم
و تربیه در خواست می دهد که بعد از موافقه
ریاست مذکور و معاینه دکتوران وزارت تعلیم
و تربیه در صورتیکه وجود شاگرد سالم و
صحت باشد به امریت کلب معرفی میگردد ،
نظریه ذوق شاگرد در هر رشته ای که خواسته

باشد به ترینر همان رشته معرفی میگردد که
ترینر همان رشته مدت يك الی دو هفته تعلیم
تخنیک و تکنیکی اش میدهد و بعد از معلوم
نمودن استعداد ، پایداری به حضری و تمرینات
اخلاق خوب سپورتنسی به حیث عضو کلب
شناخته می شود . نامبرده افزود :

در سابق شاگردان کلب تا وقتی عضویت
کلب را می داشتند که شاگرد مکتب می
بودند اما بعد از پیروزی انقلاب ظنر مند نور

که فعلا در حدود صد نفر و یا بالاتر از آن مصروف تفریح اند. اما انشای تیم الف کلب همه روز تفریح می کنند که تفریبات آنها تحت نظر ترینان خارجی در جمنازیوم پولیتخنیک صورت میگیرد.

شاگردیکه به این کلب جذب می شود برای يك و یا دو هفته تخنیک و تکنیک می آموزد بعدا با یکی از شاگردان لوجذب دیگر که اندکی سابقه دارتر می باشد مسابقه میدهد در همین وقت است که استعداد شاگرد برای پهلوانی معلوم میشود البته شاگردیکه لوجذب می شود مدت زیادی به کار دارد با يك اندازه از تخنیک و تکنیک های خوب برخوردار گردد.

- خوب استاد، ورزشکاران پهلوانی ازین طریق چه کمکی به جامعه خود کرده می توانند؟

- در قدم اول در مسابقات داخلی و خارجی همین پهلوانان است که در رشت افغانستان عزیز را در پهلوی تمام ورزشکاران جهان بلند کرده و می کنند و دوم اینکه از عایدات سیورتی شان میتوانند به ناتوانان جامعه کمک ناچیز اقتصادی کنند.

حال بایکی از اعضای کلب که زیاد خسته به نظر میرسد به گفت و شنود می پردازم:

- برادر شما چرا اینقدر خسته و مانده به نظر میرسد، همچنان خود را به خوانندگان صفحه ورزش معرفی کنید؟



صرف تخنیک و تکنیک می آموزیم و بعد با حریف در میدان مسابقه زور آزمایی می کنیم



اعضای کلب میگویند: ورزش بوکس هر ورزشکار را قوی پنجه، دلیر و خونخورد بار میآورد نه بد معاش.

تقلید است که يك گیلای شیر بعد از تفریح چندان انرژی ای برای ورزشکار نمیدهد اما اینکه غاید هیچ نباشد و مصرف به خوراک و لوجنج قارون هم باشد به افلاس رو برو می شود. نامبرده به سخنان خود چنین ادامه داد: در مورد تربیه شاگردان باید بگویم که هر استاد می تواند شاگرد خوب و یا خراب تربیه کند. اگر استاد خشن و تند خو باشد و با شاگرد به تند خوئی رفتار کند شاگردش هم پنجاه فیصد تند خویسی استاد را جذب می کند. به هر صورت ورزشکاران به صورت عموم و بخصوص هر بوکسر باید دارای اخلاق نیکوی اجتماعی بوده و برخورد انسانی و مودمی داشته باشد نه مانند کسانی که با و شما به چشم سر دیده ایم چند روزی بوکس می کنند بعد از بازار و یا راه های مکاتب ... به ناحق بهانه گرفته این و یا آن را مشک ریخت خیال کرده و دست های خود را بالا پیش پخته می سازند که این گونه اعمال خلای نزاکت های سیورتی و انسانی می باشد. وی گفت: حال که مرحله نوین تکامل انقلاب نظرمند نوره عوفیت رسیده امیدوارم گام های هرچه فراختر در ساحه ورزش در جامعه ما برداشته شود.

صحبت را با بوکسر ها ختم و با استاد پهلوانی از سر میگیرم.

- قسمیکه دیده می شود شما ترینر رشته پهلوانی می باشید، اگر خود را به خوانندگان محترم ژولنون معرفی کنید ممنون میشوم!

- اسمم سید مومن متخلص به ساداتی می باشم، تقریباً مدت دو سال میشود ترینر تیم پهلوانی کلب تعلیم و تربیه می باشم.

- فعلا در حدود چند نفر شاگرد درین کلب تفریح میکنند؟

- در طول سال تعلیمی که مکاتب شروع میشود تعداد شاگردان پهلوانی در حدود سه صد نفر میرسد اما در ایام زمستان تعدادی از شاگردان نسبت مشکلات راه و سردی هوا آمده نمیتوانند. و تعداد شان تقلیل یافته

شود (۱) روی چه پختگی دارد؟ نازک ترین جای روی انسان است بر از رشته های اعصاب. چنانچه به بیکر درختی اگر روز ها زده شود روزی میرسد که درخت بدون تریه زمین می افتد، همین طور اگر بوکسر هاجم در ابتدای آموزش به روی یکدیگر بزنند رشته های اعصاب تکان خورده و کله راپوچ می سازد اگر خواسته باشند دست هاراقوی سازند خریطه های جرمی ای است که بنام (زلفک) یا مشک ریخت یاد می شود و با اینکه کور توپ های فوتبال را از ریخت جرمی کنند و برای پخته شدن دست از آن کاری گیرند نه اینکه به کله و روی یکدیگر چنانچه خود می بینید که درین جا مشک های جرمی پر از ریخت وجود دارد و من شاگردان را میگویم به مشک بزنید تا دست تان پخته شود، ولی هر آن مراقب هستم که شاگردان به سر و روی يك دیگر حواله نزنند چنانچه درین مدت پانزده سال حتی بینی يك شاگردم خون هم نشده، موفق باشید استاد.

بعد از استاد با سید یعقوب محصل پوهنخی پولیتخنیک که عضو این کلب می باشد به صحبت می پردازم، نامبرده به پاسا سخ سوالهایم میگوید:

سه سال می شود که در کلب ورزشی تعلیم و تربیه به ترینان بوکس ادامه داده ام و آرزو دارم تا آخرین وقتی که بوکس میکنم عضو همین کلب باشم، چرا کسانی که وضع اقتصادی شان نسبتاً خوب نیست می توانند تا هروقتیکه بخواهند درین کلب تفریح نمایند البته تمام لوازم سیورتی از طرف ریاست تربیت بدنی تهیه و به دسترس ورزشکاران قرار میگیرد در پهلوی آن بعد از ختم تفریح به همه ورزشکاران فعلا يك گیلای شیر داده میشود، اما در کلب های شخصی مصرف زیادتری به کار است که هر عضو کلب در کلب های شخصی باید مخارج کلب را بپردازد، گرچه ورزش بوکس يك سیورت

کلب (خودش) و تأیید ریاست تربیت بدنی در بهار سال نو که سال فرخنده خواهد بود مسابقات عمومی بین تمام شاگردان بوکس تعلیم و تربیه دایر میگردد که در نتیجه آن شاگردان تیم منتخب انتخاب و در پهلوی دیگر تیم های منتخب به تفریبات خود ادامه خواهند داد نامبرده افزود: فعلا در حدود هشتاد و دو یا بالاتر از آن درین کلب مصروف تفریبات مداوم هستند که در جریان سالهای تعلیمی سه تعداد شان همه ساله افزود میگردد که میتوان این جارا کلب نه بلکه فابریکه بوکس سازی نامید (۱) و باید بگویم شاگردان بوکس و هم چنان همه اعضای کلب چنان تربیه میشوند مثل یک در مکتب درس می خوانند یعنی لحظه به لحظه به هر يك از شاگردان درس داده می شود که چه گونه بزنند و چگونه دفاع نمایند که هر شاگرد این کلب تا جای امکان برخوردار از هر گونه تخنیک و تکنیک بوکس می باشد البته قاجالیکه خودم یاد دارم.

از نظر من بازی بوکس يك بازی خطر ناک می باشد چرا که بوکسر ها در وقت تفریح و مسابقه به سر و روی یکدیگر چنان حواله می کنند که اگر دفاع نشود از نور چشم و کله وماغ بی بهره اش خواهد ساخت همینطور نیست؟ قسمیکه شما فکر کرده اید غلط است بوکس کردن تنها حواله کردن مشت به سر و کله نیست بلکه بوکسر هر ورزشکار را قوی پنجه، دلاور و خونخورد می سازد. بر عکس اینکه به کله وماغ تقصی برساند ورزشکار را ذکی و تیز هوش می سازد. اما هستند استادانیکه شاگرد را به بازی اینکه ورزشکار تربیه کند با حیانتش بازی می کنند. مثلاً وقتی که شاگرد جدید عضو کلب شان گردید دستکش را بدستش کرده و در میدان تفریح رهائش می کنند در عوض اینکه تخنیک و تکنیک را یادش بدهد می گویند به روی یکدیگر بزنید تا پخته

وزن

داکتر روبه مریض کرده گفت :
- وزن شما چقدر است .
- هفتاد و پنج کیلو گرام .
- حداکثر وزن چقدر بود ؟
- نود و هفت کیلو گرام .
- حداقل وزن چقدر بود ؟
- سه کیلو یکصد گرام .
داکتر با حیرت فریاد کشید :
- چه گفتید سه کیلو ... ؟
مریض جواب داد :
- سلی داکتر ! روز تولدم ؟



بدون شرح

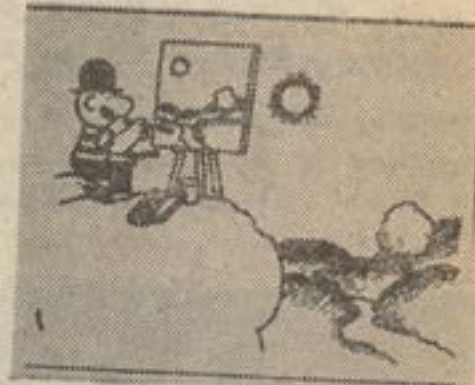


انتقام

زن وشوهر وارد اتاق شدند وزن رو به شوهرش کرد :
- عزیزم ... فردا هفتمین سالگرد ازدواج من و تو است ... پس تصمیم گرفته ام به این مناسبت یکی از مرغهای خود را که تخم می گذارد بکشم !
شوهر سری تکانداد و گفت :
- حالت بکش زن ... برای چه ؟ من خواهی انتقام را از مرغ بیچاره بگیری ؟
- من اگر به جای تو می بودم گردن برادرت را که باعث آشنایی ما شد می شکستم !!

استعداد

زنگ تلفون اداره پولیس یکی از شهرهای آمریکا به صدا درآمد و پیر دختری از آنطرف التماس گفان گفت :
- بکمکم بیایید ، دو مرد ناشناس بخانه ام آمده اند یکی پیر و دیگری جوان . امید است هرچه زودتر یک پولیس بفرستید که مرد پیر را از خانه من بیرون کنند !



بدون شرح

مرد دست

آقا نصفه شب بخت بخانه برگشت ولی آرام وبا احتیاط وارد خانه شد که خاتم بیدار نشود اما متاسفانه پایش به کدام چیزی بند شد و دستگیره دروازہ صورت وی را مجروح کرد . بازم با احتیاط از جایش بلند شد و نزدیک آئینه رفت و صورت خود را با آسمان کرد و خوابید . صبح خاتم او را با عصبانیت بیدار کرد که :
- باز دیتب دست آمدی به خانه ، اختیار داری یک قطره هم مشروب نخورده بودم . خاتم نکاهی بصورت زخم شده او کرده گفت :
- عجب است : پس ممکن است بگوئیس برای چه روی آئینه را با این دقت پائسمان کرده ای ؟

دلیل آوردن یکجا

مادر از بچه اش پرسید :
- ببینم مرای آلبالو را تو خورده ای ؟
- نه بخدا .
- پس چرا خسته هایش روی زمین ریخته ؟
- بچه با سر بلند می جوابداد :
- همین دلیلش است . برای آنکه من هرچه خوردم خسته هایش را هم قورت کردم .

پسر هوشیار

پسر کاتکستر معروف از جلسه امتحان به منزل برگشت و پدر با اشتیاق پسرش پرسش رفته پرسید :
- پسرم بگو امتحان خوب بود پسر یا غرور جواب داد :
- عالی بود پدر جان ! آنها سه متمنی بودند دو ساعت تمام از من سوال کردند ولی یک کلمه نتوانستند از من جواب بگیرند !

اعتراف

تازه عروس باخجالت رو به شوهر جوان خود کرده گفت :
- عزیزم حالا که زن وشوهر شده ایم و



بدون شرح

هیچ چیز را نباید از هم پنهان کنیم من ناچارم بتو بگویم که موهای من عاریه است :
داماد جوان با خوشحالی جواب داد ناراحت نباش عزیزم انگشت قسمتی را که من دادم هم بدلی داشت .

در دیوانه خانه

دو دیوانه گرم گفتگو بودند ... یکی از آنها گفت :

- آه ... من با تو شرط میبندم کسه از طبقه دهم این منزل خودم را در بین حوض آب که برای مرغ آبی ها ساخته باندازم و هم آسمینی نبینم !
دیوانه دومی جواب داد :

- من هم حاضرم شرط ببندم که تو نمیتوانی اینج دقیقه بعد دیوانه اولی را به طبقه آخر ساختمان رساند و از پشت بام به بیرون خم شد و بدون تامل خود را در فضا رها کرد .
دیوانه دومی که از این عمل فوق العاده به حیرت افتاده بود سرعت از آنجا فرار کرد و باخود گفت :

- ممکن است خودش روی آن حوض غرق شود و آن وقت همه تقصیرش را به گردن من اندازد !!

بها نه یی برای زن

زن جوان ، در حالیکه دستش پر از انواع بسته ها بود ، از فروشگاه بیرون آمد و به یکی از دوستانش بر خورد کرد و با نگرانی گفت :

- او ، خواهر ... نمیدانم از بابت این جنس ها که خریده ام به شوهرم چی بگویم ... امید وارم بتوانم بهانه ای پیدا کنم .

روز بعد دوستش به او تلفون کرد و پرسید :

- جریان خرید چطور شد ... بالاخر بهانه یی پیدا کردی ؟
- بلی ... آن هم چه طور .

خوب چی بود ؟

یك انازموی طلایی بود روی یخن پیراهن شوهرم !!



از بالا به پایین - بدون شرح

اعتصاب

دو نفر مرد در باره زنهای خود صحبت میکردند ... یکی از آنها گفت :

- من تقریباً دو سال است که بازنم اصلاً حرف نزده ام .

دوست دیگر با تعجب پرسید :

- عجیب است ... مگر با هم در این مدت قهر بودید ؟

مرد اولی آهی کشید و گفت :

- نه ... چون من نمیخواهم میان حرف او حرفی زد ، باشم . !!

سن خانم

خانم بعد از آنکه از حمام بیرون آمد و سر و روی خود را بدقت تمام آراسته ساخت و به اتاق دیگر که شوهرش در آن مشغول

روز نامه خواندن بود رفت و باو گفت :

- عزیزم ... سوال از تو میکنم که دلم میخواهد جواب آنرا آنطور که واقعاً فکر میکنی بدهی ... بگو بنظر تو قیافه من چند ساله نشان میدهد ؟

شوهر نکامی به قدوبالای او انداخت و بعد فکر کوتاهی کرد و گفت :

- صبر کن بریت بگویم از طرز راه رفتنت بیست و پنج سال ...

از رنگ پوستت تقریباً بیست سال ... از موهایت در حدود هجده سال ... لبخند رضایت آمیزی چهره زن را روشن کرد و با شوه گفت :

- راستی میگوئی . یا فقط برای خوشحالی من این حرف را میزنی ؟

شوهر جواب داد :

- اوه ... ابداً عزیزم ... صبر کنی همه این اعداد را باهم جمع کنم تا بگویم بنظر من چند سال داری !!



بدون شرح

فاصله عقل و ابله یی

جوان پرگویی در برابر و لتر قرار گرفت که از آغاز مجلس همه را از پرگویی و گفته های باطل و بیسوده خویش خسته کرده بود . و لتر از پرگویی اوجان آمده بود ، ولی نمیدانست چه کند تا دهان آن جوان یاوه گورا ببندد . ناگهان جوان از او پرسید : راستی بفرمایید بدانیم که فاصله بین عقل شخص خردمند و عقل آدم ابله چه اندازه است ؟

ولتر بیدر تگ جواب داد: کاملاً به اندازه این میزی که میان من و شما فاصله است .

سرگرمی ها و مسابقات



تهیه و تنظیم از صالح محمد کپسار

جدول کلمات متقاطع

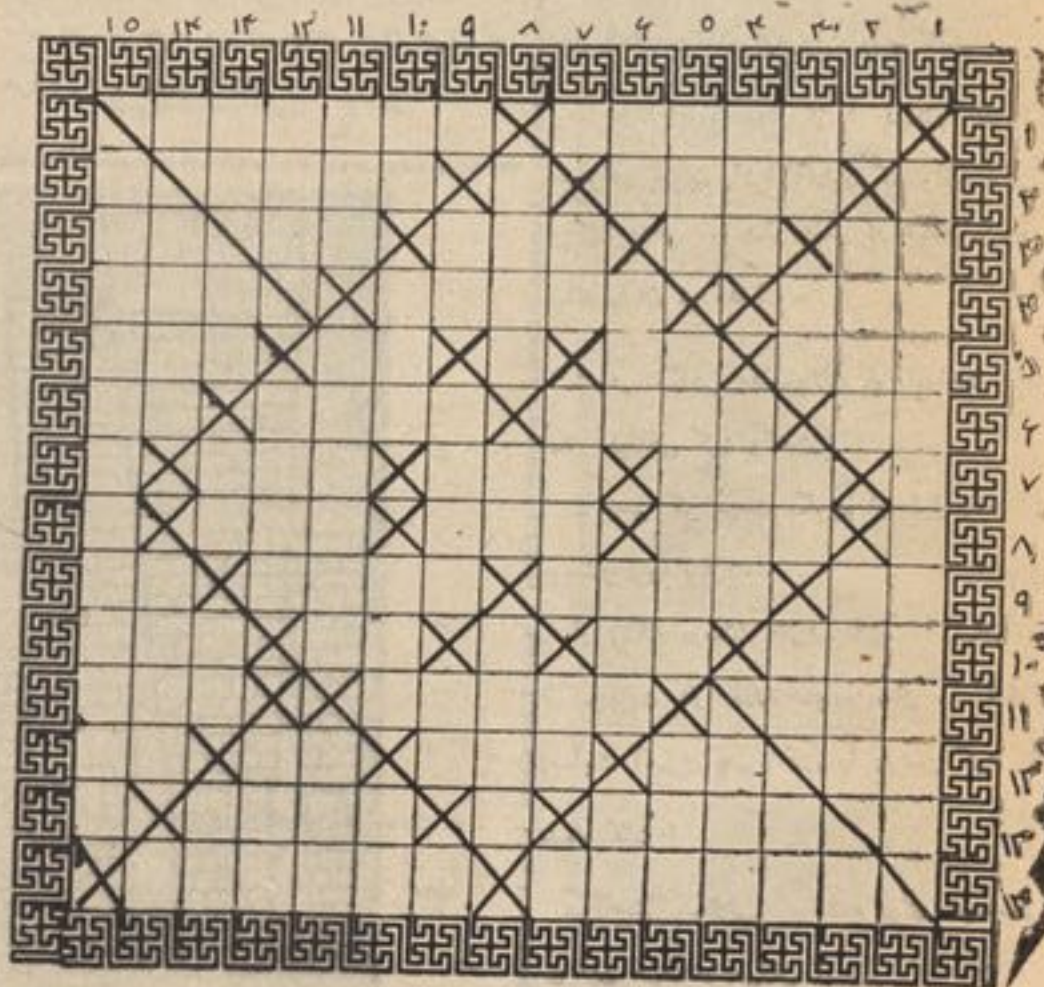
الف: ۱-

۱- اثر بر جسته از نویسنده مشهور (جک لندن)، این کتاب را نویسنده مشهور (ناتیل هائورن) نوشته است. ۲- آنرا گهواره انقلاب نامیده اند، یکی از مناطق زیبای کشور ماکه به آن يك ضرب المثل نیز ساخته اند. ۳۰- از آنطرف کلمه ثبت پستو، بعد نا تمام، از خزندگان، خودها، از حیوانات وفادار. ۴- از آلات نجاری، از ایرانیان می آید، ماشین آنرا مور اختراع نمود. گردنبند، این به پستو، آغاز و پایان ولایت هرات، آواز غیبی. ۵- از آن طرف خشک بیست، شعر را می گوید، بزرگترین آن در کشور ما آمو است، نصف دیدن است.

۷- از گندم بدست می آید، وداع نکرده، از آهن آرامی سازند، ۸- وقت بزبان عوام، شوخ بود مقشوش هم شد، از سامان موتر،

۹- از آن طرف بالای دریا ساخته میشود، منظم آن به پستو محبت است، آخرش را حلق کنید درس است، خود ما است. ۱۰- مادر بزبان عوام، مار دم بریده، عدد بیگانه، معدن هم ردیف آن است. ۱۱- هسته ناتمام، اثر یکی از نویسنده گان جهان، عادت که آغاز داشت جدایی. ۱۲- آغاز و انجام رول، پروانه خود را به آن میسوزاند، میازار که...

دانه کش است، مات شده اما بی آغاز، نصف بحری، ۱۳- یکی از فصول مسال، جدای است. ۱۴- اثری از ولتر نویسنده فرانسوی، اثری از يك نویسنده مشهور شوروی.



عمودی:

۱- یکی از رهبران بزرگ شرق که برای آزادی کشور خود تا آخرین لحظه کوشید. ۲- سر زمین میناتور و سیاه موج لالی، شاید در دستتان باشد. ۳- عکه دم بریده، کلمه ربط، دو چهارونیم، در بین بهتر قرار دارد، حرف ربط. ۴- رفیق سوزن، از آلات دفاعی است، حاصل زنبور، ۵- چهارم حصه

درجم شهرت دارد، مسترد کردن. ۷- نصف ماشه، آفتاب بسیار است، هشتم به پستو، ۸- دارنده، پنجه وریشه درخت، صبر کننده. ۹- راه کوتاه، قبل از انقلاب قور این آدمکش بر کشور ما حکمرانی داشت، ۱۰- چاک سر بریده، جای عبور و مرور آب، برادر به پستو، هنر. ۱۱- گندم بزبان پستو، بدون حرف آخر نویسنده آن نتوان چخوف است، اکثریت. ۱۲- خیر، یکی از روز نامه های کشور ما، در ردیف چهارم عمودی. ۱۳- از آن طرف ضد مرد است:

دویک، رول میان تپی، کار ناتمام، نصف قادر. ۱۴- خط بین کشور ها، اثر برجسته ماکسیم گورکی. ۱۵- او رئیس جمهور کشور است که مساحت ۶۷۱۰۸ میل مربع و ۱۸۸۰۷۰۰۰ نفوس دارد و واحد پول آن بیاستر است.

به عربی، بدون حرف آخر نویسنده کتاب بی بی پیک، سی روز است، ۶- الف ناتمام، بایک نقطه جای گل ویلبل میشود، از آن طرف

يك امتحان کامل خودشناسی



خوانندگان نهایت گرمی صفحه سر گرمی ها و مسابقات! ما این قسم تست ها را تا حدود امکان نشر مینماییم و از شما هم تقاضا داریم این قسم تست ها را برای ما ارسال دارید که با اسم و یک قطعه عکس تان آنرا چاپ بنائیم در اینجا از شما میخواهیم که تست پائین را که با عکسهای آن بچاپ رسیده است به هر کدام جواب ارائه نموده و برای ما ارسال دارید. تا بعداً برای تان بگوئیم کی هستید؟ این هم تست ما:

الف: به این تابلو خوب متوجه شوید او چه میکند؟

۱- آیا به همایگان خود متوجه میباشد؟

۲- به تماشای اسپ دوانی مشغول است؟

۳- عسکری است که انتظار حمله دشمن را دارد؟

۴- آیا میخواهد بدون آنکه کسی متوجه او شود مردم را تماشا کند؟



ب: به این تابلو خوب متوجه شوید و بگوئید او به چه فکر میکند؟

۱- به ناامیدی و ناکامی خویش، چون این مرد شوهر است؟

۲- حسرت این زن و شوهر را میخورد که این قدر همدیگر را دوست دارند؟

۳- از دیدن این زن و شوهر که همدیگر را دوست دارند حسرت می برد؟

۴- به خود میگوید: «این وضع عدت زبانی دوام نخواهد داشت. بزودی محبت ما پایان میرسد؟»



د: خوب حالا به این تابلوی دیگر متوجه شوید و فکر کنید میان این دو چه میگذرد؟ ۱- شخصی که ایستاده يك کارگر و نشسته کار فرما است که کار گر خطاری دیده که

وحت خوش ویا ...؟ حالا از شما میخواهیم
که راجع به نگاه او هر چیزی که بنویسید
بنویسید و برای ما ارسال دارید

این ستاره کیست ؟



یکی از ستارگان سینمای غرب میباشد او
در بسیاری از فیلمهای غربی اشتراک نموده
است شاید یکی از فیلمهایش را شما دیده
باشید . ما این بار هم از ستاره های سینمایی
عکسی را بچاپ رسانیدیم لطفاً برای ما
بنویسید که اسم این ستاره غرب چیست ؟

این دختر زیبارا می شناسید ؟



او از زیبا ترین ستاره سینمای غرب میباشد
شاید او را در بسیاری از فیلمهای غربی رول
های را به عهده داشت حالا از شما اسم
فیلمهای او را ویا کشورش را نه میخواهیم
بلکه آرزو داریم که تنها اسم این زیباروی
سینما را برای ما بنویسید و بایک قطعه فوتوی
خویش برای ما ارسال دارید -

کدام صحنه ؟

در جهان یکی برای عظمت طلبی و بعضی
ها برای آزادی خود می جنگند ما هم میدانیم
کمانیکه برای آزادی کشور خود میجنگند
هیچ گاه تاریخ آزادی آنها را فراموش نمیکند
ما صحنه یکی از این جنگها را برای شما چاپ
کردیم تنها شما بگوئید که این سرباز که
به این حالت در آمده است از کدام کشور
جهان میباشد



نگاه ؟

ما در هر شماره راجع به نگاه ویا کدام
مطلب دلچسپ دیگر با شما حرف میزنیم و
از شما در باره آن طالب مضامین نیز شدیم
به این عکس متوجه شوید که به چه نگاه
میکند ؟ به آینده خود ؟ به صحنه کدام



بعد از اینکه به تمام سوالات ما جواب
گفتید نتیجه جوابات را به آدرس ژوندون
صفحه مسابقات و سرگرمی ها مطبوعه دولتی
انصاری وات کابل بفرستید امید است که
در ضمن یک یک قطعه فوتو های خویش را
نیز ارسال دارید .

کدام پرنده ؟



این تابلو را یکی از رسامان ترسیم نموده
است آیا میدانید که منظور از ترسیم تابلویش
چیست و کدام پرنده را درین جا ترسیم نموده
است اسمای آنرا برای ما بنویسید .

حل کنند گان

کمانیکه به سوالات ما جواب گفته اند .
اندر پال سنگ «جنبش» ، حمیده نمر متعلمه
صنف یازدهم ج اجتماعیات لیسه زرغونه ،
شیرمحمد هوتکیار ، معروفه علیزاده ازیکه
توت ، قادر ننگیالی علی «زاده متعلم صنف
هشتم مکتب یکه توت ، احمد فواد دامع متعلم
صنف نهم ب مکتب متوسطه محمدایوب خان ،
عبدالقیوم دانشام ، از ننگرهار ، غادره شریفی
از صنف یازدهم لیسه رابعه بلخی ، محمدکبر
میرحیدری ، نفیسه محبوب متعلمه صنف
یازدهم لیسه مسلکی جمهوریت ، عبدالحی
وغروب از میرویس میدان ، محمود هنرمل
از پوهنشی اکادمی شانزدهوی جمیله ، سلما
رابعه ، هاء ، کرام الدین ، عبدالمتین ، لطیف ،
سید عبدالواحد ، شادولا ، فضل الرحیم ،
شاهمین ، نصراله ، عبدالحمید ، مهمنند ،
«وفاداره» اکبر ، یوسف ، قادر ، نعمت الله
شهنار ، گلجان ، بسم الله ، شیرین آغا

موجب آن از وظیفه اخراج میگردد ؟
۲- شخصی که ایستاده یک کارگر بوده
و مستحق پاداش گردیده است ؟

۳- این دو باهم دوست صمیمی بوده که
بلافاصل دوستش آمده و حالا میخواهد از او
خدا حافظی کند و برود ؟
۴- شخصی که ایستاده است برای انجام
کاری ، وارد دفتر کارفرما گردیده است ؟



۵- به این تابلو نگاه کنید و بگوئید که
این نگاه چه حالتی را بیان میکند ؟
۱- اضطراب و وحشت در مقابل یک منظره
نا راحت کننده ؟
۲- استهزا ویا تمسخر ؟
۳- درستی و امانت ؟
۴- بی تفاوتی ؟



و نه خوب حالا بگوئید این دختر جوان چه
میکند ؟

۱- آیا میخواهد از خطری فرار کند ؟
۲- مانند آهوی بیابان آزاده و بدون غم
میدود ؟
۳- یا اینکه به وعده گاهی که برایش
اهمیت دارد خود را میرساند ؟
۴- آیا برای دیدن و گفتگو با کسی که
او را دوست دارد میشتابد ؟



اولین روز های عشق، آتشین می باشد

ترجمه: ع. س.

اگر میخواهید اید یال تان را از دست ندهید

اگر خواهیم و یانه، اما این يك واقعیت است که پرایلم های خانوادگی و ازدواج در ممالك پشرفته بسیار حاد شده است. وقت آن فرا رسیده تا از توضیحات اضافی مینی بر اینکه خانواده در اثر افتخار روش سطحی در قسمت ازدواج و شرایط مسکونی ناشی میشود پیرهنیم. بطور مثال در ممالك متعددی شرایط مسکونی نظریه سابق براب بهتر شده اما تعداد نایمانی های فامیلی روبه افزایش است.

هویداست که باز گفت به عقب یعنی به زمانهایی که زن از حقوق ناچیز بهره مند بود امکان پذیر نیست. اما در مقابل مناسبات فامیلی و اشکال آنها در کدام دفتر ساختمانی طرح و یا توسط «متخصصین در رشته دوستی و ازدواج» ایجاد شود.

مناسبات مذکور را پراکتیک اجتماعی بدون ها و آنهم توسط یگانه طریقه ممکنه یعنی از مایش و اشتباه پیمان می آورد. ملیون ها آزمایش و ملیون ها اشتباهات صورت میگیرد.

از تعداد اشتباهات و عمق آن قاحدی میتوان کاست اما کار چندان ساده نیست. اینکار زمانی تحقق می یابد که انسان در مورد «میخانیزم های» مناسبات فامیلی از دانش کافی بهره مند باشد.

یکی از خصوصیات بارز سیستم های حیه قابلیت آنها غرض بوجود آوردن نوع شان

هست. اگر مردم علاقه شان را در قسمت باصلاح زندگی شخصی از دست میداد آنجا بود که در اثر محو بشریت تولید، سیاست، علم، هنر، ایدیاالوژی و همه اشیا بطور مطلق مفهوم شان را می یاختند. اشیا تازهانی از مفهوم برخوردار اند که عشق و دوستی بین زن و شوهر موجود باشد. عشقی که معمولا آنرا «مقصر» مینامند.

ممکن است این حقیقت افسانوی شمرده شود که (۹۵) فیصد بالاخره به هدف خود نایل میشوند یعنی اولین و آخرین را که می خواستند بدست می آرند. اما حقیقت اینست که طبیعت در چنین موضوع جدی نمیتواند به مجزیه متکی شود. همه امور بشکل تنظیم شده و بدون وقفه به پیش میروند.

این نکته که زن و یا مرد اعتراف میکنند محبوبش را به خاطر کدام خصوصیتش دوست میدارد در حقیقت خود را فریب میدهد. این کار بسیار متمر اما خود را فریب دادن است. عشق گرچه از نخستین دیدار نباشد به شبکه اتصالی شباهت دارد و فلتر سرخ رنگی را بکار می اندازد که با تقویت کننده مجیز میباشد. جهات مثبت محبوب به بسیار شور و هیجان مورد قبول قرار داده شده و جهات منفی زیر پا میشوند.

اگر عشق از نقطه نظر اطلاعاتی مدنظر گرفته شود ناموزونی های زیادی را در بر دارد. فلتر سرخ نیز بعد از سپری شدن مدتی نااندازه از کار و فعالیت بازمانده و از آن اطلاعاتی فلتر میشود که از تفایس محبوب شباهت میدهند. اشتباهیکه (اگلا بکیمک حس درونی) طرز وقوع پروسه ها را تصور کرده میتواند در مقابل از خود عکس العمل نشان داده و جدو جهد را بکار می برند.

ضرور است تا فلتر به حالت اولی باقی مانده (ناجاییکه ممکن باشد) یعنی هر حرکت مثبت روانی دوست خویش ارزیابی و از هیجان و قهر پرهیز شود. یا بعبار دیگر انسان از لطف و مرحمتی برخوردار باشد وقتا فوقتا مکمل تر شود. بدون داشتن این همه صفات فامیل مانند موتری که گریس کاری و نرمیم نبود یگانگی و صحت خود را از دست خواهد داد.

به تاسف باید گفت از برهم خوردن عشق و دوستی از حد و اندازه آن اضافه برداشت فرازیدی میشود. این حالت طبعا با برداشت عینی مساله مطابقت نمیکند. برداشت درین وقت مانند اوایل عشق آتشین مطلق یکجانبه میباشد. اما فلتر درین نوبت رنگه سیاه را بخود گرفته، نکات مثبت را زیر پا گذاشته و از اطلاعاتی که جواب منفی داشته میباشد

هرچه بیشتر و یاقیل و قال یادآوری میشود. بصورت عموم انسان طبیعتا سعی میکند ناخنی از زعم باطل خویش تا آخرین مرحله دفاع کند زیرا طوری تصور میکند که گفتارش روی واقعیت نام استوار است. این اوهام در ساحه مناسبات بین زن و مرد مخصوص مستحکم بوده و نمیتوانیم آنرا حتی به مرص قوی ازین بریم. اما لازم است تا بکلسی محو شود.

در همه جا و همه احوال زمانیکه از عسلل جدایی و برهم خوردن فامیلی از زن و مرد پرسش بعمل می آید واقعیت را اظهار نمی کنند و مقام گفتار آنها انعکاسات مغرضانه در خفاء داشته میباشد. ناسازگاری های روحی یعنی چه؟

در موارد زیادی ازین لغت چنین برداشت میشود: «رضایت شریانی درین ما وجود ندارد». در نتیجه حالاتی ایجاد میشود که معمولا آنرا «جنگ زوجین» مینامند. این جنگ بالای رشد و کردار بعدی اطفال شان تأثیر منفی بسزایی دارد.

اغلبا با اندازه معین جدایی و ناسازگاری هزارا به اوت می بریم. سوسیولوژیست ها از قدیم به این نکته متوجه شده اند: اگر يك عضو جفت در فامیل ناقص قریبه شده باشد احتمال وقوع جدایی افزایش می یابد. اغلبا از اطفال حتی بعد از جدایی منجیت و وسیله انتقام گیری استفاده مینمایند.

نایمانی هایی را که در بنصورت اطفال در نتیجه جی و بحث زن و شوهر به اوت می برند بسیار خطرناک و در ضمن در خور توجه است.

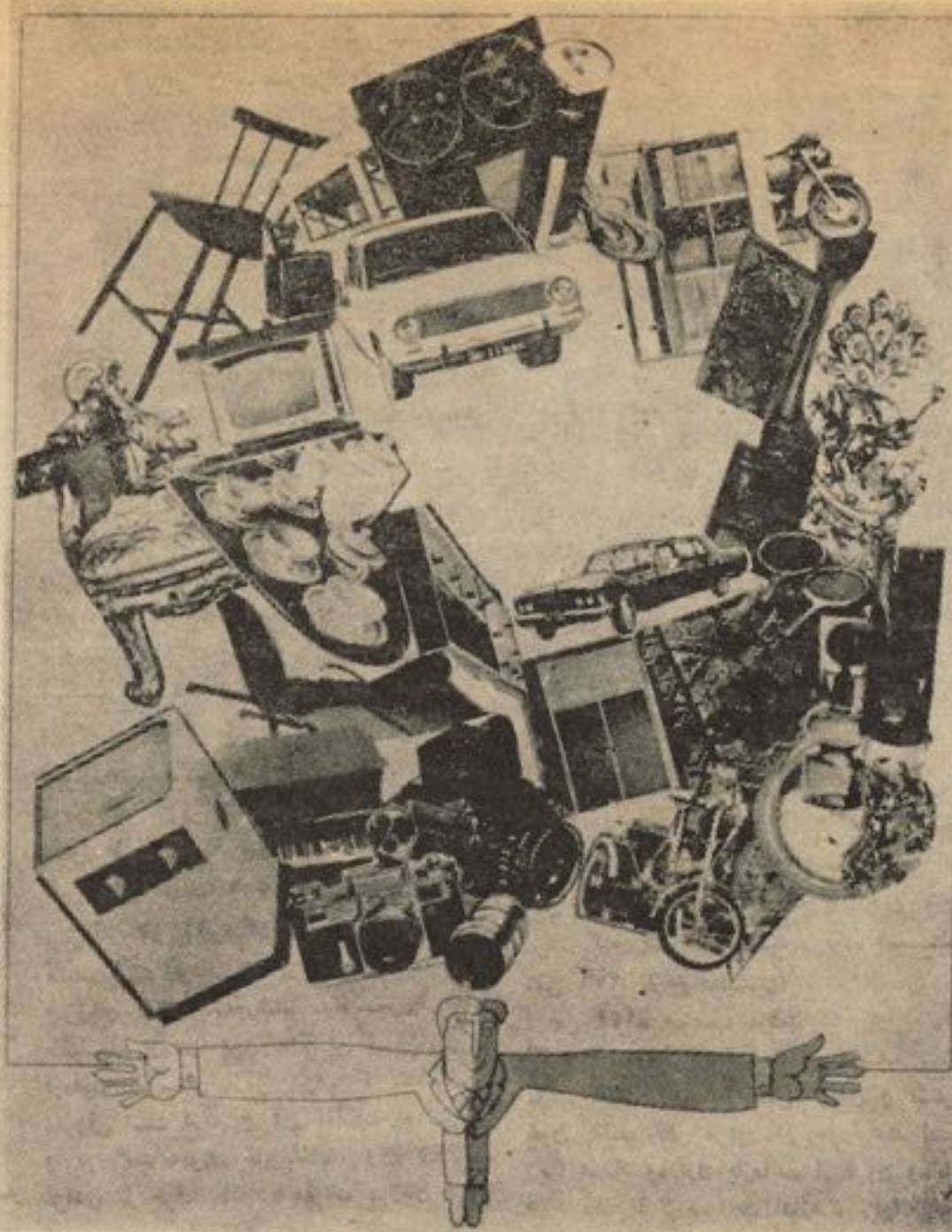
پرهیز از سوپرگزویسم (بی طرف نماددن) شدید و تعصبات در زمان توافق امکان پذیر نیست. این حس در انسان در اثر ضرورت احیای مجدد زندگی بطور مستحکم تنظیم شده است. لازم هم نیست زیرا از برکت این تعصبات انسان به عالی ترین تیک و مثبت دست می یابد.

اما روحیه بی طرف نماددن در زمان جدایی غرض احیای مجدد زندگی بسیار ضعیف بوده و تنها احساسات منفی را هدیه ما می کنند. به این لحاظ مبارزه با سوپرگزویسم یکی از ضروریات زندگی شمرده میشود و موفقیت بالای آن از جمله ممکنات است سعی شود تا همه الفاظ بی غرضانه ادا شود و در ضمن از تصدیق بلا تصور پیرهنیزید.

محققین درین موارد معمولا از زنها جانب داری میکنند تا در «فضای همزیستی مسالمت آمیز» در مقابل زنان از حوصله کار گرفته شود زیرا تا زمانی که خیال های مشترک و در ضمن باطل محو میگردند زنها نسبتا رنج های فراوان را متحمل میشوند. علاوه زنها وجود نازک و زود شکن دارند و مرد ها مایست در مقابل آنها از لطف و مهربانی کارگیرند.



بازهم «سکوت»



اینها سهولت ایجاد می نمایند اما جنبه منفی نیز دارند.

ترجمه: عبدالله

تاثیر روانی افزایش لوازم منزل بالای انسان

ما به اشیای ماحول خود خو گرفته ایم. اینها شرایط مستریج زندگی را فراهم می کنند. تعداد اشیای مانند موتر، تلویزیون، یخچال، ماشین رخت شویی و غیره روبه افزایش اند. اما باید لحظه توقف کنیم. انجام کار بالاخره به چه منجر خواهد شد؟ ممکن است این همه مردم را تحت شعاع خود قرار دهد! ضرب المثل معروفی است که میگویند «با اشیای خوب حتی در «کلبه محقر» زندگی آرام می گذرد». آیا این ضرب المثل در عصر حاضر قابل تطبیق است؟ به احتمال زیادی. فامیل امروزه با این همه اشیای زندگی را به بسیار مشکلات در «کلبه محقر» پیش خواهد برد. اشیای و باز هم اشیای به حدی افزایش یافته اند که علما در حال حاضر در کنار «فضای طبیعی ماحول» از «فضای اشیای ماحول» نیز نام می برند. این اشیای بطور بلی اما بتدریج فضای طبعی را تنگ تر می سازند. انسان در فضای طبیعی فقط در اتنای تفریح

در کنار دریا ویا جنگل قرار میگیرد و آنهم بایک عالم اشیای دیگر مانند موتر، رادیو، رخت خواب و غیره.

به این ترتیب مردم از سلطه طبیعت خارج شده و در تحت شعاع اشیائی قرار میگیرد که خود آنها را ایجاد کرده است. آیا این کار خوب است؟

چندان عمل بدی نیست اگر کلمه «اگر» بسیار تقریباً در همه احوال ذکر میشود. یکی از آن اگر انسان از اشیای در دست داشته طوری استفاده کند که برای اجرای همان عمل تخصیص داده شده باشد بهتر خواهد بود نه اینکه بمقاصد مختلف بطور عموم در بعضی جاها معمول این است که اشخاص توسط اشیای متعلق به خود در دیگران را از موقعیت اجتماعی خود با خبر می سازد.

در یک تعداد جوامع مرکز نقل این نسوع

ثماشیات بسوی اشیای متعلق و قیمت بسیار انحراف می نمایند. این اشیای یکی از عمده ترین معیار های تعیین موقعیت اجتماعی درین جوامع شمرده میشود.

در جوامع دومی مردم نه به اشیای همدیگر را ارزیابی میکنند و بوقتیست مصرفی منحیت معیار موقعیت اجتماعی شمرده نمیشود. آیا این بدان معنی نیست که موثریت نمایشی درین جوامع بکلی محو است و اشیای را کمتر از آنها ارزیابی میکنند؟ درین جوامع نیز اشخاصی وجود دارند که در قسمت بدست آوردن اشیای با همدیگر مسابقه میدهند. لازم است تا سطح زندگی مردم بلند رود اما در پهلوی این همه امکانات باید سطح فرهنگی و اخلاقی جامعه نیز بلند رود. اگر این عملیات همزمان صورت نگیرند سیکالوجی هرزه در جامعه متری عودت خواهد کرد.

این مساله عجیب نیست که اشخاص توسط پول های کمایی کرده اند ان میخواهند اشیائی بدست آورند که نظر به اشیای سابقه در دست داشته شان مکمل تر و بهتر باشند.

عمده این نیست که چرا این نوع کار ها

صورت می گیرند بلکه مهم اینست که بکدام هدف پیش برده میشوند. اشخاصی که تصور میکنند اگر در خانه اشیای مجلل و قیمت بها داشته باشند از دیگران فوقیت دارند اشتباه بزرگ را مرتکب میشوند زیرا اشیای انسان رانه کدام شخصیت و نه کدام فهمیدگی می بخشد. حال جنبه دیگر پر ابله را مطالعه میکنیم.

این يك واقعیت است که بكمك اشیای در دست داشته فضای مستریج و سهولت در کار

تلویزیون از قوای جسمانی بالای ارگانیزم انسان بطور قابل ملاحظه می کا هد (باید تذکر داده شود که بروسه کاهش مشابه قوای جسمانی و افزایش قوای روانی در فعالیت تولیدی انسان نیز مشاهده می رسد) حتی

اشیایی که وظیفه خود را انجام داده و غیر قابل استفاده میشوند نیز خطراتی را مواجه ما می سازد. بروسه های طبیعی اکسیده شدن کیمیای و بیولوژیکی در مقابل این قدر فلزات،

پولیس ها، مواد پلاستیکی عاجز می مانند. مواد مستحکم در مقابل جنبه های مثبت خود از جوانب منفی نیز خالی نمی باشند. پر ابله استفاده از اشیائی که دارای اندازه های زیاد

اند در همین حال در بعضی از ممالك مانند آمریکا، کانادا، جمهوری فدرالی آلمان و جاپان بسیار حاد می باشد. درین ممالك سالانه به میلیون ها موتر، یخچال، ماشین رخت شویی، تلویزیون از کار باز می افتند و کلام

هایی که درین قسمت صورت می گیرد مشتری را متشاق می سازد، تا کالاهای هر چه جدیدتری و مدرن تر بدست آرد. اما قیمت تمام شده محو اشیای سابقه با بدست آوردن اشیای

جدید در يك خط قرار میگیرد زیرا قوای طبیعی خود قادر نیست تا اشیای سابقه را به کلی محو نابود نماید. ضرورت می افتد تا انسان نیز دست بکار شود.

راه چاره چیست؟ بطور میتوان از عهده این کار موفقانه بدر آمد؟ اشخاصی که بدین نظر اند گویا احتیاجات بشری تنها به طریقی رفع گردیده میتواند که در دو راهی قرار گیرند: یا اینکه از شخصیت معنوی بهره شده و گیش سرگشی خریدن و بدست آوردن

بوجود آید و یا اینکه از رفاه و نعمت بخاطر رسیدن به تکامل موازین اخلاقی منصرف شود. این دورا می در شرایطی صورت می گیرد که جامعه از عهده پر ابله حیاتی خود موفق بدر نیاید. درین جوامع شرایط ایجاد

میشود که انسان میتواند یخچال ویا موتر را تحت شرایط سهل بدست آورد. اما در مقابل نمیتوان اطفال را از نعمت سواد به آسانی بهره مند ساخت.

جوامع دومی ترك دنیارا تبلیغ نمی کنند و تمیخواهند که تولید اشیای به حالت اولی اقی

بماند بلکه میخواهند آنها افزایش دهند. هدف اینست که مقامیات احترامانه نسبت به اشیای داشته باشند و سعی شود تا اینها منحیت هدف نهایی و یگانه هدف قرار نگیرند و فقط منحیت وسایل کمکی از آنها غرض رشد همه جانبه انسان استفاده شود.

جهان اشیای سرریا در حال تغییر است. اسلاف ما در جهان دیگری زندگی میکردند. جهان اشیای مایه جهان اشیای اخلاق ما

ممکن است شباهت نداشته باشد. احتمال میرود بعد از بیست و پنج سال (۹۰) فیصد کالاهای مصرفی را اشیایی تشکیل خواهند داد که ما با آنها هیچ آشنایی نداریم. سعی کنیم تا اطفال اشتباهاتی را که ما مرتکب شده ایم تکرار نه کنند.

نگرشی بر کتاب نور و ظلمت



قسمت اخیر

صفحه ۸۱ در واقع وضع شاعران رقت بار بود، و درست همان جایی که آنها را به اوج افتخار و بهر یستی رسانده بود يك آن رایش دگر می گشت و ایشان را به محبس می انداخت یا بدست جلا می سپرد. این ادعا را نمیتوان به حال همه شاعران صادق دانست زیرا در گروه مداحان سلاطین قرون وسطی، شاعرانی بودند که از صلات گران ممدوحان خویش در اوج ثروت و تمدنی و عزت زندگی میکردند و همین طرز زندگی را تائید می کردند و ادامه دادند. که میتوان از رودکی، عنصری، فرخی، منوچهری، عسجدی، امیر معزی و طوطا، ظهیرالدین و غیره که ازین همه شاعران تنها گریبان آرمش مسعود سعد، در جنگ حوادث زمان با يك مشت اندک از شاعران دیگر و پس در حالیکه عزت و ثروت مداحان تا آن اندازه بود که زبان زد خاص و عام گردید و حتی سبب رشک خاقانی شد که در باره عنصری تذکره داد: به ده بیت صد پدیده و پرده یافت ز يك فتح هندوستان عنصری شنیدم که از قره زددیگدان ز زر ساخت آلات خوان عنصری گزیده اشعار خاقانی ص ۲۸۹ بکوشش سنجانی (طبع تهران ۱۳۰۱) و همچنین شاعری از بخشش گران سلطان محمود به فغان آمده گفت:

پس ای میکده چهارا بشبیت افگندی که از زور سرخشت این یاشکسته تنگ و سفال پس ای مکتب که ضیاع من عباد مرا نه آفتاب مساحت نه باد شمال برای مکتب که من از بس عذاب سید شد نه زانکه نعمت بر من حرام گشت و وبال (دیوان عنصری ص ۱۶۲، بکوشش دبیر سیاهی طبع تهران ۱۳۴۲ و حال فرخی و معزی و سایر شعرا نیز بدین منوال بود که ممدوحان برای جلوه دادن نام خویش، ایشانرا در دربار گرد آورده و به کمک صلات گران به گفتن مدیحه های بلند بالا در قالب قصاید غرا تشویق شان میکردند.

ص ۹۲ ... دست آخر در دهکده یمنگان از توابع پامیر متوطن شد ... و مدفن ناصر خسرو هم در همین دهکده است. و تا امروز مورد احترام خاص و عام میباشد. مردم قبرش را که بنام شاه ناصر معروف است زیارت میکند. و دهه یمنگان از توابع بدخشان است

نه پامیر و پامیر عبارت از سلسله کوهی است در شمال شرق بدخشان که از طرفی به پشتوستان چین و تاجکستان شوروی محدود گردیده و مربوط حکومت واکان ولایت بدخشان میباشد. ص ۱۱۶ «نخستین قسمت «خمس» او نظامی مخزن الاسرار - ظاهر ادو سال ۵۶۹ نوشته شده است. - «شاعر دومین مثنوی بزرگ خود - خسرو شری - را در حدود ۵۷۷ هـ نیز یادگرمی همسرش اهدا کرد.» در سال ۵۹۴ هـ پنجمین مثنوی خود هفت پیکر را سروده به طور تقریب در سال ۵۹۸ هـ خمس را با سکندرنامه خود تکمیل کرد. مؤلف در تعیین تاریخ های درست منظومه های پنجگانه نظامی اشتباهاتی کرده است و گذشته از آن هفت پیکر را پنجمین مثنوی شاعر نامیده است که از هر لحاظ قابل توضیح میباشد. نظامی نخستین مثنوی خود مخزن الاسرار را بنابه تحقیق جعفر مجذوب در ۵۷۳ هـ (رساله هشت بهشت و هفت پیکر

ص ۵ از اشارات هنر و مردم سال ۱۳۰۴) و از نظر (هرمان راه) در سال ۵۷۴ یا ۵۷۵ به رشته نظم کشیده است (ص ۷۲ تاریخ ادبیات فارسی) دومین مثنوی خود را نظامی با اتفاق نظر مجذوب وانه ص ۷۳ تاریخ در سال ۵۷۶ منظوم کرده است. سال نظم هفت پیکر چهارمین مثنوی نظامی با اتفاق نظر هر دو مؤلف و جعفر مجذوب و هرمان اته - تاریخ ادبیات فارسی ص ۷۴) سنه ۵۹۳ هـ است اسکندر نامه که پنجمین منظومه نظامی میباشد، که با سرودن آن خمس خود را تکمیل کرد دو قسمت دارد. قسمت اول را شرفنامه میگویند که بقول اته، در ۵۹۷ هـ و قسمت دوم که به اقبالنامه معروف است در ۵۹۹ هـ ختم میشود. (رک تاریخ ادبیات فارسی، تالیف: هرمان اته، ترجمه: رضاد - زاده شفق طبع تهران سال ۱۳۰۱) و ص ۵ هشت بهشت و هفت پیکر، نوشته محمد جعفر مجذوب طبع سال ۱۳۰۴) و مؤلف که هفت پیکر را «پنجمین مثنوی» مینامد اشتباه بزرگی کرده است زیرا نظامی خود در دیباچه اسکندر نامه از خمس خویش چنین یاد میکند:

پس گنجهای کهن ساختم درو نکته های نو انداختم سوی مخزن آوردم اول سیج که سستی نکردم در آن کار هیچ

وزو جرب و شیرین انگختم به شیرین و خسرو در آمیختم وز آنجا سرا پرده بیرون زدم در عشق لیلی و مجنون زدم وزین قصه چون باز پرداختم سوی هفت پیکر فرس ناختم کنون بر بساط سخن پروری زلم کوس اقبال اسکندری

(شرفنامه نظامی ص ۸۷ بکوشش وحید دستگردی طبع تهران ۱۳۳۵ هـ چاپ دوم)

باتوجه به گفتار حکیم نظامی گنجوی سخن سالار شعرای عراق، اشکالی در ترتیب خمس او باقی نمی ماند.

ص ۱۳۴ تا آنجا که میدانیم نخستین نسخه این گونه داستان ها، در اوایل سال ۵۷۵ هـ نوشته شده است. منظور مؤلف قابوسنامه، عنصر المعالی کیکاووس، ابن اسکندر از شهبازگان آل زیار میباشد. اما این نکته را بایست ایضاح کرد که قابوسنامه نخستین کتابی نیست که مؤلف در آن به تدوین داستانهای اخلاقی و عبرت - اندوز جهت تقویه سجایای اخلاقی و تزکیه نفس بند آموزان، همت گمارده باشد، بلکه پیش از آن آثار دیگری هم باین شیوه تالیف شده بودند که از آنجمله میتوان از «مرزبان نامه» یاد آورد، مؤلف مرزبان نامه «اصفیه رزبان بن رستم بن شروین بریم از ملوک طبرستان از آل باوند که سلسله معروفی است در تاریخ آن مملکت»، میباشد و قرار گرفته مؤلف قابوسنامه، وی بیونسد نوادی از طرف مادر به مؤلف مرزبان نامه داشته است چنانکه میگوید: «وجده مادرم دختر ملک زاده مرزبان بن رستم بن شروین که مصنف مرزبان نامه است ...» پس دشوار است که قابوسنامه را نخستین کتاب درین شیوه قلمداد نماییم.

(رک مرزبان نامه، مقدمه، تصحیح علامه قزوینی طبع لندن) ناگفته نماند که مرزبان نامه را مؤلف آن بزبان طبری تالیف کرده بود که در قرن هفتم هجری که بزبان دری بر مگردانده شد. صاحب چهار مقاله پسر نظامی ص ۱۳۵ «احمد بن نظامی» - نظامی عروضی تبرقدی، صاحب چهارمقاله پسر نظامی نیست بلکه نسب او در چهار مقاله طبع معین «احمد بن عمر بن علی نظامی سمرقندی» آمده است.

... عیار بسیاری بوده است به نام سمک که در سده ۳ هجری به سروروی دزدی - خانمان که در سیستان فعالیت داشته و نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی بوده اند سرکرده گی می کرده ست.

جملات بالا روشنگر این حقیقت اند که مؤلف - نور و ظلمت ... در شناخت جنبش عیاران و جوانمردان سخت به خطا رفته است زیرا ایشان را «نوع خاصی از مزدوران قرون وسطایی ...» گفته است. تا آنجا که از لایه ای اسناد و مدارک دست داشته است سیاحت میشود روشن میگردد که جنبش های مبارزات ضد فئودالی و ضد استبدادی، بیشتر از وجود عیاران و جوانمردان مایه داشته و مبارزات شهادت بار ایشان بود که کمر فئودالان غارتگر را می شکستند و جلوی خونخواری حکام مستبد را میگرفت. ایشان گذشته از آنکه مزدور نبودند خود علیه مزدوران می - جنگیدند. زیرا این فرقه هیچ نوع پیوند

باطبقات و اقشار مستمگر و فوقانی زمان خود نداشتند. که بهترین مثال آن همان یعقوب لیث صفار، درخشان ترین چهره انسانی قرون وسطا - از هر جهت بحساب می آید. او زیر بار بیگانه رقت جنواب مزدوران، خواجه برست را با شمشیر داد و شمشیر خود را بجای فرمان خلیفه عباسی قرار داد. و سایر جوانمردان دیگر، میتوان درین باره به مروج الذهب مسعودی، تاریخ طبری را تکامل بن امیرگردیزی، تاریخ سیستان، تاریخ بیهقی و تاریخ نامه هرات و غیره و غیره آثار مورد اعتماد قرون وسطایی مراجعه کرد و حقایق مقتضی را دستیاب نمود.

در سده سوم هجری از «عیار بسیاری بنام سمک» مورخان نام نبرده اند، و اگر محسلا چنین کسی بوده، بیشتر از سده سوم هجری بوده، از نحوه بیان مؤلف این مطلب مستفاد میشود که این، عیار ساده، یا یعقوب لیث و یا کسی از هم ردیفان و یاران او میباشد، این برداشت نادرست و غلط است و مؤلف بکلی تاریخ سیستان که از دو فرقه بنام «سمکی و صدقی» ذکر کرده، خود علت بهمیان آمدن این دو نام و دو فرقه را بیان نمیدارد، که دشوار است از آن شرح چنین نتیجه گرفت که بنام سمک کسی بوده است.

(ص ۲۷۶ تاریخ سیستان). ص ۱۴۴ - «منصب مرشد غالباً موروثی بود. اگر از موروثی بودن منصب مرشد، منظور مؤلف همان پیوند بلا فصل نوادی و اشتراک خون باشد، نظر مزبور در خور تردید است. زیرا اسناد و مدارک بازمانده از قرون وسطی، در رد نظر با لا صراحت ندارد. زیرا از نحوه بیان و سیاق تحلیل آن آثار موروثی بودن منصب مرشد، استنباط نمیشود.

در سلسله های طریقت چارگانه راجع خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند و فارس و بغداد و شام و مصر و ترکیه مثل: قادریه، نقشبندیه، چشتیه، سروریه، که سلسله هریک آن به یکی از خلفای راشدین منتهی میشود مرشد موروثی اصلاً وجود ندارد. عر گاه تصوف را در روند تکامل عرفانی مورد پژوهش قرار دهیم، خواهیم دید که موروثی بودن اصولاً، در دوران آندیده نمی شود.

استاد و مدارکی از تالیفات متصوفان بزرگ خراسان و ماورالنهر و نیم قاره هند و فارس ما باقی مانده مثل: تذکرة الاولیا، کشف المحجوب، رساله قشیریه و طبقات الصوفیه، شرح تعریف، خزینه الاولیاء نجات الانی و غیره هیچکدام پیراهون موروثی بودن مرشد مطلق ندارند تنها این قدر میتوان از محتوای آثار متذکره در یافت که حبیب عجمی راد در آستانه حسن بصری میبایم و ابوالحسن فضل خرقانی را در سر کور بایزید بسطایب و غیره به عنوان چرخ را صاحب الذن از طریقت خاص بهوالدین نقشبند ... و نظایر دیگر از قبیل که ذکر کردیم، که هیچ يك از این عرفا پیوند نوادی و موروثی ندارند اما این ارشاد را از طرف مرشد خود یافته اند که پس از مرگ مرشد مسند نشین او شده اند و آن کسانی که بیشتر، علاقه مند به داشتن این معلومات مزید راجع به سلسله های تصوف باشند میتوانند به کتاب «خزینه الاصفا» تصنیف و تالیف غلام سرور لاهوری طبع لکهنو - ج اول و دوم، مراجعه نمایند. بقیه در صفحه ۵۲

معا لجوی تکا مل یافته استفاده شود. بعبارت دیگر دایره پی تشکیل می شود که خروج از آن بدون ضایعات همیشه امکان پذیر نمیباشد امکان خوگر فتن انسان درین مورد گرچه زیاد است اما تا لایتنای هی ادا مه پیدا نمیکند. در مقام بل عوا مل متعدد دی که بالای ارگا نیزم انسان عمل می کنند فقط سیستم محدود دفاعی مقاومت میکند. یکی از سیستم های عمده وقایه است. این سیستم نه تنها در مقام بل میکرو ارگا نیزم های بیماری را مقاومت نماید بلکه انسان را در مقام بل مواد کیمیاوی مصنوعی و همچنین مواد ی که به مقاصد معا لجوی تطبیق میشودند. حفاظت نماید قسمیکه دیده میشود دو عامل اخیر در اثر پیشرفت علم و تخنیک بوجود می آید که طبابت نیز در همین مجرا انکشاف میکند. اینجا ست که یک حالت عمده دیگر ایجاد میشود. اگر سخن از مواد دی گفته شد که باوجود انسان بیگانه کی دارد پس در قسمت تلقیح حفظ ما تقدم چطور عمل کرد و طوریکه هویداست در تعداد آنها در نیم قرن اخیر افزایش قابل ملاحظه پیمان آمده است؟

بطور مثال پیشرفت سر بعطب و قایوی در اتحاد شوروی ایمن امکان را بوجود آورد تا امراضی خطرناک را پدید میلوژیکی بکلی محو گردد. درین جا از بعضی امراض اطفال مانند دیفتیری میتوان نام برد، تجاربی که علمای اتحاد شوروی در یمن قسمت بدست دارند این امکان را بوجود آورد تا سیستم موثر و قایوی و معا لجه امراض ایجاد شود. بقیه در صفحه ۸۵



بهتر است از دوا های اولیه استفاده شود.

تأثیر مستقیم وارد میکند زیرا هر یضائی که از مرگ چند قده می باشد فاصله داشته نمیباشد به حالت نور مال باز میگردد. همه اینها خواهی نخواهی عقیده دکتران را در قسمت وسایل عصری معالجوی را سطح تر ساخته وقوه محافظتوی ارگا نیزم انسان را روز بروز زیاد فرا موشی می سپارند (هدف از قوه محافظتوی مقاومت عضو یست انسان است).

تما یلات فوق بالای والدینسی که از طفل مر یض پرستاری می کنند. نیز تأثیر مستقیم مینماید. به تا سف باید گفت که والدین زیاد مخصوصا والدین جوان هنر پرستاری از طفل مر یض را فرا موش کرده اند. اینها فکر می کنند هیچکدام تشویش را با ید به خود راه نداد، رژیم غذایی اطفال را مراعات نمودند از دوا های مقوی و انتی بیوتیک ها استفاده میکنند و خود را تسلی میدهند که همه کار ها و بشکل منظم آنها پیش میروند، به این ترتیب سطح انکشاف طبابت به مرحله رسیده که پرا بل محدودیت طرق معا لجه در مقام بل ظاهر میشود. درین صورت با حوادثی مقابله میشودیم که تا اندازه ماریه حوادث در سرك های عصری موثر و می اندازد. از یک طرف موثر هایی ساخته شده است که سرعت را تا یکصد و پنجاه کیلو متر و اضافی تر از آن با لا برده می توانند و از سوی دیگر قوا عدی وضع گردیده است که نظر به آنها سرعت های موثر هادر بعضی شهر های جهان از شصت کیلو متر تجاوز نکند.

چرا از محدودیت ها در طبابت سخن گفته میشود؟ این عمل دو علت دارد. اول اینکه روز بروز ارگانیزم انسان قوه های کیمیاوی زیاد تر را در اثر پیشرفت علم و تخنیک متحمل میشود. این قوه ها نه تنها در اثر استعمال ادویه جات طبی به وجود بلکه مواد کیمیاوی که روزمره در تولیدات و مناسبات از آن استفاده میشود نیز باعث ایجاد قوه های فوق میگردند. دوم اینکه میکرو ارگانیزم ها بیماری را خود روز بروز به دوا ها عادت گرفته و در مقام بل آنها مقاوم میشودند. پس برای اینکه میکرو ارگانیزم های فوق منهدم شوند باید از وسایل



صحنه یی از عملیات جراحی

ترجمه: عبدالله

مریض شدن و یا معا لجه کردن، کدام یک بهتر است؟

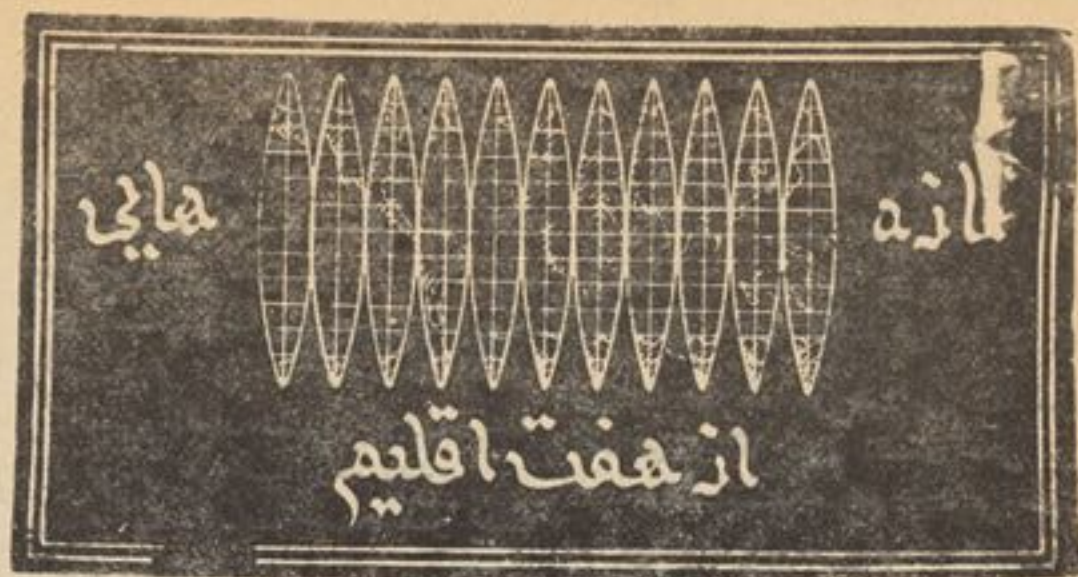
یضان از دوا های قوی حتی از انتی بیوتیک ها کار میگیردند. شما فکر نکنید که فقط غرضی معا لجه ریزش ازین دوا ها کار میگیردند بلکه غرض تدای بعضی از مریضی های معدوی نیز استفاده میشوند. مریضی های که سابق بکمک شور با برنج «شور ویا برنج» سوپ گوشت مرغ رفع میگردند در حال حاضر بعضی اوقات بکمک دوا های مقوی نیز معا لجه نمیشوند.

تغییراتی که در علم طبابت رخ می دهد تا اندازه ناگزیر است. که بالای جهان بینی طبی دکتران نه تنها تأثیرات مثبت بلکه منفی نیز وارد مینماید.

اعلا نات مختلف که در قسمت دوا های تولید شده صورت می گیرد دکتران را تحریک میکند تا هر چه بیشتر از وسایل معا لجوی عصری ترا استفاده کنند.

در جهان بینی طبی دکتران پیشرفت های مهم عملیات جراحی

تصور کنید طفل شما مریض شد، عطسه زد و سرفه کرد، خلاصه اینکه به ریزش مبتلا شد، ریزش و فارسی را در حال حاضر بنام پر معمای مریضی شده ید سیستم تنفسی نیز یاد میکنند. اگر میشود که هیچکدام واقعه خطرناک را محتوای رخ نداده است. ستون سیما بی می رانند و موثر چندان بالا نمیروند و وضع لحسن طفل مانند دیفتیری و مخملک چندان بیستاییم نمی باشد. اما طبق اظهار تخصصین ریزش بسیار خطرناک و ازین جات از آن چندان کار ساده نیست. این لحاظ به تا سف باید گفته اند که بود که غرض نجات ازین مریضی شده اند از آن وسایل کار نمیگیرند چیزهای که پدر کلان های ما مورد استفاده در ارار میدادند. گرچه در حال حاضر در طبابت از جای با مر با گرم و جراب های پشمی استفاده میشود اما دکتران اغلبا برای معا لجه مر-



تنظیم و ترجمه : میرحسام الدین برومند

مساعی لازمه در زمینه رام ساختن

طبیعت

سر زمین «کالمیکش» امروز دیگر آن سر زمین کوچی ها نیست ، مترو پول آن که بنام «مترو پول ایستا» یاد میگردد به معجزه سبز کوچک مشهور است ، نمای منظره آن برامتی هم معجزه میکند . در واقع این سر زمین از نوتولد یافته است . بار اول این شهر پنجاه سال قبل تغییر قیافه داد و به جای آن سر زمین مهاجر نشین ، یک منطقه کاملاً کوادرا ، خوش منظر و معمور عرض وجود نمود . این سر زمین در جریان سال های جنگ جهانی دوم به ویرانه یی مبدل گردید . پس از سالیان جنگ در «ایستا» فقط یک عمارت تخریب نشده مانده بود و این زیاد دل انگیز است که در کالمیکش در اطراف عمارت نو وجدیداً اعمار شده که زمین های آن سوخته بود ، اینک درختان پر برگه و سبز دیده میشود . ایستا اکنون یک سر زمین قشنگ آسیایی است که سرحدات آن را بترقیب از طرف شرق و لگا ، غرب توسط دون و در جنوب بحیره کسپین تشکیل داده است ، مردمان آن به لسان منگولیایی بلدیت داشت و باران درینجا یک چیز نایاب میباشد ، در واقع عوامل طبیعی بیشتر سرزمین مزبور را متضرر گردانیده ، بترقیبی که قتل باران و کمی آب ، توفان های شدید یکه گرد و خاک را معمولاً به طرف شهر می چرخاند ، شیشه های عمارات را باخاک یکسان میگردداند . تابستان ها حرارت درینجا به (۷۰) درجه سانتی گرید بالا میرود حالانکه زمستان های بی برف آن نیز خنک شدید با خود همراه دارد اما از آنجاییکه زندگی در «کالمیکش» کاملاً خوب و انسانی است ، مسکوتین آن با جدوجهد کار نموده و با اطمینان به خاکومپین مقدس خویش می اندیشند که اغلب مشاغل باشندگان آنرا تربیه مواشی میسازد . در کالمیکش نژده فیصد زمین زراعی است ، در متباقی حصص آن گوسفندان می چرد . با تغییرات عمیقی که بخاطر پیبودی مردمان کالمیکش صورت گرفته ، کانال های آبی ساخته شده و قرار تازه ترین گزارش در سال ۱۹۸۰ مطلق هموار آبیاری شده درین نقطه کاملاً خشک به (۱۱۰۰۰۰) هکتار زمین بالغ میگردد که (۷۰۰۰۰۰) هکتار چراگاه هائین تحت آبیاری گرفته شده که این چراگاه ها برای تربیه مواشی خاصتاً گوسفند در آنجا بعمل آمده که باید مرهون تدابیر محافظتوی بود به علاوه برای حل تمامی مشله ها درین جا به یونیورسیتی هاوانستیتوت های مختلف به بررسی و تحقیق شان بلاوقفه وسعت بخشیده و تمدن صنعتی را بیشتر در خدمت مسکوتین «کالمیکش» قرار داده اند امروز درین نقطه ازجهان به آلات ترقینی زیاد توجه شده ، دیوار ها به مزین و منقوش رنگ - آمیزی شده و صنعتگران و سازندگان هنر اینجا بیشتر بوظیفه شان علاقمندی نشان داده و علاقمندی ثابت کرده اند ، سالون های هنری همواره محل تجمع و هنر نمایی شاعران و آوازخوانان بشمار آمده که چیره دست ترین شاعران حضور بهم میرسانند که انسابیل

اگر امروز گوشت های ملایم و اعلی در مغازه های آن بخش می خورد بخاطر توجه عمیقی است که به تربیه مواشی خاصتاً گوسفند در آنجا بعمل آمده که باید مرهون تدابیر محافظتوی بود به علاوه برای حل تمامی مشله ها درین جا به یونیورسیتی هاوانستیتوت های مختلف به بررسی و تحقیق شان بلاوقفه وسعت بخشیده و تمدن صنعتی را بیشتر در خدمت مسکوتین «کالمیکش» قرار داده اند امروز درین نقطه ازجهان به آلات ترقینی زیاد توجه شده ، دیوار ها به مزین و منقوش رنگ - آمیزی شده و صنعتگران و سازندگان هنر اینجا بیشتر بوظیفه شان علاقمندی نشان داده و علاقمندی ثابت کرده اند ، سالون های هنری همواره محل تجمع و هنر نمایی شاعران و آوازخوانان بشمار آمده که چیره دست ترین شاعران حضور بهم میرسانند که انسابیل

مشهور بنام «تولیان» که رقص های چندین قرنه و باستانی را نشان میدهد بر غنای هنری (ایستا) افزوده است . امروز فرزند هزاران چوپان ، ماهی گیر ، میخانیکر ، کشاورز ساختمانی از اطراف به ایستا آمده و در یونیورسیتی آن مصروف فراگیری تحصیل اند تا از اندوخته های فزیکدانان ، بیولوژیست ها فلاسفه ، مربیون پیداکوژی و کیمیدان ها چیزی اندوخته و مستفید گردند . در واقع زندگی در کالمیکش یک الهام خوبی است برای ایمان به پیشرفت بشر ، چه کالمیکش که تا نیم قرن قبل سرزمین خشک ، فاقد آب و محل زندگی مردمان آواره و کوچی ها بود امروز در اثر مساعی زیاد آنجا به یک مرکز بزرگ زندگی ، معرفت و علوم مبدل گردیده است .



این تصویر زندگی جادویشان کالمیکش را نشان میدهد .

مبارزات پیگیر بخاطر رهایی از سطره رژیم فاشستی و ضد انسانی پنوچت در چیلی

چرخش های عظیم انقلابی و سازنده در امریکای لاتین ، خاصتاً در بیست سال اخیر زیاد چشمگیر و در خور یادآوری است چه در طول این زمان تحولات عمیقی در عرصه های حیاتی و سیاسی مردم آن رونما گردیده است ، البته بیست سال اخیر از نگاه ناظرین سیاسی درین قاره ، سه مرحله را احتوا می نماید . انقلابی که در کیدوبا به پیروزی رسید در واقع پیروزی نیرو های مترقی و تحقق بخشیدن سیستم پسندیده و گزیده جهانی یعنی سوسیالیزم بجای مناسبات پوسیدنه بخصوص به عوض سیستم کاپیتالیستی درین قسمتی از جهان بود که این خود به منزله پیروزی بی همتای خلق مبارز و انقلابی کوبا و ذهنوتی ایشان در جهت برقراری مناسبات صلح در روند تکامل جوامع بشری بحساب می آید . تلاش های اهریمنانه امپریالیست ها هر چند که در سال ۱۹۷۳ منجر به استقرار رژیم فاشیستی در چلی گردید ، لکن مردم چلی دیر یا زود به نیت و آمال نیک ، انسانی و بشر دوستانه خود دست یافته و یکبار دیگر به امپریالیزم و ارتجاع جهانی خواهند فهماند که دیگر دوران آقاویت و پاداری بسر رسیده و توده های تحت ستم هر آن در سدد گریز از سیطره های ستم مردمی و فاشیستی اند چه مردم خود میخواهند در فضای آگنده از آزادی ، دموکراسی و صلح ، فارغ از هر نوع ستم و استعمارزیست بدارند . یکی از مراحل ظفرمند دیگر در

امریکای لاتین همانا پیروزی انقلاب در ۱۹۷۹ در نیکاراگوآ میباشد ، این پیروزی بحیث یک جنبش دینامیکی تاریخی در جهت پیشرفت سیاسی واجتماعی و اقتصادی ، امریکای لاتین را در مسیر نهضت های پیروزمندانه ترقیاتی قرار داد . این پیروزی و پیروزی های نظیر آن در امریکای لاتین به جهانیان بر ملا ساخت که هر کجا دیکتاتور و مستبدی است ، سطره اش خواهی نخواهی روبزوال است که مثال واضح آن راهبه دیکتاتوری که در قسمت جنوبی «ریوگراندی» حکمرانی دارد از نیرو های مترقی است چه نیرو های آزادی بخش و مترقی بیهم زور گویان و در بشدکشان راقحت فشار در آورده و مجال نخواهند داد که مستبدی ناتوان ها را در بند بکشد . مگر ممکنست پنوچت مادام العمر و جاودانه خواهد توانست به دیکتاتوری اش در چلی ادامه بخشد؟ خیر ، مبارزات برحق و رهایی بخش برای پایان دادن به مظالم اجتماعی علیه رژیم خونین پنوچت با جدیت تمام روز تا روز اوج میگردد . بیقین در برابر جبهه واحد و دموکراتیک مردم ، پنوچت بزودی بزانو خواهد درآمد و این خلق چلی خواهد بود که وی را از مسند اش بدور افکنند . مخصوصاً در سالیان اخیر گروه هاییکه خواهان آرایش صلح و دموکراسی برای چلی اند ، روز تا روز متشکل تر میگرددند . مساعی این نیرو ها زیاد تر ، در قدم اول در جهت پایان بخشیدن به اعمال سنگین امپریالیست هاست تا باشد که دستان

این امر است که مسکولین دهکده مریوز مردم با کلتور و با فرهنگ بوده اند و قرن‌ها قبل توانست اند ، سطح ونحوه و چگونگی زندگی خویش را در آثار خود که بجا گذاشته اند ، انعکاس داده و خود وسیله یی کردند برای انتقال چگونگی زیست خویش به نسل های مابعد . در دهکده «گوسالت»

به فواید گیاهان توجه میشد و برای طبابت نظافت و لطیف ساختن جلد از گل ها و نباتات

کوهی استفاده بعمل می آمد . از اینکه بگذریم مطلب درخور توجه در باره مسکولین مذکور همانا دسترس ایشان به صنعت ، بخصوص صنایع ظریفه است حس ابتکار و

زرفنگری در آثار ایشان نیز، توجه آدمی را بخود میکشد . بطور مثال یکی از قطعی های جای آنها که بتازگی بدست آمده ، کاملاً نقره یی بوده ، بطور خاص دیزاین یافته . نتایج کار و زحمات و خلاقیت هنری

میگذاشتند . دیک هاینکه خود آنها از نقره و غیره درست میکردند .

بهین منوال دهکده گوسالت را بنام های دهکده زرگران و دهکده جواهرات نیز مینامند که علت این نامگذاری آشکارا هویداست . در منازل هر يك از باشندگان این دهکده واقع شده در دامنه های مرتفع و حواشی

و کتب و کنار کوه ها ، لوازم و سامان آلات کاملاً ناب و ساخته شده از فلزات و نایاب که

عبارت میشد از لوازم طعامخوری و جابخوری بازوبند ها و حلقه های طلائی ، سنگ های گمرینه ، بشقاب های قزئینی نصب شده در

دیوار ها که از نقره و برکیات آن درست

میکردند ، از داشته های مردمان آن محسوب

میکردند که اغلب لوازم طرف ضرورت فامیل

ها ، علاوه فلزات گرانیقیمت ما قبل الذکر

از فلزاتی چون نیلو و فلپگران نیز ساخته

میشود . جواهرات دانه نشان دهکده ، جای



این اشیاء از دهکده «گوسالت» کشف گردیده است .

• • • • •

این دهکده بوده که امروز بر غنای بسیاری

از موزیم های کشور ی که موزیم مذکور

آنجا موقعیت دارد ، افزوده است . کتون نه

تنها اینکه اشیای دهکده برای نمایشگاه و

موزیم اطراف مشاهده قرار گرفته ، دهکده

مذکور خود نیز ارزش تاریخی یافته که هر

قسمت و بخش آن مبین کلتور و فرهنگ و

هنر خاص میباشد که در یشورد با بحساب

سپردن تصویری از اشیاییکه بتازگی هالزین

دهکده کوهستانی بدست آمده و فعلاً دریکی

خاصی در میان مسکولین آفریز کار داشت .

مردمان آن از شاخا جام های آب نوشی

ساخته و آنها مرصع نیز میکردند . خم ها

و کوزه های خرد و کلان که همه با دیزاین

خاصی از برنج و نقره تهیه میکردند ، بیانگر

این واقعیت است که آنان از نگاه داشتن

فلزات قیمتی غنی بودند . از قرار معلوم روی

هر يك از لوازم مذکور یکماه و حتی بیشتر از

آن کار میکردند که از نگاه محققین معاصر

بدون شك جواهر فروشان ، زرگران ، معماران

سرافجام پیروزی با اقتضای مذکره خواهد بود

و این کارگران ، دهقانان و تمام زحمتکشان

خواهند بود که با مشت های پولادین و

کوبنده ، بدن امیرالیزم ها و مرجعین

خواهند کوبید . از قرار معلوم نیرو های

مترقی در چلی به رسیدن به پیروزی نزدیک

گردیده اند . گرچه یکتعداد از همکاران

حزبی از طرف رژیم بنوچت سربسته نیست

گردیده اند ، لکن مبارزین راه آزادی انسان

در چلی که با ایدیولوژی مترقی مجهز

میشوند .

با درک اشتباهات قبلی ، بزودی به سیطره

فاشیستی بنوچت پایان خواهند داد . مردمان

و طبرست چلی مدعی اند که آنان سراسر

زندگی را علیه امیرالیزم ، نیوکولونالیزم ،

راسیزم ، اکسپانسیونیزم و سایر دشمنان آزادی

می رزمند . مبین پرستان چلی میگویند که

معاشری استقلال و آزادی هستیم و تلاش ما

آنست تا مزایای دگرگونی های شکرف

سیاسی را که در اثر سوسیالیزم در اتحاد

شوروی و سایر کشور های مترقی بوجود

و مترقی اند که باهم متحد شده اند و محققاً

آمده ، مردم توضیح بداریم .

امداد داده و تاقله های کوه مستقر کردند ،

گفته میشود که این مردمان ، مردمان فرهنگ

دوست بودند که میخواستند خود ایجاد گر

کلتور بخصوص و صنایع مختص بخود باشند ،

سلما همین علاقمندی های ایشان بود که

مسکولین آن بخاطر دریافت فلزات قیمتی

و درآوردن آن به اشکال تازه رفته رفته کسب

شهرت نمودند ، عده دیگر ، دهکده گوسالت

را دهکده دیک ها مینامند ، شاید بجهت

آغشته بخون هزاران بیگناه را از دامان

زحمتکشان ورنجبران در چلی ، کوتاه سازند ،

تا باشد که با ایدیولوژی مترقی و کاملاً

دموکراتیک و بش دوستانه خویش ، قاطعانه

برامبرالیزم پیروزی حاصل بدارند . باز هم

این کشور های سوسیالیستی و دول مترقی

اند که همبستگی شانرا با چلی اعلام و

ایشانرا در راه طرد نیرو های ارتجاعی و

امبرالیستی تا آخرین سرحد آن ، همراهی

و مساعدت خواهند کرد . مخصوصاً از سال

۱۹۷۶ بدینطرف با مساعی وجدیت های کاملاً

انقلابی طرح های اساسی برای پایان دادن

به رژیم فاشیستی و ضد انسانی بنوچت دنبال

میشود که مرام اصلی همانا رسیدن چلی به

یک جامعه ضد فاشیستی میباشد . جنبش های

افتی فاشیستی در چلی ، برای خلق چیلی بیشتر

این امیدواری را می بخشد که رژیم فاشیستی

بنوچت روزوال است هر چند زمامداران

فاشیست چلی يك آن از مقاومت دست

نکشیده و در راه مغلوب ساختن نیروهای ترقی

و صلح سخت میکوشند و دست و پا میزنند

غافل از اینکه این اصناف زحمتکشان ،

کارگران ، دهقانان و سایر نیرو های پیشرو

و مترقی اند که باهم متحد شده اند و محققاً

آمده ، مردم توضیح بداریم .

در اینجا مطالب تازه یی را درمورد دهکده

گوسالت گزارش میدهم ، دهکده که دامنه

های بلند کوه های داگستان که در قسمت

جنوب کوه های قفقاز موقعیت دارد . در اطراف

این دهکده گردنه ها و تنگه های عمیق ،

منظر قریبینه ای ساخته . دریا های خروشان

کناره های این کوه از شپکاری های دیگر

نتایج کار محققین در زمینه دهکده کوهستانی گوسالت یاد دهکده جواهرات

مذکور طرح شده بود . هدف ایشان تشکیل دادن پلاک های طبیعی سنگی یعنی در آوردن یعنی در آوردن سنگ ها و معاره ها و در مجموع فرو رفتگی های کوه بشکل مناساز

بمنظور بقا و ادامه حیات شان در آنجا بود و آرزو داشتند مسکولین پلاک های طبیعی را

امداد داده و تاقله های کوه مستقر کردند ،

گفته میشود که این مردمان ، مردمان فرهنگ

دوست بودند که میخواستند خود ایجاد گر

کلتور بخصوص و صنایع مختص بخود باشند ،

سلما همین علاقمندی های ایشان بود که

مسکولین آن بخاطر دریافت فلزات قیمتی

و درآوردن آن به اشکال تازه رفته رفته کسب

شهرت نمودند ، عده دیگر ، دهکده گوسالت

را دهکده دیک ها مینامند ، شاید بجهت

در اینجا مطالب تازه یی را درمورد دهکده

گوسالت گزارش میدهم ، دهکده که دامنه

های بلند کوه های داگستان که در قسمت

جنوب کوه های قفقاز موقعیت دارد . در اطراف

این دهکده گردنه ها و تنگه های عمیق ،

منظر قریبینه ای ساخته . دریا های خروشان

کناره های این کوه از شپکاری های دیگر

طبیعت است که بردیدنی هایی این منطقه

تماشای میافزاید . سرک های که به اطراف

خانه های سنگی تراس مانند کشیده شده ،

راه مسکولین آنجا را بهمدیگر وصل و نزدیک

میسازد . يك بخش دیگر این منطقه که بنام

«بازالت» شهرت داشته و قلب دهکده رامیسازد ،

هغوی پي ژوندی دی

ژان لافایت

په ار دو گا ه کی داوئی درختی خبره
نسته . دای دوی او نی کیری چی پرله پس
کار کوو او یوا چی دری اوئی وروسته
دیکشنی په ورځ موزته رخصتی را کوی
خودکلمی په واقعی مذهب م په (انس) کی
رخصتی نسته . ددغه وخت په اوږ دو کی
بند یا ن با ید دغو لی و اوږه با کی کوی
او هره شپه د ورځنی کار دپای ته رسیدلو
نیمه ورو سته دپروژ کتو ر نو دریا په مرسته
اید دهغو ونو ریښ او پا تی شوی خانګر
نی دار دو گا ه دغو لی په مخ کی پرا
دی پورته ویسی .

کار دجریان څخه پرته په بل وخت ک
لیدنی کتنی امکان نلری . زه (دلته به
المانیانو باندی ښه تیره شی) دجمله
په یاد ولو ید م او متوجه شدم چی هغه
شمیر فرا نسو یا نو چی مخکی له مون
لته را غلی وه ، وروږو مړه کیری .
لازمه ده چی ید ی هکله سوچ وکړو .
نور کار واونوه په ډیر ژر راورسیری
دکو مانډو گا نو او نورو ساز ما نو نسو
شمیر په ډیر شی . د پخوا نیو بند یا نو
لپاره د ژغورنی یوا ځنی لاره داده چی
خپلو ځانونو ته مناسبت ځای ترلاسه
کړی تر څو چی په را نلو لکی وخت کړد
خطر سره مخامخ نشی او مون هم دهمدغی
نقشی د تنظیمو لو څخه وروسته په فعالیت
پیل وکړ .

(ما پتو س) دارو گاډ رئیس یو آلمانی
دی دهغه نه چی تیرشو . دارو گاډ منشی
(آلبرت) نو میری او اصلا دلو کړا مېورګ
او سیدو لکی دی څو په فرا نسو ی ژ به
غیر یزی او پخوا هم دمو تېوزن په پنځم
شمیر بالا کی مون سره یو ځای و ، ښای
چی دهغه څخه مرسته تر لاسه کړو . اوس
اوس دوه تنه فرا نسو یا نو د (کاپو) په
توسه دلته سرته رسوی یو یی (مار سل)
نو میری او پخوا په یوه سوداګری شرکت
کی مد یرو او بل یی یو کمو نیست کارګر
دی او (ژوزف) نو میری . دغه ورو ستر
سری ددی لپاره چی دالزاس اوسیدونکی
و او په آلمانی ژبه یو هیډه دغه دلته یی
تر لاسه کړی دی . درو غون داکتر هم
یوه فرا نسوی دی چی (رنه) نو میری هغه
هم کمو نیست دی او دلو مری کار وان
سره دلته را غلی دی او دخپلو دنا کار یو
او زحمتو نو له پر کته ډیر محبو بیست
لری . او په وروستی پړاو کی ښا یی چی
(با با هانری) او دهغه دگا ونی (امیل)
هکله وغیریزو ، دی د (اشتاین بروک)
په یوه کار ځای کی کار کوی دوی
دواړه کمو نیستان دی . دهمدغو دواړو
مرسته مون وکولای شول چی خپل ډیر

روغتون ته ننو تل کوم آسان کار نه و
دهغی ورځی په سبا چی (انس) ته
را غلو ټول هغه فرا نسو یا نو چی دمو تېوزن
څخه را غلی وو دلواز ما نو دوو لو راوړلو
په کار و گمارل شول او یوه ورځ وروسته
مون یی په بیلو بیلو (کمانډو) کی
وویشلو . هغه ار دو گاډ چی مون او س
پکی یو ، نوی جوړه شوی ده . ددغه
اردوگاډ و دانی دیوه څلور سوه کمیسری
بند یا نو دډلی په واسطه په تیر نوا مېر
میا شت کی پیل شوی او لار اوسه یو ری
دو دانو لو کار یی په بیره سره جر بان
لری . نوی کو تی او خوب ځا یو ته جوړی
شوی دی . داروگاډ غولی نو تیری داوړو
دو تلو لاری کیند ل کیری او دیر ښا
پو جو نه نوی جو ډیری . په ډیر ه
بیره یو ه دډوډی پخولو او یو انسان
سوځونکی کوره (کمره ماتوار) دجوړیدو
په حال کی ده . دغه اردوگاډ با ید د م
دیمانشی ترکمی نیتسی پوری دلسوزدو
کمو بند یا نو لپاره جوړه شی . مو ډاوس
او س یوا ځی دری زره تنه یا ستو .

خو دغه ار دو گا ه یواځی دیند یا نسو
دسا تلو لپاره نه جو ډیری ، بلکه د هغوی
دبد نی قوت او کار څخه هم گټه اخستل
کیری . دهمدغه منظور لپاره ددغه کار
سر یزه دارو گاډ په یوه کیلو متر واټن
کی په یوه سیمه کی چی (اشتاین بروک)
نو میری پیل شوی دی . پدغه سیمه کی
دیند یا نو ستری ډلی شپه او ورځ دتعب
کیند لو په کار یو وخت دی او په هغه
نو تل کی چی دشره په منځنی برخه کی
کیند ل کیری په هرو څلور و شتوساعتونو
کی یوا ځی شپه مته پر مخ ځی دا یوستر
ریوونکی او تصور نه منو لکی کار دی ،
چی نوی پیل شوی دی . (سپمون) چی
هله تللی و دهغو لکو مو تیفو نو ، ما
شینو نو او سامان څخه کیسه کو له کوم
چی په موټی پټ ځایونو کی زیره شوی
دی . او دهغه څخه هره ورځ یو ټک موټر
دلته راوړل کیری . دکار پر مختک دهغو
و اوږو د اوړیدلو له امله چی زمون دراتګ
څخه را پد پخوا شپه په شپه اوری ، خنډ
یزی او دکار خنډ مخ په زیاتیدو ده .

سوچ کوم چی په څه حال لویدلای
یو ؟
څو کی . خو سره له دی با ید ووا یی
چی او س مون ته هغی منظری عا دی ښه
لری کو م چی پخوا تردی زمون دو حث
او ویری سبب کیدل ...
ښا یی داخبره ددی لپاره وی چی مون
په هم یوه ورځ یا ممکن دی سبا ددوی په
سر نو شت اخته شو او ددوی په څیر...
ښا یی .
هغه ده ، کاپو مون ته غیر کوی .
کا یو پدا سی حال کی چی تر دی
کیری . یو شمیر سامان او آلات زمون په
وړاندی گوزاروی او دستور را کوی چی
تا یو ټونه خلاص کړو . داکو م سخت کار
ندی . تختی دخلورو دانو میځو نو سره پر
تا یو ت با ندی ټپلی شوی دی . بل
ما ته وایي .

آخر دوی څنگه غواړی چی یو بل جسد
هم دغه تا یو ت کی ځای کړی ؟ دلته
خو دوی گو تی په اندازه ځای نسته .
خود کا یو چر ت خرا به نده او مون
ته امر کوی چی په هغو تا بوتونو کی چی
پخوا مو دوه جسدو نه ځای کړی و یو بل
جسد هم ځای کړو . ددغه کار نه وروسته
دنا بوت سر ته ټینګیده نو څکه دغه
سری (کاپو) دخپلو بوتونو سره تا یو ت
با ندی پورته شو او دهغه تر پښو لاندی
دیر و دهلوکود ما تیدو غیر پورته کیده...
مون ته کوم بل مهم کار پا تی نه و ه
پر ته له دی نه چی تا بوتونه میځ کړو .
شنل ، شنل .
یوه لاری موټر زمون ډلی ته نږدی دریری
دهغه لاری ده چی هره ورځ یی دمو تېوزن
ته دخواړه دراوړ لو لپاره مو ظفوه او په
عین حال دهمدغی لاری نه انسان سو
څوو تکو کورو (کر مانوریم) ته دجسدونو
دلیر لو لپاره یی هم گټه اخستل .
اما او ډیل هره ورځ مو ما موریت درلود
چی دهغو تا روغا نو جسدو نه چی پرو شپه
په رو غتون کی مړه کیدل دغه ځای ته
را وړو . دا پنځلس ورځی کیری چی
مون پد ته کار یو وخت یو .
ن د ۱۹۴۴ کال دآوړیل لسمه نیټه ده .

دپېښونه ډکه سربزه
په یو گرد جا پیر یا ل کی او دیوی
نمی پرسر باندی چی یوی تنگی دری ته
مخامخ واقع شوی دی ، دکا ج و نس
په غوڅی کړی دی تر څو چی د حاضری
لپاره ځای جو ډ کړی ، په هر ی خوا کی
دونی پری شوی ټوټی او دودانو لو سا مان
پرا ته دی چی دسری ښی پکښی بندیری .
ددغه ځای په گرد جا پیر کی اوږ ده
ودانی چی دیوی لوی ذوقتی ښه لری
څنگه ته مخامخ پرته ده د څنگه له مینځه
دنورو ودانیو ښه ښه لیدلی شو . موټه
مخامخ په دری سوه متر یزه واټن کی
یو غر چی مخ په آسمان جګ شوی دی
ښکار یی . زمون په دوه کیلو متر واټن
کی د ید یا هغه خوا ته چی مون ته ښه
ښکار یی یو شمیر نور غرو نه واقع شوی
دی چی دهمدغه غر سره یو ځای کیری
اویوه کیری جوړی . اوموتېوزن د تیری
کار ځای ته ډیره ورته ده . دغه نوی ځای
دمو تېوزن په پر تله ډیره ار نه ده . ده ۱۳۰۰
متر په اوږ دوالی دیوا ل زمون په گرد
جا پیر کی جوړ شوی دی اوله همدی امله
سری ته د (زول ورن) حیرا نو لکی تاریخی
کیری را په یاد وی .
زمون تر پښو لاندی د واوری پر مخ
خو انسان جسدو نه پراته دی . جسدو نه
لو څ لیر دی او دهر یوه پر تیر با ندی
دخود کار قلم سره یو عدد لیکل شوی دی
ما او (بل) وروستی جسد راوړل ددی لپاره
چی جسدو نه مو پریو پرستن با ندی
ایښو دل او هغه مو کش کول ډیر
ستری شو داځکه چی دایومشکل کارو
هغه (کاپو) چی مون باندی مو ظف دی
دایلا عا تو دلاس ته . راو ستلو لپاره تللی
دی . اوس مون یواځی ددغه میدان ژ و ندی
مو جو دات یو . بیا هم زمون تر پښو لاندی
شپږ جسدو نه چی ستر گی یی خلا ص دی
اواسمان ته کوری پراته دی دهغوی
څنگ ته شپږ تا یو ټونه چی تختی یی یو
دبل نه لری لری میځ شوی دی دیند یا نو
دا جسا دو څخه ټک دی . (بل) یی له دی
نه چی متا تر وی خپلی ستر گی یسی
پټی نیولی دی او وایی :

دوه !
دا واری مترو که پرځان پاتلی مـ
ولنلید . ډیر زیات درد احسا سو مـ
اسـاس دگوانښ نه په ډک غیر سره
وايي : په زوره ، لاهم په زوره !
خړی ! ... څلور ! ... پنځه ! ...
دېني لوئی په شان د درد له زوره خپل
لاسو ته دکت پر پایو با ندی ټینگو مـ
زغم نه منو نکي کيږي .
(تورپا)

نشته با ید دستور اجرا شی (داسـ) اس
دد ستو رڼه اجرا کول په هره وجه چی وی
داعدام جز الری) زه انتظار باسم هغه
په وهلو پیل کوی او دهری سر یی څخه
وروسته په آلمانۍ ژبه وایي .
- یو !
لومړنی سر به ډیره کلکه نه وه .
اس ساس بو غاری وهی
- پزوره یی ووهه !

دهغه کار هم نده ځکه چی ما سره
یی مړی کتلی کول .
په همدغه وخت کی اسـ اس تا لار ته
دنده را ځی ، منشی هم ورسره دی او خبری
یی ژبا پوی .
سـبا غلی رئیس غواږی چی پوه شی چی
دکشافا تو ډېلی نن چا تش کړی دی .
- موږ ندی تش کړی .
سـبا غلی رئیس وایی چی که تر پنځوـ
دقیقو پوری گنا هکار خان معرفی نکړی
دروغتون ټول فرا نسوی کار کو نکړی به

ملگری په هما غو لومړیو پنځلسو ورځو
کی په آسا نو کو ماندو گا نو کی ځای
په ځای کړو .
ویلی ، ټول او سیمون دوزف په کوماندو
کسی کار کوی . ده پل یوه ملگری چی
لوسین نومیزی د ۱۶ نمبر بـلاک نه
موږ سره راغلی و ، دالکتریسینانـو په
بلاک کی کار کوی . زه ، پل او پتـلونی
دډاکتر رڼه په غو ښتنه په روغتون کی
په کار گمارل شوی یو . یواځی «اندازه»
په اشتا ین بروک کی کار کوی او تراوسه
پوری موږ و نشو کړای چی دی دهغه
ځای څخه وبا سو .
داسی بر یینی چی موږ په مقاومت وکړو
خودغه کار به ډیر آسان نهـوی .

کنترول توپر کلوز ...

بقیه صفحه ۱۲

میباشد باید رادیو گرافی از آنها گرفته
شود که البته تشخیص آن تنها مربوط به
آمرحوزه توپرکلوز می باشد .

برای ششماه دارای ذخیره میباشد .
رئیس انستیتوت ملی کنترول توپرکلوز
در مورد فعالیت کنترول توپرکلوز چنین
معلومات داد :

در قسمت تداوی مریضان دارای بلفـم
مثبت برای يك الي سه ماه استریتو ماسین
روزانه يك گرام همراه بایک قابلیت تی بی یک
(ایزو نیازید سه صد ملی گرام بایکصدو -
پنجاه ملی گرام تیاسید اژون بعدا جهت
دوام تداوی آن از نوع تداوی روزانه استفاده
می شوند دارای مراحل ذیل را باید پیما یند
عبارت از تداوی مقطع یا تداوی مراقبتی نیز
گویند بالای مریضان تطبیق می گردد .
(استریتو ماسین هفتـه دو گرام ایزونیازید
هفته دوازده صد گرام با دو قابلیت ویتامین
بی ششـه .

اول : وقایع ذریعه واکسین بی سی چی .
دوم : کشف واقعه توپرکلوز در قدم اول
بواسطه معاینه مستقیم بلفم ودر حوزه ها
بوسیله میکروفلم .
سوم : در تداوی مریضان توپرکلوز حق
اولیت به مریضان بلفم مثبت داده میشود
وبعضا مریضان بلفم منفی که از نگاه رادیوـ
گرافی فعال میباشد وتداوی مریضان خا رج
ریوی در صورت ادویه کافی وبعد از تشخیص
قطعی از طرف متخصص مربوط تحت تداوی
قرار گرفته می شود .

داکتر خیرخواه گفت :
- تمام مریضان که تحت تداوی گـرفته
می شوند دارای نقاط ذیل می باشند .

چهارم : تمام پرسونل که در پروگرام
توپرکلوز فعالیت میکنند باید تحت قریننگ
در داخل وخارج گرفته شود وهمچنان ا ز
نگاه تبلیغات از وسائل مفاهمه جمعی مانند
روزنامه ها ، رادیو ، تلویزیون ، جـراید ،
پامفلت ، کنفرانس ها وغیره استفاده گردد .
پنجم : تعقیب مریضان غیر حاضر ،
مریضان دارای بلفم مثبت در صور تیکه
تداوی خود را ناقص ودیون هدایت داکتر قطع
کنند باید از طرف شعبه مربوط مریضان
را جهت دوام تداوی تشویق وکـمک کنند .
همچنان تحقیق وریسرچ تنها در انستیتوت
ملی توپرکلوز از نگاه نوع میکروب وغیره
صورت می گیرد .

۱- راجستر عمومی : مریضان توپرکلوز
دارای نمبر مسلسل می باشند
۲- کارت تداوی که از طرف انستیتوت
قریب داده شده واز نگاه نوع تداوی ، معاینه
بلفم ، تشخیص وشهرت مکملـه خانه بـری
گردد تداوی برای یکسال می باشد یعنی
چهار بار بلفم آنها بفاصله سه ماه منفسی
باشد .

در ولایات فعالیت از نگاه واکسین بی سی چی
که توسط تیم سیار آمریت معافیت کـتـلـوی
صورت می گیرد وهمچنان واکسیناسیون در
خود حوزه ها از طرف واکسیناسیون به اطفال
نوزاد واشخاصیکه واکسین نشده اند اجرا
می گردد .

۳- مریضان غیر حاضر به هر شکلی که
باشد جهت تداوی جذب گردد و وسایل
ترانسپورتی در اختیار شان گذاشته شود .
۴- به نزدیکان مریضان بلفم مثبت واکسین
بی سی چی تطبیق گردد .

فعالیت کشف محراق توپر کلوز جهت
بر آورده شدن این مرض همکاری تمام
شعبات صحروپرسونل صحی ، شعبه توپرکلوز
میباشد یعنی تمام اشخاصیکه دارای مرفه
بیشتر از چهارده روز میباشد ویا علام دیگر
توپرکلوز در آنها مشا هده می گردد به
شعبه لابرا توار معرفی وبلفم آنها بصورت
مستقیم معاینه میگردد ودر صورتیکه بلفم
مثبت داشته باشد تحت تداوی گرفته می شوند
تمام حوزه های توپر کلوز دارای دستگاه
مکمل رادیو میکروفلم میباشد اشخاصیکه
دارای بلفم منفی واز نگاه توپر کلوز مشکوک

ازوی پرسیده شد کدر ساختمان انستیتوت
ملی کنترول کدام کشور باشما همکاری
نموده است گفت :
ساختمان مجهز ومدرن انستیتوت ملی
کنترول توپر کلوز در ساحه بیست جریب
اعمار گردیده کمک بلاعوض حکومت جا پان
می باشد بمبلغ ۱۵۰ میلیون دالر که شامل سامان
وسایل اکسرسز ، لا براتوار شعبات
ایدیو لوژی و شعبات تعلیمات صحی دفتر و
سامان ولوازم دفتر وترانسپورت را شامل
ترانسپورت می باشد

علاوه بر کمک های سامان ولوازم ، قریبه
پرسونل فنی به سویه های مختلف تحت
پروگرام فیلو شپ راهم مساعدت نموده وهم
متخصصین راجبـت کمک فرستاده اند .

دمترو کو پنځه وشت ضربی وځوړی .
پل مخ ته ځی او وایی : که هرو مرو
باید یو سړی ځان معرفی کړی زه حاضریم
چی پنځه وشت مترو کی وز غم .
ډاکتر چغه کوی او وایی : هغه گناه
نلری !
سـاوس به څه وکړو ؟

اس ساس (پتـی لوئی) ته غـیر کوی . دا
غو څه خبره ده چی هغه هم گناه نلری .
هغه اسپانوی سړی چی زموږ په څیر داطـلـه
قونو مسوول دی هم گناه نلری . اسـ اس
موږ ته وایی :
سـډیر ښه . اوس چی هیڅوک نه غوا ځی
اعتراق وکړی تا سی څلور واده با یسد
وتکول شی .

څلور واده دلیک څخه بهر را ځو . په
را هروکی یو کټ اېښودل شوی دی . هغه
پتی لوئی ته اشاره کوی چی پرکټ باندی
پر یوزی . یو لهستانی پر ستار غوا ځی
چی دپتی لوئی اوږه ټینگ ونیسی او دوه کـمه
نور چی دمیڅکی پر مخ نامت دی غوا ځی چی
پتی یی ټینگی ونیسی . خو پتی لوئی هغوی
پو هوی چی مر ستی ته اچ ندی اسـاس
کمری ته ځواو یو کانسو چو بی متروکه
چی پوه او سپنیزه مزی یی هم په زبا نه
کی لری له خانه سره راوړی . دی دملنلـی
نه ډکه پنه لری . موږ درې کـمه نور
دخپل وار انتظار با سو او پینی ته گورو
ډاکتر (رڼه) ددی لپاره چی دغه صحنه ونه
گوری زموږ ډېلی څخه لیری کيږی ، پداسی
حال کی چی پو هیږی چی دده دغه عمل
په هغه دجرا وېو گر ځوی .

اس ساس ټوپ وهی او دخپل ټول قوت
سره دمترو کو پنځه وشت ضربی دپتی لوئی
پر کو تا تی باندی حوا له کوی . هغه
دخپل مترو کی سره ښه ټپه نیسی او هغه
پر هد ف با ندی حواله کوی .

پتی لوئی خپل لاسونه دکټ په پایو
با ندی ټینگ نیسی خو خپل ځا نه
ټکان نه ور کوی دجـزاد تطبیق څخه وروسته
کپ کپ . جگیزی او گام گام ځی اولیری
کيږی .

زما واری . زه هم دهغه په څیر اچا زه
نه ور کوم چی څوک را سره مر سته وکړی
یواځی په هماغه ښه ځان نیسم اوخپل
سر لیز شا نه ټیت نیسم اس ساس چی
ستری شوی دی یو چکو سلواکی پر ستار
را غواږی . مترو که یی په لاس کی ورکوی
او ورته دستور ور کوی چی دهغه پر ځای
ما وو هی . دغه سړی په لو به کی لویدی
جوان په څیر ما ته گوری ، خو بله چاره

ما اوپل خپل ورځنی کار رونه سرته
رسولی دی ، په روغتون کی یو ، او د
کړ کی څخه دواورو او ریدو ته گورو . پل
وايي : فرق نه کوی په هر صورت دداشتاين
بروک په پر تله آرام یو .

هو کی زموږ هره ورځ چی تیر یـزی
یو نوی بریا لیتو ب ترلاسه کوو ...
پل دیو جا روپ پر دسته با ندی تکه
کړی وی او ماته گوری زه هم یوه صافی
په لاس کی لرم . دلته هم با ید د موټـوږن
په څیر سړی دکار یو افزار په لاس کی
ولری تر څو چی داس اس له خوا غافلگیره
نشی . په همدغه وخت کی زموږ اسـ اس
هم پیدا کيږی . پل خپل جا روپ سره
ځان بو ختوی اوږه هم په پیړه سره خپل صافی
نیشینی پر مخ موښم پل بیا وایی :

سـڅوکی بهر صورت دلته ښه ده .
آهای ، زه تاسو پسې گر خیدم .

ډاکتر (رڼه) دخپل سیمین چین سره زموږ
په شالوډ دی . هغه په رښتیا سره یو پـهـ
په پوری سړی دی دهغه اخلاق او مینـی
له امله چی ټولو نارو غانو سره یی لـسـری
ډیره په زړه پوری ده . دی خپل ټول قوت
او ټول وخت دنا روغانو د سلامتیا په لاره کی
بصر قوی .. (رڼه) دخپلی جگي و نیسی
او بزړگ منشا نه کړه وپه سره به رښتیا
سره ددغه چا پیریال واکداردی په داسی
حال کی چی هغه پهواقعی توگه هیڅ کاره
او موږ غوندی یو بندی سړی دی . دی داسی
یو بندی دی چی پوه او عملی تجرب یی یی
پل داس ساس د ملنلـی سره مخا مخ
کيږی .

ډاکتر په پسته ژبه موږ ته وایی .
ښه کار وو وکړه ! با سو دواړو ته
وايم .
څنگه ؟

سـره له دی چی څو واری می تا سـوته
ویلی و یا مو هم نن سبا د دکشافا تو
ډېلی دپلاک تر څنگه خالی کړی دی پداسی
حال کی چی ما تل تا سو ته سپار ښتنه
کړی ده چی دغه شیان و سو ځوی . له
همدی امله اسـ اس عصبا نی شوی اووایی
چی دروغتون ټول کار کوونکی به وټکوی .
خو نه ډاډه واو سپړه چی دغه کار
زموږ له خوا نده شوی .

- نو هر و مرو به دپتی لوئی کار
دی .

کتاب نور و ظلمت

ص ۴۶ - «خواجہ عبداللہ انصاری، بزرگترین و بقول خودش مهمترین تصنیف خود را به لہجہ قدیم ہراتی نوشتہ است» منظور مولف ازین تصنیف مهم همان، طبقات صوفیہ، میباشد این کتاب مستقیماً اثر پیر ہرات نیست: «گویا شیخ الاسلام مطالب آن کتاب را بحدی اسناد و عنعنہ در مجالس تذکیر و تدریس خنیش اہل فرمودہ و یکی از شاگردان آفرین نوشتہ بنابران این کتاب مستقیماً اثر خایہ و نگاشتنہ شیخ الاسلام نیست و مانند سایر کتب و رسائل دیگر از اہالی شیخ است کہ این وجہ آفرین عبارت «مجالس التذکیر بالفارسیہ الحسنہ» ستورہ است. (از مقدمہ پوهاند حبیبی بر طبقات الصوفیہ ص ۱۲) و از صفحہ اول متن کتاب ہم بخوبی پیداست کہ کتاب، نوشتہ کس دیگر است نہ از شیخ الاسلام زیرا مولف ہیچگاہ عباراتی را کہ درین صفحہ درج است راجع بہ خود نمی نویسد. «طبقات الصوفیہ بکوشش پوهاند عبداللہ حبیبی - طبع کابل ۱۳۴۱» ص- ۱۴۸ - بہرامشاہ غزنوی - ۵۱۱-۵۱۲ھ این تاریخ دربارہ دورہ سلطنت بہرامشاہ آخرین پادشاہ مقتدر ناسر در غزنین از خطاہای سخت منسوب و نادرست است بہرامشاہ نظربہ قول منہاج السراج جوز جسانی مدت چہل و یک سال سلطنت کرد. (طبقات ناصری ج ۱ ص ۱ بگو شش حبیبی طبع کابل ۱۳۴۱) و گذشتہ از آن حکیم غزنوی حدیقہ را در سال ۵۱۱ و یا ۵۱۲ھ، برای بہرامشاہ اہدا کردہ است بلکہ بروقی تحقیقاتی کہ اخیراً صورت گرفته و در سیمینار سنایی در کابل اظہار گردید، سال فوت حکیم غزنوی حوالی ۵۴۵ھ ہجری روی احتمال نزدیک بہ یقین تعیین گردید. بنا براین برائین مولف نور و ظلمت در ضبط تاریخ مزبور مرتکب خطا شدہ است کہ بایست تصحیح گردد.

بقیہ صفحه ۵

عشق زناشویی

انسان کارهای روز مرہ خود را بہ بسیار سہولت انجام دادہ میتواند مگر در عین حال حسس میکند کہ تا کدام اندازہ انکشاف روحی او فقیر است.

براہنمای موزین اخلاقی بنا خوا ندن کتابها و مجلات مخصوص حل شدہ نمیتواند. ضرورت است تا جا معہ بطور مکمل نیروی خود را درین مورد بسیج نماید.

زمانی کہ ازدواج فقط اکمال مناسبات اقتصادی را ارا تہ میکردنو جوان حتی بہ ایجاب و قبول والدین بہ ازدواج آمادہ میشدند.

این نوع ازدواج نظیر بہ ازدواج های عصر حاضر مثال گا دی یک اسبہ را دارد. عشق و دوستی ضرور است تا سہار زمانہ می شود. عشق و محبت بدون جدو جہد ساز ما ندھی مفهوم ندارد.

یکی از علمای مشہور از پیرزنی پرسید: آیا خود را خو شبخت

بقیہ صفحه ۱۵

اقلیم آیندہ...

پیش بینی گردیدہ است. مطالعات ماثبہ توسط کوثر بارت های شان در دیگر ممالک ہم تماس حاصل گردیدہ است. در سال ۱۹۷۷ یک کاغذ تحقیقاتی بہ عنوان انرژی و اقلیم جوی، در امریکا طبع گردیدہ است. جمع کنندہ های مقالات این را ہم نشان دادہ اند کہ ممکن گرمی عمومی منحصر بہ قزلبدر کتلہ کاربن دای-اکساید در ققاء باشند. علمائی امریکامعتقدند

تاقویہ طنین انداختہ بود معلوم است میدهند ہمہ موقی محکم واستوار اند. بدین معنا کہ مولفان آن آثار از معاصران و مریدان سلطان العلماء بہاولدین محمد بن حسین خطیبی بلخی و فرزندش مولانا جلال الدین محمد بلخی بودہ اند از آنر و شرح حال و جریان زندگی موصوف مبتنی بر اسناد موثق تاریخی است کہ محال است آن حقایق انکارناپذیر و افسانہ پنداشت. کسانی کہ میخواهند در زمینہ معلومات مبسوط داشتہ باشند میتوانند بہ کتب ذیل:

۱. مناقب العارفین الافلاکی ج ۱ - چاپ انقرہ بکوشش تحسین یازیچی - سال ۱۹۶۱ م - «ولد نامہ انشاہ بہاولدین بن مولانا جلال الدین بکوشش حسین اقبال طبع تہران - سورسہ سپہسالار - تالیف فریدون معروف بہ سپہسالار چاپ کانپور سال ۱۳۱۹ھ - مراجعہ فرمایند. تالین تاریخ و افسانہ فرقی بگذارند.

ص ۱۸۲ - «اودر شہر کوچک جام در نزدیکی

احساس می کند؟ پیرزن جواب داد: خوشوقت در صورتی می بودم کہ شوہرم تا اکنون زندہ می بود درین موارد در ممالک پیشرفتہ کلچر ہا ترتیب دادہ میشود مشورہ های مفید در موارد مختلف بہ اشخاص دادہ می شود کہ تازہ عروسی کردہ اند. سعی میشود تا دو نفر را بہ فرهنگ مناسبات در ازدواج آمادہ سازند.

بطور مثال بعضی ہا نزد اشخاص مجرب مرا جعہ کردہ و سوال می کنند: نمیدا نیم چرا با ہم عنا قشہ میکنیم. مسئلہ بسیار سادہ است اینہا تا حدی رسیدہ اند اما از نکات روانی یکدیگر هیچ اطلاعی نیا فتہ اند. اینہما از مسایل بسیار ابتدایی

شروع میشود. شوہر بدون اینکه متوجہ شود از بعضی لطافت های ایش در مقابل خانم می کا حد. خانم اگر درین صورت انتظار بدنیآ آمدن طفل را دا شتہ باشد بسیار کم حوصلہ میبا شد. اگر شوہر در اینصورت از صبر و تحمل کار نکیرد مسئلہ بہ جا های دیگر کشانیدہ

کہ گرمی عمومی شاید خود بخود در قرن ۲۱ احساس کردند و یک نتیجہ (با ہمت) جدائی عظیم در قرن ۲۲ دارد. پس اینطور نتیجہ گرفته میتوانیم کہ محدود ساختن انکشاف قدرت صنایع یک امر مسلم و ضروری ہستمار میروہ کہ خود منحصر و وابستہ بہ اختراق فوسیل های مواد سوخت میباشد.

زیرا بصورت آشکارا یک چیزی غیر قابل استفادہ است. بسیاری از علماء در کوشش ہستند تا راہ حل برای تہیہ وسائل محافظتوی اقلیم جوی کہ فعلاً همین طور است پیدا کنند این ہم یک وظیفہ مغلق است. هیچ کدام گرانتی در قسمت وقوع آن وجود ندارد.

نیشاپور دیدہ بچہان کشودہ. منظور مولف ازین دیدہ کشودہ مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر معروف قرون نہم ہجری است محل تولد او جام در نزدیکی نیشاپور نیست بلکہ نزدیک ہرات و در آن روزگار آن خود از نواہج ہرات بودہ. وحالا بین ہرات و مشهد واقع شدہ است کہ از نیشاپور نہ تنہا امروز بلکہ در زمان تولد جامی ہم بسیار فاصلہ داشت.

علی الرغم آنچه گفتہ شد جام در عصر تیموریان و آنہم دوران حیات عرفانی و ہنری مولانا جامی از قوایع و مربوطات ہرات بود و نام جام ہرات شہرت داشت بعد ہا مرز های کہ در اثر تثبیت ناجوانمردانہ و غارتگرانہ استعمار غرب بین ممالک تعیین گردید. در یکسر سرزمین ما نیز تأثیر کرد. اماند مطالعہ حوزہ های فرهنگی در نظر گرفتن این مرز های تحمیل شدہ مشکلاتی را ایجاد میکنند بایست این موانع را نادیدہ انگاشت و ساحہ پژوهش را گسترش داد.

میشود. زنہا بہ نو بہ خود نیز بہ این نکتہ متوجہ شوند کہ شوہر بہ فامیل و پدر شدن بزودای عادت نمی گیرد و از بعضی وظایفش با خبر نمیشا شد. پس وظیفہ بہ سبک واسلوب مخصوص شوہران شا نرا بسو ظایف مر بوطہ ملتفت سا زند. اینجا ست کہ زند گسی مشترک دو تن ممکن است بہ بسیار خوشی و آرا می سپری شود و از مزایای زند کی لذت ببرند.

بقیہ صفحه ۳۵

طالسمسلطان فلزات

می کردند کہ میتوانند طلای مصنوعی بسازند اما هیچکس بانجام این کار قدرت نیافت و سوال چگونگی ساختن آن لایحل باقی ماند.

«الکیمیست» ہا از زمانہای قدیم، درصدد آن بودند تا سنگی را پیدا کنند کہ بتوانند فلزات را بہ طلا تبدیل کنند.

امروز کہ با داشتن وسایل عصری می توانیم از نیروی اتمی کار بگیریم باز ہم ساختن طلای مصنوعی سادہ نیست. زیرا افریک دانان و کیمیادانان، باید برای ساختن طلای مصنوعی از یک مقدار سرب و پلاتین کار بگیرند و مدت ہارا صرف نمایند تا بہ اندازہ یک ٹوک قلم خود کار طلا بدست آورند. اما ارزش همین طلای ناچیز معادل یا چندین تن طلای طبیعی خواہد بود.

بہر حال این کار با ہمہ دشواری گ دارد خیلی دلچسپ و جالب است زیرا این طلای ساخت دست بشر نتیجہ یک سلسلہ کارہا و تجارب طولانی است.

زمین شناسان بنا اطمینان میدهند کہ در معادن موجودہ طلای کرہ ارض یک مقدار کافی طلا وجود دارد. بہر صورت خواہ تولید طلا بلند برود و یا نزول کند. یا قیمت ہر اونس آن بلند برود و یا بگذارند کہ با بین بیاید، تقاضای طلاہیشہ نسبت بہ عرضه اش بیشتر و انسانہا ہمیشہ مجذوب رنگ زرد این فلز بودہ و خواہد بود چنانکہ طی شش ہزار سال بودہ اند.

مردم ماداو طلبانه ...

ولی هما نظور یکه مردم ما باز ن بردن حفیظ الله امین و با نسد شد شردر عمل ثابت سا ختند که سچ اجنت و دست پرورد استعمار ستبداد را تحمل کرده نمی توانند این تبیکا ران نیز در عمل ثابت سا ختند که برای اخلاص گری هاو جاد فضای ترور و اختناق شان فرست نخوا هند داد و آنها را نیز چون تلف خاین شان از بین میبرند و واهند برد، صدق این حقیقت در نکا ری های مردم و شهر یان بل با دو لت انقلابی شان در ریان حوا دث اوا یل حوت و بعد آن بخو بی مشهود است و به مثابه ست محکمی است بد هان همه بخوا هان و دشمنان انقلاب و پیشر ت صلح آمیز کشور ما. و ا فعیف بر هم اینست که دشمنان حالادیکر املا نا امید شده اند و از آخر ین ربه های بی تأثیر و بی نتیجه که در ناتنه های شان با قی ما نده است ای سنگ اندازی در راه پیرو زی مردم ما استغاده می کنند و این حر به مانا همان حر بهی گهنه و رنگ و رو فته ی دهها سال قبل است که با نگ و رو غن دادن آنرا می خواهند ردیکر بر علیه کشور و مردم ما استعمال نمایند یعنی می خوا هند زیر پرده ی دفاع از دین و آیین مقدس یی مردم ما (که هر گز صا دقانه ین کار را نمی کنند) امیال خود را بر ورده سازند ولی طور یکه قبلا تخیم این حر به نیز کار گریافتاد نمی افتد زیرا مردم مادر عمل می بینند که دو لت از خود آنها در خد مت خود شان است و این دو لت انقلابی ما است که بحیثیت یقینا دق ترین حمایه کننده ی همه انتقادات و سنن پاک مردم کشور در مل وفاداری خود را ثابت ساخته ست. هکذا دو لت انسان دوست عیوما نیست، یعنی دو لت راه توی و گری و گرا تیک افغانستان با مردمی که با آگاهانه فر یب این اخلاص گران و یان شتکان استعمار و امپریا لیزم عناصر یکه بد ستور امپریا لیزم ار تجاع منطقه حوا دث شوم اوایل حوت را بمیان آورد ند) را خورده

بودند با مدارا و گذشت بر خورد نمود و کسان یی را که سند و دلیل قاطع مبنی بر سو نظر و عمل شان موجود نبود فوراً از حبس رها سا خت چنا نچه تا حال ۹۹۲ نفر از کسا نیکه فر یب دشمنان مردم و انقلاب افغا نستان را خورده بودند و نا آگاهانه آله ی دست اجنبی شده بودند از حبس رها شده اند و قرار گفته های عده از ین فریب خورده هادر جریان تحقیق و مدت قلیل حبس با ایشان بر خورد کا ملا انسائی و شرا فتمندانه صورت گرفت است و هکذا عده ی از آنها به نما یندگی دیگر هم قطاران خود پس از اظهار ندامت همبستگی کا مل شانرا از دو لت و انقلاب ملی و دمو کرا تیک افغا نستان ابراز دا شته اند.

از ینجا ست که می گو یم: دولت ما امروز از مردم است و این حقیقت را خود مردم نیز به نیکی درک کرده اند و حاضرنه با نثار جان و مال خود از آن دفاع و پشتیبانی نمایند. مرحله ی دوم تکا ملی انقلاب ثور که کینه و دشمنی امپریا لیزم و در را سس امپریا لیزم امریکا، منحرفین و خائنین چینی و ارتجاع سیاه منطقه متوجه آنست و این کینه تو زی آنها در اعمالی منعکس است که در قبال دولت مردم و انقلاب مردمی ما روا میدارند. این اعمال پلید شا مل چور و چپاول، کشتار دسته جمعی کشتار پیر زنان و پیر مردان و اطفال صغیر نیز است و علاوه بر نیروهای امپریا لیستی و ارتجاعی به این هم بسنده نشده و مزدوران و رهنرسان زر خر ید خود را با مقا دیری زیاده سرح ناریه و جا رحه سا خت زراد خانه های پنتاگون، پیکنگ و لندن بکشور، صادر می نمایند تا ان نقشه های شوم شا نرا عملی سازند ولی امروز وطن و انقلاب مادیکریا سدا ری دارد شکست نا پند یرو دلیر و سلحشور آری مردم، اینجا ودانه صخره ی شکست نا پند یرو مدافع وطن و انقلاب ما ست و چون به شهادت تا ریخ مردم معد و م نا شند نی و شکست نا پند یرازست انقلاب ثور نیز چون از دفاع

و پشتیبانی مردم ما بر خور داراست شکست نا پند یر و جا ودان است. بهتر ین نمایا نگر این دفاع و پشتیبانی تشکیل دسته های داو طلب دفاع از انقلاب و وطن می باشد که بشکسل رضا کارا نه و با شور و شوق فرا وان از طرف مردم وطنپرست و آزادی دوست ما صورت می گیرد.

حزب دمو کرا تیک خلق افغانستان که عامل اصلی و گر دان پیش آهنگ

بقیه صفحه ۱۹

ویتامین ها

و کم شدن قوای تدافعی بدن در مقابل بیماری های عفونی.

چه کسانی که باید بیشتر ویتامین سی مصرف کنند؟

اشخاصی که در خا نیات دود می کنند به بیمانه زیاد به ویتامین سر ضرورت دارند چه طبق آزما یش های که صورت گرفته بد ن این قبیل اشخاص ویتا مین را زود تر از ین می برد.

کسانی که بیشتر خنک و سردی احسا س می کنند و یا به بیماری های کسبی د چار اند مقدار بیشتری از این ویتا مین ضرورت دارند.

آنها نیکه وجود شان در مقابل امراض عفونی و مت ندارد و نیز کسانی که در دوره نقامت بسر می برند و همچنان اشخاصی که فعالیت دما غی شان زیاد است با ید بیشتر از ویتامین سی استفاده کنند ویتا مین د: برای دا شتن دندان های خوب، اعصاب کا ملا را حت و یک خواب آرام از این ویتا مین لازم دارید. اگر وجود نا ن فاقد ویتا مین د با شد کلیسم و فسفر در بدن تا ن جذب نمی شود و از بیماری نر می استخوان (را سیتسم) رنج می برد، کمبودی این ویتا مین در اطفال مرض ریکت و در اشخاص سالخ مرطس اوستو مالسار با وجود آوردن کمه در اثر این امراض استخوانها شکننده و تاب خورده به نظری آیند. زنان با ر دار که تا می ذخیره ویتامین (د) خود را به جنین میدهند باید در دوره حاملگی ویتا مین د بیشتر صرف کنند و اطفال باید بیشتر به این ویتا مین تو جه داشته باشند.

در متابولیزم که این ویتا مین را جستجو کرده میتوانید: اشعه آفتاب، جگر، ماهی زردی تخم، روغن، مسکه و شیر مسی باشد.

ویتا مین ک: این ویتامین زیاد تر برای لخته شدن خون در بدن ضرورت است زیرا قلت آن خطر نا ک بوده و اگر نا حه از بدن قطع ویا پاره شود خون بقدر زیاد فواره می کند که با خن و متابولیزم شدن مقدار زیاد خون سبب مرگ می گردد.

ویتا مین ک تو وسط محیط روده انسان

این عمل انقلابی است در طول مو جودیت پر افتخار خود و بخصوص بعد از پیرو زی انقلاب ظفر آفر ین ثور در عمل ثابت سا خته است که می توان ند مردم وطن را بد نبال خود بکشاند تا از وطن، انقلاب و دست آورد های انقلاب با شها مت و دلیری دفاع نمایند.

زند ه باد مردم افغا نستان ایسن حماسه آفر ینان تا ریخ منطقه

تولید شده می تواند و کبد بد ن این ویتا مین قادر به تولید پرو ترو مبین نیست متابولیزم ویتا مین ک با دلتان رو می قسمت سبز گیاهان، ترکاری و زردی تخم می باشد.

ویتا مین ای: یکی از ویتا مین های محلول در چربی و مو ثر در اعمال بدنی است بهتر ین غذا های که ویتامین ای، دارد کاهو، روغن های نباتی و نطفه گند م است این ویتا مین برای تکامل حجرات بصورت نورمال ضرورت است.

امراضی که میوه شما حاوی ویتامین ای، باشد عضلات شما ضعیف و لاغر نخوا هد شد و هرگز از عدم آوا تا یی جنسی محروم نخواهید بود.

ویتا مین ب: اگر بدن شما فاقد این ویتا مین باشد، خطر پاره شدن، وریدها، خونریزی و کمی فشار شما را تهدید می کند پس جهت رفع خطر لازم است از پوست نارنج و لیمو استفاده کنید. این ویتا مین برای برقراری فشار طبیعی شریا نها و جلوگیری از حملات فشار نا منظم آنها ضرورت است.

ویتامین ها و پوست: ویتامین ها جزء دارای ویتا مین های مختلفه می باشند اما اکثراً شا مل ویتا مین، هستند چنانچه میوه های ترش و آبدار اکثراً حا مل ویتا مین می باشند مثل لیمو ترش، نارنج، گیلان، انگور، تو ت زمینی.

ویتا مین ها و پوست: ویتا مین ها جزء مهم تند رستی بدن است، طوریکه تمام اعضای بدن و وظایف آن تحت تا ثیر ویتامین ها قرار گرفته و کمبود آن باعث بروز بیمار یهای گوناگون می شود. مادر با ین مفید بت ویتا مین ها را در امر احیای جلدی ذکر می کنیم:

اگر دانه های سیاه کو چک در قسمت عریان بدن شما مثلاً در صورت و دستهای نان بروز می کند از ویتا مین (ب، پ) علاج آرا جستجو کنید.

اگر مبتلا به بشورات سرخ که روی آنها را فلس سفیدی پوشانیده و بیشتر در قسمت خارجی مثل آرنج قرار دارد، برای درمان آن از ویتا مین ب، پ کمک بخوا هید.

در صورت نیکه مبتلا به سرخی دایم در رخسار مخصوصاً در گونه ها و بینی هستید از ویتا مین (ب) استفاده کنید.

اگر مو های شما زود سفید می شود ویتا مین (ج) را از یاد نیر ید و آرا از غذا های چون جگر و حیو با ت بد ست آورید.

داستان عزیز !
بامحاضراته نایب

شعر، داستان و مطالب درج شده
و خواندن بی نفع نیست



پر همت خورشید

گاهی بنشین ، بنگر
در لحظه‌ی مقدسی که کوشش جاری است
رویش زرد ، بینور ، بیرنگ میاید
درو یک نقطه - نقطه‌ی متمرکز (ایمان) میچند
با قامت نحیف و پاهای لاغر هم که شده انگار
میاندازد
کوشش مقدس - کوشش برحق جاری است
میخواهد ، میکوشد - میخواهد ، میکوشد
بیرون میاید - میاید
پر همت خورشید

از غ . ح . جولی پای

امشب!!!

خدا را ! سخت سرگردانم امشب
شبخون زد غمش ، بر جانم امشب
چوئی ، خیزد فغان از بند بندم
ز هجر آن گل ریحانم امشب
ز دست این دل خوشبا و خود
به حسرت دیدم گریانم امشب
بهار حسن او بنموده تو فان
امیر پنجه‌ی تو فانیم امشب
شگفته غنچه اش ، در عین مستی
چو بلبل خسته و تالانم امشب
شنیدم با رقیب سفله آ میخت
شکسته از جفا پیمانم امشب
ز رشک افتاده ام در بستر تب
چه باشد ، جاری و درمانم امشب
برفت از من قرار و صبر و آرام
نباید خواب در چشمانم امشب
ز بس بارید اشک از غوانم امشب
بخون غلتان بود ، مژگانم امشب
توان یکبارگی از من شده سلب
خلیده در جگر پیکانم امشب
چه نقصانی رسد در دولت حسن
شود گر از وفا ، مهالسم امشب
جای گلرخان عمری کشیدم
فگنده از نظر خوبانم امشب
به گرداب عمیق عشق ، غرقم
«نصیب» از بخت خود حیرانم امشب
از : محمد ناصر «نصیب»

از عبدالرحیم احمد پروانی

دو بیتی ها آئینه تمام آرمان های مردم ما

کسی نیست که دو بیتی نشنیده و نخوانده
باشد . چرا که دو بیتی ها آئینه تمام نمای
آرمان های مردم ماست و به این علت مردم
ما به این گوهرهای پر ارزش فلکلور یک و
ملی علاقه فراوان دارند .

دو بیتی ها دارای چهار مصرع می باشند
که دو مصرع آن به قسم یک بیت تفهیم
گردیده . اما بعضی آنها چهار بیتی هم
میکو ند . در بعضی دو بیتی ها دو مصرع
اول دارای یک وزن و قافیه میباشد و بر
خلاف دو مصرع دوم دارای وزن و قافیه
علیحده می باشد . و بدین علت آنها دو بیتی
پاد می کنند مثل .

سرم درد میکند از غم جانان
نیست سون مارجم جانان
الا یار جان تو یار بی وفاستی
بد گرا یار و به مایی اعتناستی

دو بیتی های زبان جاری نشده بلکه
در اثر واقعه یا پیش آمدی قریحه ذاتی
گوینده بجوش آمده و دو بیتی ایسن فر-
البداهه سروده و به این علت اکثر دو بیتی
ها موضوعات تاریخی و عشقی را احتوا
میکند .

و این دو بیتی ها منعکس کننده احساسات
و ظنیرستی سفت ، بدبینی و یابر عکس نشانه
دوستی و محبت گوینده میباشد . در اینجا
با گفته نباید گذاشت که این دو بیتی ها
تنها احساسات خاص یک نفر نیست بلکه
احساسات عقاید و مرام های یک ملت
میباشد .

در اینجا بطور مثال میتوانیم از واقعه
جنگ های انگلیس و افغان نام ببریم طوری که
میدانیم فرنگیان سه باره خطه مقدس ما
حمله نموده اند اما با جواب دندان شکن

مردم افغانستان رو پرو شده اندو این مردم
با جنگ های غیورانه احسانا ت وطن پرستی
خود را به تجاوز گران خارجی فها ند
اند . درین دو بیتی ذیل از زبان یک افغان و
طرز فکر افغانیان را مقیاس بزنیم .

از زبان یک افغان طرز فکر افغانیان را
صدایی توپ و آواز تفنگ است
جوانای غیور مشغول جنگ است
خدا سرخ روی بسازیشان به انگریز

که با چای شان امان بانام و ننگناست
در دو بیتی دیگر ناز جانان بر گو یشده
گران تمام شده و هم چنان از خونخوا ری
واز ظلم بی حد فرنگیان بشک آمده و به
این وحشی گری چنین نفرت نشان مید هد
که ناز جانان را چون ظلم فرنگ میدا ندو
می گوید :

ای یار چقدر قشنگی تو
با ما داریم به جنگی تو
بسی ظلم کردی بر ما
گما نم از ملک فرنگی تو

و یا عاشقی که در عشق شکست خورده
و یا جوانی که عاشق شده در کوی جانان
دو بیتی های دلکش میسرود . و حال دل را
بوی تفهیم میکرد مثلا :

برو بایار بگو یارت غریب است
پشت در گای مردم شهید است
برای بیرون که دیدار ت بینم
نکو بهانه که مسکین و فقیر است

جای تعجب اینجاست که این دو بیتی
اکثر توسط اشخاصی سروده شده که از نعمت
سواد بی بهره بودند ما چنان ظرافت-
بلاغت و فصاحت و خصوصا صنایع بدیعی
بقیه در صفحه ۸۰

کارگر

ای کار گر دلیر !

ای که تویی افتخار خلق ها

ای که تویی جرس کاروان ها

ای که تویی موج پشتباز طوفان ها

عزم تو بود آهنگین

عزم تو بود خشم گین

قهر تو بود موج و خرو شان

خشم تو بود غرله چون رعد شتابان

عزم تو بگسلد تاروپود بندگی

عزم تو آورد ببار دشمنان را شرمندگی

کنون که کاخ ستم در افتندی

کنون که طرح نو در انداختی

دلیرانه پیش رو !

مردانه پیش رو !

بی ترس و بی هراس

به سوی یک زندگی شرافتمند

عاری از بندگی

بی رنج و بردگی

هرگز مکن هراس

در پیج و خم زندگی

رزمنده پیش رو

به سوی افق های روشن و تابناک

تا آن سوی افلاک

به پیش رو !

ای کارگر دلیر !

شعر از اسدالله مفتون

عشق به میهن و دفاع از آزادی از جمله سنن ملی خلق های کشور ما است

از اسارت مادی و معنوی ، در راه دموکراسی و
ترقی اجتماعی ، در راه اعمار افغانستان آزاد آباد
وسر بلند ، در راه مبارزه علیه شیونیزم ، فاشیزم
وامپریالیزم ، شجاعانه و بی عراس موفقانه
ویروزمندانه به پیش می روند .

جهان
مبارزات خلق افغانستان عادلانه است
پروزی از آن خلق افغانستان است
- بگذار که خار مبارزات آزادیخواهی خلق

•••••

ای هیواده

ای هیواده
ای هیواده
ای زموږ دژوند بښاده
ته زموږ بښکلی وطن ئی
ته زموږ روح ئی او تن ئی
موږ به تا باندی ویاړو
موږ به تاباندی نازیرو
تاه لودساتو هیواده
په لوړتیا دی موږ خوشیرو
زموږ ټول فخر به تاده
ای زموږ دژوند بښاده
ای هیواده
ای هیواده
خوچی ژوند لرو هیواده
تا پخپلو مټو ساتو
چی سمسور شی ای هیواده
تا پخپلو وینو پالو
ای هیواده ته پوهیږی
پس له دی به ژر غوښیږی
دلوتیا به لور به درومی
خپل منزل ته به رسیږی
ای زموږ دژوند بښاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده ستا دټولو
پرگو اولسونو
ستا دغیرې دزیار کښو
دخواړه واره قومونو
آزادی به دا سی تل وی
خپلواکی به داسی تل وی
نور به دغه انقلاب وی
نور به ته ئی ای هیواده
ای زموږ دژوند بښاده
ای هیواده
ای هیواده
ای هیواده
فاروق (حریق)

توده های ستمدیده و زحمتکش کشور محبوب
افغانستان از گذشته های دور تا اکنون در قلب
بیا خار چشم استعمار و امپریالیزم بوده و
سد دسایس و توطئه های این خشن ترین
خشیان و نمایندگان امپریالیزم مبارزه بی امان
فستی ناپذیر کرده و آنرا رهسپار گودال
بیق ابدی نموده است .

در آوا نیکه انقلاب پرافتخار ثور به رهبری
پرواحد دموکراتیک خلق افغانستان (حزب
به کارگر کشور) به اراده خلق های ستمکش
رنجیده به پروزی رسید یکبار دیگر اخگر
سم و انتقام دشمنان سوگند خورده خلش
افغانستان دشمنان آزادی و ترقی اجتماعی به

بیان آمده و به کمک ارتجاع منطقه، شیونیزم چین
بریالیزم امریکا در این جاوانجا علیه انقلاب
در سنگ اندازی می کنند و موافقی علیه اعمار
امعه شگوفانی در افغانستان ایجاد می کنند
خبر از اینکه حزب پرافتخار خلق افغانستان
پشتیبانی و همبستگی تسوده های میلیونی
پن ماو جهان برخوردار بوده و تا آخرین رمق
بات از آن دفاع و پشتیبانی می کنند

عشق به میهن ، علاقه به استقلال واقعی و دفاع
آن از جمله سنن نهایت عالی و پرافتخار خلق
ای کشور عزیز ما افغانستان است که
نیاکان و اجداد قهرمان و مبارز ما همچو میراث
بی مانده است . باقیام بیروزمندان شش جدی
ده های وسیع رنجیده و ستمکش افغانستان
رد مرحله نوین تکامل تاریخی انقلاب
کوهمند ثور گردیدند .

که با موفقیت آن حفیظ الله این نما ینده
ر شناس و شناخته شده امپریالیزم امریکا
ن نماینده سازمان جاسوسی سی، آی، آی و دشمن
اف خلق های ستمدیده افغانستان برای همیش
دیار کهن سال افغانستان محو و نابود
دید .

و در استبداد دود مان فاشیست امین و امینیا
ل انسانان حیوان صفت و نوکر منش امپریالیزم
یکا برای ابد واژگون گردید .

مرحله جدید انقلاب پرافتخار ثور که منجر
شکست ماشین زجر و شکنجه باند سیاه امیر
بط الله فاشیست گردید . انقلاب رادر مسیر
املی اصولی سالم و قانونمند آن قرار داد .

کام با تحول کیفی نوین در زندگی اجتماع
لق افغانستان تمام زندانیان سیاسی که
سقوط خونین امین میرغضب سر بر در برده
زند از سلول های سیاه و تنگین امین جلا
تمام کشور با احساس مسرت و خوشنودی

توده های زحمتکش و با شهامت افغانستان
با اتکابانیرو مندی خود و با همکاری کشورهای
آزادیخواه ، صلح دوست و مترقی در اس آن
اتحاد جماهیر شوروی در راه تحکیم و استقرار
صلح در منطقه ، در راه استقلال کامل افغانستان

ارزش های حیاتی شیر مادر

بشریت در هر جاه و همه حال به مادران شیرده خوب محتاج و نیازمند است و شیر مادر در زندگی طفل از نگاه کمیا و بیولوژی و سوسپولوژی و روانشناسی نقش بسزای دارد که خلاصه آن یکایک عرض میشود.

۱- شیر مادر یک غذای طبیعی است که مانند دیگر حیوانات پستاندار نظر به احتیاج و ضرورت نوپا و گسار انسان از نگاه کمی و کیفی در پستان مادر از ماههای اخیر حاملگی تهیه شده و برای استفاده با شرایط مکیدن طفل چند ساعت بعد از تولد قابل استفاده است و هیچ غذای نمی تواند جای شیر مادر را بگیرد زیرا جستجوهای مکرر علمی ثابت نموده که شیر همه مادران از شیر حیوانات فرق فاحشی دارد.

۲- شیر مادر رایگان و برای تهیه آن محتاج کدام عایدات اضافی نیستیم هرگاه شش صد کالوری اضافی غذای برای مادر نیز تهیه نمائیم مصارف پولی و اقتصادی آن با تهیه شیر گاو و غذای مصنوعی قابل مقایسه نیست چه یک طفل برای سه روز یک پو ند (یک قطی) شیر پودری با زار را صرف مینماید که شصت تا هفتاد افغانی قیمت آنست و وسایل و شرایط تهیه آن پول هنگفتی را ضایع میسازد.

۳- شیر مادر همیشه و همه وقت بدون تکلیف حاضر و آماده استفاده است و در تهیه آن وقت مادر ضایع نمیشود و طفل تانیه نمودن آن احساس ناراحتی و زجر نمی نماید مادر بحیث یک فکتور اقتصادی و اجتماعی میتواند وقت خود را به آبادی کشور و کار رفید اجتماعی صرف نماید.

۴- چون هدف از خوردن غذائنها موجودیت و تربیت آنها یا مواد مفیده غذایی نیست بلکه این مواد باید به اسانی قابل هضم، جذب بوده و بدرستی در ساختمان و نشوونمای عضویت بفرس بهبود توازن قوای ذهنی فزینگی و اجتماعی بکار رود. که از این نگاه مواد مفیده شیر مادر تماما به آسانی قابل هضم و جذب و استفاده است و بدین منظور در سینه های مادر تهیه شده است.

۵- شیر مادر پاک و عاری از میکروب های مرضی و آلودگی بوده و برای پاک نمودن، حفاظت و مواظبت آن از آلودگی و میکروب احتیاج به وسایل و جوش دادن و پختن نداریم فلینذا مواد مفیده آن در عملیه های جوش و پخت و سامان ضایع نمیشود. ۶- پروتین ها که مهمترین گروپ مواد نایتر و جن دار غذایی است و بدون آن نشوونما و ساختمان اعضا و انساج و مایعات حیاتی عضویت ناممکن است در شیر مادر از نگاه کمی (۱،۵) فیصد و کمتر از شیر گاو بوده اما از نگاه کیفی پروتین شیر مادر البومین ۲۱ دارد که بهتر برای کودک قابل جذب و هضم است.

فیصدی بیشتر پروتین های شیر گاو که کاسین آن به مراتب زیاد است (۱،۶) به مشکل قابل هضم و جذب بوده و بعضا باعث انسداد روده های طفل و تولید نفخ و باد میشود که تکلیف دهامت و هرگاه کلیه های طفل به خوبی فعال نباشد باعث ازدیاد یوری خون شده و کشنده است.

۷- چربی شیر مادر که بعضا از نگاه مقدار معادل شیر گاو است از نگاه ترتیب از شیر گاو فرق فاحشی داشته بهتر منبع انرژی و ویتامین های منحل در شحم قابل استفاده و اسید های شحمی اسامی برای نشوونما و زندگی طفل بوده نسبت به چربی شیر گاو با سانی قابل هضم و جذب است.

۸- مقدار زیاد شکر شیر مادر با سانس احتیاج انرژی طفل تهیه شده و قابل استفاده انگلی است (۶،۵) فیصد.

۹- مرض رشتیزم که در ابتداء باعث ناراحتی های بیداری و خواب طفل، درد های زیاد و عرق شبانه و بعد ها باعث سوء تشکیلات استخوانها میشود در اطفال بیشتر دیده میشود که به شیر گاو تغذیه میشوند زیرا نه تنها مقدار ویتامین دی شیر مادر بیشتر از شیر گاو است بلکه در شیر مادر ویتامین های منحل در شحم بهتر قابل استفاده بوده و احتیاج اطفالا لیکه با شیر گاو تغذیه میشوند نظر به دلایل نامعلوم بیشتر است.

۱۰- مقدار زیاد از احتیاج سو دیم شیر گاو که برای گوساله تهیه شده برای طفل انسان قابل تحمل نیست بخصوص اطفال قبل المیعاد و نا پخته را معروض به خطر زیاد شدن سودیم خون و درهم خوردن قوا زن آب و الکترولیت ها میسازد که بعضا کشنده است.

۱۱- شیر مادر بیشتر آهن و مس دارد که عنا صر عمده خون ساز و تنفس حجر وی و حیاتی است.

۱۲- شیر گاو مقدار بیش از احتیاج طفل انسان فا سفو رو کلسیم دارد و مقدار تا سب بیش از حد فاسفو رس باعث انحطاط ترکیبی کلسیم خون شده و لپذا اطفال که معروم از شیر مادر اند معروض خطر ریتانی (اختلاج کمی کلسیم) میباشد.

۱۳- مقدار مواد دیگر مدنی و همه ای مواد معدنی که بمقدار های کم آن عضویت احتیاج دارد در شیر مادر مطابق به احتیاج کودک تهیه شده که اندازه معین آن طور طبیعی برای کلیه اطفال مضر نیست در شیر گاو کنترل و تهیه آن با سانس ضرورت احتیاج طفل تا حال ناممکن است.

دانید هاست.

سچا لر کشف کرده که در بین این حیوانات که هنوز هم بصورت وحشی و آواره زیست مینمایند نظم و دسیسین مراعات میگردد. آنها از بین شان یکی دو سگ را، وظیفه میدهند تا از نو زادن حفاظت بعمل آورند و دیگران عقب شکار میروند.

همچنان دا نشمنند مذکور اظهار میدارد:

«سگهای درنده افریقا یی صید و شکاری را که بچنگ می آورند مسال و یانه بین شان تقسیم مینمایند و هرگز یک سگ به حق سگ دیگر تجاوز نمیکند».

سچا لر پیشنهاد نموده که چون هنوز این حقیقت روشن نگردیده که آیا سگهای مذکور به میمون ها نیز قرابت دارند؟ پس باید مطالعات بیشتر و عمیق تری صورت بگیرد. زیرا با مطالعات و تحقیقات دامنه دار بر علاوه اینکه میتوان با سرار زندگی این موجودات پی برد برا می که انسان در طول تاریخ زندگی خویش بپیموده است بیش از پیش آشنا یی حاصل کرد.

این سگهای گرگ نما، در روز دوبار دنبال شکار میگردند و همین که صیدی را بچنگ آوردند جنگال

بقیه صفحه ۴

ما با شما هستیم

خارجی این وطن بزرگ قهرمان آفرین و در راس آن امیر یالیم امریکا با بداند که حتی تهدید مسلحانه خلق وطن را

نمیتواند از راه انسانی ای که در پیش گرفته و افتخار آمیز در آتراه طی طریق مینماید منصرف سازند، نمای مردم مان وطن از هر ملیت و هر قوم می که هستند سوگند یاد کرده اند که وطن خویش را، و وطن بزرگ و قهرمان خویش را آباد سازند و این وطن بزرگ شان بسان کشور های آزاد، مترقی و سر بلند و در قطار کشورهای پیشرفته و معمور و آباد قرار گرفته و افتخار آمیز در جاده وسیع زندگی اجتماعی به پیش رفته و موانع نا بکار را یکی یکی دیگر از میان بردارد.

زحمتهای قهرمان وطن که تا رینج بر افتخار مبارزات قهرمانانه آنها مایه فخر و مباهات عین بزرگ ما ست و در طول تاریخ با قهرمانانی های خویش تاریخ وطن را زرین ساخته اند، پس ای توده های زحمتکش افغانستان با نیروی متحد بر دشمن یورش برده و همه نابکاران و دون صفیان را به یکبارگی سر به نیست نمایید:

زندگی او را ترک نفعه ارا متعصب می سازند و از آن استغاده می نمایند.

سگهای افریقا یی در تقسیم کردن شکار شان مهارت زیاده خرج میدهند. یکی در قسمت شکار می چسبند و بوز آنرا میدزد دیگر ش از یک جناح صید را می کند، سو می از جانب دیگر چهار می شکم شکار را می شکاف و در مدت کمتر از نیم ساعت صید مظلوم از بین می رود.

هر سگ درنده افریقا یی روزانه شش پوند گوشت مصرف مینماید غذای این سگهای درنده خوراکی شست حیوانات تشکیل میدهد.

در اوقات که سگهای مذکور سیر باشند با هم دیگر عشق میورزند مستی میکنند. این حیوانات خیلی بندرت همراهی یکدیگر جنگ میکنند. صلح و آشتی و عشق دوست را، در میان شان دوست میدارند آنها در بین گلها و مرداب ها سوراخهای برای خود بوجود آورند و زندگی مینمایند.

زمانیکه سه و چهار ماه از عمر نوزاد این جانور سپری گردد پس از کبله خارج میشود در جستجو شکار می افتد و زندگی شگفت انگیزی را آغاز مینماید.

قابل تذکار که جنبش و مبارزه خلقها

در وضع کنونی شکل و ماهیت تازه تر و کسب نموده است، جنبش ها در سابق همیشه به استقلال سیاسی نایل میگرددند، و نظام خویش را ختم شده می پنداشتند اما غافل از اینکه استقلال ملی کامل نمیکرد مگر اینکه به استقلال سیاسی و اقتصادی نایل آمد، چه امیر یالیم با وجود یکم در عرصه سیاسی به شکست موانع گردیده و میگردد در پایگاه اقتصادی جامعه مواضع برای خویش نگه میدارد و سخن در تلاش می افتد تا از مواضع اقتصادی برضد کشور های نو به استقلال و سبب حلال خصمانه خویش را سازمان بخشد همشهریان دلیر کابل بخاطر د اردو خو شا ه د دهشت افگنی، خرابکاری و ایجاد رعب و ترس توسط جناحیتکاران و عناصر فاسد امپریالیزم، این نوکران چاکرمن فروخته شده در مقابل دالر، پوند و کلد با کستانی بودند که زندگی آرام مردم بخصوص اهالی شهر کابل را برهم زد و در نظر داشتند تا با بکار بستن پروگرامها و منطخ خویش زمینه را بیش بر اجرای پروگرامهای بعدی خویش مهیا نمایند، اما خلق های شریف وطن ازجمله شهریان غیر تمند ماهیت سیاسی این دشمنان را درک کرده و به اهداف شوم ملوس شان پی برده اند.

ماهی ایکه در حال نابودیست

تونا تقریباً به آخر رسیده و اکنون موازنه شکار ماهی بزرگ و کوچک در نظر گرفته نمیشود.

همچنان از ماهیانی که اکنون بدست می آیند معلوم میشود که یا خیلی پیر اند یا خیلی جوان.

کشور ناروی در سال ۱۹۶۲

هشتاد و پنج میلیون پوند ماهی

توانای بلو فن را شکار کرد. در

حالیکه در سال ۱۹۷۰ این مقدار به

یک عشریه هفتاد و پنج میلیون

پوند رسید. ریکارد، گرفتن ماهی

های ماده (۱۹۵۰ تا ۱۹۷۲) نوع

تونا در سراسر جهان نشان میدهد

که ماهی بلوفن دارای وزن وسطی

صد تا سه صد پوند تقریباً بدست

نیا مده است.

شاید انواع دیگر ماهی تونا نیز

مواجه با خطر نابودی باشند. در

جنوب بحر اوقیانوس نوع ماهی

تونا دارای شاهپر زرد و آن نوع

دیگرش که دارای چشمان بزرگ

میباشند تحت فشار شکار و نابودی

قرار دارند. در شرق بحر الکاهل

با وجود توصیه های کمیسیون

حما یه ماهیان فشار زیادی بر ماهی

های شاهپر زرد هنوز هم ادامه

دارد و ماهیگیران مقررات رانادیده

د یک می گیرند.

اقدام تازه حکومت جهان در

مورد توسعه سرحدات بحری

نیز موجب تولید خطر بزرگ برای

ماهی تونا شده و کشور های که به

ماهی گیری می پردازند سرحدات

بحری خود را تا دو صد میل در

میان بحر پیش برده اند تاخوبتر

و عا به میل خاطر به شکار ماهی ادامه

بدهند این عمل موثریت توصیه های

چندین کمیسیون بین المللی را در

مورد حمایه ماهی نوع تونا تقریباً

گرامه از بین برده است.

یک تعداد کشور های جدید جهان

ش می که بدسته شکار چیان ماهی نوع

ازجهت تونا شامل نشده نیز بر منابع این

تجارتی شکار ماهی عضویت دارد

از موقف خو یشن استفاده کرده

اصرار می ورزد که باید هر چه

زود تر حکومات جهان داخل اقدام

شوند و زمینه حمایه همه جانبه

و تنظیم منابع ماهی تونا را فراهم

گر دانند.

متخصص مذکور علاوه نموده

اظهار میدارد که وضع مقررات همه

جانبه بین المللی، وسیله موثری

برای انجام این عمل شده میتواند.

باید هرچه زود تر موافقه بین -

المللی در مورد حمایه ماهی نوع تونا

صورت بگیرد. تا جمله کشور ها

بخصوص کشور های که از

تکنا لوزی عصری در گرفتن ماهی

تونا استفاده مینمایند و به صادرات

این نوع ماهی می پردازند مجبور

شوند که به گرفتن این نوع ماهی

مبادرت نورزند و مکلف گردند که

ناظرین با صلاحیت بین المللی

را در کشتی های شان بپذیرند.

در راه یک طرح جهانی ممکن

است اقدامی صورت گرفته بتواند

تا منبع آینده جهان از نگاه این نوع

ماهی تامین شده بتواند.

همچنان در باره حفظ منابع ماهی

تونا نظریات زیادی ابراز گردیده که

توجه اقتصاد یون فلا سفه، سیاه -

ستمدا ران و ساینست ها را جلب

نموده است.

دانشمندان و متخصصین اظهار

عقیده مینمایند که باید طرحی

جهانی با ساس تنظیم این منبع

حیاتی روی دست گرفته شود، البته

در این طرح لزوم کنترول، در

رسیدن به آب های که این نوع

ماهیان در آنها زندگی میکنند یک

امر لازمی است.

همچنان در این طرح باید -

احتیاجات اساسی مردم جهان در

نظر گرفته شود و سهمیه برای هر

اورد.

عملی گردیدن این نظریات ممکن

موجب گردد که این منبع خوب

حیاتی از جهان محو و نابود نگردد

این پیشنها دات در کنفرانس

های بین المللی و ملی مطرح بحث

و غور بوده است.

هر گاه طرح حمایه ماهی تونا

طرف قبول اعضای کشور های ذیدخل

قرار گیرد امکان آن وجود دارد که

تمام کشور ها در جهان فـردا،

از آن سود سرشاری ببرند و

بقیه صفحه ۳۳

اسباب سوء تغذی

عمر زیاد می باشد. و در اشکال مختلفه

آن از ۳۳ فیصد تا ۶۶ فیصد واقعات تثبیت

و باید خاطر نشان گردد که علل عمده

مرگ و میر در چنین اطفال عبارت اند از :

۱- ضعیف بودن و کم خولی شدید.

۲- اسهالات دوامدار و ضایعات مایعات وجود

و املاح ضروری.

۳- سقوط درجه حرارت بدن.

۴- عدم کفایت دوران محیطی.

۵- سقوط شکر در خون.

بصورت عمومی در اشکال پیشرفته سوء

تغذی و و کمبود پروتئین که علایم جلدی

داشته باشد مرگ و میر زیاد است.

سوال- لطفاً در مورد تداوی اطفال مصاب

سوء تغذی معلومات دهید؟

جواب : باید گفت که نسبت کثرت

واقعات تداوی با لغا صه آن خیلی قیمت

تمام شده و هم مدت زیاد ایجاب بیشتر

شفابخانه را می نماید که معمولاً در چنین

جوامع واری آن از نظر مسایل اقتصادی

و موجودیت پرسونل و تجهیزات و غیره

مشکل می باشد.

با نهم البته واقعات منفرد در شفا خانه

با یست تداوی شوند، لکن اساساً در مورد

جلو گیری و وقایه آن باید پروگرام

های وسیع بسویه ملی اتخاذ و انکشاف داد.

تا در مورد عوامل مختلفه و مضمره

اقتصادی اجتماعی معنوی از طریق

تعلیمات صحیحی مجادله شود که در اینصورت

میتوان اطفال مصاب به سوء تغذی را از

پنجه مرگ نجات داد. با نهم احیا و بکار

انداختن چنین پروگرام های و قایمی

برای انسان فردا منبع خوب حیاتی

وجود داشته باشد.

اما امروز چون شکار این ماهی

در سراسر جهان بی رحمانه صورت

میگیرد فشار زیادی در جهت نابودی

این منبع غذایی صورت میگیرد.

همچنان متخصصین و دانشمندان

پیرامون این موضوع پیشنها

مینمایند که هر گونه اقدامی که

درین باره صورت میگیرد باید تمام

ملل جهان در آن شرکت داشته

باشند.

در اطفال قبل المکتب و دوره های ابتدائی

مکتب تا سیمات خیلی زیاد، پول وافر،

و مقادیر زیاد مواد غذایی را از قبیل تخم -

شیر - گوشت - حبوبات - میوه ها و غیره

غرضی توزیع ایجاب میکند اکثریت چنین

پروگرام ها در مکتب باید متوجه دو

هدف عمده باشد :

۱- تعلیمات صحیحی یعنی از طرف کارکنان

صحت طفل و پرسونل فنی برای اطفال و

مادران ضمن کنفرانس ها فیلم ها و دیگر

تجهیزات در دست داشته تعلیمات صحیحی داده

شود و با اطفال و والدین فهمانده شود که نظافت

را در نظر گرفته با اطفال شان علاوه از

شیر مواد غذایی متمم را با در

نظر داشت و وقت شروع آن توضیح نمایند.

۲- تهیه و توزیع مواد غذایی متمم :

در زمینه تعلیمات صحیحی باید توجه

زیاد در مورد تبلیغات مثبت و مفید ادامه

شیر مادر و تغذی با شیر مادر عطف گردد.

و در زمینه تهیه و توزیع مواد متمم

غذائی باید کوشش بعمل آید که برای والدین

اطفال تفهیم شود که در سنین ۴ و ۶ ماهگی بر علاوه شیر

از غذا های دیگر نیز استفاده بعمل آید.

و هم چنان در زمان جدایی از شیر بهر

اندازه که اقتصاد فامیل ایجاب نماید باید

کوشش شود تا از منابع مهم پروتئین

حیوانی از قبیل تخم - شیر - گوشت و غیره

استفاده بعمل آید.

و بصورت عمومی باید در زمینه تعلیمات

صحیح مادران و وقتا فوقتا در مراجع مختلفه

پروگرام ها وضع و ایشانرا در مورد

ارزش غذا و طرز تهیه آن کمک نمایند.

و هم چنان چون نگهداشت تعداد کثیر

چنین اطفال در شفا خانه ها مشکل می باشد

باید در موسسات مخصوص دیگر احیای

مجدد غذائی، تداوی و راهنمای شوند.

مریض شدن و یا...

امامتا سفا نه که اطفال از اوایل روزهای تولد خود تا سنین هفدهالی هجده سالگی علاوه از دواهایی که درمقا بل امراض میگیرد در حدود بست تلقیح و قایوی نیز میشود یا بعبارة دیگر مواد اجنبی در وجود تزریق میشود. این همه عملیات زمانی صورت میگیرد که وجود انسان به علت قوا نین بیولوژیکی معا فیت تام را حاصل کرده نمی باشد. از طرف دیگر با گذشت تقریباً هر ده سال ادویه جات معا لجوی و واکسین های وقایوی با اشکال مختلف و موثریت بهتر در بازار طبابت ظاهر میشود. واکسین های سیاه سرفه و سرخکان تطبیق میشود. در حال حاضر پروتیت ابید میلوژیکی نیز وقایه شده میتواند و از ورم لو زتین گوش که در سابق ظهور آن تقریباً حتمی شمرده میشد نیز جلو گیری میشود.

فعلاً تا ثیرات سو که از تجویز بعضی دواها در عضویت وجود می آید در دست است بطور مثال الرژی «حساسیت» پایین آمدن مقاومت عضویت بمقا بل امراض، ظهور امراض قلبی و غیره اعراض، (تا ثیرات سو بعضی مواد کیمیاوی در ایجاد امراض قلبی و وعایی به اثبات رسیده است).

این نکته عجیب بنظر میخورد مگر واقعیت است که از عواقب بعضی ادویه جات وقایوی و معا لجوی به استثنای جنیتیک در نشریه ها تقریباً هیچ سخن گفته نمیشود.

منا سبات و عکس العمل های ما درمقا بل تلقیح وقایوی مانند ده سال قبل باقی مانده حال اینکه در طول این زمان تحولات بز رگت اجتماعی بوقوع پیوسته است. به طور مثال در بعضی ممالک سطح زندگی بلند رفته، شرا یطزیست بهتر شده یا بعبارة دیگر علل اجتماعی که باعث ایجاد امراض ساری میشودند محو گردیدند اما طرق وقایه تقریباً به حال سابق خود باقی مانده است.

طوری تصور میشود که در قسمت وقایه امراض ساری تطبیق واکسین ها برای امراض مختلف روز بروز مورد استفا ده قرار میگیرد. این

تمایل تا يك اندازه منجیت هدف نهایی جامیگیرد.

اگر به معیارهای حفاظت صحت نظر انداخته شود قانومندی عجیب مشا هده میشود. این يك واقعیت است که اطفال در حال حاضر از امراض «حتمی اطفال» نجات یافته اند. اما اگر بطور عموم فکر کنیم آیا اطفال به این ترتیب کمتر به امراض ساری مبتلا می شوند؟ قسمیکه دیده میشود نی.

پس راه نجات کجاست؟ طریق حل مسئله این است تا به مقدار قوه کیمیاوی که طفل آنرا متحمل میشود متوجه شویم و آنرا از زیاده بکنار بیاوریم.

این نکته در قسمت اطفال شهری قابل اهمیت بسزای است زیرا دیده میشود اطفال شهری از نواهای مختلف کارگری گرفته و واکسین های

بقیه صفحه ۵۴

دوبیتی ها...

در آن بکار رفته که طرف مقابل را به تحسین و امیدارد. در اکثر دوبیتی ها نیکه دیده شده صنایع بدیعی اعم از صنایع لفظی و صنایع معنوی چنان با استادی و پختگی استعمال شده که راستی قابل تعجب است مثلاً در دوبیتی زیر صنعت ارسال المثل چنین بکار رفته.

الآتوی شش ماه نمیشه
به یکدین دلم آرام نمیشه
خفت را بوسه کردم یاد آمد
که (بوسه با پیغام نمیشه)

در دوبیتی دیگر از صنعت سوال و جواب ذیلاً استفاده گردیده.

سببی باشد که سبب آبی باشد
لبت بگزم که یادگار باشد
لبه نگزم مادر مری فامه
ستمه بگزم که زیر آستین باشد

و یا:

ای دخترک لطیفه بسوی بهار
شویت بکشم ترا کنم بیوه و زار
شویم نکش مرا نکوبیوه و زار
خر بوزه بخور تر اقبالیز چکار

در دوبیتی بالا بر علاوه (صنعت سوال و جواب) صنعت (ارسال المثل) نیز استعمال شده که تقریباً کم نظیر می باشد. از جمله صنایع معنوی مثال طباق در و دو بیت ذیل چه خوش نکو سروده شده:

دلی دارم دل آزرده دارم
فراق زنده داغ مرده دارم

متنوع را تطبیق میکنند. از سوی دیگر فضای شهر نظر به قریه جات کثیف تر است. این از زیاده بی به آن ملحوظ است تا از حد معین مدا فعه طبیعی تجا وز نه شود. حدی که به ارگانیسم انسان امکان میدهد تا درمقا بل اثرات نامساعد طبیعت ما حول از خود دفاع کند. فکر میشود وقت آن فرا رسیده تا بعضی نقطه نظرات در قسمت تدابیر و وقایه از امراض ساری مورد تجدید نظر قرار گیرد. این نکته به هر حله نسبت داده میشود که انسان در حال تقویه جسمی خود باشد.

نکته جالب در اینجا است که متخصصین در قسمت حفظ طبیعت به این نتیجه رسیده اند که قوه های مدافعی طبیعی سیستم ایمنی کالوجیکی باید به حال خود باقی بماند و بهم زمان عملیات کیمیاوی با لای آنها تاجانیکه

که داغ مرده حکم خدا بود
جدالی زنده ره طاقت ندارم
در بیت زیر مثال «موقوف المعانی» چه خوب تارهای قلب آدمی را به طبعش می آرد:

اگر باد صبا پیدانه می شد
دهان غنچه گل وانمید
چو میدادند لیلی را به مجنون
صدای عاشقان بالا نمید

به جز از دوبیتی های فوق الذکر دیگر دوبیتی های هستند که هر کدام حکایه از صنایع بدیعی دارند اما در مقاله کوچک ما که صرفاً از برای شناخت دوبیتی ها ترتیب شده گنجا یس ندارد. اما اساسی ترین نکته بوجود آمدن دوبیتی محرومیت گوینده از نعمات مادی و معنوی در جامعه میا شد چنانکه انسان همیشه در تلاش است تا کمبود زندگی خویش را مرفوع سازد و درین راه مبارزه نماید و گاهی هم تضادهای طبقاتی جوامع فئودالی و امپریالیستی در دوبیتی ها چنین متبلور گردیده.

روی سفیدت خال داره
غریب کی خاله و اموال داره
به هر کی دست دادم درد کرد
مگر دست غریبا خار داره
در جایی دیگر عاشق فقیری که رقیب پولداری دارد میگوید:

چرا یار با مایی وفاست خدایا
رقیب با مال دنیا ست خدایا
به خو از جور دنیا گله ندارم
صحت یار از مه جداست خدایا
به همین ترتیب دوبیتی ها زبان کویری مردم بوده است که از رنج شان، از فقرشان،

به انسان مر بوط است درین قسمت کدام نتیجه گیری نه شده است. انسان در طول زندگی خویش نظر به فضای ما حول اضافیه تر تحت اثرات عملیاتی قرار میگیرد که جنبه مصنوعی دارند. پس چه چیز باعث میشود که از بعضی تدابیر وقایوی و استعمال یکتعداد دواها صرف نظر نه شو؟ یگانه مانع درین راه یکی از خصوصیت های مردم (و در ضمن دا کتران) یعنی تفکر بر حسب عادت است. پس برای اینکه مانع بر طرف شود ضرور است تا این طرز تفکر دور شود.

بالاخره این مسئله با ید حل گردد که انسان چه وقت و به کدام امراض به رضا و رغبت خود مبتلا شود. چه میشود اگر انسان به این ترتیب فقط صحت مند تر شود؟

از خواسته های شان حکایه مینماید. به این سلسله یکی از مشکلات به وسال فرسیدن دو دلدار در گذشته ها مصارف گزاف عروسی و پول گرفتن بیجا می طو یانه میا شد. مردی که پول طویانه را ندارد چنین گفته شده:

به جان دخترک پیران گلدار
سرش عاشق شدم میرم طلبگار
سرش عاشق شدم پول ندارم
که با پیش میخوایم پسای بسیار

در قدیم دختر حق نداشت مرد زندگیش خود را انتخاب کند و به این علت کانون گرم خانوادگی محل جنگ زن و شوهر میشد. از اینجا ست که دختران به مادر خود زاری نموده و خواسته های خود را که عبارت از یافتن شریک خوب برای زندگی میا شد در قالب موزون دوبیتی در آورده به مادر خود چنین التماس می کنند.

الامامره قربانی سرو روی تو می شوم
به قربان ادای خودی تو می شوم
مره بتی به یکجوان خوب و کا که
که شب تابه سحر دعا گوی تو می شوم
از تمام مطالب فوق چنین نتیجه گرفت می شود که

(دوبیتی ها آئینه تمام نمای آرمان ها و احساسات، خواسته های بشری و بازگو کننده عواطف، حالت اجتماعی و موقف معنوی شان در جامعه میا شد)

در اخیر دوبیتی خدمت تان پیشکش میشود تا با خواندن آن به معنی و ارزش معنوی فرهنگ توده های پرده لبخند شما دی بر لبان تان بشکند:

کتی به واده ها کردی گل من
دروغ گفتی خطا کردی گل من
گرفتی تیغ هجران را بدست
مره بلند از بند جدا کردی گل من

جهت ارزیا بی به متصدی صفحه مسا بقات
وسر گر میبا سیر دیم که اگر در ست
با شد به چاپ آن مبا دوت ورزد ، موفق
با شید .

دوست عزیز شاه محمدنور

سلام میگو ییم وخو شحا لیم که بامجله
ژوندون همکا ری میکنید . مطا لیبی را که
برای مطبوعات میفر ستید ، کوشش نمائید
که به یک سوی کا غذ بنو یسید ، مضمون
شما را به متصدی صفحه جوا نا ن سپردیم
که اگر توا نست ، از نو به یک روی
ورق بنو یسید ، در نشر ش بکو شد ، در
غیر ، مضمون دیگری بفر ستید که چا پش
کنیم .

دوست عزیز احمدالله رحین داغ

بپذیرید سلام ما را نیز . پارچه شعرشما
را مطالعه کردیم واینک چند بیتی از آن:
چه تدبیری کنم جا نادل دالم قرارآید
فراغت سخت دشواراست قلبی را که شیدا شد
ندیدم هیچ دل کزدام بدبختی رها باشد
یکی در عشق و دیگری درغم سامان دنیاشد
رهید بودو قراردل زسعی بیدریغ من
ز تار قلب داغ من هزاران نغمه پی شد
از این پس در پی مقصود خود جهدی مکن
شب و روزش نمایانست کوری را که بپناشد
خدا حافظ



مدیرمسؤل : شیرمحمد کاوه
معاون : محمد زمان نیکرای
آمرچاپ : علی محمد عثمان زاده

آدرس : انصاریات ،
مقابل ریاست مطابع دولتی
تیاغون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

دوست عزیز همایون خاموش محصل صنف اول
پو هنجی طب

مائیز سلام میگو ییم ، امید واریم خوب
با شید . با سخ سوالات صفحه سرگرمیها
و مسا بقات ضم یک قطعه فو توی شما به
اداره رسید ، و آنرا به متصدی صفحه
مسا بقات و سر گرمیها سیر دیم که در
نشر ش ترتیب اثر بدهد و شما را ممنون
بسا زد ، ولی نا گفته پیدا ست که دراین
طلو عی بهاری ، خا موشی گنا هست . در
خیزید ، هر سو بنگرید ، تولدی دو باره
دیده میشود و سخن بسیار است که بایست
گفت ، پیرا مون خویش را ببینید ، که
گفتن بسیار است و خا موشی گناه از مزاج
و مشوره دو ستا نه ماکه حتی به تخلص
شما نظر داشته ایم ، امید واریم تغییر سو
دست ندهد . والسلام . به امید همسکری
شما .

دوست عزیز غلام حیدر یگانه ، مساعدا
خارنوالی ولایت غور

چند پارچه ربا عی ، سروده طبع شما
دوست عزیز به ما رسید و آرزو مندیم
که همکا ر دایمی ما با شید و با ارسال
مطال ب گزیده و خوب ، مجله ژوندون را ،
به همکا ری همکلمان دیگر ، زنده نگه
دارید و بر «شکوه وجلالتش» بیا فرا ید .
شعر «بهار برف» را که چند روزی پیشتر ،
به عمر برف نمانده است ، در همین صفحه
به نشر میسپا ریم واشعار بهتر وخو بشر
نا ترا انتظار میسر یم :

زمستان ده ، بار برف و باران
زمستان بی : بهار برف و باران
بهار ویا سمین قدری نـداره
به سمین روزگار برف و باران

سزاسمتی همینکو نه است ، بهار یاسمین
قدری نـداره به سمین روزگار بر ف و باران
مشروط و منوط به اینکه همه در پرتوسعدت
زندگی کنندو شکم بی هنر بیچ بیچ رالب
نا نی با شد و بی خانکان را سر پنا هیسی .
نه سر پناه که حواله داران مسکن
در سر ماه به سر وقت بندگان بی -
خانه بر یزند که تک روزی از ماه سپری
شده ... واز اینرو سمین روزگار بر فو
با ران ، فیاززد به تابستان گرم بهار ان!

به رنگ شیر ، باران وشکر برفی
به «بارش» باز شد شیر وشکر برفی
بهشت رو ستا چون جام خندد
اگر با ران میا رد ، اگر بر ف

بگو تا آسمان گو هر بهاره
فراوان بیشتر بهتر بهاره
اگر در شهر میبارید نم نم
به دهستان ما «شورش» بهاره

دوست عزیز محمد رحیم
مطلب ارسالی شما به اداره رسید ، و آنرا



دوست عزیز عبدالغنی از لیسه نادریه

جدول مطروحه شما به اداره موا صلست
کرد . و با نظری که افکنند یم مر بع های
کوچک را چیز های نا مؤثونی اشغال کرده
اند که بایست نمیکردند ، من با ب مثال ،
در ستون افقی میخوانیم ستاره قلم ، نام
قلم ... دانستن این بزرگان کاغذی قریب
به اکثریت که هم نادان اندو هم ما یسه
فا سد به چه درد و مشغولیت فکری خوانند
گان میخورد و آشنایی و شناساییشان
جز مایه درد سر چه میتواند با شد ،
غیر اینکه دیوار و فضای اتاق را از خلوت
مضمون خالی گر داند و لائق نظاره نماید
و گوشه از فکر نوجوانان وجوانان ما
را بخود سرگرم بسازد ، چه کاری کرده
میتواند ، ای عوام التاس !

دوست مهربان ، ستونهای این جدول
را به مسایلی اختصاص بد هید که هم
خر ما با شد و هم ثواب یا به سخن دیگر
هم فال با شد و هم تما شا ... به امید
مطال ب دیگر تان . خدا همراهی تان .

دوست عزیز شیر محمد هو تکیار محصل
اکادمی تربیه معلم

جدول متقاطع ارسالی شما ، رسید
امیدواریم که در طرح جدول آیینده ،
نکات بالا نیز زیر نظر شما باشد و با
التزام ومسئولیت جدول بریزید و طرح
نودر اندازید . مطلب نا ترا به متصدی
صفحه مسا بقات و سر گرمیها سپردیم
که هر گاه مناسب صفحه باشد به
نشرش اقدام ورزد . پیروزی نصیب تان ،
خدا حافظ

دوست عزیز «؟» معلم صنف یازدهم
ک ساینس لیسه انصاری
مطلب ارسالی شما را مرور کرد یم
از بس قلیل واندک بود ، جایی برای
«الما سمیدن» نیافت . به شوخی علاو
نما یم که ، تحقیق و تجسس در مورد
«الما مک» میکنید ولی نام خود را در
روی پاکت یاپایان نو شته ، به درخشیدن
زود گذر الما سک نمی نو یسید و ما را
نا گزیر و ادار میساز ید که بگو ییم
دوست عزیز سوا لیه مطالب تحقیقی رادرست
وقما م تجسس نما و نام خو یش را زیبا
وخوا نا بنو یس .. خدا حافظ همکار عزیز.

سلام علیکم همکا ران عزیز

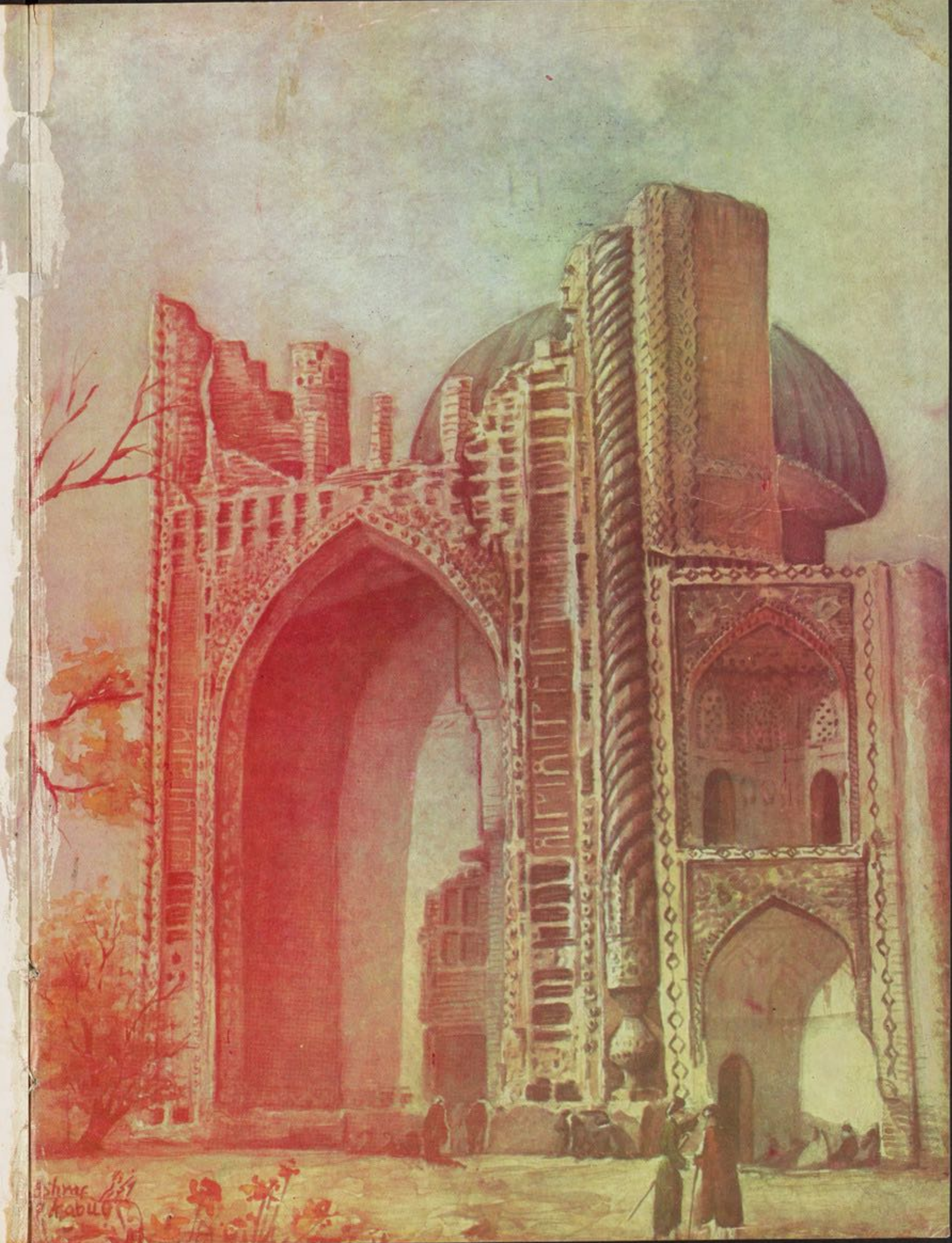
بد از اینکه سلام گفتیم ، چه چیز
با ید بگو ییم ، حتما عرض میدا رید
بجواب نامه ها پیر دازو به مطلب مادرنگ
که کو ، و بگو که شعر و داستان من
نه است ؟ آماده نشر میگر دد یا جای
بی جز کاغذ دانی ندارد ؟ بگذاریم
حر فها را بسته به شعرو داستا ن
ت کنیم و چند سخن از رفتن ها وآمدن
با بیدن ها و کو چیدن ها بگو ییم .
هم زمستان سخت جان و سختگیر به
ودی میرود و سو کمندان واضطرارا نه
یشواز بهار طی طریق میزند و بز با ن
ض از گفتن ، حال میگو ید که دیگر ،
را جا بی نیست و حال نو بت تو ست ،
بیابور و جهان را مرده ده که زمستان
نیست ... «یکی دوروز دیگر بهار
ل «بهار یک طراوت و شادابی به
غان میا ورد و هر جارا به رنگ دیگری
ید ، لطف وزندگی ، در وجود زندگی
ما ند ، شور و جنبش می آفر یند و
ی دو باره ، زندگی را جان تازه می
د یا از نو باز ، متولد ش میکرداند ،
بی به سوی آغازیدن وطولوع زندگی
کی کانون
وی تازگی ودر خشنودی ، زندگی
سوی روشنی و بهتری ... ای خواننده
تو هم با یرتو و جلوه بهار سر به
ل و بیرون بیا فکن و کار انجام شده بی
را به حساب بزن . تو خواننده یی که
ت بقلم است ، وجود و حضور میان
و فکر ت بر انگخته از مردم ...

دوست عزیز ناصر آرین

مطلب فر ستا ده بی شما رسید ، وتحلیل
فته خوبی را از شعر در بر دا شت . شرح
مبسوطی را که در بیان افشاکاک
ها بهری شعر نو از «شعر مادر» یا به
بازگو همکا ن شعر کهنه و قدیم ، نموده
و فید «که آرزو مندیم این ارزیا بی از
شما با شد» قابل دقت است ولازمه
بدن که از سوی قلیل بود و بسا
سوی

همین مصراع ، سخنی بهتر از خدا حافظی
من به طنین افتید که در بغمان آمد که
نکاران و خوانندگان دریغ گردد :

با خوش نوابگو تازه به تازه نوبه نو
دله دلگشا بچو تازه به تازه نو به نو



Ashraf
Kabul

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library